



فصل نامه علمی - ترویجی

## شروش های مهدوی

با رویکرد امامت و مهدویت

سال هشتم، شماره ۳۲، بهار ۱۳۹۹

براساس ماده واحده جلسه ۶۲۵ مورخ ۱۳۸۷/۳/۲۱ شورای عالی انقلاب فرهنگی، نشریات دارای امتیاز جوزوی دارای اعتبار یکسان با مجلات وزارت علوم، تحقیقات و فناوری و وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی است.  
فصل نامه «شروش های مهدوی» براساس نامه شماره ۳۷۷۹ مورخه ۱۳۹۳/۵/۵ شورای اعطای مجوزها و امتیازهای علمی حوزه، از شماره چهارم به بعد دارای درجه علمی - ترویجی است.

### هیئت تحریریه:

حجت الاسلام والمسلمین دکتر جواد جعفری

استاد سطوح عالی حوزه علمیه

حجت الاسلام والمسلمین دکتر محمدصابر جعفری

عضو هیئت علمی مرکز تخصصی آینده روشن (پژوهشکده مهدویت) قم

حجت الاسلام والمسلمین دکتر حسین الهی نژاد

دانشیار و عضو هیئت علمی پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی قم

حجت الاسلام والمسلمین محمدتقی ربانی

عضو هیئت علمی پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی قم

حجت الاسلام والمسلمین سیدمسعود پورسیدآقای

استاد حوزه علمیه قم

حجت الاسلام والمسلمین دکتر نصرت الله آیتی

عضو هیئت علمی مرکز تخصصی آینده روشن (پژوهشکده مهدویت) قم

حجت الاسلام والمسلمین محمدتقی هادی زاده

استاد حوزه علمیه قم

حجت الاسلام والمسلمین دکتر صادق سهرابی

استادیار و عضو هیئت علمی مرکز تخصصی آینده روشن (پژوهشکده مهدویت) قم

دکتر سیدرضی موسوی گیلانی

دانشیار و عضو هیئت علمی دانشگاه ادیان و مذاهب اسلامی قم

### مدیر مسئول:

سیدمسعود پورسیدآقای

### سر دبیر:

نصرت الله آیتی

### مدیر داخلی و دبیر هیئت تحریریه:

مجتبی خانی

### ویراستار:

گروه ویرایش مؤسسه آینده روشن

### مترجم چکیده های عربی:

گروه ترجمه مؤسسه آینده روشن

### صفحه آرا:

علی قنبری

### حروف نگار:

ناصر احمدپور

### طراح جلد:

ابوالفضل بیگدلی نسب

دفتر نشریه: قم، خیابان شهدا (صفاییه)، کوچه ۲۵، پلاک ۲۷

تلفن: ۰۲۵-۳۷۸۴۰۰۸۰ دورنگار: ۰۲۵-۳۷۷۳۸۲۴۰

صندوق پستی: ۳۷۱۸۵-۴۷۱ کد پستی: ۴۵۶۵۱-۳۷۱۳۷

مرکز پخش: قم، خیابان شهدا (صفاییه)، کوچه ۲۵، پلاک ۲۷، تلفن: ۳۷۸۴۰۹۰۲

شمارگان: ۱۰۰۰ قیمت: ۲۹۵۰۰۰ ریال

پست الکترونیک: pajoheshhayemahdavy@gmail.com - pajoheshhayemahdavi@yahoo.com

سایت های دسترسی به نشریه: journals.ayandehroshan.ir

این نشریه در پایگاه استنادی علوم جهان اسلام ISC و نیز پایگاه اطلاعات علمی جهاد دانشگاهی SID نمایه می شود

---

امروز هم مستکبرین و ستمگران عالم، با این فکرو این عقیده،  
مخالف و دشمنند. می دانند که این عقیده و این عشق - که در  
دل های مسلمین، به خصوص در دل های شیعه است - برای  
هدف های ستمگرانه ی آنها مزاحم است.

مقام معظم رهبری (دامت برکاته)

---

## فهرست عناوین

- تحلیل محتوای بیانات مقام معظم رهبری (مدظله) و ارائه الگوی نظری ایشان در باب آماده سازی جامعه زمینه ساز ظهور با استفاده از روش تحقیق کیفی داده بنیاد ..... ۹  
جواد زروندی، محمد رحمانی، نفیسه زروندی
- نقد و بررسی ادله نافی شناخت، وجود، غیبت و قیام امام مهدی (عج) در اندیشه سلفی گری ایرانی ..... ۲۵  
سید محمد مهدی موسوی
- فلسفه ابتلائات دوران غیبت و کیفیت تأثیر آنها بر توانمندسازی یاوران امام مهدی (عج) ..... ۴۷  
سید حسین علیانسنب، سید ضیاء الدین علیانسنب
- بسترشناسی استعجال، پیامدها و راهکارها ..... ۶۵  
سید مهدی مجیدی نظامی
- آثار مترتب بر صرف وجود امام در نظام آفرینش ..... ۸۹  
مجتبی تاریوردی زاده
- تحلیل و نقد مهدویت تبعی (باطنی) و مؤلفه های آن در منظومه اعتقادی صوفیه گنابادی ..... ۱۱۳  
محسن احمدی
- کارآمدی کاربست قاعده حریم حمی در مهار طغیان شهوت جنسی در آخر الزمان ..... ۱۳۳  
محمد هادی منصوری، مبشره نصیری



فصل نامه «پژوهش های مهدوی» از مقالات ترویجی اساتید محترم حوزه و دانشگاه در موضوع امامت و مهدویت با تمامی رویکردهای تخصصی استقبال می کند.

### راهنمای تدوین مقالات

#### الف) شرایط تدوین و ارسال مقالات

۱. مقاله ارسالی، به طور هم زمان به دیگر نشریات ارائه نشده یا قبلاً در هیچ جای دیگری منتشر نشده باشد.
۲. مقاله با مباحث امامت و مهدویت، ارتباط مستقیم داشته باشد.
۳. مقاله دارای نوآوری باشد.
۴. مقاله باید در ۱۵ تا ۲۵ صفحه A4 با فرمت word حروف چینی شده و فایل وپرنت آن به دفتر نشریه ارسال گردد.
۵. ساختار مقاله باید دربرگیرنده این موارد باشد: عنوان مقاله (منعکس کننده محتوای مقاله و تا حد ممکن موجز)، چکیده (حداقل یکصد و حداکثر دویست کلمه)، واژگان کلیدی (حدود هفت واژه پس از چکیده)، مقدمه، بیان مسئله و ضرورت، سؤال یا فرضیه، روش، داده های تحقیق، مباحث تفصیلی، نتیجه گیری و پیشنهاد، فهرست منابع (به ترتیب الفبا براساس نام نویسنده).
۶. چکیده مقاله دربردارنده مسئله تحقیق، روش تحقیق و نتایج تحقیق باشد.
۷. درج نشانی کامل پستی، شماره تماس، پست الکترونیک نویسنده یا نویسندگان، مقطع تحصیلی (دکتری، یا...)، گرایش تحصیلی (علوم قرآنی، یا...)، رتبه علمی (استاد، دانشیار و...) و تعیین نویسنده مسئول الزامی است.



### ب) روش ارجاع به منابع در متن و پایان مقاله

۱. آدرس دهی مقاله باید به روش درون متنی و با ذکر نام مؤلف، سال انتشار، شماره جلد و صفحه ای که مطلب مورد نظر از آن نقل شده انجام شود و در داخل پرانتز قرار گیرد.
۲. تنظیم فهرست منابع در پایان مقاله به ترتیب ذیل می آید:  
برای درج مشخصات کتاب: نام خانوادگی نویسنده، نام نویسنده (سال انتشار درون پرانتز)، نام کتاب، ترجمه یا تصحیح یا تحقیق: نام و نام خانودگی مترجم یا مصحح یا محقق، شهر محل انتشار، انتشارات، نوبت چاپ.  
برای درج مشخصات نشریات: نام خانوادگی نویسنده، نام نویسنده (سال انتشار درون پرانتز)، «نام مقاله»، نام نشریه، شماره، محل نشر، سازمان یا مؤسسه یا ارگان منتشرکننده.

### ج) تذکرات

۱. نظریات مندرج در مقالات، الزاماً بیانگر دیدگاه های مجله نبوده و مسئولیت آن به عهده نویسنده آن است.
۲. مجله در ویرایش، تلخیص، پذیرش یا رد مقالات آزاد است.
۳. مقالات ارسالی به هیچ وجه پس فرستاده نمی شوند و نویسنده محترم می تواند پیش از ارسال، از مقاله خود کپی تهیه کند.
۴. نقل مطالب مجله با ذکر مأخذ بلامانع است.
۵. از نظریات اندیشمندان، جهت ارتقای کیفی مجله استقبال می شود.



## **Content Analysis of Leader Statements and Presenting His Theoretical Model on Emerging Community Preparation Using Qualitative Data-Based Research Method**

**Dr.Javad Zarvandi<sup>1</sup>**

**Dr.Mohammad Rahmani<sup>2</sup>**

**Dr.Nafiseh Zarvandi<sup>3</sup>**

### **Abstract**

Appearance and the Society The Appearance of Appearance encompasses both the individual and the social dimensions what purpose and purpose we as a Muslim community have and what we should pursue in this regard is a very important and important issue that requires a great deal of research and research by community thinkers and scholars. The Supreme Leader as a model of Islamic society has had important statements in this respect at critical times that the scholars in the present study attempted to gain insight into their preparation for the emerging society, Therefore, the research has been conducted with the aim of analyzing the content of the statements and presenting their theoretical paradigm on preparing the emerging society This research uses encoding and inductive research as the basis of data-driven research. In this regard, he has tried to study all the guidelines and statements published by him on the subject of preparing the emerging society, through his official website and the hadith software of the province. Therefore, according to the results of the research, it can be stated that our society should take practical steps and solutions in order to achieve the above mentioned goals in the Islamic society in addition to theoretical issues.

**keywords:** Content Analysis, Supreme Leader, Emerging Community Preparation, Foundation Data Method.

---

1. Assistant Professor, Shahid Sattari University of Aeronautical Sciences and Technology .  
(Responsible Author)

2. Associate Professor of the Al-Mustafa International University.

3. PhD in Theology and University Lecturer.



## تحلیل محتوای بیانات مقام معظم رهبری (مدظله) و ارائه الگوی نظری ایشان در باب آماده سازی جامعه زمینه ساز ظهور با استفاده از روش تحقیق کیفی داده بنیاد

جواد زروندی<sup>۱</sup>، محمد رحمانی<sup>۲</sup>، نفیسه زروندی<sup>۳</sup>

تاریخ دریافت: ۹۸/۱۱/۵ تاریخ پذیرش: ۹۸/۱۲/۲۶

### چکیده

ظهور و جامعه زمینه ساز ظهور هم ابعاد فردی را شامل می شود و هم ابعاد اجتماعی را، این که ما به عنوان جامعه اسلامی چه هدف و آرمانی را برای خود در پیش گرفته ایم و چه هدفی را باید در این موضوع در پیش بگیریم، موضوع بسیار مهم و حائز اهمیت می باشد که نیاز به تحقیقات و پژوهش های فراوان از سوی متفکران و صاحب نظران جامعه دارد. مقام معظم رهبری (مدظله) به عنوان رهبر و الگوی جامعه اسلامی و تالی تلو معصوم علیه السلام، بیانات مهمی در این باب در زمان های حساس و به فراخور موضوع داشته اند که محققان در پژوهش حاضر سعی کردند که به منظومه فکری ایشان در باب آماده سازی جامعه زمینه ساز ظهور دست یابند؛ از این روی پژوهش باهدف تحلیل محتوای بیانات مقام معظم رهبری (مدظله) و ارائه الگوی نظری ایشان در باب آماده سازی جامعه زمینه ساز ظهور انجام پذیرفته است. از همین روی چون در این باب تئوری از قبل تعیین شده نبود، با استفاده از روش تحقیق داده بنیاد که از نوع پژوهش های استقرایی و اکتشافی می باشد و نیز با استفاده از نرم افزار مکس کیودا به کدگذاری ها و مقوله بندی ها پرداخته و در نهایت از طریق پست الکترونیکی و یا به صورت حضوری، در اختیار خبرگان و صاحب نظران قرار داده و مورد تأیید آنها واقع شده است، در این راستا سعی بر آن بوده که کلیه رهنمودها و بیانات منتشر شده از سوی ایشان درباره موضوع آماده سازی جامعه زمینه ساز ظهور، از طریق سایت رسمی ایشان و نرم افزار حدیث ولایت، مورد بررسی واقع شود.

۱. استادیار گروه معارف، دانشگاه علوم و فنون هوایی شهید ستاری تهران (نویسنده مسئول).  
(javadzarvandi@gmail.com)

۲. دانشیار گروه فقه عبادی، جامعه المصطفی العالمیه، قم، ایران. (mzarvandi2@gmail.com)

۳. دکتری الهیات رشته دین پژوهی، دانشگاه ادیان و مذاهب، قم، ایران. (nafisezarvandi@gmail.com)

پژوهش نشان داد که داشتن روحیه انتظار، کار و تلاش، لزوم عمل کردن فرد فرد انسان‌ها به ویژه جوانان به وظایف، مبارزه با بی‌عدالتی و مبارزه با ظلم در دنیا، کمک همه انسان‌ها، اخلاص، اعمال مؤمنانه و... جزء مؤلفه‌های اصلی الگوی نظری ایشان در باب آماده‌سازی جامعه زمینه‌ساز ظهور می‌باشند. بنابراین با توجه به نتایج پژوهش می‌توان بیان داشت که جامعه ما باید علاوه بر پرداختن به امور نظری در این باره به اقدامات و راهکارهای عملی در راه دستیابی هر چه بیشتر به اهداف ذکر شده در جامعه اسلامی گام بردارد. **واژگان کلیدی:** تحلیل محتوا، مقام معظم رهبری (مدظله)، آماده‌سازی جامعه زمینه‌ساز ظهور، روش داده بنیاد.

### مقدمه

ظهور و آماده‌سازی فرد و اجتماع برای زمینه‌سازی ظهور کاری بس عظیم و سترگ می‌باشد، انتظار در لغت به معانی چشم به راه بودن، دیده‌بانی و نوعی امید به آینده بستن است و منتظر کسی است که از وضع موجود راضی نیست و برای وضع بهتری در تلاش است. بنابراین، فردی که انتظار آمدن کسی را می‌کشد، خود را مهبیای دیدارش می‌کند.

انتظار فرج، انتظار ظهور امامی است که جهان را پر از عدل و داد خواهد کرد و ظلم و ستم را از پهنه گیتی ریشه‌کن خواهد ساخت، از این رهگذار انسان‌ها را طالب و خواهان عدالت، دشمن ستم و ستمگر می‌سازد. آماده‌سازی جامعه و خود برای ظهور با این نقش تربیتی و سازنده‌ای که دارد طبعاً از همه عبادت‌های فردی و اجتماعی هم برتر و بالاتر خواهد بود. زیرا چنین عبادتی عبارتست از ایمان استوار به امامت حضرت ولی عصر (عج) که همه اعتقادهای اساسی را از یکتائی خدا و رسالت پیامبر (ص)، پیشوائی ائمه معصومین (ع) و دیگر عقاید اسلامی را در بر می‌گیرد. (مولوی نیا، بی‌تا)

در حال حاضر در جامعه ما علیرغم مباحث شعاری بسیار درباره دین، توجه زیاد به مسائل اسلامی به معنای واقعی کمتر دیده می‌شود، این در حالی است که این مهم بارها در سخنان مقام معظم رهبری (مدظله) مورد تأکید قرار گرفته است که اجتماع به سمت مبانی دینی و اسلامی به معنای واقعی روی آورده و افراد جامعه اسلامی توجه به مقوله معنویت را نیاز اساسی خود در عصر حاضر بدانند. بنابراین اگر در جامعه ما بحث معنویت براساس آموزه‌های دین مبین اسلام به طور جدی در عمل اجرا شود، زمینه‌های رشد فرد فرد انسان او در نهایت اجتماع فراهم می‌شود، به همین ضرورت این پژوهش به تحلیل محتوای بیانات مقام معظم رهبری (مدظله) در باب جامعه زمینه‌ساز ظهور و انتظار می‌پردازد و سوال اصلی پژوهش این می‌باشد که الگوی نظری معظم له در باب آماده‌سازی جامعه زمینه‌ساز ظهور کدام است؟ و

چون در این باب تئوری از قبل تعیین شده‌ای وجود ندارد با استفاده از روش تحقیق داده بنیاد که از نوع پژوهش‌های استقرایی و اکتشافی می‌باشد و نیز با استفاده از نرم‌افزار مکس کیودا این مهم صورت می‌پذیرد.

### روش‌شناسی پژوهش

نظریه داده بنیاد عبارت است از فرایند ساخت یک نظریه مستند و مدون، از طریق گردآوری سازمان یافته داده‌ها و تحلیل استقرایی مجموعه داده‌های گردآوری شده، به منظور پاسخگویی به پرسش‌های نوین، در زمینه‌هایی که فاقد مبانی نظری کافی برای تدوین هر گونه فرضیه و آزمون آن هستند. (منصوریان، ۱۳۸۶: ۵)

هدف اصلی نظریه‌پردازان تئوری داده بنیاد، یافتن روشی برای تولید نظریه یا تدوین مدل مفهومی حین یک فعالیت تحقیقاتی است زیرا بسیاری از جامعه‌شناسان، روان‌شناسان و محققان علوم اجتماعی ناگزیر از مفهوم‌سازی در این حوزه هستند. (مهرابی و همکاران، ۱۳۹۰: ۱۲)

در روش‌شناسی نظریه داده بنیاد، کشف یا تولید نظریه یا ارائه الگو بر مبنای حقایق و واقعیات موجود و از طریق جمع‌آوری نظام‌مند داده‌ها و با مدنظر قرار دادن همه جوانب - بالقوه - مرتبط با موضوع تحقیق انجام می‌گیرد. داده‌های جمع‌آوری شده سیر تکاملی خود را تا رسیدن به تئوری، به صورت مرحله‌ای طی می‌کنند. تحلیل داده‌هایی که به منظور تکوین نظریه گردآوری می‌شوند، با استفاده از رمزگذاری نظری<sup>۱</sup> انجام می‌شود. در این شیوه، ابتدا رمزهای مناسب به بخش‌های مختلف داده‌ها اختصاص می‌یابد. این رمزها در قالب مفهوم تعیین می‌شوند که آن را رمزگذاری باز<sup>۲</sup> می‌نامند. سپس پژوهشگر با اندیشیدن درباره ابعاد متفاوت این مقوله‌ها و یافتن پیوندهای میان آنها به رمزگذاری محوری<sup>۳</sup> اقدام می‌کند. (مهرابی و همکاران، ۱۳۹۰: ۱۳)

این تئوری برخاسته از داده‌ها - نظریه بنیادی - یک روش پژوهشی استقرایی و اکتشافی است که به پژوهشگر در حوزه‌های موضوعی گوناگون امکان می‌دهد به جای اتکا به تئوری‌های موجود و از پیش تعیین شده خود به تدوین تئوری و گزاره اقدام کند. اگرچه هریک

1. Theoretical Coding  
2. Open Coding  
3. Axial Coding

از رویکردهای مختلف برای تفسیر داده‌ها اهمیت متفاوتی قائل اند، تفسیر داده‌ها - مفاهیم - در قلب پژوهش کیفی جای دارد. به همین دلیل روش نظریه داده بنیاد - به عنوان روشی کیفی - تفسیر داده‌ها، نقش اصلی و محوری در فرایند تحقیق ایفا می‌کند. بنابراین نظریه داده بنیاد در عین این‌که ابزاری برای ایجاد نظریه است، تکنیکی برای انجام پژوهش‌های کیفی محسوب می‌شود (لقمان‌نیا و همکاران، ۱۳۹۰: ۳۸) که با مجموعه منظمی از رویه‌ها، به پژوهشگر امکان توسعه یک نظریه بنیادین برخاسته از استقرا درباره یک پدیده را می‌دهد. در جریان مراحل رمزگذاری این تحقیق، پژوهشگر با استفاده از نمونه‌گیری نظری<sup>۱</sup> و با توجه به مفاهیم پدیدار شده از دل داده‌ها، به گردآوری داده‌ها درباره افراد، رخدادها و موقعیت‌های مختلفی می‌پردازد که تصویر غنی‌تری از مفاهیم و مقوله‌های حاصل، فراهم خواهند کرد. سرانجام با رمزگذاری انتخابی مقوله‌ها پالایش می‌شوند و با این فرایندها در نهایت، چارچوبی نظری پدیدار می‌شود. (استراوس و کوربین، ۱۳۸۷: ۲۴ و ۵۸ با اندکی تغییر)

در تحلیل داده‌ها از سه نوع کدگذاری باز، محوری و انتخابی استفاده می‌شود. در کدگذاری باز بعد از هر مصاحبه و بازنویسی متن داده‌ها می‌بایست دو الی سه بار مرور شود و جهت اطمینان کامل از محک کامل داده‌ها با استفاده از روش حداکثری کدگذاری متن‌ها خط به خط بررسی شده، به هرکدام از حوادث، ایده‌ها و موقعیت‌ها، نامی که نشانه آن پدیده و جایگزینی برای آن باشد به آن داده شود و با ادغام کدهای مشابه تعداد آن‌ها تقلیل پیدا کند. در مرحله بعد ضمن استفاده از روش کدگذاری محوری با گروه‌بندی و ادغام مفاهیم که هم‌گرایی معنایی دارند، تعدادی مقوله محوری استخراج می‌گردد و در مرحله بعد در کدگذاری انتخابی مقوله‌های شناسایی شده زیر مجموعه تعدادی محدود از مقوله اصلی قرار می‌گیرند و فرایند کدگذاری طی فرایندی مشخص، اجرا می‌شود. (بهادری، ۱۳۹۷)

روش تحقیق حاضر، شامل تحلیل محتوای کمی و کیفی می‌باشد. در بخش اول یعنی تحلیل محتوای کمی، واژگان مهم و کلیدی و نیز مقدار فراوانی آن‌ها با توجه به متون مورد نظر، احصاء گردیده و مورد تحلیل قرار گرفته‌اند. بخش دوم یعنی تحلیل محتوای کیفی، بر رهیافت نظام‌مند استراوس و کوربین (۱۹۹۸) برای نظریه مبنایی تأکید دارد که در آن، تحلیل داده‌ها بر گام‌های کدگذاری شامل کدگذاری‌های باز، محوری و انتخابی استوار می‌باشد. کدگذاری‌ها و مقوله‌بندی‌های ذکر شده، با استفاده از نرم‌افزار مکس کیودا به دست آمده است

و در نهایت، از طریق پست الکترونیک و یا به صورت حضوری، در اختیار خبرگان و صاحب نظران قرار گرفته و مورد تأیید آنها واقع شده است.

در این پژوهش، سعی بر آن بوده که کلیه رهنمودها و سخنرانی‌های منتشر شده از سوی حضرت آیت الله خامنه‌ای (مدظله) درباره موضوع آماده‌سازی جامعه زمینه‌ساز ظهور، از طریق سایت رسمی ایشان و نرم‌افزار حدیث ولایت، مورد بررسی واقع شده است.

### تجزیه و تحلیل داده‌ها

به منظور تحلیل هرچه دقیق‌تر بیانات و آثار مقام معظم رهبری در باب موضوع آماده‌سازی جامعه زمینه‌ساز ظهور، ابتدا مفاهیم مرتبط با این موضوع، با کمک نرم‌افزار مکس کیودا، استخراج گردیده و محتوای آن به صورت کمی و کیفی مورد تحلیل قرار گرفته است. تحلیل محتوا به دنبال این بود که میزان تأکیدات رهبری معظم در ارتباط با موضوع را بررسی نماید. در تحلیل محتوا، مفاهیم و کلمات کلیدی مربوط با بحث، به گونه‌ای انتخاب و احصاء گردید تا بتواند تمام مفاهیم بیان شده را به طور کامل پوشش دهد. با استفاده از سایت Khamenei.ir و نرم‌افزار حدیث ولایت، ۳۸۰ صفحه متن مرتبط با موضوع از بیانات ایشان در نیمه شعبان و در باب انتظار از سال ۱۳۷۵ تا ۱۳۹۸ هجری شمسی مشخص و جمع‌آوری گردید. بسیاری از صفحات به دست آمده، با یکدیگر تشابه و تکرار داشتند. به همین خاطر مورد پالایش قرار گرفتند و در نهایت میزان متون به ۲۰۰ صفحه تقلیل یافت.

جستجوی مفاهیم و متن کاوی در پیام‌ها، بیانات، آثار و سخنرانی‌های معظم له با کمک نرم‌افزار MAXQDA12 صورت گرفت. به منظور تحلیل محتوای کیفی، ابتدا مجموعه سخنرانی‌ها، بیانات و پیام‌های رهبری معظم، سطر به سطر بررسی گردید و در نهایت، مفهوم‌پردازی و سپس مقوله‌بندی شد. هم‌چنین نویسندگان با توجه به خصوصیات مشترک و ارتباط مفهومی و نیز میزان مشابهت میان کدهای باز، توانستند مفاهیم و مقولات را تعیین نمایند که در جداول ذیل نشان داده شده است.

| کدگذاری باز                                                                       | کدگذاری محوری                                                    | کدگذاری انتخابی                                                     |
|-----------------------------------------------------------------------------------|------------------------------------------------------------------|---------------------------------------------------------------------|
| ۱. برافراشته نمودن و سربلندی تمدن اسلامی در سراسر زمین                            | ۱. تمدن اسلامی یعنی تمدن دوران ظهور                              | ۱. روحیه انتظار، یکی از بزرگ‌ترین دریچه‌های فرج برای جامعه‌ی اسلامی |
| ۲. برقراری انقلاب بزرگ تاریخی برای آن هدف                                         |                                                                  |                                                                     |
| ۳. دنیای دوران امام زمان (عج)، دنیای سرشار از عدالت و پاکی و راستی و معرفت و محبت | ۲. پیام انقلاب اسلامی این است که بشریت چشم انتظار مهدی موعود است |                                                                     |

| کدگذاری باز                                                                                                            | کدگذاری محوری                                                                                                                    | کدگذاری انتخابی                                                        |
|------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------|----------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------|------------------------------------------------------------------------|
| ۴. زندگی بشر، از دوران امام زمان <small>علیه السلام</small> به بعد است که بشر در آن جا به عظمت‌های زیادی نائل خواهد شد | ۳. موضوع امام زمان <small>علیه السلام</small> ، نه مخصوص شیعه و نه حتی مخصوص مسلمین است. بلکه انتظاری در دل همه ملت‌های عالم است |                                                                        |
| ۵. زندگی حقیقی انسان در این عالم، مربوط به دوران بعد از ظهور امام زمان <small>علیه السلام</small> است                  |                                                                                                                                  |                                                                        |
| ۶. حکومت آینده حضرت مهدی <small>علیه السلام</small> موعود <small>علیه السلام</small> ، یک حکومت مردمی به تمام معناست   |                                                                                                                                  |                                                                        |
| ۷. هیچ وقت نمی‌شود گفت که سال‌ها مانده است که این اتفاق بیفتد، هیچ وقت هم نمی‌شود گفت که این حادثه نزدیک است           | ۵. اعتقاد به حضرت مهدی <small>علیه السلام</small> یک آرمان والا است که در آن هیچ شکی نیست                                        | ۲. ظهور یعنی آینده قطعی بشریت                                          |
| ۸. ظهور، آینده قطعی شماس است                                                                                           |                                                                                                                                  |                                                                        |
| ۹. تأکید بر هدایت‌های امام زمان <small>علیه السلام</small> در فراهم شدن شرایط ظهور                                     |                                                                                                                                  |                                                                        |
| ۱۰. وجود امدادهای غیبی در ایجاد شرایط ظهور                                                                             |                                                                                                                                  |                                                                        |
| ۱۱. یاد امام زمان <small>علیه السلام</small> یادآور قطعی بودن حق و عدل                                                 | ۶. بدانیم که یک حادثه بزرگ واقع خواهد شد و همیشه منتظر باشید                                                                     | ۳. ضرورت هدف‌گذاری نیروهای مؤمن و مخلص در زمینه ظهور                   |
| ۱۲. ممکن است کسانی آن دوران را درک نکنند اما بلاشک آن دوران وجود دارد                                                  |                                                                                                                                  |                                                                        |
| ۱۳. اعتقاد به امام زمان <small>علیه السلام</small> به ما می‌آموزد که عاقبت ظالمان، قطعاً طلوع خورشید است               |                                                                                                                                  |                                                                        |
| ۱۴. انتظاری که از آن سخن گفته‌اند، فقط نشستن و اشک ریختن نیست                                                          | ۷. انتظار سکون نیست                                                                                                              | ۴. ضرورت کار و تلاش در مسیر حکومت امام زمان <small>علیه السلام</small> |
| ۱۵. اعتقاد به امام زمان <small>علیه السلام</small> ، مخالف با معنای گوشه‌گیری                                          |                                                                                                                                  |                                                                        |
| ۱۶. نبودن آسایش و راحت‌طلبی و عافیت قبل از فرج                                                                         |                                                                                                                                  |                                                                        |

| کدگذاری باز                                                                                                         | کدگذاری محوری                                                                                                           | کدگذاری انتخابی                                                                  |
|---------------------------------------------------------------------------------------------------------------------|-------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------|----------------------------------------------------------------------------------|
| ۱۷. انتظار، نشستن برای این که کار به خودی خود صورت بگیرد، نیست                                                      | ۸. انتظار حرکت است                                                                                                      |                                                                                  |
| ۱۸. انتظار فرج یعنی کمر بسته بودن                                                                                   |                                                                                                                         |                                                                                  |
| ۱۹. باید به دنبال آرمان ظهور، عمل بیاید                                                                             | ۹. دوران ظهور، یک حرکت دفعی نیست؛ بلکه آن جا یک مسیر است                                                                | ۵. لزوم عمل کردن به وظایف در محیط های جامعه، کشور و جهان                         |
| ۲۰. انتظار یعنی شاد کردن دل امام زمان ﷺ در عمل                                                                      | ۱۰. میسر نبودن اصلاح ما تنها با عمل فردی                                                                                |                                                                                  |
| ۲۱. باید اهل عمل به آن چیزی باشیم که دل آن بزرگوار را شاد می کند                                                    |                                                                                                                         |                                                                                  |
| ۲۲. انتظار، مستلزم صلاح و عمل                                                                                       |                                                                                                                         |                                                                                  |
| ۲۳. نقش مهم همه مردم در دوران ظهور و حکومت مهدوی                                                                    | ۱۱. نقش فعال و مؤثر تک تک افراد در فراهم نمودن شرایط ظهور                                                               | ۶. موظف بودن جوانان، به عمل به وظایف براساس بصیرت، معرفت، نگرش جهانی و روشن بینی |
| ۲۴. نقش مؤثر جوانان در شکل گیری حکومت مهدوی                                                                         |                                                                                                                         |                                                                                  |
| ۲۵. منتظر امام زمان ﷺ باید در جهتی که حکومت امام زمان ﷺ تشکیل خواهد شد، زندگی کند                                   | ۱۲. جامعه ای می تواند پذیرای مهدی موعود ﷺ باشد که در آن آمادگی و قابلیت باشد، و الا مثل انبیا و اولیای طول تاریخ می شود | ۷. انتظار یعنی نزدیک شدن به ویژگی هایی که در دوران ظهور متوقع است                |
| ۲۶. انتظار یعنی برپایی حق و حاکم کردن عدل در زندگی مردم و بلند نمودن پرچم توحید و بنده واقعی خدا نمودن انسان ها     | ۱۳. امام زمان ﷺ، رمز عدالت                                                                                              | ۸. سرباز امام زمان ﷺ باید خود را برای مبارزه با بی عدالتی در دنیا آماده کند      |
| ۲۷. اگر امام شما که مأمور به ایجاد عدالت و استقرار عدالت در کل جهان است، امروز ظهور بکند، باید من و شما آماده باشیم |                                                                                                                         |                                                                                  |
| ۲۸. برقراری صلح و امنیت کامل در مقیاس عالم                                                                          | ۱۴. امام زمان ﷺ، مظهر قسط الهی در روی زمین                                                                              | ۹. انتظار می گوید که هر حرکت عدالت خواهانه ای، در جهت گردش طبیعی این عالم است    |
| ۲۹. تلاش در جهت اهداف اولیای الهی                                                                                   |                                                                                                                         |                                                                                  |
| ۳۰. نبودن هیچ شکل از ظلم و ستم در دوران ظهور                                                                        | ۱۵. مهدی موعود ﷺ منجی بزرگ مبارزه کننده با تمام مراکز قدرت و فساد بین المللی                                            | ۱۰. ضرورت آمادگی سرباز امام زمان برای مبارزه با ظلم در دنیا                      |
| ۳۱. مبارزه امام زمان ﷺ با ظلم و تبعیض و زورگویی در دنیا                                                             |                                                                                                                         |                                                                                  |

| کدگذاری باز                                                                                                    | کدگذاری محوری                                                                                                            | کدگذاری انتخابی                                                                          |
|----------------------------------------------------------------------------------------------------------------|--------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------|------------------------------------------------------------------------------------------|
| ۳۲. معتقدین به ظهور ولی عصر (عج) می‌دانند که قطعاً این خورشید طلوع خواهد کرد                                   | ۱۶. انتظار فرج یعنی انتظار دست قاهر قدرتمند الهی برای از بین بردن سیطرهٔ ظلم با کمک همه انسان‌ها                         | ۱۱. مهدی موعود (عج) با کمک همه انسان‌ها سیطرهٔ ظلم را از بین می‌برد                      |
| ۳۳. مسیر امروز تاریخ، مسیر ظلم، سلطه‌گری و سلطه‌پذیری است                                                      |                                                                                                                          |                                                                                          |
| ۳۴. امروز یک عده در دنیا سلطه‌گرند، یک عده سلطه‌پذیرند                                                         | ۱۷. عقیده به امام زمان (عج)، هم در باطن فرد، هم در حرکت اجتماع، چنان تأثیر عظیمی دارد که بشر، هرگز تسلیم و مرعوب نمی‌شود |                                                                                          |
| ۳۵. اعتقاد به مهدویت، دربردارنده درس‌های مهم                                                                   |                                                                                                                          |                                                                                          |
| ۳۶. ملتی که به خدا و مدد الهی متکی است، هرگز تسلیم و مرعوب نمی‌شود                                             | ۱۸. انتظار یعنی برپایی حق و بلند نمودن پرچم توحید و بندهٔ واقعی خدا نمودن انسان‌ها                                       | ۱۲. منتظر واقعی باید خود را به توحید، اخلاص و عبودیت خدا نزدیک کند                       |
| ۳۷. زمینه‌سازی ظهور، وابسته به عزم و معرفت امروز من و شماست                                                    | ۱۹. تأکید بر مطالعه و دقت بر دوران موعود آخرالزمان و انجام گرفتن بحث‌های مفیدی پیرامون آن                                | ۱۳. فعال‌تر و خلاق‌تر و آفریننده‌تر شدن اندیشه و عقول بشر، بیشتر از همیشه، در دوران ظهور |
| ۳۸. انتظار، یعنی دل سرشار از امید بودن نسبت به پایان راه زندگی بشر                                             |                                                                                                                          |                                                                                          |
| ۳۹. مأیوس شدن انسان‌ها در امواج متراکم ظلمت و ظلم                                                              | ۲۰. یاد امام زمان (عج) نشان‌دهندهٔ این است که خورشید طلوع خواهد کرد                                                      | ۱۴. انتظار واقعی از احساس بیهودگی و گیج و گمی نسبت به آینده جلوگیری می‌کند               |
| ۴۰. ناامید نشدن معتقدین به ظهور ولی عصر (عج)                                                                   |                                                                                                                          |                                                                                          |
| ۴۱. این انتظار، امیدبخش و نیروبخش است.                                                                         |                                                                                                                          |                                                                                          |
| ۴۲. انتظار به معنای بی‌صبری کردن و پا به زمین کوبیدن و چرا دیر شد و چرا نشد و مانند اینها نیست                 |                                                                                                                          |                                                                                          |
| ۴۳. تبریک عید نیمه شعبان یعنی امیدواری به آینده و درست نقطهٔ مقابل آن چیزی است که دشمن می‌خواهد به وجود بیاورد | ۲۱. روحیه انتظار، یکی از بزرگ‌ترین دریچه‌های فرج برای جامعه اسلامی                                                       | ۱۵. امید بزرگ یعنی نزدیک‌تر شدن جهان به دوران آرمانی مهدی موعود (عج)                     |
| ۴۴. روز نیمه شعبان، روز عید بزرگ یعنی عید امید و عید انتظار فرج و گشایش                                        |                                                                                                                          |                                                                                          |
| ۴۵. امید حاصل از انتظار، به بازوان قوت می‌بخشد، به دل‌ها نور می‌دهد                                            |                                                                                                                          |                                                                                          |



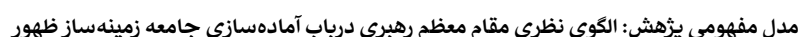
| کدگذاری باز                                                                                                    | کدگذاری محوری                                                                                                                            | کدگذاری انتخابی                                                                             |
|----------------------------------------------------------------------------------------------------------------|------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------|---------------------------------------------------------------------------------------------|
| ۴۶. آماده سازی زمینه ظهور با حاکمیت قرآن و اسلام                                                               | ۲۲. آمادگی ظهور عبارت است از عمل کردن به احکام اسلامی و حاکمیت قرآن و اسلام                                                              | ۱۶. حاکمیت قرآن یعنی قدم اول برای نزدیکی مسلمانان به ظهور مهدی <small>علیه السلام</small>   |
| ۴۷. نزدیک شدن به سمت صلاح یعنی نزدیک شدن ظهور                                                                  | ۲۳. انتظار مصلح بزرگ نیازمند آماده کردن زمینه های صلاح در خود                                                                            | ۱۷. نزدیک شدن ظهور با تلاش بیشتر در جهت کسب معرفت و اصلاح رفتار                             |
| ۴۸. هر چه ما کار خیر و اصلاح درونی خود و تلاش برای اصلاح جامعه انجام بدهیم آن عاقبت را دائماً نزدیک تر می کنیم |                                                                                                                                          |                                                                                             |
| ۴۹. نزدیک شدن ظهور، دست خود ماست، اگر ما خودمان را به صلاح نزدیک کنیم، آن روز نزدیک خواهد شد                   |                                                                                                                                          |                                                                                             |
| ۵۰. انتظار، مستلزم صلاح و عمل                                                                                  | ۲۴. انتظار یعنی امیدی در دل بنی آدم که تاریخ بشریت به سمت صلاح حرکت می کند                                                               | ۱۸. میسر نبودن اصلاح ما تنها با عمل فردی                                                    |
| ۵۱. انتظار یعنی اصلاح خودمان                                                                                   |                                                                                                                                          |                                                                                             |
| ۵۲. خودسازی، لازمه انتظار                                                                                      | ۲۵. انتظار یعنی آماده شدن برای سربازی امام زمان <small>علیه السلام</small>                                                               | ۱۹. امتحان شدید در میدان مجاهدت                                                             |
| ۵۳. آماده سازی خویشتن، عنصر مهم انتظار است                                                                     |                                                                                                                                          |                                                                                             |
| ۵۴. امتحان سخت از همه آحاد بشریت                                                                               |                                                                                                                                          |                                                                                             |
| ۵۵. انتظار یعنی تحت فرمان امام زمان بودن                                                                       |                                                                                                                                          |                                                                                             |
| ۵۶. تأکید بر رابطه قلبی و معنوی بین آحاد مردم و امام زمان <small>علیه السلام</small>                           | ۲۶. ارتباط معنوی و قلبی میان مردم و امام زمان <small>علیه السلام</small> سبب زنده نگه داشتن امید و انتظار به طور دایم در دل انسان می شود | ۲۰. سربلند بیرون آمدن انسان های پاک از کوره های آزمایش                                      |
| ۵۷. لزوم آماده سازی جوانان برای این حرکت عظیم                                                                  | ۲۷. تأکید بر آمادگی نیروهای مؤمن و مخلص                                                                                                  | ۲۱. آمادگی برای ظهور یعنی تقویت جنبه های معنوی و آمادگی در راستای پنجه درافکندن با زورگویان |
| ۵۸. تلاش برای آماده سازی زمینه برای دوران ظهور                                                                 |                                                                                                                                          |                                                                                             |
| ۵۹. انتظار یعنی مترصد بودن                                                                                     |                                                                                                                                          |                                                                                             |
| ۶۰. انسان مؤمن و منتظر، آن کسی است که در حال «آماده باش» است                                                   |                                                                                                                                          |                                                                                             |
| ۶۱. بزرگ ترین وظیفه منتظران امام زمان <small>علیه السلام</small> ، آمادگی برای ظهور                            |                                                                                                                                          |                                                                                             |
| ۶۲. انتظار یعنی آماده باش دائمی انسان ها                                                                       | ۲۸. انتظار فرج یعنی خود را از همه جهت آماده کردن برای آن هدفی که امام زمان <small>علیه السلام</small> برای آن هدف قیام خواهد کرد         |                                                                                             |

| کدگذاری باز                                                                                                                         | کدگذاری محوری                                                                                                   | کدگذاری انتخابی                                                                        |
|-------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------|-----------------------------------------------------------------------------------------------------------------|----------------------------------------------------------------------------------------|
| ۶۳. شهدای ما با فدا کردن جان خودشان آن روز را نزدیک کردند                                                                           | ۲۹. آن نسلی که برای انقلاب فداکاری کردند، با فداکاری‌های خودشان آینده ظهور را نزدیک‌تر کردند                    | ۲۲. دفاع‌کنندگان از کشور اسلامی از امام زمان (عج) هم دفاع خواهند کرد.                  |
| ۶۴. یکی از مصادیق منتظران حقیقی کسانی‌اند که در دوران دفاع مقدس، در صفوف دفاع مقدس شرکت می‌کردند                                    |                                                                                                                 |                                                                                        |
| ۶۵. کسانی که در مقابل چرب و شیرین دنیا خود را می‌بازند و زانوان‌شان سست می‌شود، منتظر واقعی امام زمان (عج) به حساب نمی‌آیند         |                                                                                                                 |                                                                                        |
| ۶۶. ما آن وقتی می‌توانیم حقیقتاً منتظر به حساب بیاییم که زمینه را آماده کنیم                                                        | ۳۰. سربازی مهدی موعود (عج) نیازمند خودسازی و آگاهی و روشن‌بینی                                                  | ۲۳. موظف بودن جوانان، به عمل به وظایف براساس بصیرت، معرفت، نگرش جهانی، روشن‌بینی       |
| ۶۷. منتظر حق، باید خود را آماده‌ی پذیرش حق کند                                                                                      |                                                                                                                 |                                                                                        |
| ۶۸. منتظر واقعی باید خود را به توحید، اخلاص و عبودیت خدا نزدیک کند                                                                  |                                                                                                                 |                                                                                        |
| ۶۹. ما نباید فکر کنیم که چون امام زمان (عج) خواهد آمد و دنیا را پر از عدل و داد خواهد کرد، امروز وظیفه‌ای نداریم                    | ۳۱. وظیفه امروز ما حرکت در مسیر آماده شدن برای ظهور                                                             | ۲۴. خرسند شدن امام زمان (عج) از نشانه‌های مسلمانی و عزم راسخ ایمانی که از ما سر می‌زند |
| ۷۰. امام زمان (عج) ناظر است و می‌بیند                                                                                               | ۳۲. امام زمان (عج) حضور شما زن و مرد را در میدان‌های گوناگون و حرکت دولت‌مردان ما را در میدان‌های مختلف می‌بیند |                                                                                        |
| ۷۱. جوانان، خودشان را برای این حرکت عظیم آماده کنند                                                                                 |                                                                                                                 |                                                                                        |
| ۷۲. ما مأمور به انتظاریم                                                                                                            |                                                                                                                 |                                                                                        |
| ۷۳. انتظار، تکلیف بردوش انسان می‌گذارد                                                                                              |                                                                                                                 |                                                                                        |
| ۷۴. انتظار فرج یعنی انتظار گشایش در گرفتاری عمومی بشریت                                                                             | ۳۳. انتظار یعنی منتظر بودن برای گشایش در فروبستگی کار بشر و گرفتاری عمومی انسانیت                               | ۲۵. هدف از فرج امام زمان (عج) یعنی نجات جامعه بشری از فرومایگی                         |
| ۷۵. انتظار فرج، عبارة آخرای انتظار ظهور                                                                                             |                                                                                                                 |                                                                                        |
| ۷۶. انتظار فرج یعنی مؤمن به اسلام، مؤمن به مذهب اهل بیت (ع) وضعیتی را که در دنیای واقعی وجود دارد، عقده و گره در زندگی بشر می‌شناسد |                                                                                                                 |                                                                                        |

| کدگذاری باز                                                                                                                                                      | کدگذاری محوری                                                                                             | کدگذاری انتخابی                                                                                             |
|------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------|-----------------------------------------------------------------------------------------------------------|-------------------------------------------------------------------------------------------------------------|
| ۷۷. مسئله، مسئله گره در کار شخص من و شخص شما نیست                                                                                                                | ۳۴. ظهور امام زمان <small>علیه السلام</small> یعنی فرج برای همه بشریت                                     |                                                                                                             |
| ۷۸. انتظار فرج یعنی قبول نکردن و رد کردن وضعیت حاصل از جهالت انسان ها و اغراض بشر بر زندگی انسانیت                                                               |                                                                                                           |                                                                                                             |
| ۷۹. خود این انتظار، دریچه فرج است                                                                                                                                |                                                                                                           |                                                                                                             |
| ۸۰. آغاز شدن زندگی اصلی بشر از دوران ظهور                                                                                                                        | ۳۵. دنیای دوران امام زمان <small>علیه السلام</small> ، دنیای سرشار از عدالت و پاکی و راستی و معرفت و محبت | ۲۶. هدف از ظهور نجات همه بشریت است، نه آحادی از بشریت                                                       |
| ۸۱. بشریت دارد همین طور این راه را طی می کند تا به اتوبان برسد؛ این اتوبان، دوران مهدویت است، دوران ظهور حضرت مهدی <small>علیه السلام</small> است                |                                                                                                           |                                                                                                             |
| ۸۲. زندگی حقیقی انسان در این عالم، مربوط به دوران بعد از ظهور امام زمان <small>علیه السلام</small> است که خدا می داند بشر در آن جا به چه عظمت هایی نائل خواهد شد | ۳۶. زندگی بشر، از دوران امام زمان <small>علیه السلام</small> به بعد است                                   | ۲۷. دوران ظهور یعنی آغاز شدن حیات مطلوب بشر، یعنی قرار گرفتن در مسیر صراط مستقیم، یعنی رسیدن به مقصد آفرینش |
| ۸۳. وجود مقدس امام زمان <small>علیه السلام</small> ، مصداق وعده الهی                                                                                             | ۳۷. ظهور یعنی وعده تخلف ناپذیر الهی                                                                       | ۲۸. ظهور یعنی وعده تضمین شده پروردگار                                                                       |
| ۸۴. مهدی موعود <small>علیه السلام</small> ، حجت خدا در بین مردم زنده است                                                                                         |                                                                                                           |                                                                                                             |
| ۸۵. این بازمانده خاندان وحی و رسالت، علم سرافراز خدا در زمین است                                                                                                 |                                                                                                           |                                                                                                             |

## یافته های پژوهش

در مجموع پس از فحوص و بررسی می توان به الگوی نظری مقام معظم رهبری (مدظله) در باب آماده سازی جامعه زمینه ساز ظهور در بیانات ایشان دست یافت که در مدل ذیل بدان اشاره شده است.



در انتها در تبیین درست مسئله ظهور، در یک تعریف ساده و گویا ظهور عبارت است از امید آمدن آخرین امام از اوصیای دوازده گانه پیامبر خاتم صلی الله علیه و آله، حضرت حجة بن الحسن العسکری علیه السلام را داشتن، چشم به راهش ماندن، پیوسته به یادش بودن، برای ظهورش دعا کردن، از هیچ اقدام عملی برای تعجیل در ظهورش کوتاهی نکردن و بلکه هر لحظه منتظر ظهورش بودن، می باشد. هم چنان که خود آن حضرت نیز هر آن منتظر فرمان الهی برای ظهور است تا با ظهور، قیام و انقلاب جهانی اش، ریشه ظلم و بیدادگری و یایه های حکومت های

کفر، ظلم، بیدادگری و فساد را از بیخ و بن برکنند و حکومت واحدجهانی اسلام را بر پایه آموزه‌های اسلام ناب تشکیل دهد و عدل و داد، رفاه همگانی بشر را به آرمان دیرینه‌اش نایل گردانند. هم‌چنین ظهور به معنای حالتی نفسانی و صفتی قلبی است که دربرابر یأس و ناامیدی قرار دارد، این حالت روحی امیدبخش، موجب حرکت و آمادگی روحی، جسمی منتظر می‌گردد و هر مقدار که ظهور عمیق‌تر و جدی‌تر باشد، آمادگی و مهیاشدن انسان منتظر نیز بیشتر و شدیدتر می‌گردد. و معلوم می‌شود که ظهور و عقیده به ظهور مهدی علیه السلام فکر و اندیشه را چگونه آینده‌گرا می‌سازد و مسلمان را برای مقاومت، استقامت، پایداری، مبارزه با باطل، جهل و فساد آماده می‌نماید. از همین روی در بیانات رهبری می‌توان علاوه بر موارد فوق به صورت مختصر به این موارد نیز که جزو ویژگی‌های های جامعه زمینه‌ساز ظهور می‌باشند، اشاره نمود:

۱. داشتن روحیه انتظار، در حال حاضر خیلی مهم است؛
۲. ظهور آینده قطعی بشریت و وعده تضمین شده خداوند است؛
۳. نیروهای مؤمن و مخلص در زمینه ظهور باید هدف‌گذاری، کار و تلاش کنند؛
۴. لزوم عمل کردن فرد فرد انسان‌ها به ویژه جوانان به وظایف در محیط‌های جامعه، کشور و جهان؛

۵. مبارزه با بی‌عدالتی و مبارزه با ظلم در دنیا از مؤلفه‌های اصلی جامعه زمینه‌ساز ظهور؛
۶. امام زمان علیه السلام با کمک همه انسان‌ها به نتیجه نهایی خواهد رسید؛
۷. جامعه ظهور به بالاترین میزان و ظرفیت عقلی خود خواهد رسید؛
۸. انسان‌ها در راه رسیدن به جامعه زمینه‌ساز ظهور بسیار آزمایش می‌شوند؛
۹. هدف از ظهور نجات همه بشریت است، نه فقط افراد محدودی؛
۱۰. دوران ظهور یعنی آغاز شدن حیات مطلوب بشر، و رسیدن به مقصد آفرینش.

و در آخر نکته بسیار حائز اهمیت این می‌باشد که رهبر انقلاب به عنوان راهبر و ولی امر جامعه اسلامی در حال حاضر بیشتر از این‌که به بیان و توضیح جامعه ظهور بپردازند، به تبیین دستیابی روش‌های رسیدن به جامعه زمینه‌ساز ظهور اشاره کرده‌اند و این بدان معنا می‌باشد که زمینه‌سازی برای ظهور مهم‌تر بوده و وظیفه ما در قبال آن حساس‌تر می‌باشد. از طرف دیگر نشان‌دهنده این موضوع می‌باشد که جامعه زمینه‌ساز ظهور دفعی و اتفاقی رخ نمی‌دهد، بلکه این اعمال و رفتار ما است که جامعه زمینه‌ساز ظهور را ترسیم می‌کند، اگر ما تک‌تک به وظایف مان درست عمل کنیم به این جامعه نزدیک‌تر شده و اگر خدای ناکرده در این باره

نادرست عمل کنیم از تحقق و دستیابی به آن جامعه دورتر خواهیم شد.  
این مطلب، نشان دهنده زاویه نگاه فعال و پویای ایشان به پدیده ظهور می باشد درمقابل  
نگاه منفعلانه برخی افراد که خود را در برابر ظهور ساکن و به دور از وظیفه می دانند. این نوع  
نگاه رهبری به ظهور برگرفته از تفکر ناب اسلامی می باشد که فرج امام زمان علیه السلام را فرج فرد فرد  
انسان ها و جامعه می دانند که در نهایت منجر به ظهور بقیة الله الاعظم خواهد شد.

## منابع

### قرآن کریم

۱. استراوس، آنسلم و کوربین، *اصول و روش تحقیق کیفی، نظریه‌های مبانی، رویه‌ها، شیوه‌ها*، ترجمه بیوک میرزایی، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، ۱۳۸۷.
۲. ابراهیم زاده آملی، عبدالله، «فلسفه انتظار»، *مجله پیام*، شماره ۹۵، ۱۳۸۸.
۳. بهادری، علی، «پژوهش کیفی داده بنیاد، کدگذاری و اهمیت، مراحل و شیوه اجرای آن در کارورزی دانشگاه فرهنگیان»، *دوفصلنامه راهبردهای نوین تربیت معلمان*، سال چهارم، شماره ۵، بهار و تابستان ۱۳۹۷.
۴. منصوریان، یزدان، «گراندد تئوری چیست و چه کاربردی دارد»، *ویژنامه همایش علم اطلاعات و جامعه اطلاعاتی*، اصفهان: دانشگاه اصفهان، ۱۳۸۶.
۵. مولوی نیا، محمدجواد، *شناخت امام عصر (عج)*، بی‌جا: بی‌نا، بی‌تا.
۶. مهرابی، امیر؛ خنیفر، حسین، امیری، علینقی؛ زارعی متین، حسن؛ جندقی، غلامرضا، «معرفی روش‌شناسی نظریه داده بنیاد برای تحقیقات اسلامی (ارائه یک نمونه)»، *مدیریت فرهنگ سازمانی*، س ۹، ش ۲۳، ۱۳۹۰.
۷. سایت Khamenei.ir
۸. نرم‌افزار حدیث ولایت

## **Critique and survey reasons that negate knowing Imam Mahdi (aj) and his existence ,Absence, and Uprising in Iranian Salafi Thought**

**Seyed Muhammadmahdi Musavi<sup>1</sup>**

### **Abstract**

The present study was conducted to criticize and examine the most important evidences of Iranian Salafism that negate knowing, existence, absence and uprising of Imam Mahdi (aj) and to indicate their falsehood and weakness. Since this revisionist sect has separated its path from Imami beliefs and considered the verses of the Qur'an as the reason for its opposition, it is necessary to answer their rejections. This research firstly has tried to review their claims, with a documentary report, and then to criticize refuting this Islamic belief by this new sect with the Qur'anic evidences, The inadequacy of evidences to know Imam Mahdi, to prove his existence, absence and uprising , along with the uselessness of the Absent Imam and the completeness of the religion of Islam are among the major problems raised by him, and have been criticized by the verses of the Holy Qur'an.

**Keywords:** Iranian Salafism, Mahdaviat , Uprising, Longevity, Fatalistic Guidance, Absence

---

1. Level 4 Imamate Scholar, Secretary of the Scientific Department and Researcher of Jafari Foundation. (S.mahdiyar14@gmail.com)





ISSN: 2423 - 7655



فصلنامه علمی ترویجی مهدویت  
شماره سی و دوم / سال هشتم / بهار ۱۳۹۹

## نقد و بررسی ادله نافی شناخت، وجود، غیبت و قیام امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الیه در اندیشه سلفی‌گری ایرانی

سید محمد مهدی موسوی<sup>۱</sup>

تاریخ دریافت: ۹۸/۱۰/۳ تاریخ پذیرش: ۹۸/۱۲/۱۲

### چکیده

پژوهش حاضر به منظور نقد و بررسی ادله نافی شناخت، وجود، غیبت و قیام حضرت ولی عصر ع صورت پذیرفته تا با بررسی اهم ادله جریان سلفی‌گری ایرانی نادرستی انکار مهدویت را از نگاه ایشان آشکار نماید. از آن جا که این جریان تجدیدنظر طلب در باورهای شیعی، در حوزه مهدویت مسیر خود را از باورهای امامیه جدا ساخته و دلیل مخالفت خود را آیات قرآن پنداشته‌اند، پاسخ به اشکالات ایشان امری ضروری است. این تحقیق کوشیده است ابتدا با گزارشی مستند، ادعاهای ایشان را یادآوری کرده و سپس با ادله قرآنی پاسخگوی انکار این باور اسلامی، از نگاه این جریان نوپا باشد. نارسا بودن ادله شناخت مهدی ع ادله نافی وجود، غیبت و قیام حضرت در کنار عدم انتفاع از امام غایب و کامل بودن دین اسلام از اهم اشکالات مطرح شده از سوی ایشان است که، مورد نقد و بررسی با آیات قرآن قرار گرفته است. واژگان کلیدی: سلفی‌گری ایرانی، مهدویت، قیام، طول عمر، هدایت جبری، غیبت.

۱. دانشجوی سطح چهار (دکتری) امامت‌شناسی، مؤسسه تحقیقات و نشر معارف اهل بیت (ع)، قم، ایران.  
(S.mahdiyar14@gmail.com)

## مقدمه

باور مهدویت و جایگاه آن در منظومه اعتقادات شیعی غیرقابل انکار است. مهدی باوری در میان مذاهب اسلامی نیز امری مسلم است، اما با این تفاوت که بیشتر اهل سنت معتقد به مهدویت نوعی بوده و اعتقادی به منجی بودن حضرت مهدی علیه السلام فرزند امام حسن عسکری علیه السلام ندارند. فرهنگ مهدویت پیام آور بیداری و آگاهی امت بزرگ اسلام و زمینه ساز درک آدمی از حیات طیبیه و از حقیقت وجود است. مهم ترین که بنابر گزاره های اسلامی، مهدویت که امتداد خط امامت است، محور و میزان معرفت به امام و در امان ماندن از مرگ جاهلی است.<sup>۱</sup> از این رو طبیعی است که در برابر این حقیقت مهم، مخالفان ساکت ننشسته و شبهاتی در جهت تضعیف این آموزه مهم دینی القاء کنند.

سلفی گری ایرانی<sup>۲</sup> یا قرآنیان نام یک جریان فکری است که با تکیه بر شعار بازگشت به قرآن در سال های مشروطه و پس از آن، تحت تاثیر اندیشه های اصلاحی شیخ هادی نجم آبادی توسط یکی از شاگردان ایشان به نام اسدالله خرقانی شکل گرفت و به وسیله چهره های دیگری هم چون: شریعت سنگلجی، یوسف شعار، برقی، قلمداران و حسینی طباطبایی ادامه یافت. این گروه که قرآن را در بخش اعتقادات کافی و بی نیاز از سنت می دانند، روش تفسیری قرآن به قرآن را شاخص فهم قرآن، قرار داده اند.<sup>۳</sup>

این جریان تجدیدنظر طلب در راستای تضعیف این باور دینی، با محور قرار دادن قرآن کریم هجمه ای وسیع به باور مهدویت داشته اند. آنان به تبع انکار امامت منصوصه، امامت حضرت مهدی علیه السلام را انکار کرده و با بی توجهی به آیاتی که وجود حجج الهی در هر زمانی را ثابت می دانند وجود امام دوازدهم را غیر قابل اثبات انگاشته اند. ایشان در سه حوزه اصل مهدویت، ادعیه مهدوی و رجعت، مسیر خود را از باورهای امامیه کاملاً جدا ساخته و عقائدی چون رجعت که با مهدویت گره خورده و هم چنین دعای ندبه از تیررس اشکالات آنان خارج نبوده است. برقی آموزه مهدویت را خلاف آیات قرآن انگاشته و در کتاب *بررسی علمی احادیث مهدی*

۱. «من مات ولم يعرف امام زمانه مات میتة جاهلیة».

۲. درباره عنوان این گروه در بین پژوهشگران اختلاف نظر وجود دارد، برخی از افراد به آنان «سلفی گری ایرانی»، برخی دیگر «وهابیت وطنی» و برخی دیگر «قرآن بسندگان» می گویند و برخی ناآگاهانه، بدون در نظر گرفتن انحرافات این گروه، آنان را پاره ای از شیعه می دانند. (ر.ک: مقاله جریان شناسی تقریب مذاهب اسلامی).

۳. برگرفته از نقد «دیدگاه روش تفسیر قرآن به قرآن، قرآنیان شیعه»؛ سیدرضا مؤدب، علی تصدیقی شاهرضائی، (پژوهش دینی، پاییز و زمستان ۱۳۹۳، شماره ۲۹)

به نقد این باور پرداخته است.<sup>۱</sup>

این نوشتار برآن است ضمن بیان شبهات ایشان در حوزه مهدویت به نقد آن چه از مطالب ایشان که پاسخ داده نشده، به روش قرآنی بپردازد.

### دلایل انکار مهدویت

جریان سلفی‌گری ایرانی در انکار امامت حضرت مهدی علیه السلام به برخی آیات متشابه استناد کرده تا وجود ایشان، مخالف آموزه‌های قرآنی جلوه نماید. عُمده ادله این جریان نوپا در انکار آموزه مهدویت، در چهار دسته خلاصه شده که به بیان و بررسی آن‌ها خواهیم پرداخت.

### نارسا بودن ادله شناخت قائم

#### ۱. بررسی حدیث لوح

حیدرعلی قلمداران در کتاب *شاهراه اتحاد* ادعا می‌کند در حدیث لوح جابر، علائمی که رسول خدا صلی الله علیه و آله برای شناختن امام قائم ارائه کرده به نوعی نارسا است؛ چراکه: ابتدا پیامبر صلی الله علیه و آله از نام روشن او مضایقه کرده! دیگر این‌که فرموده کنیه او، کنیه من است و پر واضح است تا کسی صاحب فرزند نشود کنیه معروفی ندارد و امام قائم که حتی وجود و تولد خود او بر مردم مخفی است، چگونه می‌توان او را به کنیه‌ی که پس از چندین سال برای او پیدا می‌شود شناخت! او در ادامه محتوای حدیث جابر را مخالف باور امامی‌مذهبان انگاشته؛ چنین می‌نویسد:

حدیث می‌گوید این همان کسی است که غیبت چنین و چنان می‌کند پس از فتح مشارق و مغارب آن، یعنی غیبت حضرت بعد از فتح زمین خواهد بود، آری این عبارت حدیث است و کسی که از اعتقادات شیعه خبر نداشته باشد نمی‌تواند از این حدیث دریابد که امام قائم اول غیبت و پس از آن مشارق و مغارب زمین را فتح می‌کند و چنین می‌فهمد که آن جناب ابتداء فتح مشرق و مغرب می‌کند و سپس غیبت! (قلمداران، بی‌تا: ۲۹۵)

#### بررسی و نقد

نویسنده ابتدا با انکار پیشگویی‌های پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله که با معارف و حیانی گره خورده و سرچشمه‌ای الهی داشته و تاریخ اسلام گواه آن است؛ سعی دارد اخبار غیبی حضرت در باره موعود آخرالزمان را زیر سوال برد. حال آن‌که آیات قرآن (آل عمران: ۴۴؛ هود: ۴۹؛ یوسف: ۱۰۲)

۱. برای اطلاعات بیشتر ر.ک: بررسی علمی احادیث مهدی و دعای ندبه و خرافات آن، سیدابوالفضل برقی؛ و رجعت، فرید تنکابنی.

و گزارش‌های تاریخی فریقین خبر از علم ویژه و بیکران آن حضرت داده‌اند. چنان‌چه نمونه‌ای از این پیشگویی‌های به وقوع پیوسته در حدیث یاد شده، مشهود است (شیخ صدوق، ۱۳۵۹ ش: ج ۱، ۲۵۳).

اما در باره تقدم قیام جهانی حضرت بر غیبت گفته می‌شود که نویسنده در معنای روایت دست برده تا معنای حدیث را به نفع خویش مصادره کند. او کلمه «پس» را به معنای حدیث اضافه کرده تا غیبت را بعد از قیام جلوه دهد در صورتی که چنین واژه‌ای در حدیث نیامده است. معنای فرمایش پیامبر ﷺ در واقع این‌گونه است: او کسی است که خدای تعالی مشرق و مغرب زمین را به دست او بگشاید، او کسی است که از شیعیان و اولیائش غایب شود.

ضمن این‌که نویسنده گمان کرده باور مهدویت مخصوص امامیه است و گویا از انبوه روایات حول باور مهدویت در مصادر عامه بی‌خبر است. چراکه فهم غیبت و گستراندن عدل و داد از روایت جابر را با اعتقاد شیعی مرتبط کرده است. در صورتی که مهدی باوری از آموزه‌های اصیل اسلامی است و اختصاصی به امامیه ندارد. برخی پژوهشگران تا ۳۰ کتاب از منابع اهل سنت پیرامون مهدویت إحصاء کرده‌اند.<sup>۱</sup>

## ۲. انکار شباهت امام غایب به خورشید پشت ابر

برقی و قلمداران ضمن تضعیف روایتی که بهره بردن از امام غائب را همانند بهره‌وری از خورشید پشت ابر بیان کرده اشکالاتی را متوجه این تمثیل دانسته و آن را مردود می‌شمارند. ایشان در این باره می‌نویسند:

- تشبیه امام غائب به خورشید در زیر ابر، صحیح نیست و خرافی است از جهاتی از آن جمله:
  ۱. آفتاب وجودش در نزد همه مسلم و همه کس او را دیده، ولی امام غایب چنین نیست؛
  ۲. وجود خورشید مقدم بر همه چیز زمین است و با تابش آن نباتات و اشجار و سنگ‌ها به وجود می‌آید ولی امام غایب چنین نیست؛
  ۳. آفتاب در پشت ابر هم باشد محسوس است چنان‌که تشخیص روز می‌توان داد و اگرچه ابر ضخیم باشد، ولی امام غایب چنین نیست؛
  ۴. دوام استتار خورشید اندک است و اگر صد سال مثلاً در استتار باشد که هیچ کس آن را

۱. برای مطالعه بیشتر ر.ک: الامام مهدی ﷺ بین التواتر و حساب الاحتمال، ایروانی، محمدباقر، ص ۱۱؛ و هم چنین ر.ک: الامام المهدی ﷺ عند اهل السنه، مهدی فقیه ایمانی.

ندیده باشد آن را ممکن است انکار کنند، ولی استتار امام بدوام است و استحقاق انکار دارد؛ ۵. آفتاب را اگر در یک نقطه جهان نبینند در نقطه‌های دیگر دیده می‌شود و امام غایب چنین نیست (برقی، بی تا: ۱۸۳ و ۲۳۰؛ قلمداران، بی تا: ۲۹۷).

#### بررسی و نقد

در پاسخ این اشکالات ابتدا باید یادآوری کرد که تمثیل و تشبیه، مانند کردن چیزی است به چیزی دیگر. اما با توجه به ادبیات و قواعد معانی بیان «المثال مقرب من وجه و مبعّد من وجه» هر مثالی از جهتی مطلب را نزدیک نموده و از چندین جهت دور می‌نماید. از آن جا که جریان سلفی‌گری ایرانی، وجه شبه را در این مثال نادیده گرفته‌اند به برداشت‌هایی غلط از این تمثیل دچار گشته‌اند.

حدیث مذکور در مقام تشبیه و تمثیل است و بر اساس قواعد ادبیات و معانی بیان وجه شباهت مقرب که نحوه انتفاع بوده، مد نظر گوینده است. به عنوان مثال وقتی گفته می‌شود زید مثل شیر می‌ماند. در این جا یک تشبیه به کار رفته؛ شیر، حیوان است، درنده است، دهانش بوی گند می‌دهد و در عین حال به شجاعت نیز مشهور است. بی شک منظور سخنگو این است که زید در شجاعت مثل شیر است.

منظور ائمه علیهم‌السلام نیز از این تشبیه اموری هم چون استفاده از برکات وجودی، انتظار ظهور حضرت، وجود ایشان و تیره‌گی دل‌ها در زمان غیبت است. چنان چه علمای امامیه به برخی از وجوه شباهت امام به خورشید، اشاراتی کرده‌اند.<sup>۱</sup>

اما در رابطه با إشکال دوم که انکار وجود امام قبل از سائر مخلوقات بود باید بگوییم آری وجود حجت الهی همانند خورشید باید قبل از آفرینش سائر مخلوقات باشد. این ادعا بر پایه آموزه‌های قرآن استوار است. آن جا که خداوند خطاب به ملائکه می‌فرماید:

إِنِّي جَاعِلٌ فِي الْأَرْضِ خَلِيفَةً؛

من در زمین قرار دهنده خلیفه هستم.

خدای عزوجل پیش از آفرینش سائر مخلوقات از خلیفه سخن گفته و این دلالت دارد که حکمت در خلیفه، از حکمت در آفرینش موجودات مقدّم است. از همین روی خداوند خلقت را از خلیفه آغاز کرده است، زیرا او حکیم است و حکیم کسی است که موضوع مهم‌تر را بر امر

۱. بحار الانوار، علامه مجلسی، ج ۵۲، ص ۹۳؛ امام مهدی علیه‌السلام موجود موعود، آیت الله جوادی آملی، ص ۱۳۵.

عمومی مقدّم دارد. بنابراین این آیه می‌تواند تصدیق فرمایش امام جعفر صادق علیه السلام باشد که می‌فرماید: حجت خدا پیش از خلق است و همراه خلق است و پس از خلق است (کلینی، ۱۳۶۲ ش: ج ۱، کتاب الحجّه، ح ۴). چراکه اگر خداوند خلقی را بیافریند در حالی که خلیفه و راهنمایی هدایتگر برایشان قرار نداده باشد، ایشان را در معرض تباهی و گمراهی قرار داده است (شیخ صدوق، ۱۳۵۹ ش: ج ۱، ۴).

### ۳. عدم وجود نام و نشان مهدی در قرآن

مصطفی طباطبایی در راستای انکار علائم شناخت امام مهدی علیه السلام به عدم ذکر نام ایشان در قرآن استناد کرده می‌نویسد:

چرا از این امام محبوب نام و نشانی در قرآن کریم نیست مگر ایمان به وجود این امام از ایمان به وجود مردان گذشته که در جهان می‌زیستند و صدها سال از مرگ‌شان گذشته مثل لقمان و ذوالقرنین ضرورت کمتری داشته که نام و نشان این‌ها برای عبرت و پند در قرآن کریم به تفصیل آمده ولی از نام و نشان امام با عظمت و غیبی مسلمانان که شب و روز باید چشم به ظهور دولت او بدوزند در قرآن کریم خبری نیست؟  
(<http://www.askdin.com/node/8573>)

برقی نیز بر این باور است که خداوند در کتاب خود ذکری از مهدی نکرده و عنوانی برای او نیاورده است (برقی، بی‌تا: ۵۹).

#### بررسی و نقد

این اشکال برگرفته از مبنای قرآن‌بستگی این جریان نواندیش است، که در جای خود مورد نقد اساسی قرار گرفته و بطلان آن با آیات عدیده‌ای ثابت شده است.<sup>۱</sup> بنابراین آموزه‌های روایی در آیات عدیده‌ای از قرآن به مسئله مهدویت پرداخته شده است. آیاتی که در تفسیر یا تأویل آن‌ها، به مباحث مرتبط با مهدویت مانند ظهور، قیام، غیبت و حکومت حضرت مهدی علیه السلام اشاره شده است.

کتاب‌های زیادی درباره آیات مهدویت نوشته شده است که *الامام المهدی فی القرآن والسنة*، *المحجة فیما نزل فی القائم الحجّة*، *القرآن يتحدث عن الامام المهدی و امام مهدی در قرآن* از جمله آن‌ها است. این منابع حدود ۵۰۰ آیه را مرتبط با این موضوع دانسته‌اند، که در تفسیر یا تأویل این

۱. رک: «نقد دیدگاه روش تفسیر قرآن به قرآن، قرانیان شیعه»، سیدرضا مؤدب، علی تصدیقی شاهرزائی، پژوهش دینی، پاییز و زمستان ۱۳۹۳، شماره ۲۹؛ «نقش سبک گفتاری کلام وحی در تبیین مخاطب اصلی آن، با رویکرد نقد روش تفسیری قرآن‌بستندگان»، سیدمهدی موسوی.

آیات، به روایاتی از اهل بیت علیهم السلام استناد شده است. اما نگارنده در مقاله‌ای جداگانه وجود حجتی الهی در همه زمان‌ها را با آیات قرآن و بدون استفاده از روایات به اثبات رسانده است.<sup>۱</sup> اما این‌که چرا به صراحت نام ایشان در قرآن برده نشده، ادله مختلفی می‌تواند داشته باشد که از جمله آن‌ها حفظ کتاب خدا از تحریف مخالفان حضرت است. علمای امامیه در رابطه با عدم ذکر نام امامان در قرآن به پاسخ‌های دیگری نیز اشاره کرده‌اند (فریدونی، ۱۳۹۲: ۱۰۹).

### ادله نافی وجود

#### ۱. طول عمر

سید ابوالفضل برقی با زیر سوال بردن مصادیق مُعَمَّری که علامه مجلسی رحمته الله برای امکان عمر طولانی حضرت مهدی علیه السلام بیان می‌کند می‌نویسد:

اولاً، چون خدای تعالی به کسانی عمر طولانی داده، ممکن است به کس دیگر هم عمر طولانی بدهد، ولی صرف امکان کافی نیست، و دلیل بر وقوع لازم است؛

ثانیاً، طول عمر را با قیاس نمی‌توان اثبات کرد، چون نوح هزار سال عمر کرده، پس یوسف هم باید هزار سال عمر کند و این غلط است؛

ثالثاً، در ابتدای خلقت بشر عمرهای اکثر بشر طولانی بوده، و به تدریج کم شده است، پس نمی‌توان عمر کسی را که در قرون اخیر به دنیا آمده بستجیم با کسانی که صد قرن قبل بوده‌اند؛

رابعاً، اشخاصی که در تاریخ ذکر شده‌اند که عمر طولانی کرده‌اند آنان مورد مشاهده مردم بوده‌اند، و این چه ربطی دارد به آن کسی که احدی او را ندیده و نخواهد دید؛

خامساً، هر کس عمر زیاد کرده دارای فرزندان و نواده‌ها و نتیجه‌های زیاد شده، اما مهدی چنین نیست، نه اولادی از او دیده شده و نه نواده‌ای. مهدی اگر زنده است آیا تزویج کرده یا خیر، اگر تزویج کرده عیال و اولاد او کجایند که دیده؟ و اگر تزویج نکرده چنین مهدی برخلاف سنت اسلام و انبیاء دیگر عمل کرده و نباید پذیرفت.

#### بررسی و نقد

اولاً: با توجه به عنوان باب «ذکر أخبار المعمرین لرفع استبعاد المخالفین عن طول غیبت القائم» پی می‌بریم که هدف از موارد یاد شده از سوی علامه مجلسی بیان امکان عقلی است و

۱. برای مطالعه بیشتر، ر.ک: «دلایل وجود حجج الهی در همه زمان‌ها با محوریت آیات ۷۱ أسراء، ۷ رعد، ۱۱۹ توبه، ۳ قدر» فصل‌نامه مکتب وحی، شماره ۲۴، بهار ۱۳۹۷ ش.

ایشان برداشت دیگری نداشته‌اند؛

ثانیاً: انکار عمر طولانی در قرون اخیر به نوعی نسبت ناتوانی و عجز به خداوند است. چرا که زمان و مکان هیچ جایگاهی در تأثیر قدرت خداوند ندارند. چنانچه قرآن کریم خبر از طول عمر جناب یونس علیه السلام تا روز قیامت، در صورت عدم توبه داده است (صافات: ۱۴۴)؛

ثالثاً: عدم مشاهده شخصی دلیل بر عدم وجود وی نیست، علاوه این که گزارش‌های تاریخی، مشاهده ایشان را توسط افراد مختلف تأیید کرده‌اند؛<sup>۱</sup>

رابعاً: موضوع ازدواج ایشان اختلافی است. چرا که برخی لازمه ازدواج و دارای فرزند شدن حضرت را، فاش شدن اسرار و شناسایی آن حضرت دانسته‌اند، که با حکمت و فلسفه غیبت منافات دارد. یا شاید با توجه به عمومات استحباب ازدواج و مکروه بودن عزوبت و ترک آن در هر حالی و مانع نبودن فلسفه غیبت، می‌توان نتیجه گرفت که ایشان ازدواج کرده است، و لازم نیست که این امر باعث افشاء سر آن حضرت شود، و با فلسفه غیبت منافات داشته باشد، بلکه همسروی می‌تواند زنی پاکدامن و خود ساخته هم چون یاران خاص آن حضرت باشد.

ضمن این که اصل ازدواج یا عدم ازدواج آن حضرت جزء اعتقادات ما نیست، بلکه از مسائل شخصی است که در روایات نیز به آن تصریح نشده است.

## ۲. ضعف و سستی

برقی در گام دیگری که برای نفی وجود حضرت بر می‌دارد اشاره به ضعف و سستی انسان فرتوت کرده و از این رهگذر وجود حضرت را زیر سوال برده است. وی در این زمینه چنین می‌نگارد: به علاوه، طول عمر موجب سستی اعضا و کشیدن سختی‌ها و مصیبت‌ها است. خدای تعالی در سوره یس آیه ۶۸ فرموده:

﴿وَمَنْ نُّعَمِّرْهُ نُنَكِّسْهُ فِي الْخَلْقِ أَفَلَا يَعْقِلُونَ﴾ (یس: ۶۸)؛

هر کس را که عمر دهیم او را در خلقت سست می‌کنیم آیا تعقل نمی‌کنید.

آری، سنت الهی این است که هر کس عمر او زیاد گردد سست و بیمار و بیچاره گردد. شما برای مهدی می‌خواهید عمر زیاد اثبات کنید باید عوارض پیری را نیز برای او قبول کنید، زیرا

۱. برای اطلاعات بیشتر ر.ک: کافی، کتاب الحجه، «باب فی تسمیه من راه» و هم چنین ج ۱۳ بحار الانوار بابی اختصاص به این عنوان داده شده است.



سنت الهی چنین است:

﴿وَلَنْ تَجِدَ لِسُنَّةِ اللَّهِ تَبْدِيلًا﴾ (احزاب: ۶۲):

هرگز سنت خدای تعالی تغییر و تبدیل نکند.

آری، بسیاری از آیات در قرآن است که طول عمر مهدی بدون سستی و نقص او را رد می‌کند و باطل می‌سازد، گویا کسانی که می‌گویند: مهدی هزاران سال عمر کرده باز جوان و سالم است قرآن را قبول ندارند (برقی، بی‌تا: ۲۹۸).

#### بررسی و نقد

نا آگاهی از فضای معارف کتاب وحی و یا نگاه گزینشی به آیات باعث ایجاد این إشکال شده است. چرا که با نگاهی گذرا به آیات، پی می‌بریم که سنت‌های تکوینی الهی نیز استثناء بردار است. چنان‌چه غذای حضرت عَزِیز برخلاف رویه طبیعی، بعد از صد سال هم چنان سالم بوده است (بقره: ۲۵۹) یا آتشی که تکوین او سوزاندن است به خواست الهی، به ابراهیم علیه السلام گزند نرسانده و بر او برد و سلام می‌شود (انبیاء: ۶۹). اصحاب کهف نیز که بعد از سالیانی متمادی از خواب بلند می‌شوند هیچ‌گونه تغییری در جسم خود نمی‌یابند.

بنابراین به گواه آموزه‌های قرآن، سنت‌های تکوینی الهی نیز، به خواست الهی قابل تغییر هستند. همان‌خدایی که قادر بر حفظ یک غذای فاسد شدنی در مدتی بسیار طولانی و دور از انتظار است می‌تواند حجت خویش را از سستی و ضعف نیز حفظ نماید. ضمن این‌که مراد از عدم تغییر سنت‌های الهی در آیات یاد شده، این است که خداوند در جامعه قوانین ثابتی را مقرر کرده است که در تمام ملت‌ها و اقوام جریان دارد، نظیر سنت‌های آزمایش، امداد مومنان و کیفر حيله‌گران که سعادت و سقوط جامعه در گرو پیروی یا ترک آنهاست.

#### ادله نافی غیبت

##### ۱. جعلی بودن ادله غیبت

برقی مدعی است حتی خود ائمه شیعه و اصحابشان از این دوازده امام و امام غایب بی‌خبر بودند و اگر اخباری در میان شیعه منتشر شده در قرن سوم ساخته و پرداخته شده است. او دلائل خود را به کتاب بت‌شکن حواله کرده است (برقی، بی‌تا: ۵۹).

#### بررسی و نقد

مهدویت از آموزه‌های اسلامی است که اخبار آن در مصادر فریقین غیرقابل انکار است.

چنانچه گزارش‌های تاریخی ردپای اعتقاد به مهدویت را در قرن اول تأیید می‌کنند. کتاب *فرق الشیعه* نوبختی و *المقالات* اشعری از اعتقاد به مهدویت فارغ از درستی یا نادرستی مصداق آن، نزد فرقه کیسانیه خبر داده‌اند.<sup>۱</sup> بنابراین ادعای جعلی بودن موضوعی واحد، آن‌هم در مصادر روایی فریقین، با تأیید گزارش‌های تاریخی جای بسی تأمل دارد.

## ۲. مخدوش بودن علل غیبت

### الف) خوف قتل

یکی از حکمت‌های غیبت حضرت مهدی علیه السلام که در روایات بدان اشاره شده است خوف از کشته شدن ایشان است (شیخ صدوق، ۱۳۸۵ ش: ج ۱، ۲۴۳). برقی متعرض این اخبار شده و آن‌ها را غیر صحیح و برخلاف سنت الهی و قرآن پنداشته است. او در این باره می‌نویسد:

اگر بنا باشد کسی حجت الهی باشد و غایب شود و از ترس مردم خود را مخفی کند باید تمام انبیاء مخفی شوند و ابداً خود را نشان ندهند، زیرا هر پیغمبری احتمال می‌دهد مخالفینش، او را به قتل برسانند. اگر خوف قتل دلیل باشد باید رسول خدا صلی الله علیه و آله اصلاً قیام و جهاد نکند و خلفاء از خانه خود بیرون نیایند.

او برای اثبات ادعای خود به آیاتی از قرآن که از عدم خوف پیامبران خبر داده‌اند استناد کرده است (نمل: ۱۰؛ آل عمران: ۱۷۵؛ مائده: ۴۴؛ احزاب: ۳۹؛ مائده: ۶۷). وی در ادامه می‌نویسد:

ثانیاً اگر علت غیبت خوف قتل باشد، باید تا قیامت ظاهر نشود زیرا این علت همیشه بوده و هست بلکه روز به روز خوف قتل زیادتر است، پس باید تا قیامت غایب شود. ثالثاً، زمان ما که ریاست و سلطنت مملکت شیعه با نایب بر حق امام است به قول اینان، چرا ظاهر نمی‌شود مگر او از نایب برحق خودش هم خوف دارد، پس یا نایب برحق برحق نیست و یا مهدی غایب وجود ندارد (برقی، بی‌تا: ۲۲۴).

### بررسی و نقد

قبل از پاسخ به مخدوش بودن علل غیبت، ابتدا فرق حکمت و علت را بیان کرده و سپس به نقد موارد مذکور خواهیم پرداخت.

تفاوت علت و حکمت در این است که حکمت در مرتبه‌ای ضعیف‌تر از علت قرار دارد؛ بدین معنا که وجود حکمت ممکن است مدار وجود حکم باشد، اما عدمش مدار از بین رفتن حکم

۱. برای مطالعه بیشتر، ر.ک: جریان شناسی مهدویت در فرقه‌های شیعی، حیدر مظفری و رسی.

نباشد. مثلاً فلسفه عده طلاق، حفظ نسل، مشخص شدن وضع بارداری زن و نیز زمینه سازی برای بازگشت به زندگی بیان شده، اینها همه حکمت است، نه علت. از این رو اگر این امور از طریق غیر عده نیز برای ما روشن گردد، عده نفی نمی شود. حتی برای زنانی که به وسیله جراحی، رحم خود را برمی دارند و دیگر امکان بچه دار شدن هم وجود ندارد، لازم است.

به عبارت دیگر «علت حکم» چیزی است که حکم دائرمدار آن است. یعنی هر جا علت باشد حکم هم خواهد بود و هر جا علت نباشد حکم هم نخواهد بود ولی «حکمت حکم» چیزی است که غالباً همراه حکم هست و گاهی هم از آن جدا می شود یعنی بعضی از اوقات علیرغم این که حکمت وجود ندارد، حکم به قوت خود باقی است (اکبری، ۱۳۹۰ ش: ۱۶).

بنابر آن چه که گذشت پی می بریم که خدشه در موارد حکمت، خللی به اصل حکم تا زمانی که علت باقی باشد، نزده و آن را از اعتبار ساقط نمی کند. مواردی که به زعم برقی مورد خدشه قرار گرفته اند عموماً حکمت های غیبت حضرت هستند نه علت؛ چرا که آگاهی از علت اصلی غیبت را فقط خدا می داند (مجلسی، ۱۴۰۳ ق: ج ۱، ۷۳). برقی برای اثبات ادعای خویش از حکمت های غیبت تعبیر به علت کرده و به زعم خویش آن ها را مخدوش دانسته است. جالب این که گویا او به این فرق اطلاع داشته چرا که از علت اصلی غیبت، تعبیر به حکمت کرده است. اما در رابطه با حکمت خوف قتل گفته می شود که اولاً برخلاف ادعای نویسنده، شیعیان اعتقادی به غیبت دائمی و الی الابد حضرت حجت ندارند. بلکه طبق وعده الهی، انتظار ظهور آن حضرت را دارند. ضمن این که اگر به ادعای نویسنده این خوف مذموم باشد، این اشکال به رسول خدا ﷺ نیز وارد است. چرا که ایشان هم به نوعی مجبور به هجرت از مکه شدند تا با تشکیل حکومت و تقویت عده و عده بتوانند علیه طاغوت زمانه مبارزه کنند.

باید توجه داشت که دلیل این خروج از سوی کفار و مشرکان بوده است، چرا که آنان قصد به بند کشیدن و کشتن حضرت را داشتند (انفال: ۳۰). از این رو قرآن کریم نه تنها هیچ گونه نکوهشی نسبت به ایشان ندارد بلکه او را تأیید و با انزال سکینه یاری می کند (توبه: ۴۰). حضرت موسی علیهِ السلام نیز به تصریح قرآن «خائفاً یترقب» از ترس گزند قبطیان مصر را ترک کرده است.

در حکمت یاد شده دقیقاً به هدف دشمنان از کشتن حضرت اشاره شده است. چنان چه عداوت با اهل بیت علیهم السلام از زمان بعد از رسول خدا ﷺ تا عصر حاضر غیرقابل انکار است. در زمان بنی العباس و در آستانه به دنیا آمدن حضرت این عداوت بیش از همیشه نمایان شده، از

این رو حضرت چاره‌ای عقلایی جز مخفی شدن از انظار، تا فرا رسیدن زمان مناسب را ندارند. ضمن این‌که ترس امام از کشته شدن، نه به خاطر ترس از جان خویش است که این خاندان از مرگ هراسی نداشتند؛ بلکه هراس ایشان به این دلیل است که با کشته شدنش نتواند وظیفه‌ای را که خداوند جهت گسترش عدل در تمام زمین بر عهده او گذاشته، به خوبی به پایان برساند.

#### (ب) سنن انبیاء

برقی برای خدشه‌دار کردن این حکمت غایب بودن حضرت مهدی (عج) ادعا می‌کند:

سنن انبیاء چنین نبوده و هیچ یک از انبیاء غایب نشدند و اگر چند روزی از محل خود به جای دیگر منتقل شدند یا زمان نبوت آنان نبوده مانند حضرت موسی (ع) که از مصر رفته به مدین نزد شعیب (ع)، و این را غیبت نمی‌گویند، و یا برای مأموریتی بوده است مانند حضرت ابراهیم (ع) که پس از بت‌شکنی، مأموریت بعدی او، به طرف مکه برای تطهیر خانه خدا و تعمیر آن بود.

اما حضرت یونس (ع) که از میان امت خود بیرون رفته به لب دریا و وارد شده در شکم ماهی، پس این را غیبت نمی‌گویند بلکه کناره‌گیری از قوم و گرفتار تنبیه الهی شدن است. آیا این نویسندگان شیعه چرا تاریخ انبیاء را در نظر نمی‌گیرند و حاضر به تفکر نیستند (برقی، بی‌تا: ۲۲۵).

#### بررسی و نقد

در پاسخ این اشکال گفته می‌شود از یک نگاه منظور از غیبت انبیاء پیشین عدم بهره‌مندی از حجج الهی در زمان نبودن یا کناره‌گیری آنان از جامعه است. هرچند که روایات از این نبودن تعبیر به غیبت کرده‌اند. نهایت این‌که این مورد بر فرض انکار، علت حکم نبوده بلکه از حکمت‌های حکم است.

#### (ج) حکمت کشف نشده

برخی روایات دلیل غیبت حضرت را حکمتی کشف نشده و سرّی از اسرار دانسته‌اند (مجلسی، ۱۴۰۳ق: ج ۱، ۷۳). برقی این روایات را فاقد اعتبار و صحت انگاشته، می‌نویسد:

این هم سخن باطلی می‌باشد زیرا اگر کسی نمی‌فهمد اولاً چرا در اخبار گذشته علت آن را ذکر کرده گفته‌اند برای خوف قتل. ثانیاً، چیزی را که مردم نمی‌فهمند خدا از مردم نمی‌خواهد و مکلف به آن نیستند (برقی، بی‌تا: ۲۲۷).

### بررسی و نقد

چنانچه گذشت در اخبار گذشته به حکمت غیبت اشاره شده، نه علت غیبت؛ ضمن این که در آموزه های مهدوی باورمندی به امام غائب تکلیف شده و آگاهی داشتن به علت غیبت، از کسی خواسته نشده است.

#### د) بیعتی برگردنش نباشد

برخی اخبار علت دیگری را برای امام غائب بیان داشته اند که حضرت از نظرها پنهان شدند تا بیعت احدی در گردن ایشان نباشد (مجلسی، ۱۴۰۳ق: ج ۵۳، ۱۸۱). برقی در این باره می نویسد:

این علت از همه علل تر و سست تر است و صحیح نیست، زیرا هیچ یک از خلفاء و سلاطین مردم را مجبور نکردند که بروند با او بزور بیعت کنند، آری، حجاج این کار را با اهل مدینه نمود، ولی حجاج خلیفه و سلطان نبود و کار او منحصر به مدینه بود نه شهرها و بلاد دیگر. ثانیاً، پدران بزرگوار و ائمه سابقین بر امام حسن عسکری علیه السلام، هیچ کدام مجبور به بیعت احدی نشدند و در گردن آنان بیعت احدی نبود. این سخن انحصار به مهدی ندارد (برقی، بی تا: ۲۲۹).

### بررسی و نقد

اولاً این که این حدیث نفرموده علت غیبت، عدم الزام به بیعت طاغوت است بلکه حضرت فرموده اند: در حالی ظهور می کنم که بیعت هیچ طاغوتی بر گردن من نیست.

ثانیاً از نگاه قرآن یکی از اوصاف اهل ایمان رعایت عهد و پیمان است (معارج: ۳۲)، هر چند طرف مُعاهده از مشرکان باشد (توبه: ۶). پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در قرارداد صلح حدیبیه و امام حسن مجتبی علیه السلام در پیمان صلح با معاویه، با طاغوت زمان خویش در ازای تعهداتی پیمانی را امضاء کردند. امام حسین علیه السلام هم، در این بیعت حضور داشتند، از این رو تا زمانی که معاویه زنده بود، یعنی به مدت ده سال، بر مُعاهده خود پایبند بودند. امام رضا علیه السلام، فرزندش و هم چنین امامان بعدی نیز در دستگاه عباسی چنین سرگذشتی داشتند.

بنابراین، یکی از حکمت های غیبت، گریز از الزام های بیعت اجباری، با طاغوت زمانه است. حضرت مهدی علیه السلام هنگامی که ظهور می نمایند، هیچ بیعتی از هیچ ظالم و گردنکشی را بر عهده ندارند، از این رو بدون هیچ گونه تعهد پیشین، علیه تمامی آنان در سرتاسر جهان قیام می کنند.

## ادله نافی قیام

قسمت دیگری از ادله نافی مهدویت از دیدگاه این جریان، متوجه قیام جهانی حضرت است، که در دو مسئله مورد بازبینی قرار خواهد گرفت.

### ۱. قیام مهدوی هدایتی اجباری

برقعی در کتاب *بررسی علمی احادیث مهدی* برای انکار قیام جهانی حضرت مهدی (عج) ابتدا آن را اجباری جلوه داده تا بتواند آن را باطل و بیهوده فرض کند. او برای اجباری جلوه دادن هدایت الهی حضرت مهدی (عج) به دو دسته آیات تمسک جسته است. او ابتدا آیاتی که پذیرش دین را از روی اکراه نفی می‌کنند (یونس: ۹۹؛ شعرا: ۳) ذکر کرده می‌نویسد:

اگر خدا ایمان به اکراه می‌خواست خود می‌توانست مردم را مجبور کند در حالی که نکرده، پس پیامبر هم نمی‌تواند مردم را مجبور به ایمان کند. آیا دینی که می‌گوید در آن اکراه نیست بعد می‌گوید امامی را خدا می‌فرستد که به زور و اکراه مردم را به دین دعوت کند، آن هم با شمشیر؟! پس یقیناً چنین چیزی دروغ و ضد آیات و سنت الهی است. هم‌چنین سنت خدا چنین است که رسول خود را منع می‌کند از حرص و فشار برای ایمان مردم و اگر خود می‌خواست می‌توانست عذابی و یا آتشی بر سر مردم نازل کند که ناچار با ایمان شوند، ولی نخواست، حال چگونه و کدام کس می‌تواند بزور مردم را وادار به ایمان کند (برقعی، بی‌تا: ۵۳).

نویسنده کتاب سپس با استناد به آیاتی که عامل تغییر سرنوشت و نعمت را مردم دانسته‌اند (رعد: ۱۱؛ انفال: ۵۳) بیان می‌دارد که:

خدا مردم را بزور تغییر نداده و مأمور نمی‌فرستد که بزور مردم را تغییر دهد بلکه خود مردم باید خود را اصلاح کنند نه امام و رسولی از طرف خدا بیاید به زور شمشیر اصلاح‌شان کند. حق تعالی از اول خلقت بشر تاکنون هیچ قومی را به زور جبر و اکراه تغییر نداده، نه نعمت و نه نعمت ایشان را (برقعی، بی‌تا: ۵۱).

### بررسی و نقد

ابتدا در پاسخ وی گفته می‌شود که طبق برخی آیات، خداوند هم علیرغم کراهت و ناخوش آمدی کفار، دین خویش را بر سائر ادیان برتری خواهد بخشید. «والله متم نوره ولو كره المشركون» بنابراین این اشکال شما به خداوند هم وارد خواهد بود چرا که به زور و اکراه برخی، این عمل صورت خواهد پذیرفت.

ضمن این‌که آن‌چه که از قیام جهانی حضرت حجت متوقع است بحث گسترش عدالت و

ظلم‌ستیزی است. چنان‌چه در راستای این هدف، سیره انبیاء الهی نیز مبارزه مسلحانه با طاغوت‌های زمان و حکام جائز بوده است. قرآن کریم در آیات عدیده‌ای به این موضوع اشاره کرده است.<sup>۱</sup>

طبق احادیث معصومین علیهم‌السلام نیز دعوت حضرت مهدی علیه‌السلام به هدف هدایت و اتمام حجت است و باید دانست کلمه دعوت به خودی خود معارضت با اکراه و جبر دارد. روایات شیعی بیانگر این هستند که زمانی که سپاه قائم فراهم گردد با سخنان رسمی و آشکار همت به هدایت کفار و مشرکین و دشمنان خواهد نمود تا حجت الهی را بر آنان تمام گرداند. چنان‌چه رویه پیامبران الهی به گواه آیات قرآن کریم این‌گونه بوده است: «... لَيْتَلَا يَكُونَنَّ لِلنَّاسِ عَلَى اللَّهِ حُجَّةٌ بَعْدَ الرُّسُلِ...» پیامبرانی نویدرسان و بیم‌کننده تا مردم را پس از [فرستادن] فرستادگان بر خدا بهانه و دستاویزی نباشد، و خدا توانای بی‌همتا و دانای با حکمت است (نساء: ۱۶۵).

هم‌چنین از امام صادق علیه‌السلام گزارش شده که فرموده‌اند:

هیچ معجزه‌ای از معجزات پیامبران و جانشینان آنان آشکار نمی‌شود مگر آن‌که خدای متعال همانند آن را به دست قائم ما با هدف تمام کردن حجت‌های الهی بر دشمنان تحقق بخشد (صافی، ۱۴۰۲ق: ج ۲، ۷۳۸).

از این رو امام عصر علیه‌السلام در آغاز به راهنمایی مردم می‌پردازد حال مومنانی که به حقیقت طراوت بندگی الهی رسیدند ایمان آورده و سنگدلانی که فرمانبرداری نکردند در این صورت حضرت اقدام به مبارزه با فساد و طغیان آن‌ها خواهد کرد.

نهایت این‌که از جمله دستوراتی که در آموزه‌های معارفی امامیه به آن توصیه اکید شده، اصلاح، خودسازی و آمادگی برای ظهور است (نعمانی، ۱۳۹۷ق: ۲۰۰). چرا که ظهور بغته و ناگهانی صورت گرفته و کسانی که در زمره ظالمان و فسادپیشه‌گان باشند، با آن‌ها برخورد خواهد شد.

## ۲. دوام اختلاف یهود و نصارا با مسلمنان تا قیامت

از دیگر ادله‌ای که برقی برای انکار حضرت مهدی علیه‌السلام به آن تمسک کرده است وجود اختلاف بین مسلمانان با یهود و نصارا تا روز قیامت است. وی باستناد به آیات تداوم این

۱. مثل مبارزه حضرت ابراهیم و موسی علیهم‌السلام.

اختلافات (مأئده: ۱۴ و ۶۴؛ ممتحنه: ۴؛ هود: ۱۱۸-۱۱۹)، درصدد است یکی از اهداف قیام حضرت حجت (ع) که صلح جهانی است را مخدوش و مخالف قرآن جلوه دهد. وی بعد از یادآوری این آیات می‌نویسد:

طبق آیات فوق، فرقه‌های نصارا و نیز یهود تا قیامت باقی خواهند بود و بینشان عداوت و بغضاء جریان خواهد داشت و این از اخبار غیبی قرآن است، حال آیا اگر خدا امامی بفرستد و دشمنی و کینه ایشان را برطرف کند و همه ایشان را مسلمان کند برخلاف این آیات خواهد بود یا خیر؟! آیا خدا راست فرموده و یا اخباری که می‌گوید: مهدی می‌آید و همه را صلح و صفا می‌دهد. بنابراین طبق این آیات همیشه اختلاف خواهد بود و یک امامی که همه را متحد به اسلام کند که دیگر کافری نباشد امکان ندارد (برقی، بی‌تا: ۵۵).

#### بررسی و نقد

برای پاسخ به إشکال فوق به آیات «حاکمیت دین» استناد کرده تا علاوه بر پاسخ، نگاهی به یکی دیگر از آیات مهدوی قرآن داشته باشیم. خداوند در آیات ۸ و ۹ سوره صف، می‌فرماید:

آنان تصمیم دارند که نور خدا را با دهان‌ها (و سخنان و افتراها)ی خود خاموش کنند، در حالی که خداوند کامل‌کننده نور خویش است، هرچند کافران ناخشنود باشند. او کسی است که پیامبرش را همراه با هدایت و دین حق (به سوی مردم) فرستاد تا آن را بر همه ادیان غالب سازد، گرچه مشرکان آن را خوش نداشته باشند (صف: ۸-۹).

مشابه این آیات در آیات ۳۲ و ۳۳ سوره توبه نیز آمده است. در استدلال به این آیه، ابتدا مفردات آن را بررسی می‌کنیم: واژه «تَمَّ» از (تَمَّمَ) در لغت به معنای: به آخر و به پایان رسیدن آمده است به حدی که دیگر نیازی به افزودن چیز دیگری نباشد (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ق: ۱۶۸؛ مصطفوی، ۱۳۶۰ش: ج ۱، ۳۹۵). هم چنین به معنای به حدی از کمال رسیدن و کامل شدن - اعم از کمال کمی و کیفی - نیز آمده است. در برخی موارد استعمال در قرآن، به معنای به حد تمام رسیدن، تحقق یافتن و قطعی شدن آمده است (اعراف: ۱۳۷؛ هود: ۱۱۹). برقی نیز به این معنا در تفسیرش اذعان کرده است (برقی، بی‌تا: ۱۲۱).

مراد از «نور» در این آیه نیز، دین و آئین الهی اسلام است؛ کما این که در آیات دیگر، قرآن و کتب آسمانی، اسلام و شرایع الهی و ایمان به خداوند و... از مصادیق نور شمرده و



برای آن ها به نور تعبیر آورده شده است (مائده: ۱۵، ۴۴ و ۴۶؛ نساء: ۱۷۴؛ شوری: ۵۲؛ حدید: ۲۸؛ زمر: ۲۲). بنابراین «وَاللَّهُ مُتِمُّ نُورِهِ» یعنی این که خداوند ظاهرکننده کلام خود، تأییدکننده پیامبرش، آشکارکننده دین او، و رساننده آئین خود به نهایت و پایان کارش می باشد.

برقی نیز در همین راستا ذیل آیه ۳۲ و ۳۳ توبه می نویسد: مقصود از نورالله دین و کتاب الهی است که به واسطه گفتارهای خیالی بشری جلو آن را گرفته اند و با سخنان واهی خود، از نشر کلمات حق مانع می تراشند و دشمنان با مکر و خدعه از بیداری مردم و نشر کلمات الهی جلوگیری کرده اند.

او در ادامه توضیح می دهد که کمال هر دینی به سه چیز است: ابتدا ادله و براهین، که مقصود از فراز «ارسل رسوله بالهدی» همین است. سپس موافقت عقاید و قواعد آن دین با عقل سالم و توجه دادن مردم به خداپرستی و دورکردن ایشان از هوی پرستی که مقصود از «و دین الحق» است. نهایت این که برتری داشتن و غلبه نمودن بر سایر ادیان، که این مقصود از واژه «لیظهره» فهمیده می شود.

او در ادامه بر خلاف ادعای خویش مبنی بر وجود ادیان یهود و نصارا در زمان حاکمیت مهدوی می نویسد:

بنابراین اسلام چون واجد هر سه جهت است اکمل ادیان می باشد. و مقصود از غلبه، غلبه قهر و سلطه و یا غلبه برهان و دلیل است؛ اسلام هر دو را واجد است و هیچ نقصی ندارد (برقی، بی تا: ج ۲، ۲۶۴).

البته همو در ذیل آیه ۸ سوره صف می گوید:

در معنای آیه باید گفت که خدا کسانی را که نور اسلام را می خواهند خاموش کنند، موفق نمی دارد و به آیه ۹ که اتمام نور اسلام را به واسطه فرستاده الهی بیان می دارد اشاره نمی کند (برقی، بی تا: ۱۰۴).

هم چنین به آیه ۵۵ سوره نور می توان اشاره کرد که خداوند وعده روزی را به اهل ایمان می دهد که آنان جانشینان زمین خواهند شد و دین مورد رضایت الهی در زمین گسترده شده و هیچ گونه شرکی باقی نمی ماند.

بنابراین از آن جا که دین واقعی در آموزه های قرآن، آئینی غیر از اسلام نیست (یونس: ۹۰) و غیر از آن دینی قبول نمی شود (آل عمران: ۸۵) و از سوی دیگر خداوند دستور پیکار با مخالفان را

تا زمانی که حاکمیت از آن این دین نشده، صادر کرده است (بقره: ۱۹۳)، پس دین فراگیر باید اسلام باشد. ضمن این که بنابر آموزه‌های اهل بیت علیهم‌السلام که همواره مورد تأیید قرآن نیز هست، آئین انبیاء سابق هم اسلام بوده است (مجلسی، ۱۴۰۳ق: ج ۵۳، ۵).

آیاتی که گذشت به گونه‌ای پیشگویی قرآن، از غلبه و پیروزی اسلام بر همه ادیان بود که هنوز این اتفاق صورت نگرفته و مظاهر کفر و شرک در روی زمین هم چنان آشکار هستند. آن جا که نمی‌تواند این وعده الهی دروغ باشد، بنابر بیان معلّمان واقعی قرآن، تحقق این وعده الهی در آخرالزمان و قیام حضرت مهدی علیه‌السلام صورت خواهد پذیرفت (طبرسی، ۱۴۱۳ق: ج ۵، ۳۸؛ شیخ صدوق، ۱۳۵۹ش: ج ۲، ۶۷۰؛ مجلسی، ۱۴۰۳ق: ج ۵۲، ۳۴۷). لازم به یادآوری است که اسلام دین غالب خواهد شد اما اختیار از بندگان، به هیچ وجه از ایشان سلب نخواهد شد و ممکن است بقاء کفر یا اعتقاد به ادیان منسوخه و عداوت مخالفان با مسلمانان در سایه نفاق درونی صورت پذیرد یا این که در صورت عدم بروز کینه و دشمنی با اهل ایمان به حال خود واگذاشته شوند.

اما درباره آیه ۴ سوره ممتحنه گفته می‌شود که خداوند در این آیه منش حضرت ابراهیم علیه‌السلام را برای مسلمانان با مطلق دشمنان شان اسوه قرار داده، می‌فرماید:

حضرت ابراهیم علیه‌السلام را اسوه خود قرار دهید آن زمانی که به کفار فرمود بین ما و شما کینه و عداوت تا ابد خواهد بود مگر این که ایمان بیاورید.

برقی با تقطیع آیه شریفه سعی در تثبیت ادعای بی پایه خویش دارد اما وقتی ما به تمام آیه نگاه می‌کنیم باز معارضه‌ای با عمل امام مهدی علیه‌السلام در این آیه دیده نخواهد شد. چراکه حضرت ابراهیم علیه‌السلام عداوت و کینه را تا ابد مقید به ماندن کافران در کفر نموده است. بنابراین اگر ایمان بیاورند دیگر عداوتی نخواهد بود.

### نتیجه گیری

پژوهش حاضر به منظور شناخت آراء جریان سلفی‌گری ایرانی در حوزه مهدویت و نقد و بررسی اهم ادله ایشان صورت پذیرفت. نگارنده ابتدا با گزارشی مستند، ادعاهای ایشان را یادآوری کرده و سپس با ادله قرآنی پاسخگوی انکار این باور اسلامی، از نگاه این جریان نوپا شد. نارسا بودن ادله شناخت مهدی، ادله نافی وجود، غیبت و قیام حضرت از جمله ادعاهایی بود که مورد ارزیابی قرآنی قرار گرفت. هم‌چنین با روشن شدن ادله شناخت قائم و تبیین

صحیح آن، توهم نارسا بودن شناخت حضرت نیز ابطال گردید.  
هم‌چنین با بیان ادله آشکار شد که عدم تفکیک بین معنای اصطلاحی علت و حکمت، نادیده گرفتن فوائد وجودی امام، عدم تدبیر در آیات حاکمیت دین، عزلت و کناره‌گیری از روایات و عدم توجه دقیق به مضامین آیات، باعث سوء برداشت این جریان انحرافی از برخی آیات شده، گمان مخالفت آموزه‌های قرآن با مهدویت را در ذهن ایشان تقویت کرده است.

## منابع

### قرآن کریم

۱. اشعری، سعد بن عبدالله، کتاب المقالات والفرق، تهران، بی‌نا، ۱۹۶۳ م.
۲. اشعری، علی بن اسماعیل، مقالات الاسلامیین، قاهره، بی‌نا، ۱۹۵۰ م.
۳. اکبری، محمود، فلسفه احکام، قم، نشر فتیان، ۱۳۹۰ ش.
۴. ایروانی، محمدباقر، الامام مهدی علیه السلام بین التواتر وحساب الاحتمال، کتابخانه مجازی مدرسه فقاهاست.
۵. برقی، ابوالفضل، بررسی علمی احادیث مهدی، نسخه افست موجود در کتابخانه بنیاد جعفری قم.
۶. برقی، ابوالفضل، عرض اخبار اصول برقرآن و عقول، کتابخانه سایت عقیده.
۷. برقی، ابوالفضل، تابشی ازقرآن، نسخه موجود در تارنمای عقیده.
۸. راغب اصفهانی، حسین بن محمد، المفردات فی غریب القرآن، تحقیق، صفوان عدنان داودی، بیروت، دارالعلم الدارالشامیه، اول، ۱۴۱۲ ق.
۹. شیخ مفید، محمد بن محمد، رسائل فی الغیبه، الرسالة الاولى فی الغیبه، بی‌جا، مؤسسه تحقیقات و نشر معارف اهل بیت علیهم السلام، بی‌تا.
۱۰. ابن بابویه (شیخ صدوق)، محمد بن علی، علل الشرائع، قم، کتابفروشی داوری، اول، ۱۳۸۵ ش.
۱۱. ابن بابویه (شیخ صدوق)، محمد بن علی، کمال الدین و تمام النعمه، قم، دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۵۹ ش.
۱۲. صافی، لطف الله، منتخب الاثر فی الامام الثانی عشر، بی‌جا، انتشارات مولف، ۱۴۲۲ ق.
۱۳. طباطبایی، مصطفی، نظر استاد طباطبائی درباره امام زمان، قابل دسترس در آدرس: <http://askdin.com/node/8573>
۱۴. طبرسی، فضل بن حسن، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، تلخیص ناصری، قم، جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، ۱۴۱۳ ق.
۱۵. طوسی، خواجه نصیرالدین، تجرید الاعتقاد، بی‌جا، انتشارات حدیث، ۱۳۱۱ ش.
۱۶. فرید تنکابنی، عبدالوهاب، اسلام و رجعت، نسخه افست موجود در کتابخانه بنیاد

## جعفری علی‌کلیه.

۱۷. فریدونی، محمدرضا، پیشوایی نور، تهران، نشر روشنای مهر، اول، ۱۳۹۲ش.
۱۸. قرشی بنابی، علی‌اکبر، قاموس قرآن، تهران، دارالکتب اسلامیة، شانزدهم، ۱۳۸۶ش.
۱۹. قلمداران، حیدرعلی، شاهراه اتحاد، نسخه افست موجود در کتابخانه بنیاد جعفری قم.
۲۰. کلینی، محمدبن یعقوب، الأصول من الکافی، تحقیق علی‌اکبر غفاری، تهران، دارالکتب اسلامیة، دوم، ۱۳۶۲ش.
۲۱. مجلسی، محمدباقر، بحارالانوار الجامعة لدرر اخبار الائمة الاطهار، بیروت، مؤسسة الوفاء، ۱۴۰۳ق.
۲۲. مصطفوی، حسن، التحقيق فی کلمات القرآن الکریم، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، ۱۳۶۰ش.
۲۳. مظفری ورسی، حیدر، جریان شناسی مهدویت در فرقه‌های شیعی، قم: انتشارات دلیل ما، اول، ۱۳۹۲ش.
۲۴. مقدادی، میثم، «روند هدایت در قیام حضرت مهدی (عج) با رویکرد نقد آراء برقی در کتاب بررسی علمی احادیث مهدی»، مجله مکتب وحی، ۱۳۹۷ش.
۲۵. نعمانی، محمدبن ابراهیم، الغیة، تحقیق علی‌اکبر غفاری، تهران، انتشارات صدوق، ۱۳۹۷ق.
۲۶. مؤدب، سیدرضا؛ تصدیقی شاهرضائی، علی، «نقد دیدگاه روش تفسیر قرآن به قرآن، قرانیان شیعه»، پایگاه مجلات تخصصی نور، پژوهش دینی، شماره ۲۹، پائیز و زمستان ۱۳۹۳.

## **philosophy of of absenteeisms infections and How it affects Empowerment of Imam Mahdis assistants**

**Dr.Seyed Hossein Olyanasab<sup>1</sup>**

**Dr.Seyed Zia-ud-Din Olyanasab<sup>2</sup>**

### **Abstract**

Imam Mahdi needs support of powerful followers to raise the human society to sublime status. But severe infections in absenteeisms causes disappointment and loss of Imam waitings. So this question arises that why Allah tests Imam Mahdis followers in a way that many of them turn away from religion and Ahlul Bayt which appears to be a reduction in the Imam's army ? To answer this question the present study by referring to religious sources and using descriptive - analytical method examined this hypothesis that Infections of absenteeisms influenced by the historical experiences of previous imams and prophets and tailored to appearance periods high goals and conditions refine and strengthen Imam's army. This research eventually concluded that infections will create conditions to screen weak people Before Imams appearance and On the other hand strengthens intellectually, politically, militarily, faithfully, ethically and discretionary of Imam's real companions to prepar them for all conditions of the age of advent.

**Keywords:** Imam Mahdi, absenteeism, Infections, Mahdi's helpers

- 
1. Assistant Professor, Department of Islamic Studies, University of Tabriz.  
olyanasab@tabrizu.ac.ir. (Responsible Author)
  2. Associate Professor of Quran and Hadith Department, Hazrat Masoumeh University Qom.  
(z.olyanasab@hmu.ac.ir)

## فلسفه ابتلائات دوران غیبت

### و کیفیت تأثیر آنها بر توانمندسازی یاوران امام مهدی عج

سیدحسین علیاناسب<sup>۱</sup>، سیدضیاءالدین علیاناسب<sup>۲</sup>

تاریخ دریافت: ۹۸/۱۱/۱۸ تاریخ پذیرش: ۹۹/۱/۲۳

#### چکیده

حضرت امام عصر ع به پیروان قدرتمندی نیاز دارد تا به پشتیبانی آنها جامعه انسانی را به جایگاه متعالی که خداوند مقرر کرده برساند، اما ابتلائات سخت دوران غیبت، موجب ناامیدی و ریزش تعداد زیادی از منتظران امام خواهد شد؟ بنابراین سوال پیش می‌آید که چرا خداوند منتظران آن حضرت را به گونه‌ای امتحان می‌کند که بسیاری از آنان از دین و اهل بیت روگردان شوند که در ظاهر موجب کاهش و تضعیف سپاه امام می‌گردد؟ برای پاسخ بدین سوال، پژوهش حاضر با مراجعه به منابع دینی و بهره‌گیری از روش توصیفی - تحلیلی این فرضیه را مورد بررسی قرار داد که ابتلائات عصر غیبت متأثر از تجارب تاریخی حجت‌های پیشین و متناسب با شرایط و اهداف متعالی دوران ظهور، سپاه امام را پالایش و تقویت می‌کنند و در نهایت نتیجه گرفت که این ابتلائات شرایطی را ایجاد خواهند کرد که مدعیان ضعیف قبل از ظهور امام صف خود را جدا کنند و یاران واقعی آن حضرت از لحاظ فکری، سیاسی، نظامی، اعتقادی، اخلاقی و بصیرتی چنان تقویت شوند که برای همه سختی‌های دوران ظهور آمادگی داشته باشند. **واژگان کلیدی:** امام مهدی ع، دوران غیبت، ابتلائات، یاوران توانمند.

۱. استادیار، گروه معارف اسلامی، دانشگاه تبریز، تبریز، ایران. (نویسنده مسئول) (olyanasab@tabrizu.ac.ir).

۲. دانشیار، گروه قرآن و حدیث، دانشگاه حضرت معصومه ع، قم، ایران. (z.olyanasab@hmu.ac.ir).

## مقدمه

آزمایش و امتحان یکی از سنت‌های الهی است که در تعابیر دینی با عبارات متعددی از قبیل فتنه (بقره: ۱۰۴ و طه: ۴۰)، امتحان (حجرات: ۳)، ابتلاء (بقره: ۲۴) و تمحیص (آل عمران: ۱۴۱ و ۱۵۴) مورد توجه قرار گرفته است، همه این واژه‌ها از نظر معنی شبیه هم هستند؛ چنان‌که صاحب مصباح‌المنیر با توصیف ذیل همه اصطلاحات مذکور را مرتبط می‌داند: (الْفِتْنَةُ) الْمِحْنَةُ وَ الْإِتْلَاءُ وَ الْجَمْعُ (فِتْنٌ) وَ أَصْلُ (الْفِتْنَةِ) مِنْ قَوْلِكَ (فَتَنْتُ) الذَّهَبَ وَ الْفِضَّةَ إِذَا أَخْرَقْتَهُ بِالنَّارِ لِیَبینَ الْجَيِّدُ مِنَ الرَّدِیِّ؛ فتنه آزمایش و امتحان است، وقتی می‌گویی طلا و نقره را فتنه کردم، یعنی با گذاختن آنها در آتش، طلای خوب را از طلای بد مشخص کردم و اختبرته بمعنی امتحنته؛ اختبار کردم او را، یعنی او را امتحان کردم (فیومی، بی‌تا: ج ۲، ۴۶۲)، علاوه بر این که اصطلاح «ابتلاء» بر آزمون همراه با رنج و سختی دلالت می‌کند و در باب افتعال مبالغه در بلا را متبادر می‌کند (طبرسی، ۱۴۲۷: ج ۱ و ۲، ۳۷۷) اما ابتلائات دوران غیبت ویژگی منحصر به فردی دارند و روایات مربوطه که از سختی دینداری در آخرالزمان؛ نزول بلایا، قحطی و کمیابی، شیوع مرگ و میر، اختلافات عمیق میان شیعیان و... خبر می‌دهند به این واقعیت رهنمون می‌شوند که ابتلائات دوران غیبت چنان سخت و طاقت‌فرسا هستند که تاکنون نظیر نداشته‌اند و مطابق فرمایش امام حسن عسکری علیه السلام به سبب طول دوران غیبت و سختی‌های آن، عده زیادی از منتظران امام از اعتقاد به آن حضرت باز خواهند گشت (ابن بابویه، ۱۳۵۹: ج ۲، ۳۸۶). شدت ابتلائات با چنین پیامدهای ناگوار که در ظاهر موجب تضعیف سپاه امام می‌شود این سوال را پیش می‌آورد که چرا خداوند منتظران امام را مورد سخت‌ترین آزمون‌ها قرار می‌دهد و این ابتلائات شدید چه تأثیر مثبتی در نهضت امام خواهد داشت؟

پژوهش حاضر با بهره‌گیری از نتایج برخی تحقیقات پیشین که معتقدند زمینه‌های فردی هم چون خصایص زیستی، ذهنی، عاطفی، روانی، خانوادگی و زمینه‌های اجتماعی و اقتضائات خاص جامعه اعم از شرایط فرهنگی، سیاسی، اعتقادی، اقتصادی و جغرافیایی به طور مستقیم بر پیدایش و نوع ابتلا سایه می‌افکند و بر شدت و پیامدهای آن نیز تأثیر می‌گذارد (راد و عطایی، ۱۳۹۵: ۹۸) و با این پیش فرض که چون حجت‌های پیشین الهی به سبب ضعف پیروانشان در نیل به اهداف متعالی توفیق کامل نیافتند و با توجه به این‌که حضرت مهدی علیه السلام، آخرین وعده الهی برای تحقق عدالت و حکومت صالحان بر روی زمین است و نباید شکست و خللی در نهضت جهانی وی ایجاد شود این فرضیه را تقویت می‌کند که خداوند



منتظران آن حضرت را در معرض آزمایش‌های سخت قرار می‌دهد تا قبل از ظهور امام کسانی که اندک ضعفی در ایمان دارند در غربال ابتلائات از صف منتظران جدا شوند و فقط کسانی باقی بمانند که ایمان قوی داشته و از همه مراحل ابتلائات عبور کنند، از سوی دیگر ابتلائات دوران غیبت فرصتی برای یاوران برگزیده آن حضرت فراهم می‌آورند که انواع سختی‌ها و ناملایمات را تجربه کنند تا پس از تحقق ظهور که سختی‌ها، دشمنی‌ها و موانع زیادی برای نهضت جهانی امام ایجاد خواهد شد آن حضرت از طرف یارانش دچار هیچ مشکلی نگردند و به تعبیر مقام معظم رهبری مثل انبیاء و اولیای طول تاریخ نشوند (مقام معظم رهبری، ۲۵ آذر ۱۳۷۶). بر همین اساس در ذیل رابطه ابتلائات دوران غیبت با تجارب رهبران پیشین و نقاط ضعف امت‌های گذشته و تأثیر آنها بر توانمندسازی یاوران امام در چارچوب نیازمندی‌های دوران ظهور مورد بررسی قرار می‌گیرند.

### تأثیرپذیری ابتلائات از نقاط ضعف امت‌های گذشته

تاریخ گواه است که اگر مردم به میزانی از بلوغ در افکار، عقاید، اخلاق و اراده‌های شان نرسیده باشند تلاش رهبران الهی برای ایجاد جامعه آرمانی ثمری ندارد. متون اسلامی مملو است از عبارات متعددی که نشان می‌دهد رهبران الهی و انسان‌های کامل در میان پیروان ضعیف خود منزوی و از آنان ناامید شده و به خاطر سستی آنان حتی دعا کرده‌اند تا خداوند بین آنها و امت‌شان جدایی بیفکند. نمونه‌های ذیل بخشی از این تجارب تلخ می‌باشد که در گونه‌شناسی ابتلائات دوران غیبت نشان می‌دهد این ابتلائات بر موضوعاتی تعلق گرفته‌اند که زمینه لغزش امت‌های پیشین بوده است.

#### ۱. ابتلائات اعتقادی

یکی از ابتلائات دوران غیبت که با تجربه گمراه شدن امت‌های پیشین مرتبط است فراهم شدن زمینه و امکان انحراف در باورها و رفتارهای دینی است که اغلب با پیدایش مدعیان هدایت‌گری انجام می‌شود و نمونه بارز آن فتنه سامری بود که موحدان را به پرستش گوساله سوق داد. (طه: ۸۸) این آسیب در دوران حیات و رحلت پیامبر ﷺ نیز واقع شده و تعدادی از مسلمانان را به دام انداخت (جزری، ۱۴۰۹: ج ۱، ۴۴۳)، این آزمایش که پیوسته در میان موحدان انشقاق ایجاد کرده و آنها را از رهبران شان جدا کرده است در دوران غیبت و در آستانه ظهور موعود به اوج می‌رسد. پیامبر ﷺ از ظاهر شدن شصت دروغگو خبر داده‌اند که هر کدام

خود را پیامبر ﷺ معرفی می‌کند (طبرسی، ۱۳۹۰: ۳۵۵). ابتلائات اعتقادی عصر غیبت زمانی از اهمیت برخوردار می‌شود که توجه کنیم در عصر ظهور نیز پرچم‌هایی برافراشته شده و حق و باطل را مشتبه کنند؛ امام صادق (ع) از دوازده پرچم شبیه هم یاد فرمودند که حق و باطل بودن‌شان تشخیص داده نمی‌شود و افراد بسیاری را گمراه می‌کنند، اما این حال فرمودند امر ما از نور خورشید روشن‌تر خواهد بود (کلینی، ۱۳۶۳: ج ۱، ۳۳۸). این روایت دلالت می‌کند امتحانات اعتقادی و بدل‌سازی برای ادیان و رهبران الهی که تاکنون برای منزوی کردن آنها موثر بوده برای پیروان امام عصر (ع) یک فتنه از پیش آمده و بی‌اثر خواهد بود و روشن بودن امر اهل بیت (ع) که امام صادق (ع) بدان اشاره فرموده‌اند اختصاص به دوران ظهور ندارد، بلکه همیشه روشن بوده است ولی یاران امام به دلیل تجاری که در پرتو ابتلائات دوران غیبت به دست می‌آورند این روشنی را درک می‌کنند.

## ۲. ابتلائات اخلاقی

شیوع مفاسد اخلاقی و ناهنجاری‌های اجتماعی، جامعه را در معرض سقوط و نابودی قرار می‌دهد، علاوه بر این در طول تاریخ امت‌هایی که ضعف اخلاقی داشتند نتوانستند با ولی خدا همراهی کنند؛ قوم حضرت لوط (ع) علیرغم این‌که پیامبر خود را انسان پاکی می‌دانستند ولی چون او را مانع خواسته‌های شهوانی خود می‌دیدند تصمیم گرفتند وی را از سرزمین خود اخراج کنند (مکارم شیرازی، ۱۳۸۰: ج ۶، ۲۴۵). لشکریان حضرت موسی (ع) نیز وقتی با حيله بلعم باعورا مواجه شدند که دستور داد زنان خودآرایی کرده و به بهانه خرید و فروش کالا به میان بنی اسرائیل رفته و آنها را به فساد و زنا سوق دهند، تسلیم انحراف و فساد اخلاقی شدند و ضمن این‌که اراده‌های آنان سست شد و پیامبرشان را با جسارت بیشتر نافرمانی کردند بیماری‌های مقاربتی و طاعون در میان‌شان شایع گردید تا آن‌جا که بنابر نقلی ۲۰/۰۰۰ نفر و به نقل دیگر ۹۰/۰۰۰ نفر از سپاه موسی (ع) هلاک شدند (مجلسی، ۱۳۸۰: ج ۱۳، ۳۷۳-۳۷۵). هم‌چنین به استناد آیه شریفه: ﴿إِنَّ الَّذِينَ تَوَلَّوْا مِنْكُمْ يَوْمَ الْتَقَى الْجَمْعَانِ إِنَّمَا اسْتَزَلَّهُمُ الشَّيْطَانُ بِبَعْضِ مَا كَسَبُوا﴾ (آل عمران: ۱۵۵) یکی از دلایل شکست مسلمین در جنگ احد این است که شیطان گناهان گذشته مجاهدان را به یادشان آورده بود و آنان دوست نداشتند خداوند را جز در حال رضایت او و پس از توبه‌ای خالصانه ملاقات کنند و به همین سبب از جنگ گریختند (طبرسی، ۱۴۲۷: ج ۲، ۳۳۲) و در واقع پیشینه و گذشته گناه‌آلود برخی از مجاهدان بود که فرار از جنگ را برایشان موجه جلوه داد تا فرصت زندگی و توبه داشته باشند.

بر همین اساس انحراف اخلاقی یکی از بزرگ‌ترین خطرات پیش روی هر نهضت متعالی است و امت منتظر از این جهت نیز مورد آزمایش قرار می‌گیرند؛ روایات دلالت می‌کنند که به دلیل کاهش یا از بین رفتن غیرت دینی در دوران غیبت، جامعه حساسیت کافی برای مقابله با منکرات را از دست می‌دهد و چه بسا ممکن است از لحاظ اجتماعی حتی جایگاه معروف و منکر عوض شود، همین امر موجب می‌شود بازدارنده‌های اجتماعی ارتکاب گناه از میان بروند و کسانی که اندک تمایلی به ارتکاب گناه دارند بتوانند به آسانی و بدون تحمل هر نوع هزینه اجتماعی به خواسته‌های قبیح خود برسند. کلینی روایت مفصلی از امام صادق علیه السلام نقل می‌کند که آن حضرت نسبت به گسترش ستم، مندرس شدن قرآن، ظاهر شدن فسق و فجور، شیوع مفاسد جنسی و کاهش قبح آن، شراب‌خواری علنی، خوار شدن آمرین به معروف و تمجید اهل گناه، عادی شدن ربا، شیوع رشوه و حرام‌خواری، سبک شمرده شدن نماز، بلند بودن صدای منافقان و سکوت و خاموشی اهل حق و... هشدار داده است (کلینی، ۱۳۶۳: ج ۸، ۳۶). تضعیف پایگاه اجتماعی ارزش‌های دینی در دوران غیبت موجب می‌شود نه تنها گناهکاران سرزنش اجتماعی نشوند برعکس، اهل ایمان که دارای تقیدات مذهبی هستند به خاطر دینداری و مراعات احکام الهی منزوی می‌شوند و شرایطی ایجاد می‌شود که هزینه‌های دینداری در اجتماع بیشتر از بی‌دینی باشد تا جایی که بی‌دینی موجب افتخار و دینداری مایه شرمساری تلقی شود و در نتیجه افرادی که اندک تردیدی در ایمان دارند از صف مؤمنان خارج شوند.

### ۳. ابتلائات اقتصادی

دنیادوستی و حب مال و فرزند و مقام، حجاب حقیقت شده و اجازه نمی‌دهند حقایق روشن تعالیم الهی مشاهده شوند و به همین دلیل دنیادوستی مردم پیوسته یکی از چالش‌های رهبران الهی بوده است. آیه شریفه «وَمَا أَرْسَلْنَا فِي قَرْيَةٍ مِنْ نَذِيرٍ إِلَّا قَالَ مُتْرَفُوهَا إِنَّا بِمَا أُرْسِلْتُمْ بِهِ كَافِرُونَ» (سبأ: ۳۴) به صراحت بیان می‌کند که پیامبران توسط کسانی که غرق و سرمست نعمت‌های دنیا بودند نفی می‌شدند و دلیل مقاومت آنها این بوده است که زیاده‌روی در لذت‌ها موجب می‌شود انسان‌ها از پذیرفتن حق استکبار ورزند (طباطبائی، ۱۳۸۲: ج ۱۶، ۵۷۸). دنیادوستان در صورتی هم که ایمان آورده و به پیامبران ملحق می‌شدند در روزهای سخت که باید از پیشوای خود حمایت می‌کردند دچار ضعف می‌شدند، در سوره مبارکه توبه می‌فرماید: «وَإِذَا أُنْزِلَتْ سُورَةٌ أَنْ آمِنُوا بِاللَّهِ وَجَاهِدُوا مَعَ رَسُولِهِ اسْتَأْذَنَكَ أُولُوا الطَّلُوفِ مِنْهُمْ وَ قَالُوا

ذَرْنَا نَكُنْ مَعَ الْقَاعِدِينَ» (توبه: ۸۶) اُولُوا الطَّلُوبِ کسانی بودند که دارای ثروت و توانایی مادی و جسمی کافی برای حضور در جنگ بودند ولی همه تلاش خود را به کار می‌بردند از جهاد معاف شوند (طبرسی، ۱۳۸۰: ج ۱، ۱۷۹) بدین دلیل که آنها جهاد را با منافع خود ناسازگار دیده و از شرکت در آن خودداری می‌کردند. بر همین اساس سیره اولیای الهی ساده‌زیستی بوده و پیروان خود را نیز به ساده‌زیستی دعوت می‌کردند؛ در نامه امیرالمؤمنین (علیه السلام) به عثمان بن حنیف تصریح شده که ساده‌زیستی، زهد و پرهیزکاری پیروان، یاری و مساعدت امام شمرده می‌شود (نهج البلاغه، نامه ۴۵).

قرآن کریم تصریح می‌کند بنی اسرائیل رفاه طلب و زیاده‌خواه بودند و روحیه ساده‌زیستی نداشتند و به همین دلیل خوار و حقیر شدند؛ آنها خطاب به حضرت موسی (علیه السلام) گفتند که نمی‌توانند به یک نوع غذا اکتفاء کنند و از پیامبرشان خواستند از خدا برایشان سبزیجات و خیار و سیر و عدس و پیاز هم بخواهد و در اثر همین تمایلات مادی و تعلقات دنیوی و عدم توجه به مقام معنوی الهی خداوند برایشان ذلت و حقارت مقدر فرمود (مصطفوی، ۱۳۸۰: ج ۱، ۳۱۵). علاوه بر این که دنیاپرستی خود ممکن است زمینه‌ساز حقارت یک امت باشد موجب جدا شدن از رهبران الهی و تنهایی حجت‌های الهی نیز می‌گردد؛ همان‌گونه که مسلمانان در جنگ احد پیامبر (صلی الله علیه و آله) را در میان انبوه مشرکان رها کرده و در حالی که صدای آن حضرت را می‌شنیدند بدون توجه به این که ممکن است پیامبر کشته، اسیر یا مجروح شود فرار کردند. (آل عمران: ۱۵۳) خداوند دلیل سستی مسلمانان را که به شکست جنگ انجامید و باید به عنوان یک تجربه مهم مورد توجه قرار گیرد مال دوستی آنان معرفی کرده است:

«... حَتَّى إِذَا فُشِلْتُمْ وَتَنَزَّعْتُمْ فِي الْأَمْرِ وَعَصَيْتُمْ مِنْ بَعْدِ مَا أَرَاكُمْ»

... تا آن که سست شدید و بر سر تقسیم غنایم به نزاع پرداختید و پس از آن که آن چه را دوست داشتید (غنایم) به شما نشان داد نافرمانی نمودید. (آل عمران: ۱۵۲)

در دوران زمامداری حضرت علی (علیه السلام) نیز طمع و دنیا دوستی برخی از همراهان و کارگزاران امام موجب شد در نهایت از آن حضرت جدا شوند و به ایشان خیانت کنند؛ نامه ۳ در مذمت تجمل‌گرایی قاضی حکومت علوی، نامه ۴۰ در اعتراض به اختلاس یکی از فرمانداران، نامه ۴۱ در نکوهش خیانت مالی یکی دیگر از کارگزاران، نامه ۴۳ در اعتراض به تقسیم بیت‌المال میان بستگان خود توسط فرماندار فیروزآباد، نامه ۴۵ در اعتراض به تجمل‌گرایی فرماندار بصره، نامه ۷۱ در سرزنش فرماندار اصطخر فارس به خاطر خیانت اقتصادی و موارد مشابه همگی حکایت

از این دارد که برخی یاوران امام علی علیه السلام تقوای مالی و طهارات اقتصادی نداشتند و حکومت آن حضرت را با چالش مواجه کردند.

این زمینه‌های تاریخی اقتضا می‌کند در دوران غیبت زهد منتظران هم به چالش کشیده شود و آنها تحت آزمون‌های شدید مالی و اقتصادی نیز قرار گیرند؛ براین اساس در دوران غیبت از مواهب و نعمت‌های الهی کاسته می‌شود و فقر و تنگدستی پدید می‌آید تا هم زمینه‌های لغزش و جدا شدن افراد سست از امام فراهم شود هم منتظران واقعی امام آزموده شده و قویتر شوند، امام صادق علیه السلام فرمودند:

إِنَّ قُدَامَ الْقَائِمِ عليه السلام لَسَنَّةٌ غَيْدَاقَةٌ يَفْسُدُ فِيهَا الْيَمَارُ وَالتَّمَرُ فِي النَّخْلِ فَلَا تَشْكُوا فِي ذَلِكَ؛

پیش از قائم علیه السلام سالی خواهد بود که باران‌های بسیار می‌بارد و میوه‌ها را از بین می‌برد و خرماها را بر نخل‌ها فاسد می‌کند؛ پس در آن دوران دچار شک نشوید (طوسی، ۱۴۱۱: ۴۴۹).

آن حضرت هم‌چنین از یک قحطی سه‌ساله خبر داده‌اند:

و يكون جفاف الأنهار... ويقع القحط و الغلاء ثلاث سنين؛

رودخانه‌ها خشک شده و قحطی و گرانی سه سال طول می‌کشد (طیبی، ۱۴۲۵: ۵۶؛ یاسرالحمدانی، ۲۰۰۸: ۸۱۴).

افرادی که این شرایط را تحمل کنند و در آزمون دنیادوستی دچار لغزش نشوند در دوران ظهور که دوران فرمانروایان ساده‌زیست خواهد بود ارکان حکومت امام خواهند شد؛ ساده‌زیستی کارگزاران حکومت امام زمانی از اهمیت برخوردار می‌گردد که توجه کنیم سیره حکومت مهدوی همانند حکومت علوی خواهد بود و آن حضرت مطابق فرموده امام صادق علیه السلام لباس خشن پوشیده و از غذاهای خشک و ناگوار استفاده خواهد کرد (مجلسی، ۱۳۸۰: ج ۵۲، ۳۵۴ و ۳۵۹).

#### ۴. امتحان شجاعت

۵۳

شجاعت از صفات جمیله و به معنای دلیر شدن در کارزار، دل‌داری و دلاوری است (دهخدا، ۱۳۷۷) و حالتی در انسان است که موجب می‌شود از اقدام به کارهای دشوار، ترس به خود راه ندهد و در مصاف با دشمن و تحمل دشواری‌ها از قوت قلب برخوردار باشد (فیض کاشانی، ۱۴۰۱: ج ۲، ۱۶). شجاعت همان‌گونه که یکی از ویژگی‌های پیامبران بوده و از شرایط لازم برای

کسب فرمانروایی و حاکمیت بر جامعه است (طبرسی، ۱۴۲۷: ج ۲، ۶۱۳) از صفات مهم پیروان انبیاء نیز می‌باشد و آیات متعددی مؤمنان را به دلاوری در برابر کافران ترغیب کرده (مائده: ۵۴؛ صف: ۴) و آن را یکی از رمزهای موفقیت و پیروزی مسلمانان دانسته‌اند. (احزاب: ۲۳) تاریخ نیز گواه است هرامتی که از شجاعت کافی برخوردار نبوده به اهداف متعالی نرسیده و تلاش پیامبران هم نجات بخش امت‌های ترسو و عافیت طلب نبوده است؛ براساس آیات قرآن، خداوند پس از نجات بنی‌اسرائیل از ستم فرعونیان فرمان داد به سوی سرزمین مقدس حرکت کرده و در آن وارد شوند، اما بنی‌اسرائیل که از حضور جمعیتی قدرتمند در سرزمین مقدس مطلع شدند و ترس از جنگ بر آنان غالب شد از دستور خدا سرپیچی کرده و گفتند: «تا ستمکاران (قوم عمالقه) از آن جا بیرون نروند ما وارد این سرزمین نخواهیم شد»، آنها به این هم اکتفاء نکرده و به موسی گفتند: «تو و خدایت به جنگ آنها بروید پس از آن که پیروز شدید ما وارد خواهیم شد» موسی که از امت خود رنجیده و تلاش‌هایش را بی‌حاصل می‌دید جدایی از قومش را از خدا خواست و پس از شکایت موسی به پیشگاه خداوند مقرر شد بنی‌اسرائیل ۴۰ سال در بیابان سرگردان بمانند. این در حالی است که خداوند مقرر داشته بود بنی‌اسرائیل در سرزمین مقدس به آرامش و رفاه زندگی کنند، اما این نعمت به خاطر ترسو بودن پیروان موسی از آنان سلب شد (طباطبایی، ۱۳۸۵: ج ۵، ۲۹۴). متناسب با این تجربه تاریخی در دوران غیبت ناامنی‌ها و کشتارها به اندازه‌ای افزایش پیدا می‌کنند که اغلب افراد به مصائب جانی و از دست دادن عزیزان خود مبتلا می‌شوند؛ امام باقر علیه السلام در روایتی فرمودند:

يَكْثُرُ سَفْكُ الدِّمَاءِ، وَ يَقْتُلُ مِنْ كُلِّ تِسْعَةِ سَبْعَةٍ أَوْ مِنْ كُلِّ سَبْعَةِ خَمْسَةٍ. فَيَقُولُ الْجَاهِلُ: مَا لَنَا فِي آلِ مُحَمَّدٍ حَاجَةٌ؛

خونریزی فراوان می‌شود و از هر نه نفر، هفت نفر کشته می‌شود و یا از هر هفت نفر، پنج نفر کشته می‌شود. تا شخص نادان بگوید: ما نیازی به آل محمد علیهم السلام نداریم! (صافی گلپایگانی، ۱۳۸۰: ۴۴۱).

ابتلا به مرگ و میراگر چه مصیبت آشکار است و رویگردان شدن عده‌ای از منتظران اهل بیت علیهم السلام را در پی دارد ولی موجب می‌شود عافیت طلبی کاسته شود و در سپاه امام ترس از مرگ مفهوم نداشته باشد. شجاعت و سلحشوری منتظران و یاوران امام زمانی از اهمیت مضاعف برخوردار می‌گردد که توجه کنیم دوران ظهور و حکومت آن حضرت برخلاف تصور عامه توأم با آرامش و فارغ از هرگونه تهدید و خطر نخواهد بود و روایات متعددی هشدار

می‌دهند که مؤمنان خود را برای مشکلات آماده کنند؛ همانند روایت امام صادق (ع) که در مقابل تفکر مرجئه که معتقد بودند همه کارها برای امام مهدی (ع) به خودی خود درست خواهد شد و به اندازه حجامتی خون نمی‌ریزد، فرمودند:

اگر چنین بود برای رسول خدا هم درست می‌شد در حالی که دندان‌های جلو آن حضرت شکست و صورت مبارکش زخم برداشت، سوگند به کسی که جانم به دست اوست تا ما و شما عرق و خون بسته را پاک کنیم و سپس پیشانی‌اش را مسح کرد (نعمانی، ۱۳۷۹: ۳۳۴ و ۳۳۲).

## ۵. امتحان بصیرت

بصیر کسی است که بشنود و بیندیشد، ببیند و بینا شود و از عبرت‌ها بهره گیرد سپس راه آشکار و روشن را در پیش گیرد و از افتادن در پرتگاه‌ها بپرهیزد<sup>۱</sup> بر این اساس امت و جامعه‌ای که بصیرت دارد سنجیده و هدفمند حرکت کرده و بدون ارزیابی دقیق و دوراندیشانه دست به کاری نمی‌زند و چنین جامعه‌ای در فتنه‌ها که حق و باطل در هم آمیخته می‌شوند دچار سر درگمی نمی‌شود. بی‌بصیرتی موجب ضعف تحلیل، ضعف در شناخت حق و باطل یا ضعف در شناختن زمان مناسب در حوادث سیاسی و اجتماعی می‌شود که یکی از موانع تحقق اهداف حجت‌های الهی بوده است، همان‌گونه که معاویه با سوءاستفاده از احساسات مردم پیراهن خلیفه مقتول را بر منبر مسجد شام آویخته و با تلاوت مداوم آیه شریفه «وَمَنْ قُتِلَ مَظْلُومًا فَقَدْ جَعَلْنَا لَوْلِيَّهِ سُلْطَانًا» (اسراء: ۳۳) شعار خون‌خواهی سر داده و مردم را چنان فریب داد که تمام مردم شام با معاویه بیعت کرده و متعهد شدند جان و مال‌شان را در راه او فدا کنند (منقری، ۱۴۰۴: ۳۲)، در حالی که نه علی (ع) قاتل عثمان بود و نه معاویه ولی دم عثمان. هم‌چنین در بحبوحه جنگ صفین زمانی که سپاه شام در آستانه شکست کامل قرار گرفت قرآن‌ها را روی نیزه بلند کرده و همگان را به صلح و پذیرفتن حکمیت قرآن فراخواندند و در نهایت با اختلاف افکنی در لشکر امام، مانع رسیدن آن حضرت به اهداف متعالی‌اش شدند (منقری، ۱۴۰۴: ۲۱۵). قیام حضرت امام حسین (ع) نیز اگر چه در مرحله دعوت مورد حمایت اکثریت شیعیان قرار گرفت ولی در شرایط سخت و زمانی که امام نیاز به حمایت عملی داشت تعداد یاران حضرت از عده محدود فراتر نرفت و قیام‌ها و شهادت‌های گسترده پس از واقعه عاشورا

۱. «إِنَّمَا الْبَصِيرُ مَنْ سَمِعَ فَتَفَكَّرَ وَ نَظَرَ فَأَبْصَرَ وَ انْتَفَعَ بِالْعِبَرِ ثُمَّ سَلَكَ جَدَدًا وَاضِحًا يَتَجَنَّبُ فِيهِ الصَّرْعَةَ فِي الْمَهَاوِي» (نهج البلاغه، خطبه ۱۵۳).

نشان داد که امام حسین (علیه السلام) طرفداران زیادی داشت که حتی حاضر بودند جان‌شان را فدای آن حضرت بکنند ولی دچار تحلیل غلط شده و زمان مناسب را از دست دادند. چنین تجاربی اقتضا می‌کند امت اسلامی در دوره غیبت به گونه‌ای امتحان شوند تا تجربه تنهایی امام تکرار نشود. بر این اساس در دوران غیبت فتنه‌ها، جنگ‌های داخلی و کشتارها بین مسلمین افزایش یافته و اغلب سرزمین‌های اسلامی را فرا می‌گیرند، پیامبر (صلی الله علیه و آله) برخی از مراکز و شهرهای بزرگ مسلمانان از جمله مدینه، مکه، یمن و شام را نام می‌برند که در گذر تاریخ اسلام پیوسته اثرگذار بوده‌اند، اما در دوران غیبت درگیر فتنه می‌شوند (اربلی، ۱۳۸۱: ج ۲، ۴۲۷؛ صدر، ۱۴۱۲: ج ۴، ۱۹۳). فتنه دیگر گرفتار شدن امت اسلامی به حاکمان فاسدی است که امور زندگی مردم را به دست گرفته و علاوه بر ستمگری و ایجاد وحشت، زمینه گمراهی و فساد را فراهم می‌کنند؛ امام صادق (علیه السلام) در تفسیر آیه شریفه ﴿وَلَنَبْلُوَنَّكُمْ بِشَيْءٍ مِّنَ الْخَوْفِ...﴾ (بقره: ۱۵۵) فرمودند: بشیء من الخوف یعنی شما مؤمنان را قبل از خروج قائم (علیه السلام) امتحان می‌کنیم به وسیله پادشاهان بنی‌فلان در آخر سلطنت‌شان (نعمانی، ۱۳۹۷: ۲۵۰)، حضرت پیامبر این حاکمان فرومایه را از آن لحاظ خطرناک می‌داند که بین مسلمانان و تمام اقشار و گروه‌های اجتماعی تفرقه می‌اندازند، عقل مردم را تضعیف کرده و حکومت خود را بر ضعف عقلانیت و بزرگ‌نمایی خود در چشم مردم بنا می‌کنند (ابن طاووس، ۱۳۹۸: ۱۵۶). مقام معظم رهبری زمان فعلی را بخشی از همان مقطع می‌دانند که دموکراسی‌ها حکومت‌های خود را بر پایه پول، تبلیغات دروغ و فریبنده و مسحور کردن چشم‌ها و دل‌ها قرار داده‌اند و معتقدند بزرگ‌ترین وظیفه منتظران امام زمان (علیه السلام) این است که از لحاظ معنوی و اخلاقی و عملی و پیوندهای دینی و اعتقادی و عاطفی با مؤمنین و هم‌چنین برای پنجه درافکندن با زورگویان، خود را آماده کنند و تأکید می‌کنند که منتظران حقیقی که می‌توانند پشت سر آن حضرت در میدان‌های خطر قدم بگذارند تنها کسانی هستند که آماده دفاع از ارزش‌ها و میهن اسلامی و پرچم برافراشته‌ی اسلام هستند و اما کسانی که در مقابل خطر، انحراف و چرب و شیرین دنیا خود را می‌بازند و زانوان‌شان سست می‌شود و حاضر نیستند حرکتی کنند که مطامع آنها را به خطر می‌اندازد منتظر امام زمان (علیه السلام) به حساب نمی‌آیند (مقام معظم رهبری، ۳ مهر ۱۳۸۱). تجارب فتنه‌های عصر غیبت و بصیرتی که منتظران در این دوران به دست می‌آورند موجب می‌شود در عصر ظهور که برخی فتنه‌گران از حربه‌های دینی علیه امام استفاده کرده و کتاب خدا را علیه امام تأویل می‌کنند و با قرآن بر امام احتجاج کرده و تلاش می‌کنند افراد دیندار را دچار تردید کنند نتوانند برای نهضت



امام مشکل ایجاد کنند، اهمیت این بصیرت از آن جهت است که روایات نشان می‌دهند امام از هر جهت آماج توطئه دشمنان خواهد بود به گونه‌ای که برخی از مخالفان امام جوانی حضرت را بهانه خواهند کرد تا از وی اطاعت نکنند. امام صادق علیه السلام در این باره فرمودند:

يُظْهَرُ فِي صُورَةِ شَابٍ مُوقِّقٍ ابْنُ اثْنَيْنِ وَثَلَاثِينَ سَنَةً حَتَّى تَرْجَعَ عَنْهُ طَائِفَةٌ مِنَ النَّاسِ؛  
ظاهر می‌شود در چهره جوان رشید سی و دو ساله تا آن جا که گروهی از مردم از عقیده خود  
نسبت به آن حضرت بر می‌گردند (طوسی، ۱۴۱۱ق: ۴۲۰).

آن حضرت در روایت دیگری هم فرمودند عده‌ای کتاب خدا را علیه امام تأویل می‌کنند و با آن بر او احتجاج می‌نمایند (نعمانی، ۱۳۷۹: ۳۴۹).

مطالب مذکور بخشی از ضعف‌های پیشینیان است و تاریخ گواهی می‌دهد که برخی از رهبران الهی که تشکیل حکومت داده یا قیام کرده بودند به خاطر عدم شجاعت یاران خود، مطامع مادی، دنیازدگی، ضعف اعتقادی و اخلاقی یا ضعف در تحلیل سیاسی پیروان خود دچار انزوا شده و به اهداف متعالی نرسیدند و ممکن است به همین خاطر باشد که در مواردی که مجدداً دعوت به قیام شدند از پذیرش و رهبری آن امتناع کردند؛ چنان‌که حضرت امام سجاد علیه السلام با قیام مختار و قیام حره همراهی آشکار نداشتند، امام صادق علیه السلام در پاسخ دعوت به رهبری قیام «الرضا من آل محمد» به ابوسلمه خلال فرمودند: «او شیعه شخص دیگری است» و در پاسخ ابومسلم خراسانی فرمودند: «نه تو از داعیان من هستی و نه زمان، زمان من است»، امام رضا علیه السلام نیز علاوه بر این‌که از قیام‌های پراکنده برخی از علویان فاصله می‌گرفتند از پذیرش جانشینی مأمون طفره رفته و در نهایت به شرط عدم مداخله در امور حکومتی آن را پذیرفتند (اقتباس از جعفریان، ۱۳۹۱: ۱۴۰-۲۷۰).

#### تأثیر ابتلائات بر توانمندسازی یاوران امام عصر علیه السلام

مبارزه حق و باطل پیوسته وجود داشته و این وضع تا زمانی که انسان‌ها به اراده خود تابع حق گردند ادامه خواهد یافت. اوج این مبارزات در عصر ظهور امام موعود علیه السلام واقع خواهد شد و تمام قدرت‌های باطل در مقابل امام صف‌آرایی خواهند کرد. اما بر خلاف مبارزات پیشین که جریان باطل توانسته است از ضعف طرفداران رهبران حق بهره‌برد در عصر ظهور چنین فرصتی نخواهد داشت، بدین دلیل که منتظران امام همه ابتلائات دوران غیبت را تجربه کرده و از همه فتنه‌ها و آزمون‌ها سربلند بیرون آمده و به مرحله‌ای از بلوغ فکری، مذهبی، سیاسی،

اخلاقی و... می‌رسند که هیچ فتنه احتمالی در آنها تأثیر نمی‌گذارد؛ براین اساس بر خلاف گذشته که مردم رهبران حق را تنها گذاشتند مطابق فرمایش امام صادق علیه السلام خداوند به وسیله افراد بسیار قدرتمندی امام عصر علیه السلام را یاری می‌کند که «... دل‌هایی استوارتر از پاره‌های آهن دارند که تردید در آن راه نمی‌یابد، اقتداری دارند که چون از برابر کوه‌ها بگذرند صخره‌ها به لرزه درآیند، زمانی که حرکت کنند به قدر مسافت یک ماه در دل دشمنان وحشت ایجاد کنند، تا وقتی که خداوند بخواهد و خشنود شود شمشیرها را غلاف نمی‌کنند، تمامی ملکات و فضایل انسانی و اخلاقی را دارند، متقی هستند و فقط از خدا بیم دارند، شب‌ها را به عبادت به سر می‌برند، ایستاده یا بر روی اسبان‌شان شب را سحر می‌کنند و روزها همانند شیر مبارزه می‌کنند. ولایت‌پذیری و اطاعت‌شان از امام فراتر از اطاعت کنیز از مولای خویش است، در بلاها جان‌های‌شان را سپر او می‌کنند و هر فرمانی بدهد اجابت می‌کنند، آرزوی شهادت دارند، با شعار «یا لثارات الحسین» به میدان می‌آیند و دوست دارند در راه خدا کشته شوند...» (مجلسی، ۱۳۸۰: ج ۵۲، ۳۰۸).

این قبیل روایات که در اوصاف یاران امام وارد شده است نشان می‌دهند یاران امام از هر جهت در عالی‌ترین سطح ممکن قرار دارند ولی نکته مهم‌تر این است که این توانمندی‌ها را مرهون تربیتی هستند که در دوران غیبت و در پرتو ابتلائات سپری کرده‌اند؛ امام علی علیه السلام فرایند تربیت و غربال این افراد را به انبار گندمی تشبیه می‌فرمایند که بارها به آفت کرم‌زدگی دچار و پاکسازی می‌شود و این اتفاق آن قدر تکرار می‌شود و هر بار گندم‌های آسیب دیده را جدا می‌کنند تا این که برخی گندم‌های باریک و رشته مانند شبیه خس باقی بماند که کرم‌ها دیگر نمی‌توانند در آنها کوچک‌ترین اثری داشته باشند (نعمانی، ۱۳۷۹: ۱۱۲). روایت دیگری از امام صادق علیه السلام تربیت و غربال یاران امام را با امتحان پیروان حضرت نوح مقایسه می‌فرماید؛ بدین ترتیب که خداوند در پاسخ به درخواست نوح برای عذاب کافران نزول عذاب را مشروط کرد به این که نوح دانه خرمائی بکارد و پس از ثمر دادن درخت، عذاب نازل شود، نوح همین کار را انجام داد اما عذاب نازل نشد. دو ثلث پیروان نوح که به زعم خود خلف وعده دیده بودند از او جدا شدند، نوح باز هم دعا کرد و خداوند همان شرط را تکرار کرد و باز هم عذاب محقق نشد و برای بار دوم دو ثلث پیروان نوح کافر شدند، در نهایت پس از ده بار تقاضای عذاب و وعده مشابه خداوند که هر بار نیز دو ثلث پیروان نوح کافر می‌شدند جمع خیلی از مؤمنان که پس از تجربه ده آزمون هم‌چنان در ایمان خود ثابت مانده بودند اظهار کردند ایمان‌شان با عدم

تحقق وعده مذکور کم نخواهد شد دعای نوح مستجاب شد و همان افراد خاص همراه نوح وارد کشتی شده و نجات یافتند (نعمانی، ۱۳۷۹: ۳۳۷).

دستآورد ابتلائات فراگیر دوران غیبت در نهایت افرادی هستند که از هر جهت ساخته شده و دارای تربیت و توانمندی‌های گسترده هستند. حضرت علی علیه السلام این افراد تربیت شده را که در نهضت جهانی امام در خدمت آن حضرت قرار می‌گیرند کسانی می‌داند که در کشاکش فتنه‌ها بصیرت خویش را همان‌گونه که آهنگر تیغه شمشیر را صیقل دهد صیقل داده و دیدگان‌شان را به نور قرآن روشن ساخته و گوش‌های‌شان را به تفسیر قرآن نوازش می‌دهند و هر شامگاه و بامداد جام‌های حکمت سر می‌کشند (نهج‌البلاغه، خطبه ۱۵۰).

بزرگان شیعه هم هرگاه با این سؤال مواجه می‌شدند که با وجود کثرت پیروان، چرا امام ظهور نمی‌کنند پیوسته به ضرورت خالص بودن منتظران تأکید می‌کردند؛ هم‌چنان‌که وقتی از شیخ مفید پرسیدند که شما شیعیان از جعفر بن محمد روایت می‌کنید که اگر تعداد یاران امام به اندازه اهل بدر باشد ظهور می‌کند در حالی که امروز شیعه چندین برابر اهل بدر است پس چرا امام هم‌چنان در غیبت است؟ پاسخ داد:

منظور فقط کمیت نیست، بلکه کیفیت خاص هم مورد نظر است؛ درست است که امروز شیعه چندین برابر اهل بدر است اما هنوز معلوم نیست صفات و شرایط اهل بدر را هم داشته باشند؛ چرا که باید دارای سطح بالایی از شجاعت و تحمل جنگ با دشمن باشند، در جهاد اخلاص داشته باشند، آخرت را بر دنیا ترجیح دهند، دارای تهذیب نفس و تن و عقل سالم باشند، در جنگ با دشمن سست نشوند... اگر خداوند بداند که در میان شیعه به تعداد مذکور افرادی دارای این مشخصه‌ها بوده و از شمشیر کشیدن معذور نباشند قطعاً امام ظهور خواهد کرد... (شیخ مفید، ۱۴۱۳: ۴).

خاستگاه پاسخ شیخ مفید احادیث متعددی هستند که فرج امام را به غربال شدن منتظران مقید کرده‌اند؛ همانند فرمایش امام باقر علیه السلام در پاسخ جابر جُعی که وقتی زمان فرج را پرسید سه بار فرمود زمانی که غربال شوید (مجلسی، ۱۳۸۰: ج ۱، ۲۴۴).

بر همین اساس خداوند با آزمون‌های بسیار سخت و متناسب و متأثر از شرایط حجت‌های گذشته و مأموریت‌ها و وظایف آینده تربیت منتظران را رقم می‌زند و امام عصر علیه السلام زمانی زمام جامعه را به دست می‌گیرد که پیروان آن حضرت به چنین قابلیت‌های بسیار بالا دست یافته و تفاوت اساسی با دیگر امت‌ها داشته باشند.

## نتیجه‌گیری

پژوهش حاضر با توجه به تأثیر پذیری ابتلائات دوران غیبت از تجارب ناکامی رهبران پیشین و توجه به تکالیف سخت دورن ظهور و تربیت افراد متناسب با اهداف متعالی آن دوران نتیجه می‌گیرد که مشکلات و آزمون‌های دوران غیبت نه تنها منفعلانه نیستند بلکه فعال و هدفمند هستند و از تجارب ارزنده و منطقی متعالی تبعیت می‌کنند که حاصل آن تربیت انسان‌های شایسته و آزموده برای اصلاح جهان می‌باشد. ابتلائات از یک طرف زمینه‌ای فراهم می‌کنند که مدعیان ضعیف در دوران غیبت راه خود را جدا کنند و تنها کسانی که دارای مراتب بسیار بالایی از ایمان و معرفت باشند در اعتقاد خود به امام عصر علیه السلام باقی بمانند (نعمانی، ۱۳۷۹: ۲۰۴) و از سوی دیگر فرصتی ایجاد می‌کنند تا مؤمنان واقعی انواع شیوه‌های دشمنی و فتنه‌انگیزی جبهه باطل را تجربه کنند به گونه‌ای که پس از ظهور امام دشمنان هر فتنه‌ای که علیه آن حضرت و پیروان حق ترسیم کنند بی‌تأثیر باشد. امام باقر علیه السلام یا واران امام عصر علیه السلام را بدین دلیل مصون می‌داند که در فتنه‌های دوران غیبت حاذق‌ترین انسان‌ها که به تعبیر امام یک تار مو را به دو نیم تقسیم می‌کنند سقوط می‌کنند و فقط اهل بیت و شیعیان خالص‌شان باقی می‌مانند (نعمانی، ۱۳۷۹: ۱۰۷).

بر این اساس ابتلائات نه تنها جنبه منفی دوران غیبت به حساب نمی‌آیند بلکه به خاطر دستاوردهای مهمی که دارند ضروری‌ترین بخش دوران غیبت نیز هستند، این ضرورت مورد توجه بسیاری از اندیشمندان و مصلحان اسلامی نیز قرار گرفته است؛ امام خمینی علیه السلام از فتنه‌ای با عنوان اسلام آمریکایی خبر داده و راه مبارزه با آن را بسیار پیچیده توصیف کرده و تأکید کرده است که تمامی زوایای آن باید برای مسلمانان روشن گردد (امام خمینی، ۱۳۸۹: ج ۲۱، ۱۲۱). سید محمد باقر صدر نیز خود ساختگی این افراد را یادآور شده و بیان کرده است انسان‌هایی که خود را از درون نساخته باشند هیچ‌گاه نمی‌توانند سخن حق را به کار بسته و تحولی در بنای جامعه صالح ایجاد کنند (صدر، ۱۳۸۸: ۱۴۹). مقام معظم رهبری نیز ابزار دشمن علیه جامعه اسلامی را سه عامل پول، سلاح و تبلیغات دانسته و تأکید کرده‌اند تنها چیزی که می‌تواند با پول که انسان‌ها را برده می‌کند، با سلاح که انسان‌ها را می‌ترساند و مرعوب می‌کند و با تبلیغات که انسان‌ها را خام می‌کند و فریب می‌دهد مقابله کند ایمان روشن و ایمان با بصیرت است (مقام معظم رهبری، ۲ آذر ۱۳۷۷).

این سطح از تربیت و کسب آمادگی شرط مهم آغاز نهضت امام است و اثبات این امر هم

پس از سخت‌ترین امتحانات ممکن خواهد شد، بر این اساس ظهور امام وقتی محقق می‌شود که پیروان حضرت به مرحله‌ای از بلوغ و پختگی اعتقادی، فکری، اخلاقی، سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و... رسیده باشند که در هیچ مرحله‌ای از دوران ظهور آسیب نبینند. تشکیل چنین سپاه قدرتمندی که از لحاظ عقلی، جسمی، فکری، روحی، اخلاقی، نظامی، سیاسی و... در اوج باشد زمانی اهمیت مضاعف پیدا می‌کند که توجه داشته باشیم روز به روز روش‌های دشمنی با جهان اسلام نیز پیچیده‌تر می‌شود و فتنه‌گری‌ها علیه مسلمانان افزایش پیدا می‌کند و هر تلاشی که منافع مستکبران جهان را به چالش بکشد مورد انواع هجمه‌ها قرار می‌گیرد. پژوهش حاضر در حد بضاعت خود تلاش کرد در راستای بسط فرهنگ تربیت افراد در چارچوب اهداف ظهور گام کوچکی بردارد امید است با جدیت بیشتر پژوهشگران و اندیشمندان عرصه مهدویت جنبه‌های بیشتری از این تکلیف مورد توجه قرار گیرد.

## منابع

قرآن کریم

نهج البلاغه

۱. ابن ابی الحديد، عزالدین ابوحامد عبدالحمید، شرح نهج البلاغه، ترجمه محمود مهدوی دامغانی، تهران، نشرنی، دوم، ۱۳۷۵.
۲. ابن اثیر جزری، عزالدین أبوالحسن، أسد الغابة فی معرفة الصحابة، بیروت، دارالفکر، ۱۴۰۹.
۳. ابن بابویه، محمد بن علی، کمال الدین و تمام النعمة، تصحیح و تعلیق: علی اکبر غفاری، تهران، دارالکتب الاسلامی، ۱۳۵۹.
۴. ابن طاووس، علی بن موسی، الملاحم والفتن فی ظهور الغایب المنتظر علیه السلام، قم، الشریف الرضی، ۱۳۹۸ ق.
۵. اربلی، علی بن عیسی، کشف الغمة فی معرفة الأئمة، تعلیق: هاشم رسولی، تبریز، بنی هاشمی، ۱۳۸۱.
۶. بحرانی، سید هاشم، غایة المرام وحجة الخصام، بیروت، مؤسسة التاريخ العربی، ۱۴۲۲.
۷. بلاذری، احمد بن یحیی، انساب الاشراف، تحقیق و تعلیق: محمد باقر المحمود، بی جا، مؤسسه تحقیقات و نشر معارف اهل البيت علیهم السلام، ۱۳۸۵.
۸. جعفریان، رسول، حیات فکری و سیاسی امامان شیعه، قم، دفتر نشر معارف، ۱۳۹۱.
۹. الحمدانی، یاسر بن احمد، جواهر من أقوال الرسول، قاهره، دارالحرمین، ۲۰۰۸.
۱۰. دلشاد تهرانی، مصطفی، سیری در تربیت اسلامی، تهران، انتشارات دریا، ۱۳۸۵.
۱۱. دهخدا، علی اکبر، لغت نامه، تهران، مؤسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران، ۱۳۷۷.
۱۲. راد، علی؛ عطایی، پریسا، «رابطه متقابل جامعه و ابتلاءهای اجتماعی پیامبران؛ مطالعه موردی حضرت ابراهیم علیه السلام»، نشریه سراج منیر، شماره ۲۵، زمستان ۱۳۹۵.
۱۳. صافی گلپایگانی، لطف الله، منتخب الأثر فی أحوال الإمام الثانی عشر، قم، دفتر آیت الله صافی گلپایگانی، ۱۳۸۰.
۱۴. صدر، سید محمد، موسوعة الامام المهدي، بیروت، دارالتعارف للمطبوعات، ۱۴۱۲.
۱۵. صدر، سید محمد باقر، سنت های تاریخ در قرآن، ترجمه: سید جمال الدین موسوی اصفهانی، تهران، تفاهم، ۱۳۸۸.

۱۶. طباطبائی، سید محمدحسین، *المیزان فی تفسیر القرآن*، قم، دفتر انتشارات اسلامی، ۱۳۸۲.
۱۷. طبرسی، ابوعلی فضل بن حسن، *مجمع البیان فی تفسیر القرآن*، بیروت، دارالمرتضی، ۱۴۲۷.
۱۸. طبرسی، ابوعلی فضل بن حسن، *اعلام الوری*، تهران، دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۹۰ ق.
۱۹. طوسی، محمد بن الحسن، *الغیبه*، قم، دارالمعارف الاسلامیه، ۱۴۱۱ ق.
۲۰. فیض، ملا محسن، *مفاتیح الشرایع*، قم، مجمع الذخایر الاسلامیه، ۱۴۰۱.
۲۱. فیومی، احمد بن محمد، *المصباح المنیر فی غریب الشرح الکبیر للرافعی*، بی جا، منشورات دارالرضی، بی تا.
۲۲. کلینی، محمد بن یعقوب، *الکافی*، تهران، دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۶۳.
۲۳. مجلسی، محمد باقر، *بحار الأنوار فی تفسیر المأثور للقرآن*، قم، انتشارات مسجد مقدس جمکران، ۱۳۸۰.
۲۴. مصطفوی، حسن، *تفسیر روشن*، تهران، مرکز نشر کتاب، ۱۳۸۰.
۲۵. مفید، محمد بن محمد بن النعمان، *الرسالة الرابعة فی الغیبه*، قم، دارالمفید، ۱۴۱۳.
۲۶. مکارم شیرازی، ناصر، *تفسیر نمونه*، تهران، دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۸۰.
۲۷. منقری، نصر بن مزاحم، *وقعة الصفین*، تحقیق: عبدالسلام هارون، قم، انتشارات کتابخانه آیت الله مرعشی رحمته الله، ۱۴۰۴.
۲۸. موسوی خمینی، سید روح الله، *صحیفه*، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی رحمته الله، پنجم، ۱۳۸۹.
۲۹. نعمانی، محمد بن ابراهیم، *الغیبه*، تهران، نشر صدوق، ۱۳۷۹ ق.

30. <http://www.leader.ir>

## Accelerated bedrock, consequences and solutions

**Dr.Saiyed Mahdi Majidi Nezami<sup>1</sup>**

### **Abstract**

This article seeks to explain the causes and consequences of transgression and provide a solution to deal with and treat it as a moral and epistemological defect in the field of Mahdawi education. hurrying up has been condemned both because it is due to the weakness of the soul and as a sign of the weakness of faith and the lack of heartfelt obedience to God's will and wisdom, and because it has led to corruption and bad consequences. The question is, what are the factors of transgression as a harm in the field of Mahdawi education? And what is the position of the infallible leaders against it? This research has been done in a narrative-analytical way and the research findings show that the weakness of the soul along with factors such as ignorance and blindness, weakness of faith, profiteering, worldliness, impatience against God's will and wisdom play a role in this issue. Disobedience to the divine will and wisdom, and unwise actions, as well as resorting to adaptation and expectation, each of which has been banned and condemned and will have devastating consequences on people's religious beliefs, are among the consequences of transgression. The aim of the research is to increase the insight of Mahdawi believers (AS) and to prevent deviations in the field of Mahdawi (AS) knowledge.

**Keyword:** Mahdawi knowledge, hurrying up, deviations, assignation, adaptations and insight Increase

---

1. Member of the faculty and assistant professor of the Institute of Islamic Sciences and Culture.(m.majidi@isca.ac.ir)





ISSN: 2423 - 7655



فصلنامه علمی، ترویجی مهدویت  
شماره سی و دوم / سال هشتم / بهار ۱۳۹۹

## بسترشناسی استعجال، پیامدها و راهکارها

سیدمهدی مجیدی نظامی<sup>۱</sup>

تاریخ دریافت: ۹۸/۹/۲۹ تاریخ پذیرش: ۹۸/۱۲/۱۲

### چکیده

این مقاله به دنبال تبیین عوامل و پیامدهای استعجال و ارائه راهکار برای مقابله و درمان آن به عنوان نقیصه اخلاقی و معرفتی در حوزه معارف مهدوی علیه السلام است. استعجال هم از آن رو که ناشی از ضعف نفس و نشانه ضعف ایمان و عدم تمکین قلبی در برابر اراده و حکمت الهی است نکوهش شده و هم از آن جهت که مفاسد و پیامدهای بدی به دنبال دارد نکوهیده است. سؤال این است که عوامل استعجال به عنوان یک آسیب در حوزه معارف مهدوی علیه السلام کدام‌اند؟ و موضع پیشوایان معصوم در برابر آن چیست؟ این پژوهش به صورت نقلی - تحلیلی انجام گرفته و یافته‌های تحقیق بیانگر آن است که ضعف نفس همراه با عواملی مانند: جهل و بی بصیرتی، ضعف ایمان، سودجویی، دنیاطلبی، ناشکیبایی در برابر اراده و حکمت الهی در این مسئله نقش آفرینی می‌کند. عدم تمکین در برابر اراده و حکمت الهی و اقدام به کارهای نابخردانه هم چنین روی آوری به تطبیق و توقیت که هرکدام از آن‌ها نیز مورد نهی و نکوهش واقع شده‌اند و پیامدهای مخربی بر اعتقادات دینی مردم خواهند داشت از پیامدهای استعجال محسوب می‌شوند. هدف پژوهش، بصیرت‌افزایی مؤمنان مهدوی علیه السلام و پیشگیری از انحرافات در حوزه معارف مهدوی علیه السلام است. واژگان کلیدی: معارف مهدوی علیه السلام، استعجال، انحرافات، توقیت، تطبیق و بصیرت‌افزایی.

۱. استادیار گروه سازماندهی اطلاعات و مدارک، پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی، قم، ایران.  
(m.majidi@isca.ac.ir).

## مقدمه

مسئله مهدویت از مسائلی است که با طرح و نقشه الهی برای خلافت الهی در زمین و حکومت صالحان بر سراسر این کره خاکی ارتباط دارد. خداوند در قرآن وعده داده است که صالحان را خلیفه خود در زمین قرار داده (انبیاء: ۱۰۵؛ نور: ۵۵) و دین خود را بر پهنه زمین گسترانده و حاکم گرداند گرچه کافران و مشرکان را ناخوش آید (توبه: ۳۳). این حکومت که در روایات از آن تعبیر به «دولتنا» یعنی: دولت ما اهل بیت علیهم‌السلام شده است (شیخ مفید، ۱۴۱۳ق: ج ۲، ۳۸۵؛ شیخ طوسی، ۱۴۲۵ق: ۴۷۲) حکومتی است جهانی که هدفش عدالت‌گستری، در سراسر کره زمین است (کلینی، ۱۴۰۷ق: ج ۱، ۳۳۸؛ نعمانی، ۱۳۹۷ق: ۶۰ و ۸۶). در این حکومت، عدل الهی در تمام ابعاد و زوایای زندگی انسان حتی در اندرونی خانه‌ها نیز نفوذ خواهد کرد (نعمانی، ۱۳۹۷ق: ۲۹۷)، هیچ فرد نیازمندی در سایه این حکومت نخواهد بود؛ همه در سایه عدل‌گستری مهدوی علیه‌السلام خود را مستغنی می‌یابند (شیخ مفید، ۱۴۱۳ق: ج ۲، ۳۸۱)، عقول مردم جمع و افکارشان کامل شده (کلینی، ۱۴۰۷ق: ج ۱، ۲۵؛ شیخ صدوق، ۱۳۵۹ق: ج ۲، ۶۷۵؛ علامه مجلسی، ۱۴۰۴ق: ج ۱، ۸۰؛ دوانی، ۱۳۷۸: ۱۱۱۵) و حال عموم مردم نیکو می‌شود (شیخ صدوق، ۱۳۵۹ق: ج ۲، ۶۴۷) در زمان آن حضرت صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم نعمت، فراوان و مردم در راحتی بوده و از وی رضایت خواهند داشت (ابن حماد ۱۴۲۳ق: ۲۳۸؛ شیخ طوسی، ۱۴۲۵ق: ۱۷۸؛ اصفهانی، ۱۴۲۸ق: ج ۱، ۱۴۹؛ اربلی ۱۴۲۱ق: ج ۲، ۹۸۱). نام و نشانه‌های این شخصیت عظیم الهی در احادیث پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم و روایات اهل بیت علیهم‌السلام به صورت شفاف بیان شده است (ابن حماد ۱۴۲۳ق: ۲۵۷؛ شیخ صدوق، ۱۳۵۹ق: ج ۲، ۴۱۱؛ طبرسی ۱۳۷۶ق: ج ۲، ۲۴۰؛ صدر، ۱۴۱۲ق: «ب» ج ۳، ۳۵۸؛ فتلاوی، ۱۴۲۷ق: ۵۰۴).

وجود چنین شخصیت مبارکی، برای مردم، بسیار جذاب و مورد اقبال خواهد بود و آن‌ها بر اساس فطرت خود، به سوی او که برپاکننده حکومت الهی صالحان بر سراسر کره زمین است جذب خواهند شد. موفقیت چنین شخصیتی در انجام مأموریت الهی جهانی، نیاز به نقشه دارد و مقتضای نقشه و حکمت الهی آن بود که ظهور چنین شخصیتی تا فراهم شدن همه جوانب و زمینه‌ها به تأخیر بیفتد (شیخ صدوق، ۱۳۵۹ق: ج ۲، ۴۷۹ و ۴۸۵؛ شیخ طوسی، ۱۴۲۵ق: ۲۹۲؛ صافی گلپایگانی، ۱۳۸۰، ۲، ۲۶۱) و به ناچار مدتی در غیبت خواهد بود تا شرایط ظهور او، فراهم شود (نعمانی، ۱۳۹۷ق: ۱۶۶-۱۷۷؛ شیخ صدوق، ۱۳۵۹ق: ۲، ۴۸۰-۴۸۲) برای ظهور او نیز علائم و نشانه‌هایی در روایات بیان شده (نعمانی، ۱۳۹۷ق: ۲۶۲ و ۲۹۰؛ شیخ صدوق،

۱۳۵۹: ج ۱، ۳۲۸ و ۳۳۱؛ شیخ مفید، ۱۴۱۳ق: ج ۲، ۳۶۸) و برای آن که آمادگی مردم حفظ شود دستور به انتظار مستمر فرج داده شده است (کلینی، ۱۴۰۷ق: ج ۱، ۳۳۳؛ شیخ صدوق، ۱۳۵۹: ج ۲، ۳۳۹؛ نعمانی، ۱۳۹۷ق: ۲۹۵؛ شیخ طوسی، ۱۴۲۵ق: ۳۴۱؛ علامه مجلسی ۱۴۰۳ق: ۴، ۱۳۲). در این میان، ممکن است عده‌ای بی‌تابی کنند و تحمل درک زمان غیبت را نداشته باشند و دچار استعجال شوند و حالت تسلیم را از دست بدهند. استعجال در حقیقت، ناشکیبایی در برابر اراده الهی و مطالبه از خداوند تبارک و تعالی است که آن حضرت برخلاف حکمت الهی پیش از موعد مقرر و مهیا شدن تمامی زمینه‌ها و شرایط لازم، ظهور کند. از چنین افرادی در روایات با عنوان «مستعجلون» نام برده شده و جزو هلاک‌شوندگان قلمداد شده‌اند و مورد نکوهش واقع شده‌اند (کلینی، ۱۴۰۷ق: ج ۱، ۳۶۸؛ نعمانی، ۱۳۹۷ق: ۱۹۸؛ شیخ طوسی، ۱۴۲۵ق: ۴۲۶). این پژوهش به دنبال تبیین عوامل و پیامدهای استعجال به عنوان آسیب و انحراف در مباحث مهدوی علیه السلام است. لازم به ذکر است که آسیب‌های حوزه مسائل مهدوی شامل تعداد بیشتری است مانند ادعای مشاهده، تلقی نادرست از مفهوم انتظار، مدعیان مهدویت و مدعیان نیابت (ر.ک: جعفری، ۱۳۸۷)؛ که بررسی تمامی آن‌ها از حوصله یک مقاله خارج است و پرداختن به آن‌ها فرصت‌های دیگری را می‌طلبد.

در خصوص پیشینه این پژوهش، تذکر این مطلب لازم است که تاکنون، تحقیقی به صورت مستقل در این خصوص، یافت نشده است. گرچه در لابه‌لای مباحث مطرح شده در خصوص آسیب‌های یادشده، متعرض آن شده‌اند (ر.ک: جعفری، ۱۳۸۷: ۴۱، ۴۹ و ۵۵) ولی به صورت مستقل و جداگانه نبوده است. این پژوهش به روش توصیفی - تحلیلی با مراجعه به اسناد و مدارک موجود در منابع روایی شیعه انجام شده است. نتایج پژوهش، بیانگر آن است که عواملی مانند: ضعف نفس، جهل و بی‌بصیرتی، ضعف ایمان، سودجویی، دنیاطلبی، ناشکیبایی در برابر اراده و حکمت الهی در این مسئله دخیل است. هدف پژوهش، بصیرت‌افزایی مؤمنان مهدوی علیه السلام به منظور پیشگیری از انحرافات در حوزه معارف مهدوی علیه السلام است.

قبل از ورود به اصل مسئله، لازم است ابتدا، به تعریف برخی واژه‌ها پرداخته شود.

### مفهوم استعجال

استعجال در لغت از ریشه «عجل» مصدر باب استفعال به معنای شتافتن خواستن، در پیش شدن، شتاب کردن، شتابزدگی و طلب تعجیل امری است پیش از رسیدن وقت آن

(ر.ک: دهخدا، ۱۳۳۷: ۶، ۲۱۷۲؛ نیز ر.ک: فراهیدی، ۱۴۰۹ق: ج ۱، ۴۲۷؛ راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ق: ۵۴۸).

### عوامل استعجال

شتابزدگی در تحقق هر امری پیش از رسیدن وقت آن و بدون در نظر گرفتن زمینه‌ها، عوامل و شرایط، مذموم است و علل مختلفی در آن نقش آفرینی می‌کند مانند: جهل و عدم احاطه به جزئیات؛ عجب و مغرور بودن به داشته‌های ناقص؛ احساس عجز و ترس از دست دادن فرصت برای انجام کار در صورت دگرگونی اوضاع. فردی که عجز است به جهت ضعف نفس، حوصله تأمل و تفکر کافی درباره عمل مورد نظر و پیامدهای ناشی از آن را از دست می‌دهد و چون جهل به مسئله دارد و یا احاطه بر جزئیات آن ندارد به خیال این‌که همه شرایط آماده است شتابزده و بدون دانش کافی اقدام می‌کند؛ و گاه به جهت آن‌که به فهم خود، مغرور شده و آن را درست می‌پندارد به سرعت، دیگران را تخطئه کرده و خود را برحق می‌پندارد و بسا دیگران را تحقیر، تجهیل و یا تکفیر می‌کند و بدون تتبع و تحقیق کامل، حکم می‌کند و چه بسا بعداً دچار تبدل رأی شده و گرفتار آرای مختلف و متناقض در یک قضیه می‌شود. گاهی نیز به سبب ترس از دست دادن فرصت، عجله می‌کند «إِنَّمَا يَعْجَلُ مَنْ يَخَافُ الْفُوتَ» (شیخ طوسی، ۱۴۱۱: ج ۱، ۴۲۳) از این رو خداوند طبق علم، قدرت و حکمت خود عمل می‌کند و به فرموده امام صادق (ع):

ان الله لا يعجل لعجلة العباد؛

خداوند به خاطر عجله بندگان، عجله نمی‌کند (کلینی، ۱۴۰۷ق: ج ۱، ۳۶۹؛ نعمانی، ۱۳۹۷ق: ۲۹۶).

در گفت‌وگوی امام محمد باقر (ع) با زید بن علی در خصوص چگونگی پاسخ به دعوت اهل کوفه برای خروج بر ضد حکومت بنی‌امیه، امام او را نصیحت کرده و از عجله و شتابزده عمل کردن باز می‌دارد و می‌فرماید:

فَلَا تَعْجَلْ فَإِنَّ اللَّهَ لَا يَعْجَلُ لِعَجَلَةِ الْعِبَادِ وَلَا تَسْقِئَ اللَّهَ فَتُعْجِزَكَ الْبَلِيَّةُ فَتَضْرَعَكَ؛

عجله نکن که خداوند این‌گونه نیست که به خاطر عجله بندگان، عجله کند و از خدا پیشی‌گیر که گرفتاری و بلیه ناتوانت کرده و تو را به زمین خواهد زد (کلینی، ۱۴۰۷ق: ج ۱، ۳۵۷).

همین استعجال و عدم تمکین در برابر سخن امام سبب شد که وی خشمگین شده و طبق

این حدیث، منکر امامت امام باقر علیه السلام شود زیرا در پندار وی، امام کسی است که به پا خیزد و در راه خدا سلاح به دست گیرد و بجنگد نه این که در خانه اش بنشیند و کاری به مبارزه و جهاد نداشته باشد که امام در ادامه با وی محاجه کرده و ناتوانی وی را در شایستگی برای تصدی امامت و رهبری مردم به رخ وی می کشد (همان).

ذکر این نکته، مهم است که استعجال مراتبی دارد و هر مرتبه ای از آن به تناسب خودش، مورد نکوهش است. هنگامی که خداوند در ماجرای خلقت حضرت آدم علیه السلام به فرشتگان فرمود که در روی زمین خلیفه ای قرار خواهد داد؛ فرشتگان که از عمق ماجرا مطلع نبودند متعجب شده و بر طبق برخی روایات از روی حسادت مبتنی بر غفلت (علامه مجلسی، ۱۴۰۳ق: ج ۷۵، ۲۵۵) به خداوند گفتند چگونه کسی را جانشین خود در زمین قرار می دهد که در زمین افساد کرده و خونریزی می کند در حالی که آنان همیشه مشغول تسییح و تقدیس ذات الهی هستند (بقره: ۳۰). آن ها هم به توانایی حضرت آدم علیه السلام احاطه علمی نداشتند و هم از محدودیت و ناتوانی خود غافل بودند (علامه طباطبایی، ۱۴۱۷ق: ج ۱، ۱۱۶). و بعد از آن که حقیقت ماجرا برای آنان روشن می شود با گفتن «سُبْحَانَكَ لَا عِلْمَ لَنَا إِلَّا مَا عَلَّمْتَنَا» (بقره: ۳۲) زبان به تنزیه پروردگار گشوده و به عجز و ناتوانی و محدودیت علم خود اعتراف می کنند و این، مقتضای طبیعت محدود انسان هست که عجز و ناتوانی و محدودیت علم خود اعتراف می کنند و این، سید مرتضی، ۱۹۹۸م: ج ۱، ۴۶۵) و طبق دانسته های محدود خود، عمل می کند و نسبت به مسائلی که فراتر از درک او است معمولاً اعتراض می کند. در ماجرای درخواست همراهی حضرت موسی علیه السلام با حضرت خضر علیه السلام، جناب خضر علیه السلام به ایشان می گوید: تو هرگز توان صبر و پایداری با من را نخواهی داشت و سپس با اشاره به علت آن می گوید:

«وَكَيْفَ تَصْبِرُ عَلَى مَا لَمْ تُحِطْ بِهِ خُبْرًا»

چگونه صبر توانی کرد بر آن چه بدان احاطه علمی نداری (کهف: ۶۸).

و علیرغم تعهدی که حضرت موسی علیه السلام به حضرت خضر علیه السلام مبنی بر سکوت و عدم اعتراض داده بود با این حال چون حقایق ماجرای عملکرد حضرت خضر را نمی دانست در هر مرحله از مراحل که همراه حضرت خضر علیه السلام شاهد اعمال آن حضرت بود نتوانست تحمل کند و شتابزده به وی خرده می گرفت تا این که حضرت خضر علیه السلام گفته خود را مجدداً یادآور شد که: مگر نگفتم تو توان صبر با من را نخواهی داشت (کهف: ۷۲) و پس از تبیین علل کارهای خود از وی جدا شد (کهف: ۷۸). ولی نکته ای که مهم است آن است که انسان مؤمن در برابر اراده الهی،

تسلیم است و کسانی که اهل تسلیم نباشند و بخواهند از خواسته الهی پیشی بگیرند اهل هلاکت‌اند. به فرموده امام صادق علیه السلام:

مَتَى عَلِمْنَا أَنَّهُ عَزَّوَجَلَّ حَكِيمٌ صَدَقْنَا بِأَنَّ أَعْمَالَهُ كُلَّهَا حِكْمَةٌ وَإِنْ كَانَ وَجْهَهَا غَيْرَ مُنْكَشِفٍ لَنَا؛

هنگامی که دانستیم خداوند متعال حکیم است و کار عبث، انجام نمی‌دهد تصدیق خواهیم کرد که تمام افعال او حکمت است گرچه جهت فعل الهی برای ما منکشف نباشد (شیخ صدوق، ۱۳۸۵: ج ۱، ۲۴۶).

و مؤمن کسی است که وقتی غفلی از وی سر بزند به سرعت بازگردد و توبه کند (کلینی، ۱۴۰۷: ج ۲، ۴۳۴).

با توجه به مطالب فوق روشن شد که: عوامل متعددی در استعجال نقش دارند از جمله:

۱. جهل و عدم احاطه علمی؛
  ۲. غرور، خود بینی و هوای نفس؛
  ۳. ضعف و ترس از دست دادن فرصت.
- و متقابلاً درمان آن به جبران کمبودهای یادشده است و انسان مؤمن در برابر فعل و تدبیر الهی گرچه شخصاً از عمق ماجرا خبر ندارد ولی چون معتقد است خداوند قادر متعال، تدبیر امور از روی حکمت می‌کند بنابراین در برابر افعال الهی، اهل تسلیم است و اگر لغزشی از وی سر بزند راهکارش توبه و بازگشت است. البته با توجه به این‌که بیان تفصیلی این مسئله و ذکر پیامدهای آن، فرصت جداگانه‌ای می‌طلبد به ناچار از ورود به آن خودداری می‌شود.

### استعجال در امر فرج از منظر روایات

استعجال در روایات، نقطه مقابل تسلیم و مورد نکوهش و مایه هلاکت قلمداد شده است. امامان شیعه علیهم السلام، استعجال را به خاطر ناشکیبایی در برابر امر الهی، سبب هلاکت دانسته و نجات را در تسلیم به امر الهی منوط کرده‌اند (کلینی، ۱۴۰۷: ج ۱، ۳۶۸). بیتابی در برابر حکمت الهی نشانگر ضعف ایمان و بسا موجب واکنش‌هایی در مقام عمل، سرکشی و تلاش برای پیشی گرفتن از اراده خدا و نادیده گرفتن حکمت او در تدبیر امور می‌شود. عجله یعنی شتاب برای رسیدن و به دست آوردن چیزی بدون در نظر گرفتن شرایط، مقدمات و سنجیدن عواقب آن.

عبدالرحمان بن کثیر نقل می‌کند: خدمت امام صادق علیه السلام بودم که فردی به نام «مِهْرَم»

داخل شد و از زمان وقوع امر فرج پرسید؛ حضرت در پاسخ فرمود: «كَذَّبَ الْوَقَّاتُونَ وَ هَلَكَ الْمُسْتَعْجِلُونَ وَ نَجَا الْمُسْلِمُونَ» تعیین کنندگان وقت، دروغ گفته، شتاب کنندگان هلاک شده و اهل تسلیم نجات یافته‌اند (کلینی، ۱۴۰۷ق: ج ۱، ۳۶۸؛ نعمانی، ۱۳۹۷ق: ۲۹۴) در برخی روایات از مستعجلان به عنوان «محاضیر» تعبیر شده و از هلاکت آنان سخن به میان آمده است (کلینی، ۱۴۰۷ق: ج ۸، ۲۷۳). در برخی روایات پس از ذکر حوادث دوران غیبت و ارتداد بیشتر قائلان به امامت امام عصر (ع) به طول غیبت آن حضرت و انتظار خروج آن جناب توسط مخلصان اشاره می‌کند و سپس با اشاره به انکار شکاکان، استهزای منکران، دروغ وقاتان و هلاک مستعجلان آنان را نکوهش کرده و اهل تسلیم را نجات یافته معرفی می‌کند (شیخ صدوق، ۱۳۵۹ق: ج ۲، ۳۷۸).

استعجال جدای از پیامدها، به خودی خود، مورد نکوهش است زیرا بیان‌گر ضعف ایمان و ناشکیبایی در برابر اراده و حکمت الهی است. مستعجلان پیش از هر اقدام عملی نیز جزو هالکان اند زیرا در برابر پروردگار حکیم، اهل تسلیم نیستند زیرا به تصریح روایات، تسلیم برابر اراده الهی، مایه نجات است در روایت نیز از فعل ماضی «هَلَكَ الْمُسْتَعْجِلُونَ» (کلینی، ۱۴۰۷ق: ج ۱، ۳۶۸؛ نعمانی، ۱۳۹۷ق: ۲۹۴) استفاده شده است.

### مقصود از استعجال در امر فرج

نکته مهم در مسئله استعجال در امر فرج، توجه به متعلق استعجال است و این که مقصود از استعجال، استعجال در چه چیزی است؟ استعجال در امر فرج به یکی از دو شکل زیر قابل تصور است:

۱. استعجال در فرج کلی؛ چنین امری در عصر ائمه (ع) وجود داشته است و افرادی سعی کردند از امام معصوم (ع) جلو بیفتند و برای وی تعیین تکلیف کنند تا طبق آن چه خود گمان کرده‌اند امام معصوم (ع) از آن‌ها پیروی کرده و به صلاح‌دید آن‌ها برای به دست گرفتن حکومت به منظور تحقق امر فرج، قیام کند و ائمه (ع) نیز به شدت با آن مقابله کرده و آن را پیشی گرفتن از دستور خداوند و نقطه مقابل تسلیم در برابر اوامر الهی دانسته‌اند (کلینی، ۱۴۰۷ق: ج ۸، ۲۷۴). استعجال در مقابل تسلیم فرمان الهی در هر امری مذموم است و ائمه (ع) از آن، منع کرده‌اند مانند تلاش برخی در تعجیل برای اسقاط حکومت بنی عباس که امام صادق (ع) عجله و بیتابی در این امر را مذمت فرمود و از جا کردن کوه را آسان‌تر از ازاله ملک و حکومتی می‌داند که هنوز اجل و مدتش به سر نیامده است (کلینی، ۱۴۰۷ق: ج ۸، ۲۷۴).

(و این‌که خداوند با عجله بندگان، عجله نمی‌کند) کلینی، ۱۴۰۷ق: ج ۱، ۳۶۹؛ همو: ج ۸، ۲۷۴؛ نعمانی، ۱۳۹۷ق: ۲۹۶) و حکمت و تدبیر خود را رها نمی‌کند.

استعجال با میل و گرایش به پیش افتادن از تدبیر الهی و مخالفت با آن و ناصواب دانستن آن ارتباط دارد؛ از این رو ائمه علیهم‌السلام به شدت از آن نهی کرده و آن را نقطه مقابل تسلیم در برابر دستورات خداوند که وظیفه هر شخص باایمان است دانسته‌اند (کلینی، ۱۴۰۷ق: ج ۱، ۳۹۰؛ همو: ج ۲، ۴۷ و ۳۹۸) و در مقابلِ هلاکتِ مستعجلان، از نجات اهل تسلیم سخن گفته‌اند (نعمانی، ۱۳۹۷ق: ۲۹۴).

۲. استعجال در فرج امام زمان علیه‌السلام: استعجال در فرج امام زمان علیه‌السلام به معنای شتاب‌خواهی در ظهور، پیش از تحقق شرایط ظهور و بدون درک اهمیت و وظایف دوران ظهور و آمادگی برای انجام آن، در روایات به شدت مورد نکوهش قرار گرفته است. ابوبصیر از امام صادق علیه‌السلام نقل می‌کند که آن حضرت فرمود:

مَا تَسْتَعْجِلُونَ مَخْرُوجَ الْقَائِمِ فَإِنَّ اللَّهَ مَا لِبَاسُهُ إِلَّا الْغَلِيظُ وَلَا طَعَامُهُ إِلَّا الْجَشِبُ وَمَا هُوَ إِلَّا السَّيْفُ وَالْمَوْتُ تَحْتَ ظِلِّ السَّيْفِ؛

چرا نسبت به خروج قائم علیه‌السلام عجله می‌کنید؟ قسم به خدا، غذایش، جز غلیظ، طعامش جز جشب (غلیظ و سخت) نیست، خروج قائم علیه‌السلام جز شمشیر و مرگ زیر سایه شمشیر نیست (نعمانی، ۱۳۹۷ق: ۴۳۳).

در نقل شیخ طوسی طعام آن حضرت را با جمله «وَمَا طَعَامُهُ إِلَّا الشَّعِيرُ الْجَشِبُ»؛ جُو جَشِب و سخت (نان جو) معرفی می‌کند (شیخ طوسی، شیخ طوسی، ۱۴۲۵ق: ۴۶۰). مشابه این مضمون در روایت معلی بن خنیس از امام صادق علیه‌السلام است طبق این حدیث، معلی با امام صادق علیه‌السلام درباره حکومت بنی عباس و برخورداری‌های آن‌ها از نعمت‌ها و امکانات سخن می‌گوید و این‌که اگر حکومت دست شما بود ما نیز همراه شما بهره‌مند می‌شدیم؛ امام در پاسخ چنین می‌فرماید:

هَيْهَاتَ يَا مُعَلَّى أَمَا وَاللَّهِ أَنْ لَوْ كَانَ ذَاكَ مَا كَانَ إِلَّا سَيَاسَةُ اللَّيْلِ وَسَيَاحَةُ النَّهَارِ وَ لُبْسُ الْحَشِينِ وَأَكْلُ الْجَشِبِ؛

هرگز چنین نخواهد بود. ای معلی! آگاه باش، به خدا سوگند اگر چنان شود (حکومت دست ما باشد) وظیفه‌ای جز تلاش و کوشش شبانه‌روز برای اداره مملکت اسلامی و پوشیدن لباس خشن و خوردن غذای غلیظ و غیر لذیذ نیست (کلینی، ۱۴۰۷ق: ج ۱، ۴۱۰).



در برخی روایات نیز از جهاد و خون، تلاش و عرق جبین و خواب برزین‌ها پس از خروج امام زمان (عجله الله تعالی فرجه) (اوایل دوران ظهور) صحبت به میان آمده (نعمانی، ۱۳۹۷ق: ۲۸۵) که افراد منتظر باید خود را برای آن آماده کنند و این که استعجال به منظور رسیدن به راحتی، کار راحت طلبان است نه منتظران حقیقی. تذکر این نکته نیز لازم است که استعجال غیر از انتظار فرج و دعا برای آن است که در روایات به آن سفارش شده (علامه مجلسی، ۱۴۰۴ق: ج ۴، ۱۷۴) و پرداختن به آن فرصت مستقلی می‌طلبد (ر.ک: شیخ صدوق، ۱۳۵۹ق: ۲، ۶۴۴؛ اصفهانی، ۱۴۲۸ق: ج ۲، ۱۶۴؛ ابومعاش، ۱۴۳۰ق: ۱۲۲؛ صدر، ۱۴۱۲ق «الف»: ج ۲، ۳۶۰).

### عوامل استعجال در امر فرج

۱. جهل نسبت به حکمت و تدبیر الهی؛
  ۲. تردید و دودلی در برابر حکمت الهی و عدم تمکین کامل قلبی نسبت به آن؛
  ۳. ضعف اراده و ناشکیبایی در برابر مشکلات؛
  ۴. دنیاخواهی و راحت طلبی.
- کسی که به خدا ایمان دارد به فرموده امام صادق (ع) نسبت به حکمت خدا و حکیمانه بودن افعال الهی تردیدی به خود راه نمی‌دهد؛ او می‌داند که خداوند حکیم است و کار عبث، انجام نمی‌دهد حتی اگر جهت فعل الهی برای او منکشف نباشد (شیخ صدوق، ۱۳۸۵ق: ج ۱، ۲۴۶) چنین شخصی صبر در برابر مشکلات را پیشه خود می‌سازد و دنیا طلبی را که در روایات، بسیار مورد نکوهش قرار گرفته و سرمنشأ هر لغزشی معرفی شده است (کلینی، ۱۴۰۷ق: ج ۲، ۳۱۵) مردود می‌داند.

در برخی روایات ریاست طلبی، راحت طلبی، حب ثروت، برتری طلبی و مقام پرستی ناشی از دنیاخواهی شمرده شده (کلینی، ۱۴۰۷ق: ج ۲، ۱۳۱) و در خصوص راحت طلبی و دنیاخواهی مؤمنان در مسئله مهدوی (عجله الله تعالی فرجه) هشدار داده شده است. امام صادق (ع) در پاسخ به پرسش ابو بصیر در خصوص زمان فرج، می‌فرماید:

يَا أَبَا بَصِيرٍ وَأَنْتَ مِمَّنْ يُرِيدُ الدُّنْيَا، مَنْ عَرَفَ هَذَا الْأَمْرَ فَقَدْ فُرِّجَ عَنْهُ لَا يَتَظَارَعُ؛

ای ابابصیر تو نیز از زمره کسانی هستی که دنیا را می‌خواهند، (سپس با اشاره به اهمیت مسئله معرفت می‌فرماید:) کسی که معرفت به این امر داشته باشد و انتظار آن را بکشد، برای او فرج و گشایش حاصل شده است (کلینی، ۱۴۰۷ق: ج ۱، ۳۷۱؛ نعمانی، ۱۳۹۷ق: ۳۳۰).

توجه به این نکته نیز مهم است که مراد از معرفت در این جا، صرف اطلاع نیست بلکه مراد از آن، پذیرش آگاهانه در مقابل انکار به سبب درک ناقص از مسئله است از این رو در حدیث جنود عقل و جنود جهل، معرفت از جنود عقل و ضد آن، انکار معرفی شده است (کلینی، ۱۴۰۷ق: ج ۱، ۲۲؛ نیز رک: علامه مجلسی، ۱۴۰۳ق: ج ۱، ۱۱۳). در نقل دیگری ابوبصیر از امام صادق علیه السلام درباره امر فرج، و دستیابی به آسایش و زندگی راحت سؤال می‌کند و می‌پرسد:

مَا هَذَا الْأَمْرِ أَمْدٌ يُنْتَهَى إِلَيْهِ وَيُرِيحُ أَبْدَانَنَا؟ قَالَ بَلَى وَلَكِنَّكُمْ أَدْعَتْكُمْ فَأَخَّرَهُ اللَّهُ؛

آیا برای این امر، زمان معینی نیست که بدان منتهی شود و (در نتیجه) بدن‌های ما را راحت کند؟ امام فرمود: آری؛ لیکن شما، آن را افشا کردید پس خداوند به تأخیرش انداخت (نعمانی، ۱۳۹۷ق: ۲۸۸).

مضمون پرسش، بیانگر سختی شرایط زمانه و کلافه شدن سؤال‌کننده از وضع موجود و مطالبه آسایش و رهایی از آن است که طبق بیان امام انسان باید در این امور صبر و استقامت را پیشه خود کند.

### پیامدهای استعجال در امر فرج

علاوه بر نکوهش خود استعجال که نشانگر سستی ایمان مستعجل است، استعجال، پیامدهای نکوهیده‌ای نیز دارد از جمله:

#### ۱. مخالفت با حکمت و تدبیر الهی

نخستین پیامد استعجال، مخالفت با امر و تدبیر خداوند سبحان و اقدام به ارتکاب کارهایی است که نقطه مقابل تسلیم در برابر پروردگار است که هر مسلمانی باید به آن باور داشته باشد و بدین لحاظ، مایه هلاکت قلمداد شده است (کلینی، ۱۴۰۷ق: ج ۱، ۳۶۸؛ نعمانی، ۱۳۹۷ق: ۲۹۴).

#### ۲. توقیت

توقیت در امر ظهور دو نوع است توقیت همسو با تعجیل و توقیت همسو با تأجیل. بیشترین مصادیق توقیت، مرتبط با شتابزدگی و استعجال در امر ظهور است که در روایات از آن نهی شده است. روایات وارد شده از ائمه اهل بیت علیهم السلام بیانگر آن است که ائمه علیهم السلام وقت معینی را برای ظهور ذکر نکرده‌اند و تعیین‌کنندگان وقت ظهور را دروغ‌گو خوانده‌اند (کلینی، ۱۴۰۷ق: ج ۱، ۳۶۸؛ نعمانی، ۱۳۹۷ق: ۲۸۹ و ۲۹۴) و تأکید کرده‌اند که خداوند ابا دارد که آنان در این امر،

موفق شوند (نعمانی، ۱۳۹۷ق: ۲۸۹ و ۲۹۴) و وظیفه مردم را دوری از توقیت‌کنندگان و تکذیب آنان دانسته‌اند و این که مردم در تکذیب نسبت‌دهندگان توقیت به ائمه علیهم‌السلام نباید هیچ هراسی به خود راه دهند و آنان در حقیقت، دروغگویی بیش نیستند. محمد بن مسلم از امام صادق علیه‌السلام نقل می‌کند که آن حضرت به وی فرمود:

يَا مُحَمَّدُ مَنْ أَخْبَرَكَ عَنَّا تَوْقِيئًا فَلَا تَهَابَنَّ أَنْ تُكَذِّبَهُ فَإِنَّا لَا نُؤَقِّتُ لِأَحَدٍ وَقْتًا؛

ای محمد، کسی که از جانب ما به تو خبر از توقیتی دهد پس در تکذیب وی بیمی به خود راه مده؛ زیرا ما برای احدی، وقتی را تعیین نکرده‌ایم (نعمانی، ۱۳۹۷ق: ۲۸۹).

در روایت دیگری امام صادق علیه‌السلام به ابوبصیر می‌فرماید:

إِنَّا أَهْلُ بَيْتٍ لَا نُؤَقِّتُ وَقْدَ قَالَ مُحَمَّدٌ عليه السلام كَذَبَ الْوَقَّائُونَ يَا أَبَا مُحَمَّدٍ إِنَّ قُدَّامَ هَذَا الْأَمْرِ مَسَّ عَلَامَاتٍ؛

ما اهل بیتی هستیم که تعیین وقت نمی‌کنیم و به درستی که حضرت محمد صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم فرمود: وقت‌تعیین‌کنندگان، دروغ، گفته‌اند (سپس امام با اشاره به نشانه‌های ظهور می‌فرمایند) ای ابامحمد (کنیه ابو بصیر) پیش از این امر، پنج علامت است... (نعمانی، ۱۳۹۷ق: ۲۸۹).

که امام ندا در ماه رمضان، خروج سفیانی، خروج خراسانی، قتل نفس زکیه و خسف در بیداء را به عنوان نشانه‌های پیش از ظهور معرفی می‌کنند. مفضل بن عمر از امام صادق علیه‌السلام می‌پرسد: «هل للمأمور المنتظر المهدى عليه السلام من وقت موقت يعلمه الناس» یعنی: آیا برای ظهور حضرت مهدی علیه‌السلام وقت معینی هست که مردم آن را بدانند؟ که امام در پاسخ با جمله «حاش لله أن يوَقَّتَ ظهوره بوقت يعلمه شيعةنا» تعیین وقت برای آن را به جوری که شیعیان آن را بدانند به شدت نفی می‌کند و با بیان «انَّ من وَقَّتَ لمهدينا وقتا فقد شارك الله تعالى في علمه و ادَّعى أنه ظهر على سِزِه» آن را جزو اسرار الهی و تعیین وقت برای ظهور را همسان مشارکت در علم الهی و ادعای اطلاع بر اسرار خداوند متعال ذکر می‌کند (عزالدين حلي، ۱۳۷۹: ۳۴۳-۳۴۴؛ علامه مجلسی، ۱۴۰۳ق: ج ۵۳، ۱-۳) در حدیث دیگری امام صادق علیه‌السلام می‌فرماید:

۷۵

كَذَبَ الْمُؤَقِّتُونَ مَا وَقَّعْنَا فِيهِمَا مَصْنَى وَلَا نُؤَقِّتُ فِيهِمَا يَسْتَقْبِلُ؛

یعنی تعیین‌کنندگان وقت ظهور، دروغ می‌گویند و ما نه در گذشته تعیین وقت کردیم و نه در آینده تعیین وقت خواهیم کرد (شیخ طوسی، ۱۴۲۵ق: ۴۲۶).

بنابراین تعیین‌کنندگان وقت ظهور دروغگویند و نسبتی با اهل بیت علیهم‌السلام نداشته و

قابل اعتماد نیستند و کسانی که تاکنون ادعای توقیت کرده‌اند رسوا شده‌اند (ر.ک: نه‌اوندی، ۱۳۸۶: ج ۷، ۳۶)

متأسفانه علیرغم همه این تأکیدها، احیاناً شاهد توقیت هستیم و معمولاً هم به عنوان نقل قول از برخی بزرگان، بیان می‌شود. یوسف بن حاتم شامی در کتاب *الدر المنظیم فی مناقب الأئمة اللہامیم* چنین نقل می‌کند:

حدَّثنی بعض أصحابنا، قال: حدَّثنی بعض مشایخی: إنَّ ظهور القائم فی سنة أربعين و ستمائة من فروردين ماه؛

بعض اصحاب ما به من گفته است که بعض مشایخ وی به ایشان خبر داده که ظهور قائم در سال ۶۴۰ و در ماه فروردین آن سال خواهد بود (شامی عاملی، ۱۴۲۰: ق: ۷۵۹).

نمونه دیگر آن در عصر حاضر، ادعای دهه هشتاد شمسی به عنوان دهه ظهور است (سجادی، ۱۳۸۴) که با سپری شدن موعد این توقیت‌ها، نادرستی این قبیل ادعاها آشکار می‌شود (ر.ک: رنجبری حیدر باغی، ۱۳۹۲: ۲۳-۵۶).

نکته‌ای که توجه به آن مهم است این است که تعیین وقت، گاه در جهت تضییق دایره و نشان دادن قرب ظهور است و گاه در جهت توسعه و تأجیل زمان فرج و دور انگاشتن ظهور است و هر دو مردودند. توضیح این‌که: خود نزدیک انگاشتن ظهور، خوب است و در روایات بر آن تأکید شده تا آمادگی مردم حفظ شود و دور انگاشتن آن، بد است چون سبب بی‌توجهی، غفلت و قساوت قلب مردم خواهد شد ولی این بدان معنی نیست که برای ظهور، وقت تعیین شود زیرا در پی عدم تحقق ظهور در کوتاه مدت، شور و حرارت مردم به یأس تبدیل شده، پایه‌های ایمانی آن‌ها سست شده و به معارف دینی بدبین و بی‌اعتقاد خواهند شد هم چنین اگر برای مدت دورتری تعیین وقت ظهور شود نیز همین مشکلات به شکل دیگری پیش خواهد آمد زیرا مردم در آن صورت نیز بی‌خیالِ ظهورِ حجتِ الهی شده و با اعتقاد به این‌که مثلاً تا ۲۰۰ یا ۳۰۰ سال دیگر خبری نیست، نسبت به احکام دین بی‌توجه شده و بسیاری نیز از اسلام باز خواهند گشت و راه درست همان است که ائمه علیهم‌السلام از نزدیکی فرج و سرعت وقوع آن خبر دادند تا دل‌های مردم پیوند بخورد و ارتباط آن‌ها با دین و حجت الهی حفظ شود (ر.ک: کلینی، ۱۴۰۷: ج ۱، ۳۶۹؛ نعمانی، ۱۳۹۷: ق: ۲۹۶؛ شیخ طوسی، ۱۴۲۵: ق: ۳۴۲).

### ۳. تطبیق

از جمله پیامدهای استعجال، روی آوری به تطبیق برای توجیه پندارهای باطلی است که

گریبان مستعجل را گرفته و او چاره ای جز توجیه و تطبیق برخی جریانات بر حوادث مرتبط با ظهور را نمی بیند تطبیق به دو شکل قابل تصور است:

۱. ادعای تطبیق در خصوص شخصیت منجی؛ مانند متممهدیان و مدعیان دروغین مهدویت و یا کسانی که در مورد آنان، ادعای تطبیق شده است گرچه خودشان چنین چیزی را ادعا نکرده اند (پورسیدآقایی، جباری، عاشوری و حکیم ۱۳۸۳: ۴۰۶؛ صادقی، ۱۳۸۵: ۶۸).

۲. ادعای تطبیق در مورد جریانات و حوادث نزدیک ظهور؛ مانند مستند «ظهور نزدیک است» (ویکی پدیا، آذر ۱۳۹۷؛ تبیان، دی ۱۳۹۷) و یا ادعای انطباق ظهور برخی جریانات انحرافی از قبیل داعش بر خروج سفیانی (ر.ک: امیری، ۱۳۹۷؛ هم چنین ر.ک: رایحه ظهور، ۱۳۹۷؛ فردا نیوز، ۱۳۹۷) یا ادعای انطباق سفیانی بر ملک عبدالله ۱۹۶۲- پادشاه اردن معروف به عبدالله دوم (پارسینه، آذر ۱۳۹۷؛ نیز ر.ک: ویکی پدیا، آذر ۱۳۹۷)

ائمه علیهم السلام با ذکر ویژگی های منجی، و ویژگی های علائم ظهور به ویژه علائم حتمی ظهور، معیار را بیان و حجت را تمام کرده و جلوی تطبیق نابجا را گرفتند و در مقابل برخی که تلاش داشتند عنوان «مهدی» را به عنوان کسی که برای نجات مردم و عدالت گستری جهانی قیام می کند بر خود آنان منطبق سازند نیز موضع گیری کردند، آن ها را راهنمایی کرده و خطای آن ها را گوشزد کرده اند و با ذکر این که این کار برای شخص خاصی، میسر می شود به تبیین ویژگی های «مهدی موعود»، «عصر مهدوی» و نشانه های پیش از ظهور، پرداخته اند (کلینی، ۱۴۰۷ق: ج ۱، ۳۴۱؛ نعمانی، ۱۳۹۷ق: ۱۶۸؛ طبرسی، ۱۳۷۶ق: ج ۲، ۲۴۰) و در برخی روایات، امام در پاسخ سؤال از «قائم» از القاب امام زمان علیه السلام (ابن صباغ، ۱۴۲۲ق: ج ۲، ۱۱۰۴؛ حسینی شوشتری، ۱۴۰۹ق: ج ۱۳، ۹۰)، ضمن نفی خود به عنوان «قائم» به مفهوم ویژه آن، به بیان ویژگی های آن حضرت پرداخته (نعمانی، ۱۳۹۷ق: ۱۶۹ نیز ر.ک: کلینی، ۱۴۰۷ق: ۱، ۵۳۶) و زمینه تطبیق ناروا در مسئله مهدویت را سد می کند تا مردم در تطبیق، دچار مشکل نشوند.

#### ۴. امیدواری کاذب و تضعیف اعتقادات

معمولاً چنین اشخاصی به سبب همان استعجالی که بدان مبتلا شده اند پس از سپری شدن شرایط موجود و عدم تحقق پندارهای پیشین، به جای تخطئه خود و تصحیح باورهای غلط گذشته و بدون تحقیق کامل و آسیب شناسی پندار و کردار خود معمولاً باز به صورت شتابزده عمل می کنند و چه بسا به تخطئه اصل باور و تشکیک در ایمان به اصل مهدویت گرفتار شد و دیگران را نیز به شک و تردید می اندازند.

## ویژگی نشانه‌های ظهور

روایات نشانه‌های ظهور به‌ویژه نشانه‌های حتمی ظهور بیانگر لزوم تحقق دو چیز است: اول؛ اصل تحقق نشانه‌ها، دوم؛ چگونگی و نحوه تحقق آن‌ها شامل: زمان، مکان، هم‌زمانی و ترتیب وقوع آن‌ها (نعمانی، ۱۳۹۷ق: ۲۶۲ و ۳۰۲) و مجموع این دو، جزو نشانه‌های ظهور محسوب می‌شود مانند خروج سفیانی پس از خروج شیصبانی (نعمانی، ۱۳۹۷ق: ۳۰۲)، خروج سفیانی در رجب (نعمانی، ۱۳۹۷ق: ۳۰۰ و ۳۰۲)، خروج همزمان یمانی و سفیانی در یک روز (نعمانی، ۱۳۹۷ق: ۳۰۲؛ شیخ طوسی، ۱۴۲۵ق: ۴۴۷)، خروج سفیانی از شام و یمانی از یمن (شیخ صدوق، ۱۳۵۹: ج ۱، ۳۲۸) بنابراین اگر کسی بدون وقوع این نشانه‌ها، در حوزه مهدویت ادعایی کرد، دلیلی بر لزوم پیروی از وی نداریم بلکه دلیل، برخلاف ادعای وی، قائم است (ر.ک: نعمانی، ۱۳۹۷ق: ۲۸۲؛ امین، ۱۴۲۹ق: ۱۷۵)؛ در نتیجه اگر حوادثی مشابه آن‌چه در روایات به‌عنوان نشانه‌های حتمی ظهور ذکر شده، رخ بدهد ولی قیدهای یادشده، به وقوع نپیوندد مانند خروج یمانی قبل از سفیانی یا خروج یمانی از غیر یمن نمی‌توان سخن از تطبیق به میان آورد و اگر کسی با استناد به وقوع نامنظم حوادث، ادعای تطبیق کند یا جاهل است یا جاعل و منحرف و باید مهر بطلان بر آن زد؛ شاهد این مدعا، روایاتی است که در تکذیب برخی جریان‌ات انحرافی در زمان ائمه علیهم‌السلام وارد شده و امام به استناد این‌که چون پیش از این حادثه، هنوز حادثه دیگری که باید قبل از آن، تحقق می‌یافت، تحقق نیافته مهر بطلان بر آن می‌زد (نعمانی، ۱۳۹۷ق: ۲۵۳؛ طبری آملی، ۱۴۱۳ق: ۴۸۷؛ علامه مجلسی، ۱۴۰۳ق: ج ۵۲، ۲۳۳).

مواردی از تطبیق در منابع تاریخی ثبت شده که انسان، شگفت‌زده می‌شود زیرا دلایل عدم انطباق، کاملاً روشن است. در کتب *ملاحم و فتن* و احادیث مربوط به حضرت مهدی علیه‌السلام آمده که شخصی به نام ابراهیم بن میسره با توجه به دیدگاه وی درباره عدالت‌گستری عمر بن عبدالعزیز خلیفه عباسی در خصوص انطباق «مهدی» بر وی، دچار شک و تردید می‌شود و از شخصی به نام طاووس در این باره، سؤال می‌کند و ایشان با بیان عبارت «لا، إنه لم يستكمل العدل كله» چنین توهمی را به دلیل آن‌چه ایشان عدالت‌گستری فراگیر نداشته رد می‌کند (ابن حماد، ۱۴۲۳ق: ۲۵۲؛ مقدسی شافعی، ۱۴۲۸ق: ۶۰).

برخی نیز ادعا کرده‌اند که برخی نشانه‌های ظهور مانند خرابی دیوار مسجد کوفه، قتل پادشاه مصر به دست مردم مصر، انقراض حکومت بنی عباس، مرگ عبدالله آخرین پادشاه بنی عباس واقع شده است (شامی عاملی، ۱۴۲۰ق: ۷۵۹؛ حلی، رضی الدین، ۱۴۰۸ق: ۷۷؛ نیز

ر.ک: آیتی، آذر ۱۳۹۷) درحالی که صدها سال از وقوع آن گذشته است. جالب است که در کتاب *العدد القویة* در خصوص اخبار به شکافتن رودخانه فرات و سرازیر شدن آب به کوچه های کوفه برای اثبات صحت ادعای تطبیق، با توجه به اینکه هنوز این بخش از اخبار، محقق نشده بود ناچار می شود برای آن، راه حلی، پیدا کند؛ ایشان با تعبیر «وَ انْشِقَاقِ الْفُرَاتِ وَ سَيَصِلُ الْمَاءُ اِنْ شَاءَ اللَّهُ اِلَى اَرْقَةِ الْكُوفَةِ» با تعبیر «اِنْ شَاءَ اللَّهُ» از تحقق آن در آینده خبر می دهد و تلاش می کند این بخش پازل را تکمیل کند (حلی، رضی الدین، ۱۴۰۸ق: ۷۷) هم چنین در ذیل حدیث درباره اخبار پیامبر ﷺ به خراب بصره به دست یکی از فرزندان امیرالمؤمنین علیه السلام که زنگی ها از او پیروی می کنند «خَرَابُ الْبَصْرَةِ عَلَى يَدِ رَجُلٍ مِنْ ذُرِّيَّتِكَ يَتَّبَعُهُ الزُّنُوجُ» (شیخ صدوق، ۱۳۵۹: ج ۱، ۲۵۱)، برخی آن را بر خروج علی بن محمد صاحب الزنج از شرق بصره که به مدت ۲۰ سال طول کشید و با ویرانی و کشتار بیش از صد هزار انسان منجر شد منطبق دانسته؛ برخی نیز با توجه به این که صدها سال از این واقعه می گذرد از تقسیم علائم پیش از ظهور، به علائم قریبه و علائم بعیده سخن گفته و آن را جزو علائم بعیده شمرده اند؛ ضمن این که برخی نیز از احتمال تکرار این حادثه در آینده سخن گفته اند (ر.ک: جزایری، ۱۴۲۷ق: ج ۳، ۱۷۷؛ تبریزیان، ۱۴۲۵ق: ۴۶۷؛ عاشور، ۱۴۲۷ق: ج ۱۹، ۱۷۴-۱۷۵؛ نیز ر.ک: سلیمان، ۱۴۲۷ق: ۵۴۴). در حالی که بسیاری از این حوادث، مربوط به ملاحم و فتن است و مربوط به اخبار از حوادثی است که در دوره های بعد از پیامبر ﷺ رخ می دهد و بدین لحاظ شامل دوران غیبت و پیش از ظهور حضرت مهدی علیه السلام نیز می شود بدون آن که ناظر به نشانه های ظهور باشد (ر.ک: حدیث نت، دی ۱۳۹۷).

نمونه دیگر، استظهار تطبیق درباره برخی نشانه ها است. مانند ادعای تطبیق روایت مرگ عبدالله و تداوم اختلاف پس از آن و اتصال آن به دوران ظهور امام زمان علیه السلام (شیخ طوسی، ۱۴۲۵ق: ۴۴۷) بر خلیفه عباسی، عبدالله بن منصور معروف به مستعصم، آخرین خلیفه عباسی، ۶۰۹-۶۵۶ق. (امین، ۱۴۲۹ق: ۱۸۲؛ نیز ر.ک: ویکی پدیا، آذر ۱۳۹۷) یا ادعای انطباق آن بر حاکم حجاز، ملک عبدالله بن عبدالعزيز آل سعود ۱۹۲۴-۲۰۱۵م (ر.ک: بهشتی، ۱۳۹۷؛ نیز ر.ک: ویکی پدیا، آذر ۱۳۹۷). به نظر می رسد حتی به صورت استظهار در این گونه موارد نمی توان سخن گفت و نهایت چیزی که ممکن است همین جمله «ممکن است» می باشد و همین مقدار نیز باید وجهی داشته باشد و با در نظر گرفتن مجموع نشانه ها و امکان تحقق آن به عنوان بخشی از دیگر اجزا، سخن از احتمال انطباق زده شود؛ لاقلاً در برخی موارد که هنوز،

چند و چون آن مشخص نیست نباید عجله کرد و سیر حوادث را رصد کرد و به صورت احتمال به آن نگریت بدون آن که سخنی از تطبیق زده شود.

مرحوم علامه مجلسی نیز پس از نقل روایتی درباره قومی از مشرق که حق را مطالبه می‌کنند و پس از آن که حق به آن‌ها داده نمی‌شود خروج کرده و در نتیجه حکومت و قدرت را به دست می‌گیرند و آن را جز به صاحب این امر یعنی حضرت مهدی علیه السلام نمی‌سپارند. با تعبیر «لایبعد أن یکون إشارة إلى الدولة الصفویة شیدها الله تعالی و وصلها بدولة القائم علیه السلام» از احتمال تطبیق آن، بر دولت صفویه سخن می‌گوید (علامه مجلسی، ۱۴۰۳ ق: ج ۵۲، ۳۴۳؛ همو: ۱۳۸۶، ۵۶) در این جا گرچه سخن از تطبیق قطعی نیست؛ زیرا ایشان متوجه این نکته بودند که برخی نشانه‌ها مانند صیحه آسمانی، خروج سفیانی، خسف در بیداء و... که بسیاری از آن‌ها جزو علائم حتمی ظهور، ذکر شده‌اند هنوز تحقق نیافته است و بدین سبب از خداوند، درخواست می‌کند که دولت صفویه را تا زمان ظهور امام زمان علیه السلام مستدام داشته و مصداق آن قرار دهد ولی همین مقدار هم به نظر می‌رسد از اتقان کافی برخوردار نیست و ممکن است نوعی شتابخواهی و استعجال از آن استشمام شود. به نظر می‌رسد به جهت دلبستگی فراوانی که شیعیان به مسئله ظهور حجت الهی داشتند و دارند هرگاه حوادثی از این دست رخ نماید تفأل خیر زده و به یاد محبوب خود، آرزوی خود را اظهار می‌کنند و آن را وسیله‌ای برای آمادگی خود جهت امتثال امر انتظار فرج در هر صبح و شام می‌دانند و بدین لحاظ، این عمل ممکن است بارها و بارها تکرار شود بی‌آن که مدعی تطبیق باشند.

استعجال یعنی نادیده گرفتن پازل نشانه‌های ظهور که ائمه علیهم السلام وقوع آن و نیز ترتیب وقوع آن را برای هدایت مردم و تمییز صحیح از ناصحیح به عنوان معیار برای مردم بیان کرده‌اند.

### نتیجه‌گیری

استعجال، در روایات مورد نکوهش واقع شده و به شدت از آن نهی شده است. عواملی مانند جهل، کم‌معرفتی و بی‌بصیرتی؛ نقصان در ایمان، ناشکیبایی در برابر تدبیر و حکمت الهی؛ ابتلا به خودخواهی، شره، هوی و هوس، مریدبازی و دنیاطلبی بستر ساز استعجال، توقیت و تطبیق است. سخن و عمل کسانی که در امر ظهور و انتظار فرج عجله می‌کنند، با آموزه‌های اهل بیت علیهم السلام همخوانی ندارد و گوش سپردن به آن‌ها مایه گمراهی و هلاکت است و پیامدهای ناگوار و مخربی بر پایه‌های ایمانی مردم خواهد داشت و باید از آن‌ها پرهیز کرد بلکه با استناد به روشنگری‌های اهل بیت علیهم السلام به مقابله با آن‌ها و روشنگری پرداخت.



روایات نشانه‌های ظهور به‌ویژه نشانه‌های حتمی ظهور، به‌صورت یک بسته کامل، ضمن بیان اصل حوادث پیش از ظهور، به بیان کیفیت وقوع و ویژگی‌های آن نیز پرداخته است و مجموع آن‌ها به‌عنوان اجزا و شرایط حوادث پیش از ظهور، پازلی را نشان می‌دهد که باید، قطعات آن به ترتیب خاصی، کامل شود و تحقق آن، به هر شکل دیگری به‌جز آن‌چه در روایات آمده، نمی‌تواند بیانگر تکمیل قطعات این پازل باشد. کوتاهی در روشنگری و بصیرت‌افزایی در این خصوص، انحراف و ناامیدی مردم و شک و تردید نسبت به معارف مهدوی و آموزه‌های دینی را در پی خواهد داشت.

## منابع

### قرآن کریم

۱. ابن اثیر جزری، مبارک بن محمد، *النهاية في غريب الحديث والأثر*، قم، مؤسسه مطبوعاتی اسماعیلیان، اول، ۱۳۶۷.
۲. ابن بابویه (شیخ صدوق)، محمد بن علی، *الاعتقادات*، قم، المؤتمر العالمي للشيخ المفيد، دوم، ۱۴۱۴ق.
۳. ابن بابویه (شیخ صدوق)، محمد بن علی، *الخصال*، قم، جامعه مدرسين، اول، ۱۳۶۲.
۴. ابن بابویه (شیخ صدوق)، محمد بن علی، *علل الشرايع*، قم، کتابفروشی داورى، اول، ۱۳۸۵.
۵. ابن بابویه (شیخ صدوق)، محمد بن علی، *كمال الدين وتمام النعمة*، تهران، اسلاميه، دوم، ۱۳۵۹.
۶. ابن حماد، نعيم، *الفتن*، بيروت، دارالكتب العلمية، دوم، ۱۴۲۳ق.
۷. ابن صباغ، علی بن محمد، *الفصول المهمة في معرفة الأئمة*، قم، مؤسسه علمی فرهنگی دار الحديث، اول، ۱۴۲۲ق.
۸. ابن فارس، ابوالحسين احمد بن فارس بن زكريا، *معجم مقائيس اللغة*، قم، انتشارات دفتر تبليغات اسلامي حوزه علميه قم، اول، ۱۴۰۴ق.
۹. ابن منظور، ابوالفضل جمال الدين محمد بن مكرم، *لسان العرب*، بيروت، دارصادر، سوم، ۱۴۱۴ق.
۱۰. ابومعاش، سعيد، *الإمام المهدي عليه السلام في القرآن والسنة*، مشهد، آستانه مقدس رضوى، مجمع البحوث الإسلامية، سوم، ۱۴۳۰ق.
۱۱. اربلي، علی بن عيسى، *كشف الغمة في معرفة الأئمة*، قم، الشريف الرضى، اول، ۱۴۲۱ق.
۱۲. اصفهانی، محمدتقی، *مکیال المکارم في فوائد دعاء للقائم عليه السلام*، قم، مؤسسة الإمام المهدي عليه السلام، پنجم، ۱۴۲۸ق.
۱۳. امیری، مصطفى، *آیا داعش، از نشانه‌ها و مقدمات خروج سفیانی است؟ / آیا داعش، همان سفیانی است؟*، (آذر ۱۳۹۷) قابل دسترس در آدرس: <http://www.rajanews.com/news/213239>
۱۴. امین عاملی، محسن، *ترجمة الإمام المهدي عليه السلام في أعيان الشيعة*، قم، دلیل ما، سوم، ۱۴۲۹ق.

۱۵. آیتی، نصرت‌الله، معیارهای تطبیق نشانه‌های ظهور، مشرق موعود، شماره ۲۳ به نقل سایت حوزه نـــــــت، (آذر ۱۳۹۷) قابل دسترسی در آدرس: <https://hawzah.net/fa/Article/View/95293>
۱۶. بدری، سامی، شبهات ورود، قم، نشر حبیب، دوم، ۱۴۱۷ق.
۱۷. بهشتی، سیدمصطفی، مرگ ملک عبدالله در روایات ظهور، (آذر ۱۳۹۷) قابل دسترسی در آدرس: <https://article.tebyan.net/292913>
۱۸. پارسینه، «سفیانی» همان ملک عبدالله پادشاه اردن است، (آذر ۱۳۹۷) قابل دسترسی در آدرس: <https://www.parsine.com/fa/news/19187/>
۱۹. پورسیدآقای، سیدمسعود؛ جباری، محمدرضا؛ عاشوری، حسن؛ حکیم، منذر، تاریخ عصر غیبت، قم، حضور، دوم، ۱۳۸۳.
۲۰. تبریزیان، عباس، العد التنازلی فی علائم الظهور المهدی علیه السلام، بیروت، دارالآثر، اول، ۱۴۲۵ق.
۲۱. تبیان، تطبیق در امر ظهور حرام است، (دی ۱۳۹۷) قابل دسترسی در آدرس: <https://article.tebyan.net/172551>
۲۲. جعفری، محمدصابر، اندیشه مهدویت و آسیب‌ها، تهران، بنیاد فرهنگی حضرت مهدی موعود علیه السلام، چهارم، ۱۳۸۷.
۲۳. جمعی از محققان، پایگاه اصطلاح‌نامه اخلاق، (آبان ۱۳۹۷) قابل دسترسی در آدرس: <http://thesaurus.isca.ac.ir/>
۲۴. جوادی آملی، عبدالله، مبادی اخلاق در قرآن، قم، اسراء، ششم، ۱۳۸۷.
۲۵. جوهری، اسماعیل بن حماد، الصحاح (تاج اللغة وصحاح العربية)، بیروت، دارالعلم للملایین، اول، ۱۳۷۶ق.
۲۶. حدیث نت، ملاحم و فتن یعنی چه و ارتباطشان با ظهور حضرت مهدی علیه السلام چیست؟، (دی ۱۳۹۷) قابل دسترسی در آدرس: <http://hadith.net/post/51616>
۲۷. حسینی شوشتری، نورالله، إحقاق الحق وإزهاق الباطل، قم، کتابخانه عمومی حضرت آیت‌الله مرعشی نجفی علیه السلام، اول، ۱۴۰۹ق.
۲۸. حلی، حسن بن یوسف، کشف المراد فی شرح تجرید الاعتقاد، قم، مؤسسه النشر الإسلامی، چهارم، ۱۴۱۳ق.
۲۹. حلی، رضی الدین علی بن یوسف، العدد القویة لدفع المخاوف اليومية، محقق: مهدی رجائی و محمود مرعشی، قم، کتابخانه عمومی حضرت آیت‌الله مرعشی نجفی علیه السلام، اول، ۱۴۰۸ق.
۳۰. حیدری، سیدکمال، مقدمه فی علم الأخلاق، قم، دار فراق، دوم، ۱۴۲۷ق.

۳۱. دوانی، علی، مهدی موعود، تهران، اسلامیة، بیست و هشتم، ۱۳۷۸.
۳۲. دهخدا، علی اکبر، لغت‌نامه، تهران، سیروس، اول، ۱۳۳۷.
۳۳. راغب اصفهانی، حسین بن محمد، مفردات ألفاظ القرآن، بیروت، دارالقلم، اول، ۱۴۱۲ق.
۳۴. رایحه ظهور، آیا فتنه بزرگ شام آغاز شده است؟، (آذر ۱۳۹۷) قابل دسترس در آدرس:  
<http://www.u313.ir/chat/item/935-1391-01-30-13-46-38.html>
۳۵. رنجبری حیدر باغی، احمد، «گزارشی از توقیت‌ها در گستره تاریخ»، فصل‌نامه پژوهش‌های مهدوی، ش ۵، تابستان ۱۳۹۲.
۳۶. سبحانی، جعفر، الأضواء علی عقائد الشيعة الإمامية، قم، مؤسسه امام صادق علیه السلام، بی تا.
۳۷. سبحانی، جعفر، الإلهیات علی هدی الكتاب والسنة والعقل، قم، المركز العالمی للدراسات الإسلامية، سوم، ۱۴۱۲ق.
۳۸. سبحانی، جعفر، البدء فی ضوء الكتاب والسنة، بیروت، دارالأضواء، دوم، ۱۴۰۸ق.
۳۹. سجادی، سیدحسین، دهه هشتاد دهه ظهوران شاء الله، مشهد، هاتف، اول، ۱۳۸۴.
۴۰. سجادی، سیدجعفر، فرهنگ معارف اسلامی، تهران، انتشارات دانشگاه تهران، سوم، ۱۳۷۳.
۴۱. سلیمان، کامل، يوم الخلاص فی ظل القائم المهدی علیه السلام، قم، دارالمجتبی، اول، ۱۴۲۷ق.
۴۲. سیدمرتضی (علم الهدی)، علی، أمالی المرتضی، قاهره، دارالفکر العربی، اول، ۱۹۹۸م.
۴۳. شامی عاملی، یوسف بن حاتم، الدر النظیم فی مناقب الأئمة اللہامیم، قم، جامعہ مدرسین، اول، ۱۴۲۰ق.
۴۴. صادقی، مصطفی، تحلیل تاریخی نشانه‌های ظهور، قم، دفتر تبلیغات اسلامی، معاونت پژوهشی، پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی، دوم، ۱۳۸۵.
۴۵. صافی گلپایگانی، لطف الله، منتخب الأثر فی الإمام الثانی عشر علیہ السلام، قم، مکتبه آیه الله العظمی الصافی گلپایگانی، وحدة النشر العالمیة، اول، ۱۳۸۰.
۴۶. صدر، سیدمحمد، تاریخ الغیبة الکبری، بیروت، دارالتعارف للمطبوعات، اول، ۱۴۱۲ق «الف».
۴۷. صدر، سیدمحمد، تاریخ ما بعد الظهور، بیروت، دارالتعارف للمطبوعات، اول، ۱۴۱۲ق «ب».
۴۸. طباطبایی، سید محمدحسین، المیزان فی تفسیر القرآن، قم، دفتر انتشارات اسلامی جامعہ مدرسین حوزه علمیه قم، پنجم، ۱۴۱۷ق.
۴۹. طبرسی، فضل بن حسن، إعلام الوری بأعلام الهدی، قم، مؤسسة آل البيت علیه السلام لإحياء

- التراث، اول، ۱۳۷۶.
۵۰. طبری آملی، محمد بن جریر، *دلائل الامامة*، قم، بعثت، اول، ۱۴۱۳ ق.
۵۱. طوسی، محمد بن حسن، *الغیبة (كتاب الغیبة للحجة)*، قم، مؤسسة المعارف الإسلامية، سوم، ۱۴۲۵ ق.
۵۲. طوسی، محمد بن حسن، *مصباح المتعبد*، بیروت، مؤسسة فقه الشیعة، اول، ۱۴۱۱ ق.
۵۳. طوسی، نصیرالدین محمد بن محمد، *الجواهر النضید*، قم، انتشارات بیدار، پنجم، ۱۳۷۱.
۵۴. عاشور، علی، *موسوعة أهل البيت (عليه السلام)*، بیروت، اول، ۱۴۲۷ ق.
۵۵. عاملی، جعفر مرتضی، *دراسة فی علامات الظهور*، بیروت، چهارم، ۱۴۲۴ ق.
۵۶. عزالدین حلی، حسن بن سلیمان، *مختصر البصائر*، قم، انتشارات جامعه مدرسین، اول، ۱۳۷۹.
۵۷. غزالی (ابوحامد)، محمد بن محمد، *الأربعین فی اصول الدین*، بیروت، دارالکتب العلمیة، اول، ۱۴۰۹ ق.
۵۸. فتلاوی، مهدی حمد، *نهج الخلاص*، بغداد، مکتبه الشهاب الثقاب، اول، ۱۴۲۷ ق.
۵۹. فراهیدی، خلیل بن احمد، *کتاب العین*، قم، نشر هجرت، دوم، ۱۴۰۹ ق.
۶۰. فردا نیوز، *تفاوت ها و شباهت های داعش و سفیانی / حدیثی که می تواند درباره داعش باشد / آیا داعشی ها به ایران حمله می کنند؟*، (آذر ۱۳۹۷) قابل دسترس در آدرس: <https://www.fardanews.com/fa/news/466467>
۶۱. فیض کاشانی (ملا محسن کاشانی)، محمد بن مرتضی، *المحجة البيضاء فی تهذیب الاحیاء*، قم، انتشارات جامعه مدرسین، چهارم، ۱۳۷۶.
۶۲. قمی، علی بن ابراهیم، *تفسیر القمی*، قم، دارالکتاب، سوم، ۱۴۰۴ ق.
۶۳. قنبریان، محسن، *وظایف استراتژیک دولت زمینه ساز، مجموعه آثار سومین همایش بین المللی دکترین مهدویت*، ج ۲، قم، موسسه آینده روشن (پژوهشکده مهدویت)، اول، ۱۳۸۶.
۶۴. کلینی، ابوجعفر، محمد بن یعقوب، *الکافی*، تهران، دارالکتب الإسلامية، چهارم، ۱۴۰۷ ق.
۶۵. جمعی از محققان، *موسوعة نصرۃ النعم فی مکارم أخلاق الرسول الکریم (عليه السلام)*، جده، دارالوسيلة، چهارم، ۱۴۲۶ ق.
۶۶. مازندرانی، محمد صالح بن احمد، *شرح الکافی (الأصول والروضة)*، تهران، المکتبة الإسلامية، اول، ۱۳۸۲ ق.

۶۷. مجلسی، محمدباقر، بحار الأنوار الجامعة لدرر أخبار الأئمة الأطهار عليه السلام، بیروت، دار إحياء التراث العربی، دوم، ۱۴۰۳ ق.
۶۸. مجلسی، محمدباقر، کتاب رجعت، قم، دلیل ما، چهارم، ۱۳۸۶.
۶۹. مجلسی، محمدباقر، مرآة العقول فی شرح أخبار آل الرسول، تهران، دار الکتب الإسلامية، دوم، ۱۴۰۴ ق.
۷۰. مطهری، مرتضی، مجموعه آثار، تهران، انتشارات صدرا، اول، ۱۳۸۶.
۷۱. مفید، محمد بن محمد بن نعمان عکبری، الإرشاد فی معرفة حجج الله علی العباد، قم، کنگره شیخ مفید، اول، ۱۴۱۳ ق.
۷۲. مقدسی شافعی سلمی، یوسف بن یحیی، عقد الدرر فی أخبار المنتظر عليه السلام، قم، مسجد مقدس جمکران، سوم، ۱۴۲۸ ق.
۷۳. نراقی، احمد بن محمد مهدی، معراج السعادة، قم، هجرت، ششم، ۱۳۷۸.
۷۴. نعمانی (ابن ابی زینب)، محمد بن ابراهیم، الغیة، تهران، نشر صدوق، اول، ۱۳۹۷ ق.
۷۵. نهاوندی، علی اکبر، العبقری الحسان، محقق و مصحح: صادق برزگر، قم، مسجد مقدس جمکران، اول، ۱۳۸۶.
۷۶. ویکی پدیا، ظهور بسیار نزدیک است، (آذر ۱۳۹۷) قابل دسترس در آدرس:  
<https://fa.wikipedia.org/wiki/>
۷۷. ویکی پدیا، عبدالله بن عبدالعزیز آل سعود، (آذر ۱۳۹۷) قابل دسترس در آدرس:  
<https://fa.wikipedia.org/wiki/>
۷۸. ویکی پدیا، عبدالله دوم، (آذر ۱۳۹۷) قابل دسترس در آدرس:  
<https://fa.wikipedia.org/wiki/>
۷۹. ویکی پدیا، مستعصم، (آذر ۱۳۹۷) قابل دسترس در آدرس:  
<https://fa.wikipedia.org/wiki/>



## Effects of Imam existence in the system of creation

Mujtaba Tariverdizadeh<sup>1</sup>

### Abstract

The mere existence of the Imam in the system of creation has effects that have been considered in hadith texts.

Due to the absence of the Twelfth Imam and making doubts about the benefit of the Absent Imam by the opponents of Shiism, familiarity with the effects of the mere existence of the Imam will increase the knowledge of the believers and strengthen their beliefs. One of the most important effects of Imam's existence is that he is a mediator in divine graces. The following article, after terminology of the word "grace", and explaining the position of the Imam as a mediator of divine grace on the servants, presents several cases of mediation. Examples include mediation in the survival of the Cosmos, the security of the inhabitants of the earth, the elimination of torment from the people of the earth, the survival of the opportunity to reform, the descent of heavenly blessings, and the departure of earthly blessings. The author tries to explain each of these titles by using the verses and hadiths of Ahl al-Bayt and with a descriptive-analytical approach. In this method, unlike the theological method, which relies more on rational and logical arguments, relied on hadith and revelatory sources.

**Keywords:** The effects of Imam existence , the mediation of grace, the system of creation

---

1. Jafari Foundation Scholar .(M.tariverdi313@gmail.com)





ISSN: 2423 - 7655



فصلنامه علمی، ترویجی مهندویت  
شماره سی و دوم / سال هشتم / بهار ۱۳۹۹

## آثار مترتب بر صرف وجود امام در نظام آفرینش

مجتبی تاریوردی زاده<sup>۱</sup>

تاریخ پذیرش: ۹۸/۱۲/۱۰

تاریخ دریافت: ۹۸/۱۰/۱

### چکیده

صرف وجود امام در نظام آفرینش، آثاری دارد که در متون حدیثی مورد توجه قرار گرفته است. با توجه به غیبت امام دوازدهم و تشکیک مخالفان تشیع در فوائد وجودی ایشان، آشنایی با آنها سبب افزایش معرفت مؤمنین و تقویت باورها می‌گردد. از مهم‌ترین آثار وجودی امام، واسطه بودن ایشان در فیوضات الهی می‌باشد. نوشتار پیش رو بعد از مفهوم‌شناسی واژه «فیض»، بیان مراد از آن و تبیین جایگاه امام به عنوان واسطه فیض الهی بر بندگان، موارد متعددی از وساطت را ارائه می‌دهد. وساطت در بقاء نظام هستی، امنیت زمینیان، رفع عذاب از اهل زمین، بقاء فرصت اصلاح، نزول برکات آسمانی و خروج برکات زمینی از جمله مصادیق آن می‌باشند. نگارنده با بهره‌گیری از آیات و احادیث اهل بیت (علیهم‌السلام) و با رویکرد توصیفی - تحلیلی سعی در توضیح هر کدام از این عناوین دارد. در این روش بر خلاف روش متکلمین که بیشتر تکیه بر مباحث عقلانی و منطقی دارد؛ تکیه مباحث بر منابع حدیثی و وحیانی می‌باشد. واژگان کلیدی: آثار وجود امام، وساطت فیض، نظام آفرینش.

۱. پژوهشگر بنیاد فرهنگ جعفری، قم، ایران. (M.tariverdi313@gmail.com).

## مقدمه

باور شیعیان به وجود همیشگی امام و حجت الهی در زمین، این انتظار را پدید می‌آورد که امام، همیشه در بین مردم حضور ظاهری خواهد داشت. این حالت مادامی که به حبس، محاصره و احضار امام به نزد حاکم ستمگر ختم گردد، سبب بروز مشکلی جدی و یا دست کم شبهه اعتقادی نمی‌شود. اما در صورت منتهی شدن این امر به غیبت طولانی و عدم حضور امام در عرصه اجتماعی، می‌تواند اندیشه ضرورت وجود امام را در ذهن مسلمانان به چالش بیاورد. این مطلب در کنار روحیه غالب انسان‌ها که توجه و تمایل زیادی به امور محسوس دارند،<sup>۱</sup> امری دور از انتظار نمی‌باشد. افزون بر آن، کلام کسانی که وجود امام غائب را بدون فائده و اعتقاد به آن را امری لغو می‌پندارند، منجر به تقویت چنین نتیجه‌ای گردیده است. از جمله افراد شاخصی که چنین اظهاراتی را بیان کرده‌اند می‌توان به ابن تیمیه (نوری، ۱۴۰۰: ۲۰۱)،<sup>۲</sup> تفتازانی (تفتازانی، ۱۴۰۹: ج ۵، ۳۱۳) و قاضی عبدالجبار معتزلی (قاضی عبدالجبار، ۱۹۶۵-۱۹۶۲: ج ۱، ۵۷) اشاره کرد.

از گذشته تا به امروز برای پاسخ به مسئله فواید وجودی امام در زمان غیبت، پاسخ‌هایی داده شده است. بزرگانی چون شیخ طوسی و سیدمرتضی و شیخ مفید از پیشگامان در این مسئله می‌باشند (جمیل حمود، ۱۴۲۳: ج ۲، ۶۳۹؛ طوسی، ۱۳۸۲: ج ۱، ۱۰۶؛ مفید، ۱۴۱۳: ج ۱، ۱۱). البته باید توجه داشت که اصل بحث از آثار وجودی امام، نیازی به مطرح شدن زمان غیبت امام ندارد اما مسئله غیبت، بهانه‌ای مهم برای انکار فائده و آثار وجود امام شده است. در نتیجه غالباً عالمان دینی به این موضوع در مسئله غیبت امام دوازدهم پرداخته‌اند. روایات زیادی موجود است که از آثار مربوط به امام سخن می‌گویند. بخشی از روایات،

۱. البته این نحوه برداشت در زمان پیامبر ﷺ و اهل بیت  نیز بوده است و تا مسئله غیبت امام دوازدهم مطرح می‌شد با تعجب، نحوه انتفاع از وجود امام را پرسش می‌کردند. همین مطلب به خوبی دلالت دارد که ذهن غالب افراد در جامعه حتی شیعیان و پیروان مکتب تشیع نیز به سبب عدم معرفت صحیح نسبت به شئون امام، انتفاع از وجود امام را در صورت حضور و ظهور ایشان می‌دانستند و در صورت غیبت امام این مطلب باعث تردید و تعجب ایشان می‌گردید. در چنین صورتی بهترین پاسخ را پیامبر ﷺ و ائمه  برای تبیین این مطلب بیان کرده‌اند به نحوی که امروز نیز بهترین پاسخ به این مسئله همین پاسخ می‌باشد. تشبیه امام غائب به خورشید پشت ابر و استمرار انتفاع از خورشید حتی در پشت ابر، گویای زوایای خوبی از این مسئله می‌باشد. عالمان بزرگی چون علامه مجلسی  به برخی از زوایای این تشبیه پرداخته‌اند که ما را در فهم عمیق‌تری نسبت به این تشبیه یاری می‌رساند (بحار الانوار، ج ۵۳، ۹۳).

۲. «قال ابن تیمیة من علماء الحنابلة في منهاج السنة: مهدي الرافضة لا خير فيه اذ لا نفع ديني ولا دنوي لغيبته».

بیان‌کنندهٔ آثاری می‌باشد که بر معرفت و قبول ولایت امام، مترتب است. بخش دیگری از آنها به آثار اعمال، گفتار و تصرفات امام (چه تصرف ظاهری و چه تصرف باطنی) مربوط می‌باشد. در نهایت قسم سومی از روایات که موضوع این مقاله را شکل می‌دهند، به آثار صرف وجود امام در جهان آفرینش می‌پردازند فارغ از آثار اعمال، گفتار و همچنین تصرفات ایشان. آن چه سبب تأثیرگذاری شبهات مذکور در جامعه شیعی می‌شود، عدم آگاهی از فوائد قسم اول و سوم می‌باشد. غالب پاسخ‌ها در شبهات مذکور ناظر به آثار و فوائدی است که مرتبط با معرفت، اعمال و تصرفات امام می‌باشد و نسبت به فوائد وجودی امام، کمتر سخن گفته می‌شود. هم‌چنین اصلی‌ترین پاسخ‌های بزرگانی چون شیخ طوسی، سیدمرتضی و شیخ مفید، پرداختن به دو بخش اول و دوم از این فوائد بوده است.

نگارنده از طرفی به جهت معرفت‌افزایی و تقویت قلوب شیعیان در برابر شبهات و وسوسه‌های شیطانی، مبنی بر عدم ترتب اثر بر وجود امام غائب از طرفی دیگر به جهت تبیین بخشی از آموزه‌های شیعی، به آثار صرف‌الوجودی امام پرداخته است. تلاش پیش رو با استناد به آیات و روایات بوده و البته در مواردی نیز به تحلیل عقلی و منطقی پرداخته است. ابتدا با بررسی واژه «فیض» به معنای وساطت توجه داده می‌شود سپس مصادیق این نوع وساطت که در متون حدیثی موجود است هر کدام به صورت جداگانه تبیین می‌گردد.

پیش از این بزرگانی این موضوع را در ضمن مسائل کلامی و هم‌چنین به صورت مستقل مورد توجه قرار داده‌اند. از متقدمین، شیخ مفید در رساله‌ای در مورد غیبت در ضمن آثار امام غائب بدان پرداخته‌اند (مفید، ۱۴۱۳: ج ۱، ۱۱) و از معاصرین نیز حجت‌الاسلام ربّانی گلیپایگانی در مقاله‌ای مستقل با عنوان «نقش غائی امام در نظام آفرینش» مورد بررسی قرار داده‌اند. بنابراین از جمله تفاوت‌های این نوشتار با تلاش‌های قبلی می‌توان به سه مورد اشاره کرد: یکم. واکاوی معنای واژه فیض در اصطلاح «وساطت فیض» که به نظر می‌رسد در مقالات دیگر این مطلب مغفول مانده است؛

دوم. بررسی آثار بر پایه احادیث و کتاب خدا که آثار را بر پایه عقل و منابع وحیانی بیان کرده‌اند؛

سوم. توجه داشتن به آثار صرف وجود حجت الهی و این غیر از آثار محبت، معرفت و دستورات امام می‌باشد.

هم‌چنین این آثار اعم از غائب بودن یا حضور امام است.

با توجه به متون حدیثی، بقاء عالم آفرینش، آرامش زمین و اهل آن، نزول نعمات آسمانی و خروج برکات زمینی به برکت صرف وجود امام در جهان، از جمله آثار به شمار آمده‌اند. در نتیجه برای تحقق چنین فیوضاتی، وجود حجت‌الهی در نظام آفرینش لازم می‌باشد. قبل از ارائه و طرح آثار، تبیین مقام وساطت فیض که بستری برای بیان آنهاست، ضروری می‌نماید.

### وساطت در فیض الهی

لغت «فیض» در اصل بر معنای سیلان و جریان شیئی به سهولت، دلالت دارد (ابن فارس، ۱۴۰۴: ج ۶، ۴۶۵). هرگاه چیزی در ظرف خود به حدی رسید که لبریز شده و از اطراف آن جاری شود می‌گویند: «فاض الشیء». گاهی متعلق آن اموری مادی است مانند، آب و اشک که در صورت کثرت و زیادی از اطراف رودخانه و چشم جاری می‌گردند. در این صورت گفته می‌شود: «فاض الماء» و «فاض الدمع». گاهی نیز متعلق آن امری معنوی است مانند، اُسراری که سینه شخصی را پُر نموده و دیگر توان مخفی کردن آن را ندارد و اظهار می‌نماید. در این صورت نیز گفته می‌شود: «فاض صدّه بسّره» (فراهیدی، ۱۴۰۹: ج ۷، ۶۵؛ راغب اصفهانی، ۱۴۱۲: ۶۴۸). از آن جا که این جریان، از کثرت افزودن بر چیزی ایجاد می‌گردد به نحو استعاره در مورد شخصی که کثرت جود و بخشش دارد «رجلٌ فیاض» استعمال شده است (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲: ۶۴۸؛ زمخشری، ۱۹۷۹: ۴۸۷؛ زبیدی، ۱۴۱۴: ج ۱۰، ۱۲۸).

واژه «فیض» علاوه بر متکلمین در میان فلاسفه و عرفاء نیز رایج بوده و دارای معنای اصطلاحی خاص است. در نزد عرفاء، فیض همان ظهور تجلی همیشگی الهی در صور موجودات است (رفیق عجم، ۱۹۹۹: ۷۴۱؛ مجددی برکتی، ۲۰۰۹: ۱۶۸). هم چنین آنان تأکید زیادی بر عدم انفکاک موجودات از مبدأ فیض دارند. به نحوی که غزالی در توضیح فیض می‌گوید:

شایسته نیست که از فیض، همان فهمیده شود که از جریان آب از ظرف می‌فهمند. زیرا که در جریان آب از ظرف، بین جزئی از آب با آب درون ظرف انفصال و جدائی حاصل می‌شود. بلکه از فیض، چیزی را بفهم که از جریان نور خورشید بر دیوار می‌فهمی. چنین نیست که نور از جرم خورشید جدا شده و بر دیوار متصل شده باشد (رفیق عجم، ۲۰۰۰: ۵۶۷).

در نزد فلاسفه نیز فیض بر فعلی اطلاق می‌شود که همیشه و بدون عوض و غرض، جریان دارد. چنین فاعلی که دارای وجود ازلی و ابدی بوده مبدأ فیاض و واجب‌الوجود است.

مقصود فلاسفه از فیض، إفاضه بدون انقطاعِ جمیع موجودات از مبدأ واحد می باشد (جمیل صلیبا، ۱۴۱۴: ۱۷۲). در واقع فلاسفه و عارفان، قول به فیض عالم را در مقابل قول به خلقت از عدم، بیان کرده اند. خلقت در مذهب ابن عربی که از بزرگان عرفاء به شمار می آید به معنای ایجاد از عدم نیست بلکه ظهور و تجلّی الهی در صُور موجوداتی است که از شمارش خارج می باشند (سعاد الحکیم: ۸۸۹). بنابراین با توجه به گفته ایشان «فیض» متضمن معنای صیوروت و بیان آفرینش و کیفیت صدور موجودات خواهد بود و زمانی که گفته می شود چیزی از دیگری إفاضه یافت یعنی به تدریج از آن صادر گردید (حنفی، ۱۴۲۰: ۶۲۷).

تعبیری مانند فیض، فیاض و وساطت فیض ظاهراً از فلاسفه و عرفاء دوران قبل از اسلام گرفته شده است. پس از آن فیلسوفانی چون ابن سینا و فارابی برای تطبیق نظریه فیض با مبانی اسلامی تلاش بسیاری کردند تا مسئله کیفیت خلقت عالم را کشف نمایند (ابن سینا، ۱۳۸۳: ۱-۱۲). هم چنین برای نگارنده به تدریج این تعبیر مانند تعبیری دیگر هم چون «انسان کامل»، «وجود»، «تجلّی» و غیره بین متکلمین با توجه به اختلافاتی که در مبنای اعتقادی داشتند نیز رواج یافت. بدیهی است که ادبیات جدید در هر علمی می تواند منجر به فهم جدیدی گردد.

در نوشتار حاضر فیض، به معنای کثرت جود و بخشش می باشد و به همین جهت است که به نحو استعاره به فرد کثیرالجود، رجل فیاض اطلاق می شود (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲: ۶۴۸؛ زمخشری، ۱۹۷۹: ۴۸۷؛ زبیدی، ۱۴۱۴: ج ۱۰، ۱۲۸). مراد از آن مطلق نعمت های الهی و إعطاء آنها از سوی خداوند بر موجودات می باشد. در این صورت دیگر معنای صدور، فیض ازلی و قدّم عالم پیش نمی آید و خدشه ای بر قول «خلقت موجودات از عدم» که رأی متکلمین است وارد نمی گردد. زیرا متکلمین که از تعبیر واسطه فیض استفاده می کنند مرادشان معنای صدور نیست.

هم چنین گاهی میان رساننده فیض و گیرنده آن واسطه ای وجود دارد که به سبب او این فیوضات جاری می شود. از آن جا که نظام حاکم بر این جهان، نظام اسباب و مسببات می باشد؛ بدین لحاظ فیض الهی با اسباب و واسطه هایی به مخلوقات می رسد (کلینی، ۱۴۰۷: ج ۱، ۱۸۳).<sup>۱</sup> با توجه به احادیث فراوان، خداوند فیض را به واسطه برخی بندگان شایسته خود بر مخلوقات جاری می کند. از این رو برکات زمینی و آسمانی علاوه بر دارا بودن اسباب طبیعی،

۱. «أبى الله أن یجری الأشياء إلاّ بالأسباب».

دارای سبب دیگری هستند که بر همه اسباب، مقدم می‌باشند. این بندگانی که از شایستگی‌های خاصی در درگاه الهی برخوردارند در بین متکلمین متأخر، واسطه فیض نامیده شده‌اند.

شیعیان دوازده امامی به سبب وجود چنین روایاتی، معتقد به وساطت فیض امامان خویش هستند. یعنی هر آن‌چه از ناحیه خداوند متعال به خلایق می‌رسد و برکاتی که نازل می‌شود همه به واسطه وجود ایشان می‌باشد. در متون حدیثی و برخی از آیات قرآنی چنین شأن و جایگاه رفیعی برای امامان در نظام آفرینش تبیین گردیده است. در نتیجه در باور شیعیان، اعتقاد به وساطت امامان در نعمت‌های الهی با دلائل نقلی قابل اثبات می‌باشد.

بیان آموزه وساطت در فیض از زمان پیامبر اسلام ﷺ تا به امروز در میان شیعیان مطرح بوده است. وجود گزارشاتی که حاکی از آشنایی اصحاب ائمه علیهم‌السلام با چنین شأنی برای امام است، گویای چنین حقیقتی می‌باشد. در روایتی از امام رضا علیه‌السلام سؤال شد:

آیا زمین بدون امام باقی می‌ماند؟ حضرت فرمودند: خیر. راوی گفت: برای ما روایت کرده‌اند که زمین بدون امام باقی نمی‌ماند مگر این‌که خداوند بر بندگان خشم و غضب می‌نماید. حضرت فرمودند با نبود امام، زمین اساساً بقائی نخواهد داشت بلکه فرو می‌رود (کلینی، ۱۴۰۷، ۱: ۱۷۹).

نعمت امنیت و آرامش زمین از جمله فیوضاتی است که به سبب امام، نصیب بندگان شده است. این فیوضات از رحمت الهی نشأت می‌گیرد که در صورت خشم و غضب خداوند از بندگان، سلب خواهد شد.

این گزارش گویای آشنایی راوی با مضمون وساطت است که یا خواستار تأیید از امام بوده یا کیفیت آن را پرسش می‌کند. روایت چهارم، دهم و یازدهم همین باب (إِنَّ الْأَرْضَ لَا تَخْلُو مِنْ حُجَّةٍ) از کتاب کافی، که از افراد متعددی این پرسش صادر شده است به آشنایی اصحاب از این آموزه اشاره دارد (کلینی، ۱۴۰۷، ۱: ۱۷۹).<sup>۱</sup> علاوه بر آنها وجود زیارات و روایاتی که شیعیان را با این شأن از شئون امام آشنا می‌گردانند، شاهد دیگری بر این مدعا خواهند بود. زیاراتی مانند جامعه کبیره و زیارت سیدالشهداء علیه‌السلام را می‌توان از جمله آنها معرفی کرد.<sup>۲</sup> البته در ادامه،

۱. محمد بن فضیل، ابی حمزه و حسین بن ابی العلاء.

۲. فقره‌ای از زیارت جامعه کبیره: «خداوند به سبب شما آغاز می‌کند و به شما خاتمه می‌دهد، هم‌چنین به واسطه شما باران نازل می‌کند و آسمان را از این‌که بر زمین فرو افتد نگاه می‌دارد و غم و اندوه و مشکلات را بر طرف می‌سازد»

به فقراتی از این زیارات در تبیین شأن وساطت و نحوه استدلال به آن پرداخته می‌شود. روایاتی که حاکی از شأن و جایگاه وساطت امام می‌باشد از حیث اجمال و تفصیل به دو دسته تقسیم می‌شوند. برخی از آنها اخباری است که به صورت اجمال به این موضوع اشاره کرده‌اند؛ مانند «بکم فتح الله و بکم یختم» (ابن بابویه، ۱۴۱۳: ج ۲، ۶۱۵)، «بنا ینشر الرحمة» (ابن بابویه، ۱۳۷۶: ۱۸۶). به صورت کلی و بدون بیان جزئیاتی در این وساطت، فرمودند که گشایش و خاتمه فیض و انتشار رحمت الهی به واسطه حجت‌های خداوند صورت می‌گیرد. برخی دیگر به صورت تفصیلی به بیان اموری جزئی در این وساطت پرداخته‌اند که در این نوشتار به صورت جداگانه به هر کدام پرداخته می‌شود.<sup>۱</sup> وجود امام نه تنها در میان اجتماع انسانی بلکه در کل عالم آفرینش، مانند قلبی در جسد انسان است. همان‌گونه که مهم‌ترین آثار حیاتی از قلب انسان نشأت می‌گیرد؛ امام نیز به اعتبار این که قلب عالم امکان است و ولایت کلیه الهیه دارد سبب نزول فیوضات الهی از جمله فیض وجود بر مخلوقات می‌باشد. در نتیجه همان‌طور که نیاز به قلب برای حیات انسانی ضروری است، وجود امام نیز برای بقاء و دوام فیوضات الهی بر جسد عالم هستی ضروری خواهد بود. اکنون با چنین مقدمه‌ای، کلمات و زیارات اهل بیت علیهم‌السلام ما را با عناوینی آشنا کرده‌اند که به ترتیب مورد اشاره قرار می‌گیرند.

## ۱. بقاء نظام هستی

رابطه نظام آفرینش با وجود امام به گونه‌ای است که وجود و بقاء آن بستگی به وجود و بقاء امام دارد. در این صورت برای بقاء این جهان، وجود امام امری ضروری خواهد بود. روایات زیادی، این مطلب را مورد توجه قرار داده است که برخی از آنها ضرورت وجود امام و حجت

(من لا یحضره الفقیه، ج ۲، ۶۱۵).

فقره‌ای از زیارت سیدالشهداء علیه‌السلام: «خداوند متعال به واسطه شما هر آن چه را که بخواهد محو و اثبات می‌کند، خواری را از گردن‌های ما خارج کرده است، هر مؤمنی که خورش به ناحق ریخته شده است به واسطه شما طلب آن خون می‌شود، به سبب شما زمین درختان را می‌رویانند و هم چنین درختان میوه‌های خود را به ثمر می‌نشانند، به واسطه شما آسمان قطرات و رزقش را فرو می‌ریزد، ناخوشی‌ها را می‌زداید، خداوند باران رحمتش را نازل می‌کند، زمینی که حامل بدن هاست ثابت می‌ماند و کوه‌ها در مکان‌های خود استقرار می‌یابد. اراده خداوند در مقادیر امور، به سوی شما فرو می‌آید و از خانه‌های شما صادر می‌شود» (الکافی، ج ۴، ۵۷۷، ح ۲، باب زیارة قبرابی عبدالله الحسین بن علی علیه‌السلام).

۱. مانند وساطت در بقاء زمین که در ادامه خواهد آمد: «لو بقیت الارض بغير امام لساخت»؛ اگر زمین بدون امام باشد فرو می‌ریزد. (الکافی، ج ۱، ۱۷۹، ح ۱۰) و «جعلهم الله اركان الارض أن تمید بأهلها»؛ خداوند امامان را ارکان زمین قرار داده است تا از حرکت دادن اهلش جلوگیری کند. (بصائر الدرجات، ج ۱، ۱۹۹، ح ۱) در این جا بقاء زمین به عنوان جزئی از مخلوقات عالم مورد توجه قرار گرفته است و بقاء آن را متوقف بر وجود امام دانسته که رکن زمین می‌باشد.

الهی را در زمین و برخی نیز آثار نبودن امام را بیان می‌کنند.

امام صادق علیه السلام نیز می‌فرمایند:

زمین نیست، مگر این که حجت خدا در آن وجود داشته باشد (مجلسی، ۱۴۰۳: ج ۳۳، ۵۱).

امام باقر علیه السلام نیز فرمودند:

از روزی که حضرت آدم از دنیا رفت تا کنون زمین خالی از وجود حجت الهی نبوده است و هم چنین بدون حجت هم نخواهد ماند (مجلسی، ۱۴۰۳: ج ۲۳، ۲۲).

هم چنین ایشان می‌فرمایند:

زمین بدون امامی که ظاهر باشد یا غائب، باقی نمی‌ماند (ابن بابویه، ۱۴۰۴: ۳۱).

از جمله احادیثی که اثر نبودن امام را بیان کرده‌اند روایت زیر می‌باشد.

به امام صادق علیه السلام گفته شد آیا زمین بدون امام باقی می‌ماند؟ حضرت فرمودند:

لا تبقى اذا الساخت؛

زمین باقی نمی‌ماند و آن چه بر روی خود دارد را فرو می‌برد (مجلسی، ۱۴۰۳: ج ۲۳، ۲۴).

در این کلام تاکید شده که زمین در صورت خالی بودن از حجت الهی، قرار خویش را از دست داده و اهلش را نابود می‌کند. بنابراین وجود امام، تنها برای این نیست که خلق در هدایت و اصلاح دین و دنیایشان نیازمند به ایشان هستند؛ بلکه باید گفت این زمین و اهلش به سبب وجود امام، قرار یافته و لحظه بدون حجت خدا باقی نمی‌ماند. این مطلب را می‌توان از کلام امام باقر و امام رضا علیه السلام استفاده نمود. امام باقر علیه السلام در روایتی چنین فرمودند:

اگر امام لحظه‌ای از زمین برداشته شود، زمین اهلش را به خود می‌پیچد (کلینی، ۱۴۰۷: ج ۱، ۱۷۹).

هم چنین امام رضا علیه السلام می‌فرمایند:

اگر چشم بر هم زدن حجت خدا در روی زمین نباشد زمین به همراه اهلش به خود می‌پیچد (عاملی، ۱۴۲۵: ج ۱، ۱۳۳).

لفظ «ساعة» و «طرفه عین» در این دو روایت قابل توجه می‌باشد. بیان دو نکته متناسب با مسئله وساطت، در این جا ضروری به نظر می‌رسد.

**نکته اول:** در مورد روایاتی که سبب نابودی زمین و اهل آن را، فقدان امام بیان کرده‌اند،



این احتمال وجود دارد که مراد از زمین، همان نظام آفرینش باشد. این که زمین، بیشتر مورد توجه قرار گرفته به لحاظ استقرار امام و مخاطبان کلام ایشان در زمین می باشد هرچند که امام بر همه عالم احاطه دارند.

**نکته دوم:** دو دسته از روایات هستند که اشاره به شأن وساطت اهل بیت علیهم السلام در وجود نظام آفرینش دارند. دسته اول، روایاتی است که وجود اهل بیت علیهم السلام را سبب بقای نظام آفرینش معرفی کرده اند. این روایات از ابتدای نوشتار تا کنون مورد توجه قرار گرفته است مانند کلام امام رضا علیه السلام که می فرمایند:

لو خلت الارض طرفة عين من حجة لساخت بأهلها؛

یعنی اگر زمین چشم بر هم زدنی، خالی از وجود امام باشد زمین اهلش را می بلعد (صفار، ۱۴۰۴: ج ۱، ۴۸۹).

دسته دوم، اهل بیت علیهم السلام را سبب ایجاد نظام آفرینش معرفی می کنند. در روایات بسیاری چنین آمده است که پیامبر صلی الله علیه و آله، امیرالمؤمنین علیه السلام و فرزندان معصوم ایشان علیهم السلام سبب ایجاد مخلوقاتند و اگر این چنین نبود، هیچ مخلوقی به وجود نمی آمد (بحرانی، ۱۴۲۲: ۲۶-۴۲). امام صادق علیه السلام فرمودند:

خداوند در پاسخ به پرسش ملائکه درباره نور عظیمی که مشاهده کردند برایشان وحی کرد که این نور از نور من می باشد. اصل آن نبوت و فرعی امامت است که نور نبوت را در وجود نبی و رسول خود محمد صلی الله علیه و آله قرار داده و نور امامت را در وجود حجت خود علی علیه السلام قرار دادم. اگر این دو نبودند هیچ یک از مخلوقات را خلق نمی کردم (ابن بابویه، ۱۴۰۳: ۳۵۱).

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله فرمودند:

زمانی که به معراج رفتم خداوند بر من وحی کرد که اگر شما و اوصیاء معصومین نبودید، دنیا، آخرت، بهشت و جهنم را خلق نمی کردم (خزاز رازی، ۱۴۰۱: ۷۲).

## ۲. امنیت زمینیان

امنیت اهل زمین، از دیگر فوائد وجودی امام و حجت الهی است. باتوجه به بخشی از روایات، خداوند امام را رکن زمین قرار داد تا مانع از به حرکت در آمدن اهل آن باشد (کلینی، ۱۴۰۷: ج ۱، ۱۹۶). هم چنان که ارکان هر بنایی، سبب ثبات و بقای آن بنا شده است؛ حجت های الهی نیز به عنوان ارکان زمین موجب ثبات و بقاء زمین می باشند. با توجه به این

روایات، در صورت فقدان امام، زمین لحظه‌ای آرام نمی‌یابد بلکه تمام اهل خویش را می‌بلعد و نابود می‌گرداند (کلینی، ۱۴۰۷: ج ۱، ۲۰۲؛ صفار، ۱۴۰۴: ج ۱، ۴۸۹). پیشوایان معصوم، گاهی برای رساندن این معنا، امام را تشبیه به ستارگان در آسمان کرده‌اند. چنان‌که ستارگان، امنیت آسمانیان را تأمین می‌کنند، اهل زمین نیز به واسطه امامان در امان خواهند بود (ابن بابویه، ۱۳۹۵: ج ۱، ۲۰۵). در نتیجه از ظهور روایات مذکور، چنین استفاده می‌شود که زمین قرار خویش را به برکت وجود حجت‌های الهی به دست آورده است.

با توجه به اطلاق «أهل الأرض» و عدم تقيید به گروه خاصی از موجودات، بقای سائر ساکنین روی زمین، مانند حیوانات و جنیان نیز متوقف بر وجود امام و حجت الهی می‌باشد. بعد از توضیح عنوان یاد شده، در ادامه به موارد دیگری در وساطت که به نحوی با عنوان اصلی (امنیت زمینیان)، مرتبط می‌باشند اشاره می‌گردد.

#### الف) استقرار زمین

زمین با فقدان حجت الهی چنان به اضطراب می‌افتد که امام باقر علیه السلام آن را تشبیه به موج شدن دریا کرده‌اند (کلینی، ۱۴۰۷: ج ۱، ۱۷۹).<sup>۱</sup> اگرچه لازمه چنین حالتی در زمین، نابودی اهل آن می‌باشد ولی آن‌چه در این روایت به صراحت بیان شده اضطراب خود زمین به عنوان یک مخلوق است، اگرچه اهل زمین نیز به تبع آن به اضطراب می‌افتند. شخصی از امام کاظم علیه السلام پرسید:

آیا زمین بدون امام باقی می‌ماند؟ حضرت فرمودند: خیر، آن شخص دوباره پرسید: روایتی به ما رسیده است که باقی نمی‌ماند مگر آن‌که خداوند بر بندگان خشم می‌گیرد، امام فرمودند: در صورت عدم وجود امام، زمین اساساً بقائی نخواهد داشت زیرا اگر بدون امام باشد اهلش را فرو می‌برد (ابن بابویه، ۱۳۹۵: ج ۱، ۲۰۳).

هم‌چنین در متن یکی از زیارات امام حسین علیه السلام آمده است:

تَسْتَقِرُّ جِبَاهُهَا عَنْ مَرَاسِمِهَا؛

به سبب شما اهل بیت علیهم السلام خداوند کوه‌ها را در مکان‌های خود مستقر می‌گرداند (کلینی، ۱۴۰۷: ج ۴، ۵۷۷).

۱. «عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ علیه السلام قَالَ: لَوْ أَنَّ الْإِمَامَ رُفِعَ مِنَ الْأَرْضِ سَاعَةً لَمَاجَتْ بِأَهْلِهَا كَمَا يَمْوجُ الْبَحْرُ بِأَهْلِيهِ»؛ اگر امام از زمین لحظه‌ای برداشته شود، همان‌گونه که امواج دریا اهلش را در خود می‌پیچد و نابود می‌کند زمین نیز با اهلش چنین خواهد کرد.

چنانچه در برخی از روایات از امام به «أَوْتَادُ فِي أَرْضِهِ» (کلینی، ۱۴۰۷: ج ۶، ۲۵۶؛ حلبی، ۱۴۰۴: ۴۱۹)، «دَعَائِمُ الْأَوْتَاد» (ابن مشهدی، ۱۴۱۹: ۲۴۵) تشبیه شده است. کوه‌ها که به حکم قرآن<sup>۱</sup> خود باعث قوام زمین از حرکت و اضطراب می‌باشند، همین کوه‌ها به برکت وجود امام استقرار یافته‌اند. البته برخی از مفسران بزرگ شیعه مراد از «رواسی» در این آیه را نیز امام دانسته‌اند و روایتی را که می‌فرماید: «جَعَلَهُمُ (الْأُتَمَّة) اللَّهُ أَزْكَانَ الْأَرْضِ أَنْ تَمِيدَ بِأَهْلِهَا» (صفار، ۱۴۰۴: ج ۱، ۱۹۹) اشاره به آن می‌دانند (لاهیجی، ۱۳۷۳: ج ۲، ۷۰۱).

علاوه بر آنها توصیف امام در زیارات به «أَرْكَانُ الْبِلَاد» (ابن مشهدی، ۱۴۱۹: ۲۴۵؛ شیخ مفید، ۱۴۱۳: ۲۰۵؛ ابن بابویه، ۱۴۱۳: ج ۲، ۶۱۰)، «أَرْكَانُ الْأَرْض» (کلینی، ۱۴۰۷: ج ۴، ۵۵۹؛ ابن قولویه، ۱۳۵۶: ۴۵) و روایاتی که مشتمل بر چنین تعبیری است ظهورشان دلالت بر جایگاه سببی و وساطت در فیوضات الهی دارند. رکن، چیزی است که استقرار و دوام چیزی به آن بستگی دارد. بنابراین معنای این عبارات چنین می‌شود که استقرار و قوام شهرها به برکت وجود امام می‌باشد. اکنون این پرسش مطرح می‌شود که آیا مراد از ارکان بودن برای بلاد، خود بلاد مراد است یا اهل آن؟ در صورتی که کلمه «أهل» به عنوان مضافی برای آن در تقدیر باشد، مراد از آن «أَرْكَانُ أَهْلِ الْبِلَاد» خواهد بود. ولی به نظر می‌رسد، با توجه به ظاهر لفظ و اصل عدم تقدیر، منظور خود بلاد باشد. با این بیان مراد از «أَرْكَانُ الْأَرْض» نیز این چنین خواهد بود. در نتیجه قوام این بلاد و زمین، به وجود امام و حجت الهی وابسته است.

## ب) استقرار آسمان

در یکی از فقرات زیارت جامعه کبیره چنین آمده است:

بِکَمِ يَمْسُكُ السَّمَاءُ أَنْ تَقَعَ عَلَى الْأَرْضِ؛

به سبب وجود شما (امامان)، خداوند آسمان را از وقوع بر زمین حفظ و نگهداری می‌کند (مجلسی، ۱۴۰۳: ج ۹۹، ۱۴۴).<sup>۲</sup>

این جمله بیانگر نقش سببی و وساطت امامان، در استقرار آسمان می‌باشد. زائر با خواندن این زیارت، سبب بقای آسمان و عدم ریزش آن را به وجود امام در زمین نسبت می‌دهد. در کلامی از امام سجاد علیه السلام چنین بیان شده است:

۱. «وَأَلْقَى فِي الْأَرْضِ رَوَاسِي أَنْ تَمِيدَ بِكُمْ» (نحل: ۱۵)؛ «وَالْجِبَالِ أَوْتَادًا» (نبأ: ۷).

۲. تعبیر علامه مجلسی رحمته الله درباره این زیارت چنین است: «انها أصح الزیارات سنداً و أعمها مورداً و أفصحها لفظاً و أبلغها معنی و أعلاها شأنًا».

ما اهل بیت کسانی هستیم که به سبب ما خداوند آسمان را از این‌که بر زمین واقع شود ننگه می‌دارد (ابن بابویه، ۱۳۹۸: ج ۱، ۲۰۷).

نکته‌ای که در این‌جا مورد توجه قرار می‌گیرد، وجود عوامل و گناهان متعددی است که به حکم روایات و آیات قرآن، هر کدام به تنهایی می‌تواند منجر به سقوط آسمان شود. با وجود آن‌که چنین گناهایی در روی زمین بارها اتفاق افتاده است ولی آسمان هنوز استقرار خود را دارد. سخنان کفر و شرک‌آمیز انسان‌ها، مانند نسبت دادن فرزند به خداوند، شریک قائل شدن برای او در مقام ربوبی، اتخاذ بت‌هایی برای عبادت، ادعای ألوهیت توسط انسان‌ها و هم‌چنین قتل انبیاء و اوصیاء الهی؛ همه به حکم قرآن<sup>۱</sup> و روایات (حویزی، ۱۴۱۵: ج ۳، ۳۶۲؛ شیخ مفید، ۱۴۱۳: ۳۲۳) از عوامل فروپاشی نظام آفرینش می‌باشند. در واقع با وقوع چنین گناهایی، علت آرامش آسمان و زمین را باید در وجود امام و حجت الهی جستجو کرد. این همان چیزی است که در زیارت جامعه کبیره و برخی از روایات به آن اشاره شده است. هم‌چنین احتمال دارد<sup>۲</sup> گفتار امام رضا علیه السلام که فرمودند: «بنا یمسک السماوات و الارض أن تزولا» ناظر به همین مطلب دانست (ابن بابویه، ۱۳۹۵: ج ۱، ۲۰۲). یعنی آسمان و زمین به سبب ما امامان از فروپاشی (که اسباب مختلفی از گناهان دارد) حفظ می‌گردد. چنان‌که پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم به امیرالمؤمنین علیه السلام بعد از قرائت آیه ۴۱ سوره فاطر فرمودند:

به جهت تعظیم امر تو، دائماً آسمان‌ها تا به امروز در آرامش بودند (کوفی، بی‌تا: ۳۵۰).<sup>۳</sup>

در نتیجه با وجود اسباب سقوط آسمان، خداوند با قرار دادن امام از ریزش و فروپاشی آن جلوگیری می‌نماید.

### ۳. رفع عذاب از اهل زمین

بنابر روایات موجود در منابع حدیثی، نه تنها زمین با فقدان امام، قرار خویش را از دست می‌دهد؛ بلکه خداوند نیز در چنین شرائطی، عذاب خویش را بر اهل زمین نازل می‌کند (عده‌ای

۱. «از این‌که برای خداوند فرزندی را قائل شدند نزدیک است که آسمان‌ها از این سخن بشکافد و زمین منشق گردد و کوه‌ها در هم شکسته و فرو باشد» (مریم: ۹۰-۹۱).

۲. اگرچه احتمال دیگری که در این آیه و روایات داده می‌شود طرفداران بسیاری دارد. احتمالی که می‌فرماید: اساساً نظام هستی استقرارش وابسته به وجود امام و حجت الهی است و آسمان و زمین نیز از اجزاء این نظام می‌باشند. در نتیجه حتی در صورت عدم وقوع گناهان مذکور نیز، آسمان و زمین دوامی نخواهند داشت مگر به وجود حجت الهی. نگارنده نیز با چنین برداشتی مخالفت ندارد بلکه فقط احتمال دیگری در عبارت «أن تزولا» داده است.

۳. «فَمَا زَالَتْ إِلَّا يَوْمَئِذٍ تَعْظِماً لِأَمْرِكَ».

از علماء، ۱۴۲۳: ۱۴۰). گاهی اهل بیت علیهم السلام در ضمن معرفی ویژگی‌ها و شئونات خویش می‌فرمایند:

ما کسانی هستیم که خداوند به واسطه ما عذاب را از شما (مردم) منصرف می‌گرداند (صفار، ۱۴۰۴: ج ۱، ۶۳).

زائران نیز در حین زیارت، به دستور پیشوایان دینی خطاب به ایشان می‌گویند:

به سبب وجود شما (امامان) از عذاب در امان می‌باشیم (مجلسی، ۱۴۰۳: ج ۹۹، ۲۰۵).

برخی دیگر از روایات، هم دفع عذاب الهی از اهل زمین و هم رفع آن را به سبب وجود امام بیان کرده‌اند (ابن بابویه، ۱۳۷۶: ۵۴۴). چنان‌که وقتی یکی از اصحاب امام باقر علیه السلام از علت نیاز به وجود نبی و امام پرسش می‌کند، امام در پاسخ به او می‌فرماید:

این نیاز به سبب بقاء نظام هستی بر صلاح خود می‌باشد و آن نیز به این شکل است که خداوند در صورتی عذاب را از اهل زمین رفع می‌کند که در آن نبی یا امامی وجود داشته باشد (ابن بابویه، ۱۳۸۵: ج ۱، ۱۲۳).

پس از آن امام استناد به آیه «ما کان الله ليعذبهم و انت فيهم»<sup>۱</sup> می‌نماید تا شاهد این مطلب را در کلام خداوند بیان کرده باشند. این آیه به صراحت گویای نقش و جایگاه پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله در امنیت اهل زمین می‌باشد. از آن‌جا که امام، قائم مقام پیامبر در تمام شئونات به غیر از نبوت است؛ به اذن الهی نیز دارای چنین جایگاهی می‌باشد. بنابراین با وجود ایشان، عذاب الهی از اهل زمین دفع می‌گردد. وجود ایشان در دفع عذاب الهی تا بدان حد است که اگر کسی در خواب، امام را در حال داخل شدن بر منطقه‌ای ببیند، اهل بیت علیهم السلام آن را تعبیر به آسایش و امنیت اهل آن کرده‌اند (ابن بابویه، ۱۳۹۵: ج ۱، ۲۱۰). در نتیجه ظهور این روایات دلالت دارد بر این که یکی از فوائد و آثار وجودی امام و حجت الهی، رفع و دفع عذاب عمومی از اهل زمین می‌باشد.

سنت و روش پروردگار در عذاب جزئی<sup>۲</sup> پیشینیان به نحوی با وجود حجت‌های الهی مرتبط می‌باشد. عادت مقرر الهی بر این است که هرگاه قومی یا شهری را عذاب می‌کند حجت و نبی خود را از میان آنان خارج کرده سپس عذاب را برایشان نازل

۱. «خداوند بنا ندارد ایشان را با آن‌که تو در میان‌شان هستی عذاب کند» (انفال: ۳۳).

۲. عذاب جزئی در مقابل عذاب کلی و عمومی است و مربوط به عذاب منطقه و بخشی از بلاد در زمین می‌باشد. ولی عذاب کلی و عمومی مربوط به همه زمین خواهد بود.

می‌گرداند.<sup>۱</sup> بنابراین خداوند بر اساس چنین سَنَّتِی اگر بخواهد همه زمین را عذاب نماید، امام را از روی زمین برمی‌دارد تا این امر واقع شود. زیرا مادامی که حجت الهی در روی زمین است این امر (عذاب کلی و عمومی) صورت نمی‌گیرد.

همچنین عذاب‌های جزئی که گاهی در گوشه و کنار زمین واقع می‌شود، منافاتی با عنوان این بخش ندارد زیرا ممکن است مراد از اینها، عذاب‌های عمومی باشد. عذابی که تمام موجودات روی زمین را شامل می‌شود. علاوه بر آن ممکن است مربوط به عذاب‌هایی باشد که دیگر در زمان ما واقع نمی‌شود، مانند مسخ شدن و غیره که در زمان اقوام گذشته اتفاق می‌افتاد.

پرسشی که ممکن است مطرح شود فرق این اثر (رفع عذاب از اهل زمین) با عنوان قبلی (امنیت زمینیان) می‌باشد. اگرچه برخی این دو عنوان را به صورت واحد مورد بررسی قرار داده‌اند ولی به نظر نگارنده می‌توانند دو اثر متفاوت به شمار آیند. در مورد «امنیت زمینیان» ظاهر کلام، ناظر به اموری زمینی مانند؛ عدم استقرار آن، فروپاشی شهرها، کوه‌ها و دریاها می‌باشد ولی در «رفع عذاب الهی» اموری اعم از آن موارد را شامل می‌شود. زیرا گاهی عذاب از آسمان و با امری غیر از امور زمینی صورت می‌یابد.

#### ۴. بقاء فرصت اصلاح و اِمهال گنهکاران

ابتدا باید تفاوت این عنوان را با عنوان قبلی بیان کرد. عنوان قبلی عام بوده و موجودات غیر از انسان را شامل می‌شود. یعنی تمام موجودات روی زمین به برکت وجود حجت الهی مأمون از عذاب خواهند بود ولی این عنوان مربوط به اهل تکلیف است که اخص از مورد عنوان قبل می‌باشد.

برای شکل‌گیری هدف بندگی<sup>۲</sup> در جهان، نیاز به وجود بندگان و بقاء نظام هستی است. این دو امر نیز به وجود حجت الهی بستگی دارد. حال اگر خداوند برای اصلاح آدمی فرصتی به بندگان خویش دهد، این امر جز در سایه وجود حجت الهی محقق نمی‌گردد. در واقع امام و حجت الهی، موجب بقاء فرصت توبه و بازگشت به هدف بندگی است. از طرفی در صورت فرصت ندادن، حجت خویش را از میان مردم برمی‌دارد. امام باقر علیه السلام می‌فرماید:

۱. اعراف: ۷۲، ۸۳-۸۴ و ۱۶۵.

۲. «وما خلقت الجن و الانس الا ليعبدون» (ذاریات: ۵۶).

هر زمانی که خداوند در میان بندگان نظری (برای اصلاح) ایشان نداشته باشد ما را از میان آنان برمی‌دارد (مجلسی، ۱۴۰۳، ۲۴: ۱۹۳).<sup>۱</sup>

علامه مجلسی نیز در تبیین این روایت به این نکته که فرصت اصلاح، نیاز به وجود امام دارد اشاره می‌نماید (مجلسی، ۱۴۰۳، ۲۴: ۱۹۴).<sup>۲</sup> هم‌چنین پیشوای ششم شیعیان چنین می‌فرماید:

زمین با وجود حجت الهی دائماً به حال خود باقی است... و اگر حجت الهی از زمین برداشته شود باب توبه نیز بسته خواهد شد (برقی، ۱۳۷۱: ج ۱، ۲۳۶).<sup>۳</sup>

اهل معاصی نیز اگر فرصت اصلاح می‌خواهند با وجود امام این فرصت باقی است و اگر قرار باشد براساس امتحان و اجرای سنت إمهال، در معاصی غوطه‌ور شوند باز هم وجود امام، ضروری خواهد بود. هم‌چنین امام باقر علیه السلام در پاسخ به پرسش از چرایی احتیاج به امام و نبی، مواردی را بیان می‌کنند که یکی از آنها إمهال اهل معاصی است (ابن بابویه، ۱۳۸۵: ج ۱، ۱۲۳).<sup>۴</sup> بنابراین یکی دیگر از آثار حجت الهی، بقاء فرصت اصلاح و إمهال اهل معاصی می‌باشد که خداوند به سبب وجود امام، در عذاب گنهکاران عجله نمی‌کند.

## ۵. وساطت اهل بیت علیهم السلام در وصول نعمت‌ها

### الف، نزول باران

از دیگر برکات وجودی امام وساطت در نزول باران می‌باشد. در زیارت جامعه کبیره آمده است:

بکم ينزل الغيث؛

به سبب شما باران نازل می‌شود (ابن بابویه، ۱۴۱۳: ج ۲، ۶۱۵).

این عبارت شامل دو معناست یکی نزول باران به برکت وجود ایشان و دیگری نزول باران به دعاء ایشان. با توجه به ظاهر این کلام و اصل عدم تقدیر، دلالت بر معنای اول دارد که خداوند

۱. «و نَحْنُ الْوَجْهُ الَّذِي يُؤْتِي اللَّهُ مِنْهُ لَمْ نَزَلْ فِي عِبَادِهِ مَا دَامَ اللَّهُ لَهُ فِيهِمْ رَوْيَةٌ فَإِذَا لَمْ يَكُنْ لَهُ فِيهِمْ رَوْيَةٌ رَفَعْنَا إِلَيْهِ فَقَعَلْنَا بِمَا أَحَبَّ قُلْتُ جُعِلْتُ فِدَاكَ وَ مَا الرَّوْيَةُ قَالَ الْحَاجَّةُ».

۲. بیان مجلسی رحمته الله: «الرؤية إما بالتشديد بمعنى التفكير فإن من له حاجة إلى أحد ينظر و يتفكر في إصلاح أموره أو بالتخفيف مهموزاً أي نظر رحمة و أظهر أنه كان بالباء الموحدة قال الفيروزآبادي الروبة و يضم الحاجة و على التقادير هي كناية عن إرادة بقائهم و خيرهم و صلاحهم».

۳. «إِذَا رَفَعَتِ الْحُجَّةُ أَغْلَقَ بَابُ التَّوْبَةِ وَ لَمْ يَنْفَعْ نَفْساً إِيمَانُهَا لَمْ تَكُنْ آمَنَتْ مِنْ قَبْلُ أَنْ تَرْفَعَ الْحُجَّةُ».

۴. «و بِهِمْ يُنْهَلُ أَهْلُ الْمَعَاصِي وَ لَا يُعْجَلُ عَلَيْهِمْ بِالْعُقُوبَةِ».

باران را به برکت وجود ایشان نازل می‌کند. گرچه این معنا با نزول باران به سبب دعاء امام منافات ندارد. پیشوایان دین اسلام بارها خود را با عباراتی مانند «بنا ينزل الغيث» (ابن بابویه، ۱۳۹۵: ج ۱، ۲۰۲)، «بنا ينزل الغيث من السماء» (کوفی: ۲۵۸؛ ابن قولویه، ۱۳۵۶: ۶۹)، «بنا يسقون الغيث» (ابن بابویه، ۱۳۹۵: ج ۱، ۲۰۶)، «بنا نزل غيث السماء» (کلینی، ۱۴۰۷: ج ۱، ۱۴۴؛ ابن قولویه، ۱۳۵۶: ۲۰۰) توصیف نموده‌اند. گویا وجه تاکید بر این مورد این است که آب، مایه حیات همه موجودات زنده است، چنان که قرآن می‌فرماید:

﴿وَجَعَلْنَا مِنَ الْمَاءِ كُلَّ شَيْءٍ حَيٍّ﴾<sup>۱</sup>

هر چیز زنده‌ای را از آب قرار دادیم.

در واقع این جمله از زیارت اشاره بر حدوث و بقاء موجودات، به برکت حجت‌های الهی دارد (حسینی میلانی، ۱۳۹۰: ج ۳، ۱۸۵). در روایات به موارد دیگری که مرتبط با این عنوان است اشاره شده است. در ادامه به ترتیب، این عناوین مطرح می‌گردد.

#### ب) جریان رودخانه ها

امام صادق علیه السلام در توصیف مقام امامت خویش می‌فرماید:

بِنَا... جَرَّتِ الْأَنْهَارُ؛

خداوند به واسطه ما امامان، نهرها را جاری می‌گرداند (کلینی، ۱۴۰۷: ۱، ۱۴۴).

این جریان می‌تواند به سبب نزول باران باشد که نزول باران نیز به سبب وجود امام و حجت الهی بوده است. البته برخی از شارحان بزرگ کتاب کافی می‌فرماید:

احتمال دارد این مطلب اشاره باشد به ظهور کمالات نفسانی و جسمانی انسان و رسیدن به نهایت مطلوب که علم و امثال آن می‌باشد (مجلسی، ۱۴۰۴: ج ۲، ۱۱۸).

البته براساس ظاهر لفظ و عدم مانع برای چنین معنایی، همان معنای اول رجحان دارد.

#### ج) نزول أرزاق

در متن زیارت امام حسین علیه السلام آمده است:

بِكُمْ تُنْزَلُ السَّمَاءُ قَطَرَهَا وَرِزْقَهَا؛

به سبب شماست که از آسمان باران و رزق نازل می‌شود (کلینی، ۱۴۰۷: ج ۴، ۵۷۷).

۱. انبیاء: ۳۰.



باید توجه داشت که جمیع ارزاق بندگان از باران به عمل می‌آید. خداوند عزوجل می‌فرماید: «وَفِي السَّمَاءِ رِزْقُكُمْ وَمَا تُوعَدُونَ»<sup>۱</sup>، «هم‌چنین در آیه» وَانْزَلَ مِنَ السَّمَاءِ مَاءً فَآخَرَجَ بِهِ مِنَ الثَّمَرَاتِ رِزْقًا لَكُمْ<sup>۲</sup> و علاوه بر آنها در آیه» وَ مَا أَنْزَلَ اللَّهُ مِنَ السَّمَاءِ مِنْ رِزْقٍ فَأَخْيَا بِهِ الْأَرْضَ بَعْدَ مَوْتِهَا<sup>۳</sup> این حقیقت را بیان می‌کند. نکته این‌که در آیه اخیر از آب باران، تعبیر به رزق شده است و چنین فرموده که خداوند از آسمان «رزق» را نازل می‌کند و زمین مرده را زنده می‌گرداند. شاهد این مدعا نیز آیه ۶۵ سوره نحل می‌باشد که به جای «مِنْ رِزْقٍ» کلمه «ماء» آورده است.<sup>۴</sup> وقتی خداوند باران رحمت‌اش را به واسطه امام، نازل و به تبع آن رزق بندگان را فراهم می‌کند، در نتیجه می‌توان امام و حجت الهی را ولی نعمت بندگان نامید. همین مطلب را، زائران اهل بیت علیهم‌السلام در حین زیارت با تعبیر «اولیاء النعم» با تمام وجود زمزمه می‌کنند (ابن بابویه، ۱۴۱۳: ج ۲، ۶۱۰). در برخی از روایات از چنین مطلبی تعبیر به «بِهِمْ يَرْزُقُ اللَّهُ عِبَادَهُ» شده است (ابن بابویه، ۱۳۸۵: ج ۱، ۱۲۴).<sup>۵</sup> چنین عباراتی بر وساطت امام در فیض الهی دلالت داشته و از آثار وجودی امام می‌باشد.

علاوه بر مطالب بالا روزی ابوحنیفه با امام صادق علیه‌السلام بر سر خوان طعام بودند. امام هنگام دست کشیدن از طعام چنین دعا کردند: «الحمد لله رب العالمین اللهم هذا منك و من رسولک» ابوحنیفه بلافاصله به عنوان اعتراض به امام گفت: آیا برای خداوند در رزق شریک قرار دادی؟! امام در پاسخ او به آیاتی استناد کردند که ابوحنیفه پس از شنیدن آنها به عجز خود در مقابل امام اقرار کرد (کراچی، ۱۴۱۰: ج ۲، ۳۶). این گفتگو به وضوح نقش پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم را در نزول ارزاق بیان می‌دارد.

#### د، خروج برکات زمین

برکات زمین اعم از درختان و ثمر آنها، سبزه‌ها، چشمه‌ها و غیره به سبب وجود امام و حجت الهی بروز می‌کند (ابن بابویه، ۱۳۸۵: ج ۱، ۱۲۴).<sup>۶</sup> اگرچه باران به طور طبیعی سبب روئیدن گیاهان می‌باشد ولی با این حال خداوند رویش آنها را متوقف بر وجود امام نیز کرده است. در

۱. ذاریات: ۲۲.

۲. بقره: ۲۲.

۳. جائیه: ۵.

۴. «وَ اللَّهُ أَنْزَلَ مِنَ السَّمَاءِ مَاءً فَأَخْيَا بِهِ الْأَرْضَ بَعْدَ مَوْتِهَا» (نحل: ۶۵).

۵. «خداوند به واسطه شما (امامان) به بندگان رزق می‌دهد».

۶. «بِهِمْ تَخْرُجُ بَرَكَاتُ الْأَرْضِ».

واقع همان‌گونه که فاعلیت باران به وجود امام وابسته می‌باشد، قابلیت زمین نیز برای إخراج برکاتش به وجود امام نیازمند است. در ادامه به برخی از مصادیق برکات زمین که از روایات و زیارات استفاده شده است اشاره می‌گردد.

### ۱. روئیدن درختان

در زیارت امام حسین علیه السلام آمده است:

يَكُمُ تُنْبِتُ الْأَرْضُ أَشْجَارَهَا؛

به سبب شما (امامان) زمین درختان خود را می‌رویانند (کلینی، ۱۴۰۷: ج ۴، ۵۷۶).

علامه مجلسی در توضیح چنین مضمونی می‌فرماید:

از آن‌جا که غایت در خلقت عالم براساس آیات و روایات، معرفت و عبادت پروردگار است و معرفت و عبادت کامل نیز از غیر امامان صادر نمی‌شود. در نتیجه ایشان سبب نظام عالم خواهند بود زیرا با وجود ایشان غرض و غایت حاصل شده است. بنابراین نظام عالم با فقدان إمام مختل می‌گردد زیرا که غایت خلقت نیز منتفی می‌شود (مجلسی، ۱۴۰۴: ج ۲، ۱۱۷).

به عبارت دیگر امامی که معرفت و عبادت کامل با وجود او انجام می‌شود غرض از نظام خلقت را محقق می‌سازد. در صورت نبودن ایشان نیز غرض هم از بین می‌رود لذا نظام خلقت از هم فرو می‌پاشد. در نتیجه روئیدن درختان که جزئی از این نعمت‌ها هستند به سبب وجود امام و حجت خداوند می‌باشد.

### ۲. میوه دادن درختان

هم چنین در همان زیارت امام حسین علیه السلام خوانده می‌شود:

يَكُمُ تُخْرِجُ الْأَشْجَارُ أَثْمَارَهَا؛

به واسطه شما (امامان) درختان نیز به ثمر می‌نشینند (کلینی، ۱۴۰۷: ج ۴، ۵۷۶).

تعبیر دیگری در روایات هم چون «بِنَا أَثْمَرَتِ الْأَشْجَارُ وَأَيْتَعَتِ الْثَمَارُ» به چنین شأنی اشاره کرده‌اند (کلینی، ۱۴۰۷: ج ۱، ۱۴۴).

### ۳. روئیدن انواع گیاهان روی زمین

امام صادق علیه السلام در بیان شئون امام می‌فرماید:

يَبْتَأ... يَنْبِتُ عُشْبُ الْأَرْضِ؛

به برکت وجود ما امامان، گیاهان در زمین می‌رویند (کلینی، ۱۴۰۷: ج ۱، ۱۴۴).

در نهایت بعد از تبیین موارد متعددی از وساطت امام و حجت الهی، بیان دو نکته ضروری است. ابتدا باید گفت موارد یاد شده در روایات از باب ذکر نمونه بوده است و منحصر در آنها نمی‌باشد. بنابراین، حوادث و رخداد‌های بسیاری وجود دارد که نقش وساطت امامان در آنها نیز جاری است. می‌توان گفت ذکر هر یک از این قبیل نعمت‌ها به منظور تعلیم و تربیت دانشجویان مکتب عالی تشیع است که آنان را متوجه مقام رسالت و ولایت می‌کند. دیگر این که چنین نقش و جایگاهی که حجت‌های الهی در نظام آفرینش دارند، مسئله‌ای قراردادی و اعتباری نیست. این جایگاه رفیع، ناشی از مقام و مرتبه وجودی آنان در نظام هستی است. آنان، به دلیل قرب وجودی بیشتری که به خداوند متعال دارند، از چنین جایگاهی در عالم آفرینش برخوردارند.

### نتیجه‌گیری

با وجود واقع شدن در زمان غیبت امام دوازدهم و انتشار شبهات از جانب مخالفین مکتب تشیع در عدم ترتب فائده بر وجود امام غائب علیه السلام، اهمیت معرفت و شناخت فوائد وجودی امام را ضروری می‌نماید. در میان فوائد مترتب بر وجود امام، آثار صرف‌الوجودی ایشان کمتر مورد توجه قرار گرفته است. در این نوشتار بر اساس آنچه گذشت، با توجه به روایات، شأن و جایگاه امام در وساطت فیض الهی، تبیین گردید و آثار متعددی که مترتب بر صرف وجود امام است مورد توجه قرار گرفت. امام با چنین جایگاهی در عالم، سبب بقای نظام هستی بوده و استقرار آسمان، زمین، کوه‌ها، شهرها و هم‌چنین رفع عذاب از اهل زمین و بقاء فرصت اصلاح آنان از جمله آثار وجود ایشان به شمار آمده است. علاوه بر آنها نزول برکات آسمانی چون باران و آرزاق مخلوقات، جاری شدن نهرها و خروج برکات زمینی چون روئیدن درختان، گیاهان و ثمر دادن آنها از دیگر آثار وجود امام در نظام هستی می‌باشد. پرداختن به این قسم از آثار علاوه بر تبیین بخشی از آموزه‌های شیعی به جهت ارتقاء سطح معرفتی پیروان مکتب تشیع، می‌تواند موجب تقویت باورها در مقابل شبهات مخالفین گردد.

## منابع

قرآن کریم

مفاتیح الجنان

۱. ابن بابویه، علی بن الحسین، *الإمامة والتبصرة من الحيرة*، قم، مدرسة الامام المهدي عليه السلام، اول، ۱۴۰۴ق.
۲. ابن بابویه (شیخ صدوق)، محمد بن علی، *الأمالی*، تهران، کتابچی، ششم، ۱۳۷۶ش.
۳. ابن بابویه (شیخ صدوق)، محمد بن علی، *علل الشرائع*، قم، کتابفروشی داوری، اول، ۱۳۸۵ش / ۱۹۶۶م.
۴. ابن بابویه (شیخ صدوق)، محمد بن علی، *کمال الدین وتمام النعمة*، تهران، اسلامیة، دوم، ۱۳۹۵ق.
۵. ابن بابویه (شیخ صدوق)، محمد بن علی، *معانی الاخبار*، قم، دفتر انتشارات اسلامی، اول، ۱۴۰۳ق.
۶. ابن بابویه (شیخ صدوق)، محمد بن علی، *من لا يحضره الفقيه*، قم، دفتر انتشارات اسلامی، دوم، ۱۴۱۳ق.
۷. ابن سینا، *رساله در حقیقت و کیفیت سلسله موجودات و تسلسل اسباب و مسببات*، همدان، دانشگاه بوعلی سینا، دوم، ۱۳۸۳ش.
۸. ابن عطیه، جمیل حمود، *أبھی المراد فی شرح مؤتمر علماء بغداد*، بیروت، مؤسسة الأعلمی، اول، ۱۴۲۳ق.
۹. ابن فارس، أحمد بن فارس، *معجم مقاییس اللغة*، قم، مکتب الاعلام الاسلامی، اول، ۱۴۰۴ق.
۱۰. ابن قولویه، جعفر بن محمد، *کامل الزیارات*، نجف، دارالمرتضویة، اول، ۱۳۵۶ش.
۱۱. ابن مشهدی، محمد بن جعفر، *المزار الکبیر*، قم، دفتر انتشارات اسلامی، اول، ۱۴۱۹ق.
۱۲. ابوالحسن، قاضی عبدالجبار، *المغنی فی أبواب التوحید والعدل*، قاهره، الدارالمصریة، ۱۹۶۵-۱۹۶۲م.
۱۳. ابوالصباح حلبی، تقی بن نجم، *تقریب المعارف*، قم، الهادی، اول، ۱۴۰۴ق.
۱۴. اشکوری، محمد بن علی، *تفسیر شریف لاهیجی*، تهران، دفتر نشر داد، اول، ۱۳۷۳ش.
۱۵. بحرانی، سیدهاشم، *غایة المرام و حجة الخصام فی تعیین الإمام من طریق الخاص والعام*،

- بیروت، مؤسسة التأریخ العربی، اول، ۱۴۲۲ق.
۱۶. برقی، احمد بن محمد بن خالد، *المحاسن*، قم، دارالکتب الإسلامية، دوم، ۱۳۷۱ق.
۱۷. تفتازانی، سعدالدین، *شرح المقاصد*، قم، الشریف الرضی، اول، ۱۴۰۹ق.
۱۸. حسینی میلانی، سیدعلی، *با پیشوایان هدایتگر*، قم، الحقائق، دوم، ۱۳۹۰ش.
۱۹. حسینی زبیدی، محمد مرتضی، *تاج العروس من جواهر القاموس*، بیروت، دارالفکر، اول، ۱۴۱۴ق.
۲۰. حنفی، عبدالمنعم، *المعجم الشامل لمصطلحات الفلسفة*، قاهره، مكتبة مدبولی، سوم، ۱۴۲۰ق.
۲۱. خزاز رازی، علی بن محمد، *کفاية الأثر فی النصّ علی الأئمة الإثنی عشر*، قم، بیدار، ۱۴۰۱ق.
۲۲. راغب اصفهانی، حسین بن محمد، *مفردات الفاظ القرآن*، بیروت / دمشق، دارالقلم / الدار الشامیة، اول، ۱۴۱۲ق.
۲۳. ربانی گلیایگانی، علی، «مقاله نقش غائی امام در نظام آفرینش»، *مجله انتظار موعود*، شماره ۳۱.
۲۴. زمخشری، محمود بن عمر، *أساس البلاغة*، بیروت، دارصادر، اول، ۱۹۷۹م.
۲۵. سجادی، جعفر، *فرهنگ اصطلاحات فلسفی ملاصدرا*، تهران، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلام، اول، ۱۳۷۹ش.
۲۶. سعاد الحکیم، *المعجم الصوفی*، بیروت، دندرة للطباعة و النشر، اول، بی تا.
۲۷. صدرالدین شیرازی، محمد بن ابراهیم، *شرح اصول الکافی (صدر)*، تهران، مؤسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی، اول، ۱۳۸۳ش.
۲۸. صفار، محمد بن حسن، *بصائر الدرجات فی فضائل آل محمد ﷺ*، قم، مكتبة آية الله المرعشی النجفی، دوم، ۱۴۰۴ق.
۲۹. صلیبا، جمیل، *المعجم الفلسفی بالألفاظ العربیة و الفرنسیة و الإنکلیزیة و اللاتینیة*، بیروت، الشركة العالمية للكتاب، اول، ۱۴۱۴ق.
۳۰. طوسی، ابوجعفر محمد بن حسن، *تلخیص الشافی*، قم، انتشارات المحبین، اول، ۱۳۸۲ش.
۳۱. عاملی، شیخ حرّ، *إثبات الهداة بالنصوص والمعجزات*، بیروت، أعلمی، اول، ۱۴۲۵ق.
۳۲. عجم، رفیق، *موسوعة مصطلحات الإمام الغزالی*، بیروت، مكتبة لبنان ناشرون، اول، ۲۰۰۰م.

۳۳. عجم، رفیق، *موسوعة مصطلحات التصوف الإسلامی*، بیروت، مكتبة لبنان ناشرون، اول، ۱۹۹۹ م.
۳۴. عده ای از علماء، *الاصول الستة عشر*، قم، مؤسسة دارالحديث الثقافية، اول، ۱۴۲۳ ق / ۱۳۸۱ ش.
۳۵. العروسی الحویزی، عبدعلی بن جمعة، *تفسير نور الثقلين*، قم، اسماعیلیان، چهارم، ۱۴۱۵ ق.
۳۶. فراهیدی، خلیل بن أحمد، *العين*، قم، نشر هجرت، دوم، ۱۴۰۹ ق.
۳۷. کراجکی، محمد بن علی، *کنز الفوائد*، قم، دار الذخائر، اول، ۱۴۱۰ ق.
۳۸. کلینی، محمد بن یعقوب، *الكافی* (ط - الإسلامية)، تهران، دارالکتب الإسلامية، چهارم، ۱۴۰۷ ق.
۳۹. کوفی، فرات بن ابراهیم، *تفسير فرات الكوفی*، تهران، مؤسسة الطبع و النشر فی وزارة الإرشاد الإسلامی، اول، بی تا.
۴۰. مجددی برکتی، محمد عمیم الاحسان، *التعريفات الفقهية*، لبنان، دارالکتب العلمية، منشورات محمد علی بیضون، دوم، ۲۰۰۹ م.
۴۱. مجلسی، محمد باقر بن محمد تقی، *بحار الأنوار* (ط - بیروت)، بیروت، دار إحياء التراث العربی، دوم، ۱۴۰۳ ق.
۴۲. مجلسی، محمد باقر بن محمد تقی، *مرآة العقول فی شرح أخبار آل الرسول*، تهران، دارالکتب الإسلامية، دوم، ۱۴۰۴ ق.
۴۳. مفید، محمد بن محمد، *الامالی*، قم، کنگره شیخ مفید، اول، ۱۴۱۳ ق.
۴۴. مجلسی، محمد باقر بن محمد تقی، *المقنعة*، قم، کنگره جهانی هزاره شیخ مفید علیه السلام، اول، ۱۴۱۳ ق.
۴۵. مجلسی، محمد باقر بن محمد تقی، *رسائل فی الغيبة*، قم، المؤتمر العالمی للشیخ المفید، اول، ۱۴۱۳ ق.
۴۶. نوری، حسین بن محمد تقی، *كشف الأستار عن وجه الغائب علیه السلام عن الأبصار*، تهران، مكتبة نینوی الحديثة، دوم، ۱۴۰۰ ق.





## **Analysis and critique of subordinate Mahdism (esoteric) and its components in the Sufi Gonabadi doctrinal system**

**Mohsen Ahmadi<sup>1</sup>**

### **Abstract**

According to Shiite belief, Hazrat Mahdi 7, as the last Imam and divine deposit, has a complete and absolute guardianship from God Almighty. The most prosperous Shiite Sufi clan in recent times are the "Gonabadis". That Mahdism is subordinate and esoteric guidance of the ummah has been entrusted to them and outward guidance has been entrusted to the jurists. The most important propositions and components of their beliefs are allegiance to the poles, pure obedience, and the concept of permission. He believes that allegiance to the pole is during allegiance to the Imam, and if one does not pledge allegiance to the pole, one will not be subject to the guardianship of the entire Imam. Also, the person must be obedient and pure to the sheikh, even if he sees rebellion and sin from the sheikh, and the permission is the same as the spiritual arrest that was given orally to the first pole, and the other poles are allowed to do so.

**Keywords:** Subordinate Mahdism, Inner Guidance, Gonabadi, Sufism, Allegiance, The Concept of Permission

---

1. PhD student in Imami Theology, University of Quran and Hadith, Qom.  
(ahmadiimohsen@gmail.com)





ISSN: 2423 - 7655



فصلنامه علمی ترویجی مهدویت  
شماره سی و دوم / سال هشتم / بهار ۱۳۹۹

## تحلیل و نقد مهدویت تبعی (باطنی) و مؤلفه‌های آن در منظومه اعتقادی صوفیه گنابادی

محسن احمدی<sup>۱</sup>

تاریخ پذیرش: ۹۸/۱۲/۱۳

تاریخ دریافت: ۹۸/۱۰/۱۸

### چکیده

مطابق عقیده تشیع حضرت مهدی علیه السلام به عنوان آخرین امام و ودیعه الهی، ولایتی تام و مطلق از جانب خداوند متعال دارد. پررونق‌ترین طایفه صوفی شیعه در دوران اخیر «گنابادی»‌ها هستند. اقطاب صوفیه گنابادی معتقدند بخشی از این هدایت و ولایت امام در زمان غیبت کبری که مهدویت تبعی و هدایت باطنی امت است به آنها موکول شده و هدایت ظاهری به فقها سپرده شده است. مهم‌ترین گزاره‌ها و مؤلفه‌های اعتقادی آنان بیعت با اقطاب، اطاعت محض، و مفهوم اجازه است. ایشان معتقدند، بیعت با قطب در طول بیعت با امام است و در صورت عدم بیعت با قطب، شخص تحت ولایت کلیه امام قرار نمی‌گیرد. هم‌چنین شخص باید مطیع و سرسپرده محض به شیخ باشد حتی اگر از شیخ عصیان و گناهی ببیند، و اجازه همان مجوز دستگیری معنوی است که به صورت نص شفاهی به قطب اول داده شده و اقطاب دیگر به واسطه وی این اجازه را دارند.

واژگان کلیدی: مهدویت تبعی، هدایت باطنی، گنابادی، تصوف، بیعت، مفهوم اجازه.

۱. دانشجوی دکتری کلام امامیه دانشگاه قرآن و حدیث، قم، ایران. (ahmadiimoohsen@gmail.com)

## مقدمه

نظام امامت محور و سامانه امت است که با نادیده گرفتن آگاهانه آن یا حذف نا آگاهانه اش هویت جامعه اسلامی از هم خواهد پاشید؛ از این رو مادامی که امت بر جای است به امام نیاز دارد. امت‌ها نخست موظف هستند امام خود را بشناسند و در گام بعد از او پیروی کنند. امت معاصر نیز باید حجت معصوم زمان خود را نیک بشناسد و در غیر این صورت به مرگ جاهلی از دنیا رفته است (صفار، ۱۴۰۴ق: ۲۵۹).

از جمله مهم‌ترین و اساسی‌ترین وظایف امام در هر عصری موضوع هدایتگری ایشان است که معرفت به ابعاد آن موجب پیمایش صحیح مسیر سعادت، دوری از انحطاط و ضلالت و در نتیجه رسیدن به قرب الی الله است. از این رو در جهت معرفت‌افزایی باید بدانیم که معصومین علیهم‌السلام دارای دو جلوه هدایتگری هستند. بخش اول آن هدایتگری تشریعی است که همان جلوه ظاهری هدایت می‌باشد و از آن به تبیین معارف و احکام شریعت تعبیر می‌کنند و بخش دیگر هدایتگری تکوینی است که همان جلوه باطنی و تصرف تکوینی در قلب‌های مستعد و رساندن آنها به سر منزل مقصود است.

انحرافات اعتقادی در حوزه هدایتگری امامت آخرین ودیعه الهی حضرت مهدی علیه‌السلام که از آثار و تبعات عدم شناخت حجت زمان است در طول غیبت کبری به اشکال مختلف نمایان شده است. از جمله موارد انحطاط از مسیر حقیقی در غیبت کبری امام عصر علیه‌السلام وجود مدعیانی است که با افکار و روش‌های متعدد سعی بر این داشته‌اند تا با انتساب خود به امام زمان برای خود گنبد و بارگاهی بسازند و افکار مردم معتقد به حضرت مهدی علیه‌السلام را به خود جلب نمایند. از جمله این مدعیان، باطن‌گرایان صوفی هستند که از قرون ابتدایی اسلام فعالیت خود را آغاز کردند. یکی از شاخه‌های پروتق تصوف شاخه «نعمت‌اللهیه» است که در قرن نهم به جهت نام قطب آن یعنی «شاه نعمت‌الله ولی» به این نام شهرت یافت. این شخص در هند و افغانستان به انتشار عقاید خود ادامه می‌دهد تا این‌که در اوایل قرن اخیر شخصی به نام سعادت علیشاه و پس از او ملا سلطان محمد معروف به سلطان علیشاه و اهل بیدخت گناباد این خرقه را بر تن می‌کنند. (زرین کوب، ۱۳۶۷: ۳۲۱-۳۴۵) به همین جهت سلسله نعمت‌اللهیه در ایران به گنابادی‌ها معروف می‌شود. ملاسلطان محمد گنابادی از شاگردان بزرگی چون ملاهادی سبزواری بوده و کتب متعددی چون *تفسیر بیان السعاده فی ذکر العباد*،

سعادۃ نامه، ولایت نامه و... در تدوین عقائد نظری این فرقه نوشته است. اقطاب این فرقه صوفی گنابادی در مبحث مهدویت، خود را ماذون از حضرت در گرفتن بیعت از مردم می دانند و خود را مهدی تبعی یا باطنی معرفی می کنند. مهدویت تبعی یا باطنی اعتقاد این نحله است که باور دارند در طول غیبت کبری اقطاب و شیوخ ماذون از امام زمان علیه السلام هستند و همان گونه که فقها وظیفه هدایت ظاهری در اعمال عبادی و حکومت بر شرع را بر عهده دارند ایشان وظیفه هدایت باطنی امت را با اذن حضرت و به عنوان مهدی تبعی بر عهده دارند. عده ای از نویسندگان و محققین تلاش کرده اند اعتقاد به «مهدویت نوعیه»<sup>۱</sup> را به این فرقه نسبت دهند در حالی که صوفیه گنابادی با ادعای اعتقاد به وجود حضرت مهدی علیه السلام و ولایت کلیه ایشان، ولایتی جزئی از جانب ولی مطلق را برای اشخاصی کمال یافته که آنها را با عناوینی چون ابدال، اقطاب و شیوخ می خوانند قائلند. لذا از آن رو که اعتقاد به وجود امام مهدی علیه السلام به عنوان امام دوازدهم دارند، نمی توان آنها را ذیل عنوان مهدویت نوعیه گنجانند بلکه مطابق آن چه از بیانات بزرگان این نحله ذکر شده، باید به نوعی مهدویت تبعی و باطنی یا ضمنی برای آنها قائل شویم و آن را در معرض تحلیل و نقد و بررسی قرار دهیم.

کتب متعددی در نقد صوفیه گنابادی منتشر شده است که به بیان برخی از آنها می پردازیم: در حوزه تاریخی تاریخ و جغرافیای تصوف نوشته جمعی از نویسندگان، ارزش میراث صوفیه نوشته دکتر عبدالحسین زرین کوب و در نقد عقائد آنها کتاب رازگشا اثر کیوان قزوینی یا جلوه حق اثر آیت الله مکارم شیرازی به طبع رسیده است.

مؤلفه های اصلی مرتبط با موضوع در این نوشتار در چهار عنوان ذیل ارائه شده است:

۱. واکاوی معنای مهدویت تبعی در اندیشه گنابادی ها و نقد آن؛

۲. جایگاه و نقش بیعت با اقطاب؛

۳. چپستی مفهوم «اجازه» و آثار آن؛

۴. میزان اطاعت پذیری و تسلیم در مهدویت تبعی.

۱. مهدویت نوعیه آن است که قائل به فقدان شخص خاصی به نام "امام مهدی" بوده و با انکار شخص امام دوازدهم به عنوان "مهدی موعود" مسئله مهدویت را مقامی عمومی می دانند که در هر عصری در یک یا چند انسان به اصطلاح کامل متبلور می شود. متصوفه سنی به مهدویت نوعیه اعتقاد دارند. در مقابل مهدویت شخصیه است که شیعه اثنی عشری با توجه به ادله نقلی فراوان و مستند قایل به آن است و این بدان معناست که شخصی خاص با ویژگی های جسمی خاص از پدر و مادری معین و در سال و روزی مشخص به دنیا آمده و حی است و در طول مدت غیبت کبری امامت و هادویت امت را منحصر بر عهده دارد.

## معناشناسی مهدویت تبعی (باطنی)

واژه ولایت پرتکرارترین واژه‌ای است که می‌توان در کتب و دست نوشته‌های اعتقادی متصوفه گنابادی مشاهده کرد و این حاکی از اهمیت و جایگاه این امر در میان مباحث آنها است. به عقیده این فرقه این ودیعه الهی که ولایت مطلق و ماذون از جانب خداوند متعال بر همه موجودات است، پس از امام حسن عسکری علیه السلام در فرزند مبارک و گرامی ایشان حضرت مهدی علیه السلام تبلور یافته و به ایشان تعلق دارد.

از بسیاری از بیانات متفکرین صوفیه گنابادی این‌گونه حاصل می‌شود که امر ولایت و هدایت در امام معصوم کلیه و مطلق و همه جانبه است. ولایت کلیه‌ای که شامل همه مسایل ظاهری و باطنی یک شخص و جامعه است و در دوران غیبت، متعلق به حضرت مهدی علیه السلام است. ولایت کلی و تام ایشان دو روی دارد. یک روی آن ولایت ظاهری است که به دستور ایشان به فقهای جامع‌الشرایط تعلق دارد و روی دیگر آن ولایت باطنی امت است که امام زمان علیه السلام اجازه دستگیری معنوی و باطنی را به اقطاب یا شیوخ صوفی در هر عصری تفویض کرده و آنها را مهدیان تبعی در زمان غیبت قرار داده است.

تفویض مهدویت تبعی و باطنی به این صورت است که قطب و شیخ اول (شیخ الطائفه ابن جنید بغدادی م ۲۹۷ق) توسط امام زمان علیه السلام اجازه مستقیم داده شده و مابقی اقطاب در هر دوره زمانی با انتساب قطب قبلی و با واسطه، مهدویت جزئی، تبعی، و باطنی از جانب امام بر امت دارند.

شواهد متعددی از مکتوبات اقطاب این فرقه این اندیشه را تایید می‌کند که مقوله ولایت در دوران غیبت که همان ولایت مهدوی است به صورت جزئی و تبعی در بخش باطنی به اقطاب و شیوخ واگذار شده و آنها نمایندگان حضرت و مهدی‌های تبعی در عصر غیبت هستند که وظیفه هدایت باطنی امت را با اذن ایشان بر عهده دارند.

در این باره گفته شده:

مهدی در لغت به معنای هدایت شده و از القاب و اوصاف همه ائمه اثنا عشر است که هر کدام در زمان خودشان هادی و مهدی و خلف و حجت و صاحب‌السیف بوده‌اند که فرمود «کلنا هادٍ و کلنا مهدی» و هر کدام لقب خاصی نیز داشته‌اند؛ مانند باقر و صادق و تقی و نقی و هادی و زکی و مهدی حضرت حجت بن الحسن العسکری دوازدهمین وصی پیامبر است که لقب خاص آن حضرت نیز همان مهدی است. مهدویت نوعی نیز اگر بعضی اظهار داشته‌اند به این معناست که ذکر شد یعنی همه آن بزرگواران هادی مهدی

هستند. نمایندگان ائمه هدی فقط از جنبه نیابت که از آن بزرگواران دارند مهدی ظلی و تبعی و هدایت یافته توسط آن بزرگواران می‌باشند. (تابنده، ۱۳۵۰ش: ۱۳-۱۴)

اشکال اساسی این بیان آن است که با تمسک به معنای لغوی لفظ «مهدی» و سرایت بدون دلیل آن به اقطاب، باب ادعا مفتوح می‌شود و هرکس می‌تواند ادعای نمایندگی از امام را نماید. در حالی که مهدی در روایات شخصی خاص با اوصاف و ویژگی‌های خاص است و قابل اطلاق بر غیر حتی دیگر ائمه علیهم‌السلام نیست. همانند صفت «امیرالمؤمنین» که با وجود اطلاق لغوی آن بر دیگر ائمه هدی، خاص مولانا علی بن ابی طالب علیه‌السلام است و دیگر ائمه: همگان را از نسبت دادن این صفت به ایشان و به غیر منع و نهی می‌کردند.

قال الصادق علیه‌السلام:

«سَأَلَهُ رَجُلٌ عَنِ الْقَائِمِ يُسَلَّمُ عَلَيْهِ بِإِمْرَةِ الْمُؤْمِنِينَ قَالَ لَا ذَاكَ اسْمٌ سَمَى اللَّهُ بِهِ أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ علیه‌السلام لَمْ يُسَمَّ بِهِ أَحَدٌ قَبْلَهُ وَلَا يَتَسَمَّى بِهِ بَعْدَهُ إِلَّا كَاوَرُ قُلْتُ جُعِلْتُ فِدَاكَ كَيْفَ يُسَلَّمُ عَلَيْهِ قَالَ يَقُولُونَ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بَقِيَّةَ اللَّهِ ثُمَّ قَرَأَ يَقِيَّتُ اللَّهُ خَيْرٌ لَكُمْ إِنْ كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ» (هود: ۸۷)؛

مردی از امام صادق علیه‌السلام پرسید که به امام قائم به عنوان امیرمؤمنان سلام می‌کنند؟ فرمود: نه، آن نام را خدا مخصوص امیرالمؤمنین (علی بن ابی طالب علیه‌السلام) نموده، پیش از او کسی بدان نام، نامیده نشده و بعد از او هم جز کافر آن نام را بر خود نبندد. عرض کردم: قربانت پس چگونه براو سلام کنند؟ فرمود: می‌گویند: السلام عليك يا بقية الله! سپس این آیه را قرائت فرمود: «اگر مؤمن هستید بقیة الله برای شما بهتر است». (الکافی، ۱۴۰۷ق: ج ۱، ۴۱۱-۴۱۲)

یا این که روایات مربوط به وظایف منتظر در زمان غیبت را به نمایندگان امام یعنی اقطاب در دوران غیبت نیز صادق می‌دانند چرا که باب ارتباط طبیعی با ولایت جزئییه باز است و منتظران همانگونه که نسبت به ولی غایب وظایفی دارند همان وظایف را نسبت به ولی حاضر نیز دارند در این باره گفته‌اند:

می‌دانیم روایاتی در مورد انسان منتظر و وظایفش نسبت به امام زمان وجود دارد. لذا می‌توان آن احادیث را نسبت به نمایندگان معصوم در دوران غیبت هم صادق است؛ به این معنا که دو نوع ولایت کلیه و جزئییه وجود دارد ولایت جزئییه مختص شیوخ و اقطاب و ولایت کلیه به معصوم و امام زمان مربوط است. در زمان غیبت امام زمان علیه‌السلام که مظهر ولایت کلیه مطلقه غایبه است و صورتاً به صورت ظاهریه آن حضرت دسترسی نبود، باب ولایت جزئییه مفتوح است و بیان می‌کنند که این اقطاب و مشایخ که اجازه دارند، صاحب

ولایت جزیه هستند که هیچ زمانی از آن‌ها خالی نیست و هر زمان باید بگردیم آنان را پیدا کنیم. (صالح علیشاه، ۱۳۴۳ ش: ۱۳-۱۵)

اما در پاسخ باید گفت:

اولاً می‌دانیم که تسری قیود و ویژگی‌هایی که در یک روایت برای شخصی خاص یا اشخاصی چون اهل البیت علیهم‌السلام ذکر شده نیاز به دلیل شرعی متقن دارد و صرف الادعا موجب تسری نمی‌شود؛

ثانیاً انتساب و سرایت وظایف منتظران امام زمان علیه‌السلام که از طرق متعدد به دست آمده به مهدیان تبعی سخنی بدون دلیل و پشتوانه است.

هم‌چنین در بیان اعتقادات بزرگان صوفیه گنابادی گاهی دیده می‌شود که ولایت جزیه در طول ولایت کلیه است، به این معنا که باید از طریق ایشان به فرامین معصوم رسید. به گونه‌ای که عدم پذیرش ولایت جزیه شخص را از دایره ولایت کلیه و مقوله منتظرین امام معصوم علیه‌السلام در زمان غیبت خارج می‌کند و موجب عدم انجام وظیفه شخص می‌شود در این باره گفته شده:

ولایت جزیه به مشایخ و نمایندگان امام در هر زمان مربوط است. لذا کسانی که نسبت به ولایت کلیه، منتظر محسوب می‌شوند زمانی به وظیفه خود عمل کرده‌اند که در مورد ولایت جزیه مشایخ درست عمل کنند. (سلطان علیشاه ۱۳۸۰ ش: ۲۶۱)

حال که ارتباط ولایت جزئی و کلیه طولی است نشان از وجوب تکلیفی و شرعی پذیرش ولایت جزیه و مهدی تبعی است و لذا باید از طریق ولی تبعی به ولی مطلق رسید و طریق وصول منحصر در معرفت به ولی جزئی است. در باب وجوب کسب معرفت مهدی تبعی گفته‌اند:

این صاحبان ولایت جزیه در زمان غیبت، تنها افراد خاص و انتخاب شده ولایت هستند که معرفت و اطاعت آنها واجب دانسته شده است. (سلطان علیشاه، ۱۳۸۰ ش: ۲۵۳)

یا این‌که گفته‌اند:

اگر منتظر ملتفت شود که استعداد ترقی دارد و طلب ترقی برآمده از انتظار رسیدن به امام و مشایخ آنها را داشته باشد این انتظار و استعداد انتظار تکلیفی است. بعد از آن که شناسای امام شد و دست به دست امام و مشایخ آنها داد از این انتظار بیرون آمده و به واسطه این پیوند ولایی داخل در خیمه امام می‌شود. (سلطان علیشاه، ۱۳۸۰ ش: ۲۱۶) انسان قبل از رسیدن به خدمت امام و مشایخ آن بزرگواران مثل خوابیده ایست که از راه و گم داشتن راه

غافل باشد. (سلطان علیشاه، ۱۳۸۰ ش: ۲۱۸)

اما در نقد این سخنان باید گفت:

۱. مطابق عقاید شیعه ولایت (کهف: ۴۴) و حکم (انعام: ۵۷؛ یوسف: ۴۰ و ۶۷) مطلقاً از آن خداوند متعال است و تفویض آن به انبیاء و اولیای الهی به صورت تکوینی و تشریعی نیاز به دلیل شرعی دارد.

۲. مطابق آیات متعدد قرآن (مائده: ۵۵) و روایات (کوفی، ۱۴۱۰ ق: ۱۰۸؛ حسکانی، ۱۳۵۷ ش: ج ۱، ۱۹۰؛ طبرسی، ۱۴۱۲ ق: ج ۱، ۲۶۵؛ مجلسی، ۱۴۰۴ ق: ج ۲۳، ۲۸۹؛ عیاشی، ۱۳۸۰ ق: ج ۱، ۲۵۴؛ طبرسی، ۱۳۷۲ ش: ج ۳، ۹۸) این ولایت مخصوص پیامبر ﷺ و ائمه اثنا عشر: (شیخ صدوق، ۱۳۹۵ ق: ج ۱، ۲۵۳؛ مجلسی، ۱۴۰۴ ق: ج ۱، ۲۵۳) است؛ مگر آن که حدودی از ولایت از طریق ادله و از جانب معصوم به گروهی خاص چون فقها تفویض شده باشد. (کلینی، ۱۳۶۲ ش: ج ۱، ۶۷؛ طوسی، ۱۴۱۱ ق: ۲۹۱؛ شیخ صدوق، ۱۳۹۵ ق: ج ۲، ۴۸۴)

۳. در زمان غیبت به ادله متعدد روایی امر ولایت ظاهری به فقهای هر عصر مشروط به اوصافی (طبرسی، ۱۴۰۳ ق، ج ۲، ۴۵۸؛ مجلسی، ۱۴۰۴ ق: ج ۲، ۸۸) که از جانب معصوم ذکر شده سپرده شده است. به عقیده شیعه فقیه جامع الشرایط رئیس و حاکم ماذون است و هر آن چه از فصل در قضایا و حکومت بر مردم در عهده امام بوده است عیناً بر عهده فقیه است این منزلت و ریاستی است که امام معصوم به مجتهد جامع الشرایط در دوران غیبت اعطا کرده است و او نائب الامام است. (مظفر، ۱۳۸۷ ش: ۳۶)

۴. اما در باب جزء دیگر هدایت یعنی هدایت باطنی امام؛ مرحوم علامه طباطبایی به استناد آیه شریفه ﴿وَجَعَلْنَاهُمْ أُمَّةً يَهْدُونَ بِأَمْرِنَا...﴾ (انبیاء: ۷۳) می فرماید:

تنها معنایی را که می توان برای امامت در این آیه نمود این که امامت به معنای ایصال و رساندن انسان به مطلوب و هدف است، که نوعی تصرف تکوینی در نفوس مردم با رساندن آنان به کمال و منتقل ساختن آن ها از موقف معنوی خاصی به مرتبه ای دیگر است... حال اگر امام مردم را این گونه هدایت می کند، باید خودش قبل از آن به این نوع هدایت رسیده باشد تا از او به دیگران بر اساس قابلیت ها برسد. پس امام همان رابط بین خداوند و مردم در رساندن فیوضات باطنی است که از خداوند گرفته و به مردم افاضه می کند، همان گونه که شخص نبی به لحاظ نبوتش، واسطه فیوضات ظاهری؛ یعنی همان شریعت الهی بین خداوند و مردم می باشد (طباطبایی، ۱۳۹۰ ق: ج ۱۴، ۳۰۴).

بنابراین هدایت باطنی نیاز به مرتبه و جایگاهی الهی دارد که مختص نبی و امام است

(رضوانی، ۱۳۷۶ش: ۲۹) چرا که ولی باطنی و واسطه فیض و هدایت بر قلوب مؤمنین از حیث مرتبه وجودی باید در عالی‌ترین رتبه باشد و هرکسی نمی‌تواند هدایت باطنی را بر عهده بگیرد. امام باقر علیه السلام در باب هدایت باطنی امام می‌فرماید:

نُورُ الْإِمَامِ فِي قُلُوبِ الْمُؤْمِنِينَ أَنْوُرُ مِنَ الشَّمْسِ الْمُضِيَّةِ بِالنَّهَارِ؛

نور امام در قلب‌ها روشن‌تر از نور خورشید تابناک در روز است (کلینی، ۱۳۶۲ش: ج ۱، ۱۹۵)

حال بر فرض این‌که هدایت باطنی از جانب خداوند بخواهد به شخصی تعلق بگیرد به کسانی تعلق خواهد داشت که مطیع اوامر الهی بوده و احکام و عبادات ظاهری را مطابق اوامر اهل‌البيت علیهم السلام انجام داده باشند. در حالی که غالب مدعیان این مقامات افرادی فاقد هرگونه علوم اکتسابی و عمل به دستورات شرعی هستند و از طریق کشف و شهود و صفای باطن ادعای هدایت باطنی دارند.

لذا می‌توان این‌گونه نتیجه گرفت که ولایت ظاهری در عصر غیبت مطابق ادله شرعی مختص فقهای جامع‌الشرایط است اما تفویض هدایت باطنی به شخص یا اشخاصی چون اقطاب هیچ دلیل عقلی و شرعی ندارد و در دید امام معصوم علیه السلام است.

### جایگاه و اهمیت بیعت

از جمله لوازم مهم و ضروری در ایجاد رابطه مولی و مولی علیه بیعت است. به نظر می‌رسد بیعت پیوندی مستحکم و فراتر از عهد و عقد باشد به این صورت که شخصی دست بدست شخصی بدهد و خود را خالصاً بنفسه مطیع متولی قرار دهد (راغب اصفهانی، ۱۴۱۱ق: ج ۱، ۲۵۳) یعنی ترا بر خود متولی کردم و طاعتت بر من واجب است. (ابن اثیر، ۱۳۶۷ش: ج ۱، ۱۷۴) در همین راستا ما هر روز مطابق دستورات اهل‌البيت علیهم السلام موظفیم بیعت خود را با امام زمان علیه السلام خویش تجدید کنیم. مؤمن باید با امام بالاترین درجه عهد و پیمان را که بیعت است هر روز تجدید کند و آرزو کند که لحظه‌ای از این بیعت فاصله نگیرد و همیشه تحت بیعت امام باشد.

صوفیه گنابادی معتقدند هر یک از اقطاب ایشان نائب امام زمان علیه السلام در گرفتن بیعت هستند که اگر این بیعت انجام نشود، ولایتی که اساس فروع دین است تحقق پیدا نمی‌کند. در این باره صالح علی‌شاه گنابادی بعد از نقل روایت امام باقر علیه السلام که در آن پایه‌های اسلام را نماز، زکات، حج، جهاد، و ولایت معرفی کرده است و سپس حضرت در انتها سه بار سفارش به ولایت



می‌کند، می‌گوید:

این ولایت حاصل نمی‌شود، مگر با بیعت ولویه خاصه. (بیچاره بیدختی، ۱۳۸۰: ۴۷۴)

اقطاب صوفیه نه تنها ولایت، بلکه ایمان و کفر اشخاص را وابسته به بیعت با خود می‌دانند، هم‌چنان‌که ملاعلی گنابادی می‌گوید:

ولایت و ایمان ظهورش به بیعت است. (سلطان علیشاه، ۱۳۵۱: ۳۱۴)

و این چنین ایمان داشتن شخص مرید و پذیرش ولایت اهل بیت علیهم‌السلام از طرف مرید را منوط به بیعت کرده‌اند و معتقدند که در دوران غیبت هم، به مانند دوران ائمه اطهار علیهم‌السلام اشخاص باید با امام یا نائب او بیعت ایمانی کنند تا ایمان و عمل آنها کامل و صحیح باشد. ملاسلطان گنابادی نیز در تأیید این مطلب می‌گوید:

ولایت عبارت است از بیعت با ولی امر که به واسطه آن صورت ملکوتی شیخ داخل قلب می‌شود و مقصود از ایمان همان بیعت با مرشد است که خداوند دیگر صاحب بیعت را عذاب نکند و اگرچه قاصر باشد. (سلطان علیشاه، ۱۳۸۰: ۱۷۳)

این چنین صوفیه ایمان و اسلام تمام افراد را به بیعت گره زده‌اند و تمام ارزش ایمانی شخص را به بیعت با قطب مشروط کرده‌اند، هم‌چنان‌که کیوان قزوینی در این باره می‌نویسد:

بدون بیعت، اسلام حقیقی برای کسی حاصل نشود. هرکه اسلام را قبول دارد اما بیعت نکرده، او به ظاهر مسلمان است و در آخرت نجات مسلمانی ندارد، لذا امروز ما برای امام بیعت می‌گیریم از مردم. (کیوان قزوینی، ۱۳۸۶: ۹)

اما آیا ممکن است مسئله بیعت ایمانی در عصر غیبت صحیح و درست باشد و وظیفه تک‌تک مسلمین باشد که با اقطاب صوفیه به عنوان مجازین و نائبان امام زمان علیه‌السلام بیعت کنند، ولی حضرت مهدی علیه‌السلام به این امر کوچک‌ترین اشاره‌ای نکرده باشد؟ در حالی که دین و ایمان و سعادت ابدی انسان‌ها نسبت به این مسئله در خطر است و اشاره نکردن حضرت به این مسئله باعث ناقص ماندن رسالت امام می‌شود. آیا حضرت نمی‌بایست به نواب اربعه خود در مورد این چنین امر مهمی اشاره‌ای بکند تا نواب اربعه نیز مردم را نسبت به این چنین موضوع مهمی آگاه کنند؟

صوفیه گنابادی تأکید بر امر بیعت را تا آن‌جا ادامه می‌دهند که اگر کسی بیعت نکند او را از دایره انسانی خارج می‌دانند در این رابطه گفته شده که:

هر که با ما بیعت نکند به شکل یکی از حیوانات است همان که بیعت کرد صورت انسانی

به ماده جسمانی او دمیده می‌شود (کیوان قزوینی، ۱۳۸۶: ۲۷۸).<sup>۱</sup>

شایان ذکر است افرادی که پس از بیعت با ولی به هر دلیلی بیعت‌شکنی کنند و از بیعت خود با مهدی تبعی دست بکشند به ارتداد فطری محکوم هستند و منه‌درالدم خواهند بود و بدون تردید جایگاه ابدی آنها جحیم الهی است. در این رابطه گفته‌اند:

و آنان که پیوند ولایت به آنها برسد و استعداد پیوند خوردن را باطل کرده باشند مرتد فطری محسوب می‌شوند که منه‌درالدم و غیرمقبول التوبه هستند و آنان که پیوند ولایت به آنها رسیده و آن را خشکانیده‌اند هم مرتد فطری و محکوم علیهم النار هستند. (سلطان علی‌شاه، ۱۳۸۰: ۳۱۲؛ سلطان علی‌شاه، ۱۳۷۹: ۲۱۳)

شاید بتوان در نقد این موارد اخیر گفت: همه این احکامی (ارتداد فطری، منه‌درالدم، غیرمقبول التوبه) که در صورت عدم تبعیت بر شخص مرید بار می‌شود نشان از زایش نوعی تقدس امام گونه برای اقطاب است که بدون هیچ‌گونه دلیلی از جانب ایشان و صرف الادعا به مبانی نظری این فرقه تبدیل شده است. اینان هرچند مدعی تشیع هستند اما به اصول و مبانی تشیع پایبند نبوده و مسیر جعلی و خرافاتی خود را در اتباع از شیطان طی می‌کنند.

### کارکرد و مفهوم اجازه در مهدویت تبعی

عمده دلیل راهبری و مشروعیت اقطاب صوفیه مفهوم «اجازه» است. اجازه داشتن به معنای دریافت مجوز دستگیری معنوی مردم عادی است که به شکل و ویژگی‌های خاص خود باید اخذ شده باشد. به همین جهت به اعتقاد متصوفه گنابادی هر قطب باید منصوص و موجز از امام باشد، لذا اجازه قطب اول به صورت مستقیم از امام است و اجازه مابقی اقطاب به واسطه قطب قبلی داده شده است.

موارد کثیری در بیانات صاحبان اندیشه تصوف گنابادی مشاهده می‌شود که اقطاب خود را پشت در پشت مجاز از جانب ائمه معصومین علیهم‌السلام و بالتبع خداوند متعال می‌دانند و اندکی تردید در آن راه نمی‌دهند. اجازه داشتن قطب را از ضروریات ولایت او بر امت زمان خود می‌پندارند و

۱. کتاب «رازگشا» بیان حقایق تصوف گنابادی از زبان کیوان قزوینی است که خود پس از گذشت ۱۴ سال تبعیت و مرید بودن از این فرقه و رسیدن به مرحله قطبیت از آنها جدا شده و به بیان اعتقادات باطله این فرقه در این کتاب می‌پردازد. اما کتاب «گشایش راز» نوشته ابوالحسن پریان زاده که در دفاع از تصوف گنابادی و انتقاد به این کتاب نوشته شده است تک‌تک گزاره‌های این کتاب را مورد بررسی و نقد قرار داده اما از نقد برخی موارد خودداری و پرهیز کرده است. تمامی مواردی که در این مقاله از کتاب «رازگشا» ذکر شده اصلاً مورد نقد در کتاب «گشایش راز» قرار نگرفته و این نشان از اعتقاد متصوفه گنابادی به موارد مذکور است.

سلسله اجازات را صراحتاً منصوص عنوان می‌کنند. معتقدند اجازه حتماً لازم نیست مکتوب باشد بلکه صرف گفتار به نحوی که همه مطلع شوند کفایت می‌کند (پیشانی زاده، ۱۳۷۷ش: ۶۹)

سلطان علیشاه گنابادی در باب اهمیت اجازه مراد و نصوص آن می‌گوید:

صوفیه قائلند که ریاست الهی بر اذن و اجازه خداوند متوقف است و از ضروریات مذهب است و سلسله اجازات سلاطین صوفیه منضبط و یداً بید و نفساً بنفس به معصوم می‌رسد. (گنابادی ۱۳۴۴ش: ج ۲، ۳۱-۳۲)

سلطان علیشاه گنابادی که مکتوبات او منبع مبانی نظری و عملی اعتقادات صوفیه گنابادی است حدود هشت صفحه به بیان اسامی سلاسل مشایخ اجازات آنها تا امیرالمومنین علیه السلام می‌پردازد و می‌گوید:

شجره مشایخ هر کدام از سلاسل صوفیه منضبط است و عمده براهین بر شیخوخیت و اخذ طریقت و پیروی کردن و صحت آن، نص صریح است. (تابنده، ۱۳۷۹ش: ۷۲)

یا در بیانی دیگر می‌گوید:

رشته وصایت از زمان معصومین علیهم السلام متصل بوده است تا حضرت آدم؛ رشته اجازات هریک از سلاسل مشایخ روایات و سلاسل مشایخ طریقت به ائمه معصومین علیهم السلام متصل است. (سلطان علیشاه، ۱۳۸۰ش: ۲۲۹ و ۲۳۷)

سلطان علیشاه گنابادی در تفسیر خود ذیل آیه شریفه ۵۳ مائده در رابطه با عبارت «اولی الامر» می‌نویسد:

رسول الله صلی الله علیه و آله مؤسس احکام سیاسی و عبادی بود و از این جهت از مردم بیعت گرفت و آن را اسلام نامید و هم‌چنین هادی از جهت قلب و مصلح احوال باطنی بود و مبین آداب قلبیه و بیعتی از این جهت گرفت و آن را ایمان نامید. خلفای پس از او چون علی و اولاد او خلیفه بر هر دو جهت بودند یعنی هم خلفای اسلامی هستند و هم خلفای ایمانی امت، چون هم حافظ جانبین بودند و هم جامع آن. (سلطان علیشاه، ۱۳۴۴ش: ج ۲، ۳۲)

بعد از ائمه معصومین علیهم السلام خلیفه جهت احکام و امور ظاهری فقها و علمای شریعت هستند که متصدی احکام ظاهری و آداب سیاست‌اند اما متصدی خلافت باطنی و قلبی امت صوفیه صافیه الطویه هستند که اهتمام به احوال باطن و احکام قلبی دارند. (سلطان علیشاه، ۱۳۴۴ش: ج ۲، ۳۲)

حتی ایشان جهت مدلل نشان دادن این تبعض در امر ولایت به داستان خضر و موسی علیه السلام اشاره می‌کند و می‌گوید:

«قال النبی: الشیخ فی قومه کالنبی فی امته» (مجلسی، ۱۴۰۴: ج ۷۲، ۱۳۷) اکثر محققین عرفا و اغلب سالکین مسلک اصفیا تصریح دارند که در سلوک راه دین و وصول به عالم یقین مرید محتاج است به راه‌شناسی که صاحب ولایت و تصرف باشد تا او را به کمال برساند چنان‌چه موسی با کمال استعداد مرتبه نبوت و درجه رسالت و اولوالعزمی در بدایت حال مدت ده سال مرید شعیب بود تا استحقاق مکالمه حق یابد (سلطان علیشاه، ۱۳۸۰: ش: ۲۵۱)

### قطع این مرحله بی‌همراهی خضر نکن

ظلمات است بترس از خطر گمراهی

البته به نظر می‌رسد که از حدیث نبوی استفاده‌ای ذوقی و در جهت منافع شده باشد. چراکه لفظ «الشیخ» در حدیث به معنای پیرمرد و ریش سفید است (فیروزآبادی، ۱۴۱۴: ج ۴، ۲۸۵) و حدیث در باب احترام و اجلال پیرمردان در بین مردم است اما از آن به عنوان جایگاه شیخ و قطب در نزد مردم استفاده شده است.

قصه اتباع موسی از خضر با وجود افضلیت موسی از خضر نشان از تبعیت افضل از افضل منه در جهاتی است که افضل منه از افضل فراتر باشد. پس صاحبان باطن در احکام و ظواهر به فقهاء مراجعه می‌کنند و صاحبان شرع به صاحبان باطن در امور قلبی رجوع می‌کنند. (سلطان علیشاه، ۱۳۴۴: ش: ۲، ۳۲؛ سلطان علیشاه، ۱۳۸۰: ش: ۲۶۱)

اما مفهوم «اجازه» در رابطه با مرید نیز به کار برده شده است. اجازه مرید به این معناست که مرید باید از مهدی تبعی در تمامی اعمال و اذکار خود کسب طریق کند و جهت مشروع بودن اعمال و اعتقادات خود از شیخ اجازه بگیرد و الا مسیر او مسیر ضلالت و شقاوت است. عدم اجازه از قطب تا جایی تأثیر دارد که اذکار لسانی و قلبی شخص مرید نه این‌که قرب الی الله به همراه ندارد بلکه او را به قرب شیطان می‌رساند.  
در این زمینه گفته‌اند:

صاحب سلوک باید ذکر را چه زبانی و چه قلبی از صاحب اجازه الهیه دریافت کند چرا که هرگاه بدون اجازه مشغول به ذکر شود شیطان او را به بیراهه برد و ذکر به دست شیطان می‌افتد و سبب بُعد از خدا و قرب به شیطان می‌شود. (سلطان علیشاه، ۱۳۷۹: ش: ۲۱۱ و ۳۱۱ ولایت‌نامه)

## نقد

۱. در مکتب تشیع، اصل بر عدم ولایت شخصی بر دیگری است مگر این که با ادله مکفی منصوص از جانب خداوند باشد (مجلسی، ۱۳۸۴ ش: ۲۱۶)؛
۲. این گونه نیست که تنها مستند نبوت و حجت الهی مانند ائمه و نائبان شان، خبر و تصدیق حجت قبلی باشد بلکه در کنار آن ادله دیگری چون اعجاز و ادله مکتوب دیگر نیز باید باشد؛
۳. بر فرض این که تنها راه شناخت، تصدیق حجت قبلی باشد هیچ دلیلی وجود ندارد که اقطاب و مربیان معنوی را شامل شود؛
۴. به نظر می رسد که از داستان خضر و موسی علیه السلام تفسیر استحسانی شده است چرا که در روایات اهل البیت علیهم السلام علت تلمذ موسی علیه السلام، تبختر و کبر او در مقام علمی دانسته شده است و خداوند متعال جهت نجات او از دام این خطر بزرگ او را به شاگردی حضرت خضر علیه السلام فرا خواند. (مجلسی، ۱۴۰۴ ق: ج ۱۳، ۲۷۸) و هیچ ارتباطی به تبعیت افضل از افضل منه و مقصود متصوفه گنابادی ندارد؛
۵. بطلان تقدم مفضول بر فاضل، یک «قاعده عقلی» است و مانند هر قاعده دیگر عقلی تخصیص بردار نیست، لذا نمی توان آن را در حوزه ولایت باطن دلیل قرار داد (جمعی از نویسندگان، ۱۳۸۱ ش: ۱۶۶)؛
۶. این که گفته اند در اعمال و اذکار شخص مرید در صورت اجازه نگرفتن از مهدی تبعی به دره عمیق ضلالت و قرب شیطان می رسد سخنی سخیف و مخالف نصوص است چرا که اذکار و آیات الهی و توجه به خداوند نور مطلق است و همین که شخص علم به ورودش از جانب خداوند و ائمه را داشته باشد می تواند بدون اجازه از مهدی تبعی مشغول به انجام آنها در همه احوال شود.

## جایگاه تسلیم و اطاعت در مهدویت تبعی

اطاعت، تسلیم و تبعیت مهم ترین و اصلی ترین مفاهیمی است که باید در رابطه بین ولی و

۱. (... قَالَ فِي نَفْسِهِ مَا خَلَقَ اللَّهُ خَلْقًا أَعْلَمَ مِنِّي فَأَوْحَى اللَّهُ إِلَيَّ جِبْرِيلَ أَذْرِكُ مُوسَى فَقَدْ هَلَكَ وَ أَعْلِمُهُ أَنَّ عِنْدَ مُلْتَقَى الْبَحْرَيْنِ عِنْدَ الصَّخْرَةِ رَجُلًا أَعْلَمَ مِنْكَ ...) موسی به خود گفت هیچ کس اعلم از من روی این کره خاکی نیست. خداوند به جبرئیل دستور داد که موسی را دریاب که هلاک شد. به او خبر بده که شخصی در ملتقای دو دریا و نزدیک صخره ای است که از او اعلم است و او باید نزد او رفته و تلمذ کند.

مولی علیه وجود داشته باشد. در آیات مکرر قرآن کریم و روایات هرگاه نام خداوند و والیان او می‌آید واژه اطاعت قرین با آن ذکر می‌شود تا جدایی‌ناپذیری این مفهوم را از این رابطه بیان کند. تسلیم و اطاعت از مبانی ولایت باطنی در تصوف است به صورتی که در برخی مواقع اطاعت از قطب به صورت محض و در طراز اطاعت از معصومین علیهم‌السلام قرار گرفته است.

ایشان وجوب تبعیت از مرشد را به نحوی عرفانی معنا می‌کنند و آن را در نظر داشتن صورت مرشد که همان ظهور صورت ملکوتی اوست می‌دانند. (سلطان علیشاه، ۱۳۸۰ ش: ۲۰۱) سلطان علیشاه گنابادی ۲۵ دلیل برای اثبات نحوه تبعیت از مهدی تبعی که همان توجه به صورت ملکوتی اوست ذکر می‌کند که به چند مورد از آن اشاره می‌کنیم:

اولاً این طریق از ائمه معصومین علیهم‌السلام یداً بید و نفساً به نفس رسیده است و اگر اخبار احاد باشد با تسامح در ادله سنن جبران می‌شود و حال این‌که نص صریح بر نصب شیخوخیت هر کدام از آنها ما را حجت قاطعه است بر جواز قبول قول آنها و پیروی از آنها؛

ثانیاً امر به فکر و ترغیب بر آن در روایات و اخبار بسیار شده است و اقسام فکر بسیار است و اعظم آن تفکر کردن در آلاء خداست و اعظم آلاء نعم ائمه هدی و مشایخ آن بزرگوارند که وسایط میان خدا و خلقت و تفکر در صورت ملکوتیه آنها برتری و شرافت دارد بر تفکر در جهت بشریه آنها؛

ثالثاً این‌که حق تعالی فرمود «وكونوا مع الصادقين» امر فرمود به معیت با صادقین. معیت با صورت مِلکی صادقین به نحو کمال میسر نیست و با جهت ملکوتی صادقین به نحو اکمل صادق است بلکه فایده این معیت برتر و بالاتر و زیادتر است از صورت مِلکی است. (سلطان علیشاه، ۱۳۸۰ ش: ۲۰۱-۲۰۲)

یا این‌که ملاسلطان علیشاه گنابادی در تفسیر آیه شریفه ۵۳ مائده که اطاعت محض را منحصر در افراد خاصی می‌داند اقطاب و صاحبان اماره باطنیه را نیز از اولی الامر می‌شمرد و می‌نویسد:

... بَيْنَ وَجوب طاعة الله فيما انزل وطاعة الرسول فيما حكم وطاعة ولي الأمر يعني صاحب الأمانة الباطنية و صاحب عالم الأمر...؛

اطاعت خداوند در آن‌چه نازل فرموده و اطاعت پیامبر در آن‌چه حکم می‌کند و طاعت اولی الامر که صاحبان اماره باطنی و عالم امر هستند واجب است. (سلطان علیشاه، ۱۳۴۴ ش: ج ۲، ۳۳)

در این رابطه شیخ ابوالحسن خرقانی می‌فرماید:

هر کس خدا خواست که ما را بخواهد مریدی از صفات ذات حق است و تا خدا بدین صفت بر روح بنده تجلی نکند نور ارادت در دل او پدیدار نشود. چون تخم سعادت در دل او پدیدار شد باید خود را تسلیم کامل شیخ صاحب تصرف کند. (سلطان علیشاه، ۱۳۸۰ ش: ۲۷۸)

در نقد این بیانات باید دانست عقلاً انسان تابع محض و بدون چون چرای کسانی می‌تواند باشد که هیچ احتمال خطایی در طریق هدایتگری آنها ندهد. و لذا از حیث عقلی فقط باید تابع محض خداوند و معصومین بود چرا آنها دارای مقام تام عصمت هستند و خطای آنها نقض غرض از ارسال، عدم توثیق در نزد مردم و عدم اتمام حجت بر مردم است. (سبحانی، ۱۴۳۵: ۵۴) هم چنین شرع مقدس در قرآن کریم اطاعت مطلق و بی‌قید و شرط را مختص اشخاصی معین می‌داند که ویژگی عصمت را دارا باشند (نساء: ۵۹؛ آل عمران: ۱۳۲ و ۳۲) گمان نمی‌رود احدی از اقطاب صوفی ادعای داشتن چنین مقامی را داشته باشد. اگر این گونه هست چگونه طلب تبعیت محض از خود را کرده‌اند؟

آری زمانی می‌توان چنین طلبی از مرید داشت که مسیر علم و عقل را تنقیص و تسدید کرد و چنین کاری توسط اقطاب صورت گرفته است. در این رابطه گفته‌اند:

و اگر کسی خواهد که با علم و عقل طی طریق کند هرگز به مراد نرسد و خطر آن است که در ورطه هلاکت و مذلت افتد. (سلطان علیشاه، ۱۳۸۰ ش: ۲۷۸)

بستن باب تعقل و تعلم قطعاً منافی روح آیات قرآن و روایات است. بیش از ۱۳۰ آیه در قرآن کریم به واژه «علم» و «عقل» و مشتقات آنها اشاره دارد. در حیطه روایات عقل و علم ابوابی مستقل دارند که شکی برای رجوع به آنها در دریافت معارف نیست.

اینان در برخی موارد پا را فراتر از اطاعت و تبعیت محض از امام و فرامین الهی گذاشته‌اند و به انحرافات دچار شده‌اند که تبعیت را حتی در معصیت از مرید واجب می‌دانند به این صورت که گفته‌اند:

۱۲۷

باید به ظاهر و باطن تسلیم ولایت شیخ باشد و چون مرده در ید غسال باشد. هرگز به شیخ اعتراض نکند، هر چند از احوالات شیخ در نظر او کج آید به کجی چشم خود حواله کند اگر چه به خلاف شرع اعتقاد کند هم چون واقعه خضر و موسی که موسی خلاف شرع می‌دید اما خلاف نبود. (سلطان علیشاه، ۱۳۸۰ ش: ۲۸۴)

ولی به نظر می‌رسد پایه این کلام آن قدر سست باشد که هراهل طاعتی به آن پاسخ می‌دهد، تبعیت محض حتی در معصیت با روح اطاعت و بندگی خداوند در تناقض است. نمایندگان الهی همگی کوشیده‌اند تا مردم به قرب الهی برسند در حالی که عمل به معاصی قرب به شیطان و تبعیت از خطوات شیطان است و این انحطاط و انحراف از طریق سعادت است.

### نتیجه‌گیری

برآیند نقد و تحلیل این است که هدایت ظاهری مردم در زمان غیبت امام عصر علیه السلام با ادله روایی و عقلی از جانب امامان معصوم به فقها و عالمان پارسا سپرده شده است. اما هدایت باطنی و تفویض آن مختص وجود مبارک انبیاء و ائمه علیهم السلام است چرا که نیازمند احاطه بر قلوب انسان‌هاست.

این‌که گفته‌اند بیعت با اقطاب به عنوان نائبان امام زمان علیه السلام واجب تکلیفی است دلیلی جز ادعا ندارد چرا که امام زمان علیه السلام در رابطه با چنین امر مهمی که ایمان و کفر افراد به آن وابسته است هیچ دستوری نداده‌اند و تناقض آشکاری در فلسفه وجودی امام که هدایت است ایجاد می‌شود چرا که در این صورت همه شیعیانی که با اقطاب بیعت نکرده‌اند از ولایت معصومین خارج و مرتد هستند.

تنها دلیل نیابت و مجوز دستگیری معنوی را اجازه و تصدیق قطب قبلی دانستند در حالی که نیابت به ادله متعدد نیاز دارد و بر فرض پذیرش آن، سرایت تنها دلیل نیابت یعنی تصدیق حجت قبلی به اقطاب بدون دلیل است.

اطاعت محض عقلاً و نقلاً مختص کسانی که دارای مقام عصمت باشند و از هرگونه خطایی مبری باشند در حالی که هیچ قطبی چنین ادعایی نداشته است تا بتوان اطاعت محض او را پذیرفت و تنها راه اطاعت محض از اقطاب تعطیلی باب عقل و علم است.



## منابع

۱. ابن اثیر، مبارک بن محمد، *النهاية في غريب الأثر والحديث*، قم، نشر اسماعیلیان، ۱۳۶۷ش
۲. ابن بابویه، محمد بن علی، *کمال الدین وتمام النعمة*، تهران، اسلامیة، ۱۳۹۵ق
۳. بیچاره بیدختی، محمدحسن، *یادنامه صالح*، تهران، نشر حقیقت، دوم، ۱۳۸۰
۴. پریشان زاده، ابوالحسن، *گشایش راز پاسخ به کتاب رازگشای کیوان قزوینی*، بی جا، انتشارات حقیقت، اول، ۱۳۷۷
۵. تابنده گنابادی، سلطان حسین، *نابغه علم و عرفان در قرن چهاردهم*، بی جا، نشر حقیقت، دوم، ۱۳۵۰ش
۶. جمعی از نویسندگان، *امامت پژوهی (بررسی دیدگاه های امامیه، معتزله و اشاعره)*، مشهد، دانشگاه علوم اسلامی رضوی، ۱۳۸۱ش
۷. حسکانی، عبیدالله بن عبدالله، *شواهد التنزیل لقواعد التفضیل*، تهران، وزارة الثقافة و الإرشاد الإسلامی، ۱۴۱۱ق
۸. حسینی زبیدی، سیدمرتضی، *تاج العروس فی شرح القاموس*، بیروت، دارالفکر، ۱۴۱۴ق
۹. راغب اصفهانی، حسین بن محمد، *المفردات فی غریب القرآن*، بیروت، نشر دارالشامیه، ۱۴۱۲ق
۱۰. رضوانی، علی اصغر، *امامت و غیبت*، قم، مسجد مقدس جمکران، ۱۳۷۶ش
۱۱. زرین کوب، عبدالحسین، *دنباله جستجوی تصوف در ایران*، بی جا، امیرکبیر، سوم، ۱۳۶۷ش
۱۲. سبحانی، جعفر، *عصمة الأنبياء*، قم، مؤسسه امام صادق علیه السلام، ۱۴۳۵ق
۱۳. صالح علیشاه، محمدحسن، *مقاله امتیاز شیعه*، بی جا، بی نا، بی تا
۱۴. صفار، محمد بن حسن، *بصائر الدرجات فی فضائل آل محمد صلی الله علیه و آله و سلم*، قم، مکتبه آیه الله المرعشی النجفی، ۱۴۰۴ق
۱۵. طباطبایی، محمدحسین، *المیزان فی تفسیر القرآن*، بیروت، مؤسسه الأعلمی للمطبوعات، ۱۳۹۰ق
۱۶. طبرسی، ابو منصور، *الاحتجاج*، مشهد، نشر المرتضی، ۱۴۰۳ق
۱۷. طبرسی، فضل بن حسن، *تفسیر جوامع الجامع*، مصحح: ابوالقاسم گرگی، قم، مرکز مدیریت حوزه علمیه قم، ۱۴۱۲ق

۱۸. طبرسی، فضل بن حسن، *مجمع البیان فی تفسیر القرآن*، تهران، ناصر خسرو، ۱۳۷۲ش
۱۹. طوسی، محمد بن الحسن، *الغیة للحجة*، بی‌جا، دارالمعارف الإسلامية، ۱۴۱۱ق
۲۰. عیاشی، محمد بن مسعود، *تفسیر العیاشی*، محقق: هاشم رسولی، تهران، مکتبه العلمیه الاسلامیه، ۱۳۸۰ق
۲۱. کیوان قزوینی، عباسعلی، *رازگشا*، به اهتمام محمود عباسی، بی‌جا، نشر راه نیکان، ۱۳۸۶ش
۲۲. کلینی، محمد بن یعقوب، *الکافی*، تهران، انتشارات اسلامی، ۱۳۶۲ش
۲۳. کوفی، فرات بن ابراهیم، *تفسیر فرات الکوفی*، محقق: محمد کاظم، تهران، وزارت الثقافة و الإرشاد الإسلامی، ۱۴۱۰ق
۲۴. گنابادی (سلطان علیشاه) ملاسلطان محمد، *مجمع السعادات*، تهران، انتشارت حقیقت، ۱۳۷۹ش
۲۵. گنابادی (سلطان علیشاه) ملاسلطان محمد، *سعادت نامه*، تهران، انتشارت حقیقت، ۱۳۷۹ش
۲۶. گنابادی (سلطان علیشاه) ملاسلطان محمد، *صالحیه*، تهران، نشر دانشگاه تهران، تهران، ۱۳۵۱ش
۲۷. گنابادی (سلطان علیشاه) ملاسلطان محمد، *بیان السعاده فی مقامات العبادہ*، تهران، انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۴۴ش
۲۸. گنابادی (سلطان علیشاه) ملاسلطان محمد، *ولایت نامه*، تهران، انتشارت حقیقت، اول، ۱۳۸۰ش
۲۹. مجلسی، محمدباقر، *امام شناسی*، قم، سرور، ۱۳۸۴ش
۳۰. مجلسی، محمدباقر، *بحار الأنوار*، بیروت، مؤسسة الوفاء، ۱۴۰۴ق
۳۱. مظفر، محمدرضا، *عقائد الإمامیه*، قم، انتشارات انصاریان، ۱۳۸۷ش
۳۲. موسوی همدانی، سید محمدباقر، *ترجمه تفسیر المیزان*، قم، بی‌نا، ۱۳۷۴ش





## **Utilization of the Islamic Religious Rules for Controlling Human Carnal Desires in the End of Time**

**Dr.Muhammad Hadi Mansouri<sup>1</sup>**

**Mobashshereh Nasiri savadkoochy<sup>2</sup>**

### **Abstract**

Human communities have always been faced with the problem of controlling the human carnal desires. Anticipatory hadiths related about the moral characteristics of to be prevailing in the end of time mark it as one of the most strenuous, hence the worst, times for mankind. A number of moral traits have been anticipated to characterize it, inter alia, disrespecting socio-moral differences, intense leaning towards satisfying human carnal desires, and legalizing any possible way for satisfying one's sexual lusts. These characteristics lead to breaching the religious boundaries set by the Islamic religion. Despite these breachings, the Holy Quran and the hadiths map a three-fold way on cognitive, intellectual, and behavioral levels. The present descriptive, analytical paper attempts to explore some solutions for the above problems in a future phase of history marked by its general awaiting for the return of the world savior.

**Keywords:** Characteristics of the end of time, Islamic moral rules, the awaiting human community.

- 
1. Assistant Professor and faculty, University of Islamic Sciences(Corresponding Author) (mansouri@maaref.ac.ir)
  2. PhD student in Quran teaching and Islamic texts; Faculty of Islamic Thought and Education, University of Tehran



ISSN: 2423 - 7655



فصلنامه علمی ترویجی مهدویت  
شماره سی و دوم / سال هشتم / بهار ۱۳۹۹

## کارآمدی کاربست قاعده حریم حمی در مهار طغیان شهوت جنسی در آخرالزمان

محمدهادی منصوری<sup>۱</sup>، مبشره نصیری<sup>۲</sup>

تاریخ دریافت: ۹۸/۹/۸ تاریخ پذیرش: ۹۸/۱۱/۲۷

### چکیده

جوامع بشری همواره با چالش شهوت پرستی مواجه بوده و هستند. روایات مهدوی از نمود و بروز افراط در شهوت جنسی در آخرالزمان حکایت دارد و آن را از اشراط الساعة برشمرده و این دوران را به «بدترین دوران زندگی بشر» معرفی کرده است. پرده‌دری حجاب‌ها، گرایش شدید و سرعت به لذات حیوانی، حلال کردن حرام الهی در اطفاء غریزه جنسی و... از جمله نشانه‌های چنین رفتاری در عصر غیبت است که وجه اشتراک همه آنها جرأت به شکستن حدود الهی است. از دیگر سو قرآن کریم و روایات، با تبیین قرقگاه الهی و چگونگی اهتمام به آن، راهکار مواجهه با چنین پدیده‌ای را در سه ساحت نگرشی و گرایشی و رفتاری ارائه نموده است. نوشتار پیش رو با روش توصیفی - تحلیلی، ضمن آسیب‌شناسی چالش پیش‌گفته، آثار کاربست قاعده حریم حمی در مواجهه با افراط‌گرایی جنسی در آخرالزمان را تبیین می‌نماید. اجرای چنین قاعده‌ای که مبتنی بر آیات قرآن و روایات معصومان علیهم‌السلام است، نقش اساسی در مواجهه موفق با چالش شهوت پرستی و نیز پاسبانی از جامعه منتظر دارد. **واژگان کلیدی:** اشراط الساعة، جامعه منتظر، قاعده حریم حمی، آخرالزمان.

۱. استادیار، دانشگاه معارف اسلامی، قم، ایران. (نویسنده مسئول) (mansouri@maaref.ac.ir).

۲. دانشجوی دکتری مدرسی قرآن و متون اسلامی، دانشکده اندیشه و معارف اسلامی پردیس فارابی دانشگاه تهران، قم، ایران. (nasiri.m63@gmail.com)

## مقدمه

بر مبنای نظام احسن الهی، غریزه جنسی نعمت و عامل بقاء نسل و تکامل جوامع بشری است. خدای سبحان راهکار صحیح مواجهه با آن را در قالب کتاب‌های آسمانی و... از طریق پیامبران علیهم‌السلام به انسان آموخته و از افراط و تفریط درباره آن پرهیز داده است. تعامل با غریزه جنسی، خارج از آموزه‌های دینی با زیاده‌روی و یا کم‌روی‌هایی همراه بوده که آسیب‌های فراوانی به فرد و جامعه وارد کرده است. از بررسی روایات می‌توان دانست، زیاده‌روی در شهوت جنسی در آخرالزمان نمود و بروز ویژه‌ای دارد به گونه‌ای که باعث تعطیلی حدود الهی (کلینی، ۱۴۰۷: ج ۸، ۴۰) می‌شود. از نگاه قرآن و روایات چنین رویکردی بر دنیاگرایی و جایگزین کردن هوای نفس به جای معبود حقیقی مبتنی است. جذابیت‌های دنیای مدرن نیز سهم به‌سزایی در کوته‌نگری و فقدان انگیزه انجام تکالیف دینی دارد. از آیات قرآن برمی‌آید شهوت‌پرستی و پیروی از آن که نشانه جهل (نمل: ۵۵) و تجاوزکار بودن (أعراف: ۸۱) است، دوری از رحمت خدا و انحرافی بزرگ (نساء: ۲۷) را در پی داشته و نعمت غریزه جنسی را به نقت و ارزش‌ها را به ضد آن تبدیل می‌کند. از این رو شناخت شیوه مواجهه با چالش افراط در شهوت جنسی به منظور مواجهه منطقی با آن در جامعه منتظر امری بایسته است.

یکی از راهکارهای پیشگیری و درمان چنین چالشی، کاربست قاعده حریم حمی است. نوشتار پیش رو تلاش دارد ضمن بیان چالش مذکور، به تبیین قاعده حریم حمی و کارآمدی آن در مواجهه با شهوت‌پرستی در آخرالزمان در سه حیطه نگرش، گرایش و رفتار بپردازد. به جز مقاله‌ای با عنوان قاعده حریم حمی (داوودی، ۱۳۹۴) که با رویکرد حقوقی تألیف شده و رساله سطح چهار حوزه علمیه قم با عنوان «قاعده رعایت حریم حمی و کاربرد آن در سیاست‌های کلان فرهنگی از منظر قرآن و روایات» (شریفی، ۱۳۹۶) پژوهش مستقیمی در این باره یافت نشد. نوشتار پیش رو در راستای تبیین ثمرات اجرای قواعد فقهی در جامعه منتظر، می‌کوشد بایستگی و کارآمدی کاربست قاعده حریم حمی در مواجهه با طغیان شهوت جنسی در آخرالزمان را بررسد.

## واژه‌شناسی

«شهوت» از ریشه (ش ه و) به معنای طلب کردن و خواستن چیزی (فراهیدی، ۱۴۰۹: ج ۴، ۶۸؛ صاحب، ۱۴۱۴: ج ۴، ۵۷۲؛ ابن فارس، ۱۴۰۴: ج ۳، ۲۲۰) حب و رغبت به امری، اشتیاق

نفس به چیزی (ابن سیده، ۱۴۱۲: ج ۴، ۴۰۱، زبیدی، ۱۴۱۴: ج ۱۹، ۵۸۷؛ فیروزآبادی، ۱۴۱۵: ج ۴، ۳۹۰) است. صاحب مفردات «شها» را به «خواهش و دلبستگی نفس به چیزی که می‌خواهد و اراده کرده است» معنا کرده و آن را در دنیا به دو گونه صادق و کاذب می‌داند. (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲: ۶۴۹). واژه «شهوت» در فرهنگ لغت فارسی و عربی نزدیک به هم معنا شده است. دهخدا «شهوت» را دوست داشتن کسی یا چیزی، میل و خواهش نفس، آرزو و شوق نفس به طرف حصول لذت و منفعت و میل مفرط نفس به لذائذ معنا نموده (دهخدا، ۱۳۷۷: ج ۱۰، ۱۴۶۲۸) و معین، آن را میلی می‌داند که از حد معمولی تجاوز کرده و امیال دیگر را تحت‌الشعاع قرار داده و تمام توجه شخص را منحصرأ به موضوع خود جلب نماید. (معین، ۱۳۸۸: ج ۲، ۲۰۹۹) هم‌چنین میل جنسی، میل و اشتیاق به امری نیز از معانی شهوت است. (انوری، ۱۳۸۷: ج ۵، ۴۶۲۷)

به کسی که به سهولت آرایش به شهوات می‌یابد یا مطیع تمایلات نفسانی است یا آزمند جماع است، شهوت‌پرست یا شهوتران گویند. (معین، ۱۳۸۸: ج ۲، ۲۰۹۹؛ انوری، ۱۳۸۷: ج ۵، ۴۶۲۷) در کتب اخلاق/اسلامی اطاعت از شهوت شکم و دامن و حرص شدید بر آن «شره» نامیده می‌شود و گاه شره پیروی مطلق از قوه شهویه است در همه خواهش‌ها. (نراقی، ۱۳۸۸: ج ۱، ۵۱۳)

### قاعده حریم حمی

«حریم» از ریشه «ح ر م» به معنای محدوده و اطراف یک چیزی است که برای غیرصاحب یا غیرشخص تعریف شده ممنوع است. حریم خانه یا حریم نهر به معنای اطراف خانه و نهر که به آن اضافه شده از نظر حقوقی و اطراف مکانی. (فراهیدی، ۱۴۰۹: ج ۳، ۲۲۲؛ ابن سیده، ۱۴۱۲: ج ۳، ۹۴؛ زبیدی، ۱۴۱۴: ج ۱۶، ۱۳۵) حریم منطقه حفاظت شده پیرامون نقطه مرکزی است که هر شخصی نمی‌تواند بدان دست یابد. حرام الهی نیز بر این اساس انجام ندادن فعل و امری است که خدا از آن نهی کرده است.

«حمی» به معنای قرقگاه است و در کتب لغت به حمایت کردن و محافظت کردن (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲: ۳۵۸) و چراگاه یا موضعی که مردم از ورود به آن ممنوعند (فراهیدی، ۱۴۰۹: ج ۳، ۳۱۲؛ حموی، ۱۹۹۵: ج ۲، ۳۰۸) معنا شده است.

خدای سبحان در آیات متعددی بر رعایت حدود الهی تأکید دارد و از نزدیک شدن و تجاوز

به حریم آن نهی کرده است. (بقره: ۱۸۷ و ۲۲۹) در روایات از محارم الهی به عنوان «حمی الله» یاد و دستور به حفظ حریم حمی داده شده است.<sup>۱</sup> (کراجکی، ۱۴۱۰: ج ۱، ۳۵۲) هم چنین از پرسه زدن در اطراف حمی، به دلیل احتمال وقوع در آن نهی گردیده است. در روایتی از پیامبر اکرم ﷺ می‌خوانیم:

إِنَّ لِكُلِّ مَلِكٍ حِمًى وَحِمَى اللَّهِ مَحَارِمُهُ فَمَنْ رَزَعَ حَوْلَ الْحِمَى أَوْشَكَ أَنْ يَقَعَ

فیه. (مجلسی، ۱۴۰۳: ج ۲، ۲۶۱؛ حرعاملی، ۱۴۰۹: ج ۲۷، ۱۶۷؛ کراجکی، ۱۴۱۰: ج ۱، ۳۵۲)

قاعده حریم حمی درصدد اثبات این نکته است که در برخی موارد به دلیل شدت حرمت یک موضوع قابلیت گسترش آن حرمت به محیط پیرامونی وجود دارد و این امر در حقیقت توسعه کمربند حفاظتی، به منظور مراقبت و حفاظت و دور داشتن مکلف از ارتکاب به آن حرام است در حقیقت مصالح و مفاسد برخی احکام به عنوان کمربند ایمنی بخش دیگری از احکام قلمداد می‌گردند. (داوودی، ۱۳۹۴: ۳۹) این قاعده به نوعی خط قرمز برای نشان دادن محدوده خطر ارتکاب گناه است که رعایت آن، تضمین بالایی برای رعایت حرام الهی است.

فقه‌های امامی در مباحث اصولی و در ضمن بحث «مقدمه واجب» بحث مقدمات حرام را مطرح نموده و با تفکیک اقسام و صورت‌های مختلف آن، به اظهار نظر پرداخته‌اند که با آن چه علمای اهل سنت با عنوان «سد ذرایع» در نظر می‌گیرند، بی‌شباهت نیست. بیشتر آنان اعتقاد دارند حکم کردن به وجوب یا حرمت مقدمه، تبعی است و ثواب و یا عقاب مستقل بر آن مترتب نمی‌گردد؛ در حالی که علمای عامه به استناد «سد ذرایع» برای مقدمات حرام، حرمت نفسی قائل شده‌اند. (جمعی از نویسندگان، ۱۳۸۹: ج ۱، ۴۸۸-۴۸۹) «قاعده حریم حمی» گرچه به بحث مقدمه واجب و حرام و بحث سد ذرایع نزدیک است اما با این عنوان در کلمات فقها و اندیشمندان نه در بحث‌های اصولی و نه در قواعد فقهیه به گونه‌ای مستقل مورد بررسی و توجه قرار نگرفته است. هرچند تعبیر به «حمایت از حمی» در کلمات برخی مفسران آمده است؛ ولی ذیل عنوان یک قاعده و بحث از مفاد آن و ادله اثبات و شرایط اجرای قاعده، پیشینه‌ای ندارد. (داوودی، ۱۳۹۴: ۳۴)

### نمودهای طغیان شهوت جنسی در آخرالزمان

طغیان شهوت جنسی از ویژگی‌هایی آخرالزمان است. در این جا به برخی نمودهای آن

۱. «إِنَّ لِكُلِّ مَلِكٍ حِمًى أَلَا وَإِنَّ حِمَى اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ مَحَارِمُهُ فَتَوَقَّوْا حِمَى اللَّهِ وَ مَحَارِمَهُ».



اشاره می‌شود:

### کشف حجاب و تبرج

کشف حجاب و تبرج زنان از دلایلی است که آخرالزمان را به بدترین دوران بشر معروف کرده است. چنان‌که در روایتی از امیرمؤمنان علی علیه السلام آمده است:

يُظْهَرُ فِي آخِرِ الزَّمَانِ وَاقْتِرَابِ السَّاعَةِ وَهُوَ شُرُؤُ الْأُمَمَةِ نِسْوَةٌ كَاشِفَاتُ عَارِيَّاتٍ مُتَبَرِّجَاتٍ  
مِنَ الدِّينِ دَاخِلَاتٍ فِي الْفِتَنِ مَائِلَاتٍ إِلَى الشَّهَوَاتِ مُسْرِعَاتٍ إِلَى اللَّذَّاتِ مُسْتَحِلَّاتٍ  
لِلْمَحْرَمَاتِ ... (ابن بابویه: ج ۳، ۳۹۰).

با توجه به نوع پوشش زنان معاصر در کشورهای مسلمان و تبرج به عنوان نشانه فرهنگ و روشن فکری، می‌توان روایات را با زمان کنونی کاملاً منطبق دانست. اگرچه این‌گونه رفتارهای زنان در طول تاریخ وجود داشته اما با نگاهی به تاریخ و فرهنگ زنان در تمدن‌های گوناگون متوجه افزایش شهوت‌پرستی و بروز آن در دوران معاصر در حیطه حجاب بانوان می‌شویم. تلاش‌ها برای تبرج و شبیه‌سازی پوشش زنان مسلمان به مدل‌های جوامع غیردینی رو به افزایش است و با ایجاد تغییر در نگرش زنان، تبرج بیش از هر زمانی پدیدار و فراگیر شده است.

### بی‌مبالاتی در ارضای غریزه جنسی

بر اساس روایت، همت مردم آخرالزمان در شکم و فرج‌های‌شان است و دنیا و زنان<sup>۱</sup> قبله‌گاه ایشان می‌شود. چنان‌که در روایتی می‌خوانیم:

رَأَيْتِ النَّاسَ هُمُومُهُمْ بَطُونُهُمْ وَفُرُوجُهُمْ لَا يَبَالُونَ بِمَا أَكَلُوا وَمَا نَكَحُوا وَرَأَيْتِ الدُّنْيَا مُقْبِلَةً  
عَلَيْهِمْ ... (کلینی، ۱۴۰۷: ج ۸، ۴۲؛ دیلمی، ۱۴۰۸: ۲۹۱؛ شعیری، بی‌تا: ۱۳۰).

### ارزشمند شدن زنا و زناکار

از دیگر اشارات اهل بیت علیهم السلام در نشانه‌های طغیان جنسی در آخرالزمان، مدح زنان زناکار و فاسق و بسترسازی جامعه برای ترویج و تشویق زنان فاسق است. در کتاب شریف کافی آمده است:

۱. علامه طباطبائی در تفسیر آیه «زین للناس حب الشهوات من النساء...» (آل عمران: ۱۴) می‌نویسد: فمن شهواني لا همَّ له إلا التعشق بالنساء و غرامهن و التقرب إليهن و الأنس بصحبتهن، و يستصحب ذلك أذناباً من وجوه الفساد و معاصي الله سبحانه كاتخاذ المعازف و الأغاني و شرب المسكرات و أمور آخر غیرهما، (طباطبائی، ۱۳۹۰: ج ۳، ۱۰۵) بر این اساس مشخص است مراد از قبله شدن زنان طغیان شهوت جنسی است.

كَانَ الزَّيْنَةُ تُتَدَخُّ بِهِ النِّسَاءُ وَرَأَيْتِ الْمَرْأَةَ تُصَانِعُ زَوْجَهَا عَلَى نِكَاحِ الرِّجَالِ وَرَأَيْتِ أَكْثَرَ النَّاسِ وَخَيْرَكِيَّتٍ مَنْ يُسَاعِدُ النِّسَاءَ عَلَى فِسْقِهِنَّ ... (کلینی، ۱۴۰۷: ج ۸، ۴۰).

#### همجنس‌گرایی

همجنس‌گرایی که غربیان آن را از افتخارات دنیای مدرن برمی‌شمارند، از نمودهای طغیان شهوت‌پرستی و ظهور فسق در آخرالزمان است. امام صادق علیه السلام می‌فرماید:

وَرَأَيْتِ الْفُسْقَ قَدْ ظَهَرَ وَاكْتَفَى الرِّجَالُ بِالرِّجَالِ وَالنِّسَاءُ بِالنِّسَاءِ (کلینی، ۱۴۰۷: ج ۸، ۳۸: حرعاملی، ۱۴۰۹: ج ۱۶، ۲۵۷).

با در کنار هم قراردادن روایات آخرالزمان و بر پایه آیه «ظَهَرَ الْفَسَادُ فِي الْبَرِّ وَالْبَحْرِ بِمَا كَسَبَتْ أَيْدِي النَّاسِ» (روم: ۴۱) و کاربست آن در دعای عهد (ابن مشهدی، ۱۴۱۹: ۶۶۵) می‌توان دانست یکی از ابعاد ظهور فساد در دریاها و خشکی‌ها، طغیان شهوت‌پرستی بوده و همجنس‌گرایی یکی از نمودهای آن است.

#### شبیه شدن زنان و مردان به یکدیگر

مبدل‌سازی زنان و مردان به یکدیگر نیز نشانه‌ای از مردمان آخرالزمان است که در روایات وارد شده است، همان‌گونه که تغییر جنسیت و تغییر رفتارهای زنان و مردان به رفتارهای جنس مخالف تحت مقوله آزادی در سبک زندگی به جوامع مسلمان وارد شده است:

وَرَأَيْتِ النِّسَاءَ يَتَّخِذْنَ الْمَجَالِسَ كَمَا يَتَّخِذُهَا الرِّجَالُ وَرَأَيْتِ التَّائِبَاتِ... قَدْ ظَهَرَ وَأَظْهَرُوا الْخِصَابَ وَامْتَشَطُوا كَمَا تَمْتَشِطُ الْمَرْأَةُ لِرُؤُوسِهَا (کلینی، ۱۴۰۷: ج ۸، ۴۰).

#### بی‌غیرتی مردان نسبت به زنان

از جمله تدابیری که خدای سبحان برای جلوگیری از فساد جنسی جوامع در انسان قرار داده، وجود صفت غیرت است که مردان را نسبت به جلوه‌گری زنان خویش و در سطح بالاتر عموم زنان حساس می‌کند. با ترویج بی‌حجابی و تغییر نگرش جامعه، انسان‌های غیور مورد هجوم جامعه قرار می‌گیرند و از آنها به نام عقب مانده، خشک مذهب و متهم‌چهره ... یاد می‌شود و کم‌کم غیرت که وصفی الهی و خصلت همه انبیاء و اولیاء الهی است (کلینی، ۱۴۰۷: ج ۵، ۵۳۶) کمرنگ یا محو شود. از این رو در روایات، بی‌غیرتی مردان نسبت به فجور زنان از نشانه‌های آخرالزمان معرفی شده است. امام صادق علیه السلام در این باره می‌فرماید:

رَأَيْتِ الرَّجُلَ يُعَيِّرُ عَلَى إِثْبَانِ النِّسَاءِ وَرَأَيْتِ الرَّجُلَ يَأْكُلُ مِنْ كَسْبِ امْرَأَتِهِ مِنَ الْفُجُورِ يَعْلَمُ

ذَلِكَ وَيُقِيمُ عَلَيْهِ وَرَأَيْتِ الْمَرْأَةَ تَفْهَرُ زَوْجَهَا وَتَعْمَلُ مَا لَا يَشْتَهَى وَتُنْفِقُ عَلَى زَوْجِهَا...  
رَأَيْتِ النِّسَاءَ يَبْذُلْنَ أَنْفُسَهُنَّ لِأَهْلِ الْكُفْرِ وَرَأَيْتِ الْمَلَاهِي قَدْ ظَهَرَتْ يُعْرِبُهَا لَا يَمْتَنِعُهَا أَحَدٌ  
أَحَدًا وَلَا يَحْتَرِي أَحَدٌ عَلَى مَنَعِهَا (همو: ج ۸، ۳۹).

### آمیزش با حیوانات

ازدواج با حیوانات از نمودهای طغیان شهوت پرستی انسان در آخرالزمان است: «وَرَأَيْتِ  
الْبَهَائِمَ تُنْكَحُ». (همو: ج ۵۲، ۲۵۸) شاید باور این مطلب برای کسانی که پیش از این زیستند و  
دنایای امروز را درک نکردند دشوار می‌نمود، اما در جهان کنونی که ازدواج با حیوانات تبدیل به  
یک قانون گشته و کسی حق تعرض به شخصی که با حیوان ازدواج می‌کند را ندارد، فهم این  
روایت آسان است. مصداق بارز افرادی که در قرآن کریم به ﴿إِنَّ هُمْ إِلَّا كَالْأَنْعَامِ بَلْ هُمْ أَضَلُّ  
سَبِيلًا﴾ (فرقان: ۴۴) توصیف شده‌اند، کسانی هستند که برخلاف طبع انسانی، در اطفاء غریزه  
جنسی پست‌ترین کارها را انجام می‌دهند و در چارچوب قوانین شیطانی، ضد ارزش‌ها را  
ارزشمند جلوه می‌دهند.

ریشه همه نمودهای طغیان در شهوت جنسی، معبود قرار دادن هوای نفس به جای معبود  
حقیقی و خدای جهانیان است. مراد از (معبود گرفتن هوای نفس) اطاعت و پیروی کردن آن  
است، بدون این‌که خدا را رعایت کند، و خدای تعالی در کلام خود مکرر پیروی هوی را مذمت  
کرده و اطاعت از هر چیزی را عبادت آن چیز خوانده است. (طباطبایی، ۱۳۹۰: ج ۱۵، ۲۲۳) از  
این روایات، شهوت پرستی را در کنار ضایع کردن نماز، از نشانه‌های آخرالزمان بر شمرده  
است، چرا که پرستش هوای نفس با پرستش معبود حقیقی جمع نمی‌گردد. پس زمانی که  
هوای نفس الهه گردد، اطاعت رب نیز سست و در نهایت محو می‌شود. چنان‌که در روایت  
می‌خوانیم:

إِنَّ مِنْ أَشْرَاطِ الْقِيَامَةِ إِضَاعَةَ الصَّلَاةِ وَاتِّبَاعًا لَشَهَوَاتِ وَالْمَيْلَ مَعَ الْأَهْوَاءِ وَ...  
(حرعاملی، ۱۴۰۹: ج ۱۵، ۳۴۸).

### قاعده حریم حمی؛ مهارگر طغیان شهوت جنسی

۱۳۹

سعادت و شقاوت بشر در گرو رعایت حدود الهی است. (بقره: ۲۲۹؛ نساء: ۱۳) برخی آیات  
قرآن کریم، مصادیقی از حدود الهی را بیان کرده است. در این میان دو آیه به قرقگاه غریزه  
جنسی (انعام: ۱۵۱؛ اسراء: ۳۲) و دو آیه به قرقگاه مال یتیم (انعام: ۱۵۲؛ اسراء: ۳۴) اختصاص  
دارد که حاکی از اهتمام حضرت حق به این دو مسئله است. سرّ کاربرست واژه «لا تقربوا» درباره

قرقگاه‌های الهی، پرخطر و نابودکننده بودن قرق‌شکنی در حیطه فردی و اجتماعی است و این هشدار خداست که مراقبت شدید کنید و حتی به آنها نزدیک نشوید. چنان‌که در تفسیر الفرقان ذیل آیه «وَلَا تَقْرَبُوا الْفَوَاحِشَ مَا ظَهَرَ مِنْهَا وَمَا بَطَنَ» (انعام: ۱۵۱) می‌خوانیم:

«وَلَا تَقْرَبُوا» تأکید لابتعاد عن الفواحش ألا تقترب إلى مقدماتها التي تجعلك تقتربها، فالمعاصي هي الله فمن حام حول الحمى أوشك أن يدخل فيها، ففی مثل فاحشة الزنا یعنی من قربها ما يقرب إليها من مقدمات و ملابسات التبرج و التهتك و الاختلاط المثير و الكلمات و الإشارات و الحركات و الثبرات و الضحكات المثيرة و كل الإغراءات و التزيينات و الاستثارات و الاستهتارات، فانها كلها مما تقرب إلى فاحشة الزنا (صادق تهرانی، ۱۴۰۶: ج ۱۰، ۳۳۲-۳۳۳).

مرزها و حدود الهی دارای نشانه است و اگر کسی از حدود و مرز تجاوز کند مجازات خواهد شد. (مجلسی، ۱۴۰۳: ج ۷۶، ۴۴)

کنترل محرک‌های بیرونی و درونی از مصادیق بارز رعایت حریم حمی در باب مسائل جنسی است. شارع مقدس در سه حیطه نگرشی، کنشی و گرایشی حریم گناهان جنسی را اشاره قرار داده و رعایت آن را واجب دانسته است. این سه حیطه را با استناد به آیات و روایات مورد بحث قرار می‌دهیم.

### نگرشی

برخورداری از نگرش صحیح و عقیده راسخ بر گناه بودن عملی و بایستگی حفظ حرمت آن، مهم‌ترین بازدارنده از ارتکاب گناهان است. عقاید انسان که برآمده از شناخت اوست به نوعی بدنه فکری و جهان‌بینی او را می‌سازد و در جانش رسوخ می‌کند. اعتقادات انسان پایه و اساس رفتار و کنش‌ها و واکنش‌های او قرار می‌گیرد. اگر این باورها در مسیر هدایت الهی قرار بگیرد و افراد دارای بینش توحیدی شوند، حیات دنیوی انسان نیز کارآمد خواهد بود. این نوع نگرش با پابندی انسان نسبت به احکام شریعت پیوند محکمی برقرار می‌کند.

انسان مؤمن نگرش خود را براساس آگاهی‌ها و بصیرت دینی تنظیم می‌نماید. جهان‌بینی او نیز پایه در جهان‌بینی و نگرش اسلامی دارد. جهان‌بینی و بینش توحیدی بینشی هدفمدار، تکلیف‌ساز، قابل استدلال و مسئولیت‌آوراست که از مهم‌ترین شاخصه‌های یک جهان‌بینی معقول است. (مطهری، ۱۳۷۷: ج ۲، ۳۴۴) به واقع ایجاد و گسترش جهان‌بینی توحیدی برای اجرایی ساختن احکام شریعت لازم است. بنابراین در جامعه منتظر، بینش منتظران باید

براساس مسئولیت‌پذیری و هدفمندی در جهان باشد. این نوع نگاه سبب پذیرش احکام عملی پیشگیرانه و درمانگر گناهان و چالش‌های جوامع انسانی خواهد شد.

علم و آگاهی پایه‌ساز بینش انسان است و بینش، پایه‌ساز حکمت، قوام‌بخش حکمت نیز، تفکر و اعتقاد انسان است: «الْحِكْمَةُ وَ قَوَامُهَا فِي الْفِكْرَةِ» (مجلسی، ۱۴۰۳: ج ۷۵، ۸۱؛ اربلی، ۱۳۸۱: ج ۲، ۳۴۸) حکمت براساس عقل و دانش پدید می‌آید، اما اگر کسی به شهوترانی کشیده شود مطابق روایات معصومان علیهم‌السلام به حکمت دست نمی‌یازد: «حَرَامٌ عَلَى كُلِّ عَقْلٍ مَغُولٍ بِالشَّهْوَةِ أَنْ يَنْتَفِعَ بِالْحِكْمَةِ» (تمیمی آمدی، ۱۳۶۶: ۳۵۰) باید اعتقاد به کنترل قوای شهوانی را در منتظران به وجود آورد. آموزه‌های بینش‌مدارانه از مهم‌ترین عوامل هدایتگر شناخت و مدیریت میل و رفتارهای جنسی محسوب می‌گردند.

در روایات، حکمت، به معنای «علم به حقایق اشیاء و عمل بنابر اقتضائات آن چیز» (زبیدی، ۱۴۱۴: ج ۱۶، ۱۶۱) با شهوت قابل جمع نیست (تمیمی آمدی، ۱۳۶۶: ۷۷۲) اساساً وظیفه و رسالت انبیاء مدیریت کنش‌ها و واکنش‌ها بر پایه بینش توحیدی است. در حقیقت اگر دانش در بینش رسوخ کند، تبدیل به حکمت می‌گردد و چنین حکمتی از تبدیل ارزش به ضد ارزش جلوگیری خواهد کرد. به این معنی که با آگاهی بخشی انسان نسبت به شهوات و پیامدهای آن به تشریع احکام می‌پردازد. بصیرت‌افزایی جامعه بشری در زمینه هستی‌شناسی و مبدأ و مقصد زندگی از روش‌های کاربردی انبیاء برای اهداف متعالی آفرینش و سعادت‌مندی انسان است که ایدئولوژی توحیدی را نیز در متن زندگی او به همراه دارد؛ این همان بالندگی جامعه اسلامی در سایه دانش بینش و حکمت است.

براین اساس بینش انسان منتظر باید به دور از هواهای نفسانی باشد؛ اصولاً ذهن و قلب انسان با مشغولیات شهوانی به سکونت و آرامش و تمرکز راه نمی‌یابد: «... لا تسكن الحکمة قلبا مع حب شهوة» (تمیمی آمدی، ۱۳۶۶: ۷۹۳).

بی‌تردید مقام خوف از پروردگار و بینش معادگرایانه در مسیریابی رفتاری منتظر حقیقی نقش به سزایی دارد: «وَأَمَّا مَنْ خَافَ مَقَامَ رَبِّهِ وَنَهَى النَّفْسَ عَنِ الْهَوَىٰ» (نازعات: ۴۰) خوف از خالق هستی، جرأت و جسارت بر شکستن حدود الهی را در بینش انسان خنثی می‌کند چرا که کنش‌های انحرافی از نداشتن بینش کافی سرچشمه می‌گیرند. لازمه خوف از خدا، ردع و پرهیز از دنیاپرستی و نهی از پیروی هوای نفس است؛ لذا در آیه «نَهَى النَّفْسَ عَنِ الْهَوَىٰ» پس از «مَنْ خَافَ مَقَامَ رَبِّهِ» آمده است؛ چرا که عدم خوف از پروردگار در سطح بینش توحیدی افراد

نفوذ کرده و رفتارها را تغییر می‌دهد به طوری که در آخرالزمان جرأت بر خدا به حدی می‌رسد که مردم آشکارا و بدون اختفا فساد می‌کنند:

وَرَأَيْنَا لِلَّيْلِ أَنْ يُسْتَخَفَّ بِمَنَا جُزْأَةً عَلَى اللَّهِ (کلینی، ۱۴۰۷: ج ۸، ۴۰).

این‌گونه رفتار در جامعه مسلمان ناشی از تغییر بینش‌های توحیدی است. علامه طباطبایی در تفسیر آیه ۴۰ سوره نازعات، اثر خوف از پروردگار را عدم تبعیت از هوای نفس و بی‌میلی به دنیا می‌داند. در مقابل، باورمند است طغیان طاغیان ریشه در عدم تأثر از مقام پروردگار و استکبار و خروج از عبودیت و پیروی از هوای نفس و دنیاپرستی دارد. (طباطبایی، ۱۳۹۰: ج ۲۰، ۱۹۲)

انسان منتظر در جامعه منتظر با الگوسازی انسان کامل به سازندگی خویش و جامعه می‌پردازد. پس باید، آموزه تفکر ضرورت رعایت قاعده حریم حمی را در بینش‌ها ایجاد کنیم تا بتوان کنش‌ها را براساس احکام پیشگیری‌کننده مدیریت کرد. زمانی که تفکر و اعتقاد به حجاب، اعتقاد به کنترل روابط با نامحرم در حیطه شرع و کنترل شهوت، برای آرمان زیست انسان‌گونه نباشد، نباید توقع کنش‌های هنجاری در راستای عفت تعریف شده در شرع را داشت.

پایه عفت نیز در بینش است که رفتارهای مقارن عفت، در ظل حجاب‌های ظاهری و کنش‌های بهنجار شکل می‌گیرد. در روایات اهل بیت علیهم‌السلام عفت، جزء یکی از چهار فضیلت برتر قرار گرفته که قوام آن به کنترل شهوت است:

الْفَصَائِلُ أَرْبَعَةٌ أَجْنَسٌ أَحَدُهَا الْحِكْمَةُ وَقَوَامُهَا فِي الْفِكْرَةِ وَالثَّانِي الْعِفَّةُ وَقَوَامُهَا فِي الشَّهْوَةِ وَالثَّالِثُ الْقُوَّةُ وَقَوَامُهَا فِي الْغَضَبِ وَالرَّابِعُ الْعَدْلُ وَقَوَامُهَا فِي اغْتِدَالِ قُوَى النَّفْسِ (اربلی، ۱۳۸۱: ج ۲، ۳۴۸؛ مجلسی، ۱۴۰۳: ج ۸۱، ۷۵).

«عفت یک حالت نفسانی است به معنای رام بودن قوه شهویه تحت حکومت عقل و ایمان». (مطهری، ۱۳۷۳: ۱۵۲) عفت از عوامل مؤثر در کاهش شهوت است که در بینش پی‌ریزی می‌شود و در حجاب رفتاری نسبت به غرایز جنسی نمود پیدا می‌کند. امام صادق علیه‌السلام عفت را مخالف با تهتک و بی‌پروایی معرفی می‌کند.

مردم آخرالزمان نیز به گونه‌ای تعریف می‌شوند که بینش این چنینی ندارند. «هنگامی که مردم هدایت را تابع هوس‌های خویش قرار می‌دهند، در حالی که به نام تفسیر، نظریه‌های

گوناگون خود را بر ذات تحمیل می‌کنند، او (حضرت مهدی علیه السلام) نظریه‌ها و اندیشه‌ها را تابع قرآن می‌سازند». (نهج البلاغه: خ ۱۳۸) آنها از اسلام و ایمان جز نامی برجای نمی‌گذارند: «لَا يَبْقَى مِنَ الْإِيمَانِ إِلَّا اسْمُهُ» (مجلسی، ۱۴۰۳: ج ۲، ۴۵۳) ایمان حقیقی در آنها رسوخ ندارد به این معنا که آنان تفکر دینی و بینش دینی ندارند. مردم از باورهای اصیل به باورهای واهی روی آورده‌اند و ارزش‌ها را به ضد ارزش تبدیل می‌کنند و سپس به ارزش‌های کاذب و مطابق هوای نفس عمل می‌نمایند.

در حقیقت بینش ضعیف و بی بصیرتی عامل اصلی برای تبدیل ارزش‌ها به ضد ارزش قلمداد می‌گردد. در نتیجه سرمایه‌گذاری بر علم و معرفت جامعه منتظر، سبب رشد بینش در جهت شناسایی صحیح ارزش‌ها است. ارزش‌های مهمی چون ازدواج، تشکیل خانواده متشکل از زن و یک مرد، وجود غیرت بهنجار در مردان، دوری از تبرج و جلوه‌گری در برابر نامحرمان، رعایت عفت فکری و زبانی و رفتاری، وفاداری و دوری از خیانت به همسر و... ارزش‌های مطابق عقل و برآمده از روایات آخرالزمانی است.

### گرایش

طبع آدمی به عوامل لذت‌گرایش دارد و در مقابل، از عوامل شکنجه‌آور و دردزا متنفر است. دو عنصر اساسی اراده و اختیار، بینش‌ها و گرایش‌ها هستند. هیچ کار ارادی و اختیاری بدون شناخت و میل تحقق نمی‌پذیرد. بنابراین، لازمه انجام هر رفتاری این است که انسان آن را بشناسد و سپس میل و رغبت برای بروز و ظهور آن داشته باشد. (جلالی، ۱۳۸۰: ۵۰)

گرایش انسان به شهوات، خصوصاً شهوت جنسی از قوی‌ترین گرایش‌هاست. به طوری که توانایی مقابله کامل با آن بدون اراده قوی و بینش جامع تقریباً ناممکن است. گرایش به اعمال جنسی مقدمه‌ای است برای انجام موفقیت‌آمیز هدف اصلی غریزه جنسی که همان تولید مثل و رسیدن به آرامش است. پس این گرایش نیز باید در راه صحیح هدایت شود و باید از هرچه گرایش انسان را به شهوات نامشروع برمی‌انگیزاند جلوگیری کرد. تداعی، سبب تحریک عواطف می‌شود؛ تداعی محرک‌های شهوانی نیز نیروی شهوت را در انسان به شور در می‌آورد. به همین خاطر در روایات تداعی و فکر کردن به امور شهوانی نیز نهی شده تا به عنوان یک حکم پیشگیری‌کننده و مشخص‌کننده حریم امور جنسی از ارتکاب گناه جلوگیری کند. امیال شهوانی در تبدیل ارزش‌ها به ضد ارزش تأثیر بسیاری دارد به طوری که براساس همین امیال ضد ارزش‌ها توجیهات منطقی و رنگ و لعاب حقیقی برمی‌دارند. بینش‌ها اگرچه ریشه

رفتارهای انسانی است اما اگر گرایش‌ها تحت کنترل عقل نباشد بینش‌ها را به سیطره قدرت خواهند گرفت. بر این اساس احکام مصادیق قاعده حمی برای کنترل امیال می‌تواند به سیطره بینش توحیدی بر امیال یاری‌گر باشد.

میل به شهوات از ویژگی‌های مردمان آخرالزمان است: «مَائِلَاتُ إِلَى الشَّهَوَاتِ» (ابن بابویه، ۱۴۱۳: ج ۳، ۳۹) اگر بینش هم درست شود ممکن است انسان به خاطر ضعف وجودی در زمینه گرایش‌های خویشتن میل به شهوات را پیدا کند چنان‌که با وجود داده‌ها و آموزه‌های اصیل اسلامی کسانی هستند که مسیر زندگی‌شان علیرغم هدایت‌ها به انحرافات تغییر می‌کند. تفکر به امر یا شیئی خاص میل به آن امر یا شیء را در انسان زیاد می‌کند. از همین روی تفکرات شهوانی در روایات نهی شده است. امیال انسان شاید در او به صورت ابتدایی نهفته باشد اما پرورش و ازدیاد و کاهش آن منوط به خواست و اراده انسان است؛ به همین سبب روایات در زمینه کنترل فکر برای کنترل امیال وارد شده است. در روایتی عیسی علیه السلام خطاب به یارانش می‌فرماید:

إِنَّ مُوسَى نَبِيَّ اللَّهِ عليه السلام أَمَرَكُمْ أَنْ لَا تَزْنُوا، وَأَنَا أَمَرُكُمْ أَنْ لَا تُحْدِثُوا أَنْفُسَكُمْ بِالزَّيْنِ فَضْلاً عَنْ أَنْ تَزْنُوا؛ فَإِنَّ مَنْ حَدَّثَ نَفْسَهُ بِالزَّيْنِ، كَانَ كَمَنْ أَوْقَدَ فِي بَيْتٍ مُزَوَّقٍ فَأَفْسَدَ التَّرَاوِيْقَ الدُّخَانُ، وَإِنْ لَمْ يَحْتَرِقِ الْبَيْتُ (کلینی، ۱۴۰۷: ج ۱۱، ۲۴۶).

هم‌چنین روایات تشویقی و تنبیهی برای حذف مفساد جنسی می‌تواند از مؤلفه‌های کمک‌کننده در کنترل امیال جنسی باشد. هم‌چون سخن امام علی علیه السلام که می‌فرمایند:

لَيْسَ عَلَى وَجْهِ الْأَرْضِ أَكْرَمُ عَلَى اللَّهِ سُبْحَانَهُ مِنَ النَّفْسِ الْمُطِيعَةِ لِأَمْرِهِ (قمی‌آمدی، ۱۳۶۶: ۱۸۲)

در روی زمین چیزی نزد خداوند سبحان گرامی‌تر از نفسی که مطیع فرمان او باشد، وجود ندارد.

از روایات دانسته می‌شود کسانی که فساد ظاهری مرتکب می‌شوند و شعار دل‌پاکی سر می‌دهند در حقیقت کاذبند، زیرا فساد ظاهری ریشه در فساد باطنی دارد، چنان‌که امام صادق علیه السلام فرمودند:

فَسَادُ الظَّاهِرِ مِنْ فَسَادِ الْبَاطِنِ وَمَنْ أَضْلَحَ سَرِيرَتَهُ أَضْلَحَ اللَّهُ عَلَانِيَتَهُ وَمَنْ خَافَ اللَّهَ فِي السِّرِّ لَمْ يَهْتِكِ اللَّهَ عَلَانِيَتَهُ (مصباح الشریعه، ۱۴۰۰: ۱۰۷)

فساد باطنی می‌تواند همان‌حیا نداشتن از ترک محرمات الهی باشد که برای مؤمنان مایه



فساد عقیده و در پی آن فساد عملی است.

## رفتاری

همان طور که بیان شد بر طبق آیات قرآن بینش و منش خدا باورانه سبب نهی و کنترل هواهای نفسانی می شود: «وَأَمَّا مَنْ خَافَ مَقَامَ رَبِّهِ وَنَهَى النَّفْسَ عَنِ الْهَوَىٰ» (نازعات: ۴۰) رفتارهای تقوایمدر در زمینه شهوات جنسی می بایست بر مبنای بینش درونی فرد شکل گیرد تا اثر حقیقی را در خلوت و جلوت داشته باشد.

با توجه به ویژگی های بیان شده، بدون در نظر گرفتن چنین تدابیری نمی توان در جامعه منتظر ارتقاء معنوی منتظران را تضمین کرد و برای آمادگی حالت انتظار، بایستگی کاربست این قاعده در بدنه جامعه مهدوی ضروری می نماید. آرزوگرایی بدون عمل در باب انتظار سبب بروز آسیب هایی می شود که از مهم ترین آنها می توان به عمل نکردن به وظایف فردی و اجتماعی انتظار، دامن زدن به انتظار منفی، و عدم اقدام عملی و انجام وظیفه در قبال امام اشاره کرد.

یاران حضرت مهدی علیه السلام مرزبانان دین الهی و اقامه کنندگان احکام الهی هستند:

وَيُقِيمُ حُدُودَ اللَّهِ (ابن بابویه، ۱۳۷۸: ج ۱، ۶۳).

تقوا و پرهیزکاری یکی از ویژگی های شاخص منتظران واقعی است؛ چنان که معصوم علیه السلام فرمودند:

مَنْ سَرَّهُ أَنْ يَكُونَ مِنْ أَصْحَابِ الْقَائِمِ فَلْيَنْتَظِرْ وَلْيَعْمَلْ بِالْوَرَعِ وَحَاسِنِ الْأَخْلَاقِ وَهُوَ مُنْتَظَرٌ (نعمانی، ۱۳۹۷: ۲۰۰).

و در روایتی دیگر آمده است که در زمان غیبت بندگان خدا باید تقوای الهی پیشه کنند و به دینشان چنگ زنند. (کلینی، ۱۴۰۷: ج ۱، ۳۳۶) زیرا تقوا پیشه کردن، رعایت حدود الهی است و نزدیک نشدن به محرمات را در افراد تقویت می کند.

آموزه های دینی براساس حمایت مطمئن از انسان و سعادتش در زمینه رفتاری، دستورالعمل هایی را به عنوان پیشگیری از ورود به حریم حما و حرامات الهی مشخص کرده است. این رفتارها در قالب حرام معرفی شده اند تا نقطه کانونی گناه را در نظر مسلمان با اهمیتی خاص جلوه دهند، چنان که نزدیک شدن به آن نیز برای او جایز نیست. چنان که در روایت آمده است:

وَإِنَّ جَمَى اللَّهِ مُحَارِمُهُ وَالْمُؤْمِنُ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ كَالرَّأْسِ مِنَ الْجَسَدِ إِذَا اشْتَكَى تَدَاعَى عَلَيْهِ سَائِرُ جَسَدِهِ (مجلسی ۱۴۰۳: ج ۲۰، ۱۲۷).

از جمله دستورالعمل‌ها که به عنوان قاعده حمی و برای پیشگیری از شهوات جنسی در متون دینی یافت می‌شود کنترل نگاه است که در آیه ۳۰ و ۳۱ نور با عبارت «غض بصر» به آن اشاره می‌کند: «قُلْ لِلْمُؤْمِنِينَ يَغُضُّوا مِنْ أَبْصَارِهِمْ وَيَحْفَظُوا فُرُوجَهُمْ ذَلِكَ أَزْكَى لَهُمْ وَقُلْ لِلْمُؤْمِنَاتِ يَغْضُضْنَ مِنْ أَبْصَارِهِنَّ وَيَحْفَظْنَ فُرُوجَهُنَّ وَ...» «قل» در این آیه به معنای «امر کردن» است. (طباطبایی، ۱۳۹۰: ج ۱۵، ۱۱۱) نتیجه پوشیدن چشم، نهی از چشم‌چرانی است. حفظ فروج هم در این آیه برخلاف تفاسیر دیگر پوشاندن آن از نظر نامحرمان است نه زنا و لواط. (همو: ج ۱۵، ۱۱۱)

عبارت «کی لکم» در آیه اشاره به نزدیک بودن این رفتار به تقوا دارد. (طبرسی، ۱۳۷۲: ج ۷، ۲۱۷) آلوسی در تفسیر این آیه مراد از «غض بصر» را «عما یحرم و الاقتصار به علی ما یحل» می‌داند (آلوسی، ۱۴۱۵، ۹: ۳۳۳). نگاه، ابزاری قوی برای تحریک و غلیان شهوات محسوب می‌شود؛ به همین خاطر نگاه، در کلام معصوم علیه السلام، تیری زهرآگین از سوی شیطان معرفی شده است؛ (مجلسی، ۱۴۰۳: ج ۲۲، ۲۲۷) نگاه، می‌تواند حظ زنا را در انسان ایجاد کند: «لکل عضو من اعضا ابن ادم حظ من الزنا فالعینان تزینان و زناهما النظر» (نراقی، ۱۳۸۸: ج ۱: ۵۲۳) هم‌چنین آغازگر یک رابطه نامشروع باشد؛ چنان‌که نراقی می‌نویسد:

از پسر یحیی پرسیدند: آغاز زنا چیست؟ گفت: نگاه و آرزو (همو).

به همین سبب نگاه، حریم حرام الهی است که رعایت قاعده حمی برای جلوگیری از گناهان جنسی واجب است. کنترل نگاه، کنترل امیال شهوانی را سبب می‌شود. برای حفظ جامعه از تحریکات جنسی و جلوگیری از انحرافات شهوانی، حفظ نگاه یک برنامه و دستورالعمل قوی محسوب می‌شود. فرهنگ‌سازی این آموزه در جامعه مهدوی می‌تواند بر مبنای باور منتظر حقیقی، با سهولت بیشتر شکل می‌گیرد. عادی‌سازی روابط با نامحرم با توجیه مدرنیته شدن و تغییر ذائقه نیت حرام به حس نوع دوستی انسان‌ها، از جمله مشکلات و معضلات جوامع مسلمان کنونی است. برابری زنان و مردان در حضور اجتماعی، سوءظن نداشتن به نامحرمان، حس برادری و خواهری، عقب‌افتادگی و تحجر فکری، حق آزادی در انتخاب سبک زندگی و... از جمله توجیهاتی است که جامعه کنونی ایران را درگیر خود کرده است. این‌گونه توجیهات به نوعی گذر از قاعده حریم حماس است تا آزادی بیشتر در ارضاء حس رابطه با

نامحرمان را تسهیل بخشد. متأسفانه گسترش این تفکر به حدی است که جامعه مذهبی نیز به آن دچار شده است. این در حالی است که روایات، خلوت با نامحرمان را دام شیطان تلقی می‌کند. خلوت نکردن با نامحرم به صراحت در روایات نهی شده است:

هیچ مردی با زنی خلوت نکند مگر این که سومی آنها شیطان باشد (ابن بابویه، ۱۴۱۳: ج ۳، ۲۵۲؛ حرعاملی، ۱۴۰۹: ج ۱۹، ۱۵۴).

در روایات، شوخی کردن با زن نامحرم عذاب الهی را در پی دارد. (حرعاملی، ۱۴۰۹: ج ۲۰، ۱۹۸) چرا که شوخی نیز از مقدمات ورود به حریم حمای الهی است. چنان که صدای زن و نحوه صحبت کردن او در برابر نامحرم نیز که در آیه ۳۲ احزاب وارد شده و زنان را از خضوع و نرمی و ناز کردن در گفتار با نامحرم نهی کرده است، از همین مقدمات است. بنابراین هرگونه زمینه‌سازی روابط زنان و مردان می‌تواند سرمنشأ روابط نامشروع باشد چنان که امروزه در جامعه شاهد آن هستیم.

استعمال بوی خوش بسیار مستحب است اما در مورد زنان استعمال بوی خوش همراه با جلب توجه و افزایش جذابیت است به همین سبب استعمال آن برای زنان در برابر نامحرمان حرام شده است. پیامبر گرامی اسلام ﷺ می‌فرماید:

هر زنی که خود را خوشبو نماید و از منزل خارج شود تا زمانی که برمی‌گردد مورد لعنت (خدا و ملائکه) قرار می‌گیرد (مجلسی، ۱۴۰۳: ج ۱۰۰، ۲۴۷).

البته باید توجه داشت که خصوص استعمال عطر نهی نشده بلکه مستحب است؛ لکن استفاده از آن برای زنان در برابر نامحرمان مصداق رعایت نکردن حریم حمی است؛ از این رو مورد نهی الهی واقع شده است.

در این که هر رنگ تأثیر خاص خود را بر انسان دارد شکی نیست اما با توجه به آموزه‌های معصومان علیهم‌السلام رنگ‌ها زینت‌های خدا هستند و کسی نمی‌تواند حلال خدا را حرام کند. (مجلسی، ۱۴۰۳: ج ۴۶، ۲۹۲) در روایات رنگ قرمز در برابر همسر و برای مجالسی چون عروسی پیشنهاد شده و در غیر آن مکروه دانسته می‌شود. (مجلسی، ۱۴۰۳: ج ۴۶، ۲۹۳) امروزه ثابت شده رنگ قرمز محرک فکری است و فعالیت جنسی مردان را افزایش می‌دهد. عدم استفاده از جذابیت‌ها در برابر نامحرم از دیگر مصادیق قاعده حریم حمی است. چرا که جلب توجه نامحرمان و انگیزش شهوت در آنها شروع پایه‌های رفتارهای جنسی نامتعارف و نامشروع خواهد بود. فراوانی چنین اعمالی به فراموشی ارزش‌ها و جایگزینی ضد ارزش‌ها می‌انجامد؛

هم چنان که امروزه شاهد چنین رفتارهایی با مبنای ارزشی هستیم.

### نتیجه گیری

از جمله معضلات بشر در طول تاریخ، شهوت پرستی و افراط در مواجهه با غریزه جنسی بوده است. این چالش در آخرالزمان به اوج خود می رسد و روایات معصومان علیهم السلام آن را نشانه ای از نشانه های آخرالزمان و جامعه بشری معرفی کرده اند. با نظری به سیر زندگی بشر شهوترانی و شهوت پرستی مایه عقب ماندگی معنویت انسان و پس روی استعداد های عالی انسان بوده است. بر طبق آیات الهی، تبعیت و اتخاذ هوای نفسانی به عنوان رب و معبود، انسان را به این حیطه می کشاند. نتیجه و سرانجام چنین انتخابی، دوری از حق و شناختن مسیر هدایت و تغییر بینش ها و نگرش ها بنابر میل هوای نفسانی است. ارزش ها جای خود را به ضد ارزش های شهوانی خواهند داد و ضد ارزش ها توجیهات پوشالی منطقی پیدا خواهند کرد. چالشی که امروزه نه تنها جامعه مسلمانان بلکه جوامع غیرمسلمان را نیز به ورطه نابودی انسانیت می کشاند. برای هدایت جامعه منتظر مهدوی و پرورش منتظر حقیقی باید راه های برون رفت از این معضل بررسی شود. از جمله مسیرهای نجات از این چالش در جامعه آخرالزمانی، اتیان احکام الهی و رعایت حریم الهی است که در قاعده فقهی حریم حمی بر پایه مبانی عقلی و شرعی قابل دسترسی است.

قاعده حریم حمی قاعده ای است که نقطه کانونی گناه را به واسطه شعاع پیرامونی آن مورد حفاظت قرار داده و از نزدیک شدن و انجام دادن آن توسط انسان جلوگیری می کند؛ در حقیقت سپر مقاومی است که انسان را از وقوع حتمی در گناهان جنسی محافظت می نماید. چنان که امروزه در جوامع دینی تفکر و بینش رعایت چنین قاعده ای به فراموشی گراییده و مشکلات عدیده ای پدید آورده است. قاعده حریم حمی در سه حیطه نگرشی و گرایشی و رفتاری می تواند جلوگیری از گناه را هموار سازد.

براساس متون دینی گام نخست اصلاح نگرش و تقویت بینش در جامعه منتظر است. چراکه باورداشت باطل کردار ناشایست را در پی دارد. عقل و حکمت نجات بخش انسان است. با تفکر و شناخت صحیح می توان راه هدایت و دستیابی به سعادت براساس جهان بینی توحیدی را جست. از مهم ترین آثار فقدان نگرش صحیح، تغییر و تبدیل ارزش هاست. چالش مهم از این نقطه آغاز می گردد که نگرش ها نسبت به رفتارهای بهنجار جنسی تغییر یافته و ارزش های این چنین به ضد ارزش یا ارزش های پوشالی بدل می گردند. در چنین وضعیتی که

جامعه در آخرالزمان مورد هجوم گونه‌های مختلف تحریکات شهوانی است، ضعف در نگرش و در پی آن سستی در عمل، آسیب‌های جبران‌ناپذیری را به پیکره جامعه وارد می‌سازد. چنان‌که مقام معظم رهبری در سالیان متوالی به تهاجم فرهنگی هشدار داده‌اند. این هشدار در روایات آخرالزمانی بیشتر نمود و بروز دارد.

گاهی نیز با آگاهی کامل منتظران از آموزه‌های دینی، تمایل به چنین گرایشی در آنها وجود دارد که معصومان علیهم‌السلام با نهی از تفکر در چنین اموری، گرایش به آن را مدیریت کرده‌اند. هم‌چنین در ساحت کنشی، رفتارهایی برای جلوگیری از ورود به حیطة گناه حرام گردیده تا مرزها رعایت گردد. از جمله کنترل نگاه، کنترل پوشش، کنترل صدا، کنترل مکان و... که حریم حمی است و گذر از آنها احتمال انجام گناهان جنسی و گرایش به شهوترانی را افزایش می‌دهد.

جامعه منتظر مهدوی باید بر مبنای آموزه دینی به اصلاح چالش‌ها بپردازد و این مهم با پرورش تفکر منتظر حقیقی انجام‌شدنی است. منتظر حقیقی کسی است که تمامی احکام الهی را به جا آورد تا زمینه تحقق ظهور منجی فراهم گردد.

## منابع

- قرآن کریم  
نهج البلاغه
۱. مصباح الشریعه (منسوب به امام جعفر علیه السلام)، بیروت: اعلمی، اول، ۱۴۰۰ ق.
  ۲. آلوسی، محمود بن عبدالله، روح المعانی فی تفسیر القرآن العظیم و سبغ المثنائی، بیروت: دارالکتب العلمیه، اول، ۱۴۱۵ ق.
  ۳. ابن بابویه (صدوق)، محمد بن علی، من لایحضره الفقیه، قم: دفتر انتشارات اسلامی، دوم، ۱۴۱۳ ق.
  ۴. ابن بابویه (صدوق)، محمد بن علی، عیون اخبار الرضا علیه السلام، تهران: جهان، اول، ۱۳۷۸ ش.
  ۵. ابن سیده، علی بن اسماعیل، المحکم و المحيط الاعظم، بیروت: دارالکتب العلمیه، ۱۴۲۱ ق.
  ۶. ابن فارس، احمد بن فارس، معجم مقاییس اللغة، قم: مکتب الاعلام الاسلامیه، اول، ۱۴۰۴ ق.
  ۷. اربلی، علی بن عیسی، کشف الغمه فی معرفه الائمه، تبریز: بنی هاشم، ۱۳۸۱ ش.
  ۸. انوری، حسن، فرهنگ بزرگ سخن، تهران: سخن، ششم، ۱۳۸۱ ش.
  ۹. تمیمی آمدی، عبدالواحد، تصنیف غرر الحکم و درر الکلم، قم: دفتر تبلیغات اسلامی، اول، ۱۳۶۶ ش.
  ۱۰. جلالی، حسین، «درآمدی بر بحث بینش، گرایش، کنش و آثار متقابل آنها»، مجله معرفت، ش ۵، بهمن ۱۳۸۰، انتشارات مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی علیه السلام.
  ۱۱. جمعی از محققان، فرهنگ نامه اصول فقه، مرکز اطلاعات و منابع اسلامی، قم: دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه، اول، ۱۳۸۹ ش.
  ۱۲. حر عاملی، محمد بن حسن، تفصیل و سایل الشیعه فی تحصیل مسائل الشریعه، قم: آل البيت علیهم السلام، اول، ۱۴۰۹ ق.
  ۱۳. حسینی زبیدی، محمد مرتضی، تاج العروس من جواهر القاموس، بیروت: دارالفکر، ۱۴۱۴ ق.
  ۱۴. حموی، یاقوت، معجم البلدان، بیروت: دارالصادر، ۱۹۹۵ م.
  ۱۵. داوودی، سعید، «قاعده حریم حمی»، مجله حقوق اسلامی، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، سال ۱۱، ش ۴۳.
  ۱۶. دیلمی، حسن بن محمد، اعلام الدین فی صفات المومنین، قم: مؤسسه آل البيت علیهم السلام.

- ۱۴۰۸ق. دهخدا، علی اکبر، لغت نامه، تهران: مؤسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران، دوم، ۱۳۷۹ش.
۱۸. راغب اصفهانی، حسین بن محمد، مفردات الفاظ قرآن کریم، بیروت: دارالقلم، اول، ۱۴۱۲ق.
۱۹. رونالد اینگلهارت، پپیانوریس، «برخورد حقیقی تمدن ها»، مجله سیاحت غرب، مرکز پژوهش های اسلامی صداوسیما، ش ۱، ۱۳۸۲ش.
۲۰. شریفی، حسین، قاعده رعایت حریم حمی و کاربرد آن در سیاست های کلان فرهنگی از منظر قرآن و روایات، رساله سطح چهار، قم: حوزه علمیه، ۱۳۹۶.
۲۱. شعیری، محمد بن محمد، جامع الاخبار، نجف: نشر مطبعه، اول، بی تا.
۲۲. کراجکی، محمد بن علی، کنزالفوائد، قم: دارالزخائر، ۱۴۱۰ق.
۲۳. کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی، تهران: دارالکتب الاسلامیه، چهارم، ۱۴۰۷ق.
۲۴. صاحب، اسماعیل بن عباد، المحيط فی اللغة، بیروت، عالم الکتب، اول، ۱۴۱۴ق.
۲۵. طباطبایی، سید محمد حسین، المیزان فی تفسیر القرآن، قم: جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، ۱۳۹۰ش.
۲۶. طبرسی، فضل بن حسن، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، تهران: ناصر خسرو، سوم، ۱۳۷۲ش.
۲۷. فراهیدی، خلیل، العین، قم: هجرت، دوم، ۱۴۰۱ق.
۲۸. فیروزآبادی، محمد بن یعقوب، قاموس المحيط، بیروت: دارالکتب العلمیه، اول، ۱۴۱۵ق.
۲۹. مجلسی، محمد باقر، بحار الانوار الجامعة لدرر الاخبار الاثمه الاطهار علیه السلام، بیروت: دارالاحیاء التراث العربیه، ۱۴۰۳ق.
۳۰. معین، محمد، فرهنگ فارسی، تهران: سرایش، چهارم، ۱۳۸۱ش.
۳۱. مطهری، مرتضی، تعلیم و تربیت در اسلام، تهران: صدرا، بیست و سوم، ۱۳۷۳ش.
۳۲. مطهری، مرتضی، یادداشت ها، تهران: صدرا، ۱۳۷۷ش.
۳۳. نراقی، مهدی، جامع السعادات، تهران: قائم آل محمد علیه السلام، دوم، ۱۳۸۸ش.
۳۴. نعمانی، محمد بن ابراهیم، الغیبه، تهران: صدوق، اول، ۱۳۹۷ق.
۳۵. ویکی پدیا دانشنامه آزاد: <https://fa.wikipedia.org/wiki>

## In The Name of Allah

*Elmi – Tarviji (Research-Scientific) Journal*

### ***PAJOHESHHA- E MAHDAVI***

periodical

Eighth year, No.32, Spring 2020 [1399]

The journal entitled '**Pajoheshha- e Mahdavi** [the Promised East] is recognized as 'elmi Tarviji [Scientific & Research] based on the authorization letter No. 3779 dated on 1393/5/5 [27 July 2014 ] issued by the Iranian council of scientific merits and authorizations of the Seminary

**Managing Director and editor-in-chief:**

Seyyed Massoud Pour Seyyed Aghayi

**chief editor:**

Nusratullah Ayati

**Internal Director and Editorial-board Director:**

Mojtaba Khani

**Graphic:** Ali Ghanbari

**The design of the cover:** Abolfazl Bigdeli Nasab

**Typist:** Naser Ahmadpour

**Publishing in this issue are:** Dr. Seyed Razi Mousavi Gilani, Dr. Majid Ahmadi Kachayi, Dr. Mohammad Mehdi Haeripour, Dr.Saeed Bakhshi, Dr. Mojtaba Rezaei, Dr. Mohammad Javad Pirmoradi

**Editorial board:**

Hojjatoleslam Seyyed Massoud Pour Seyyed Aghayi  
Qom Seminary Professor

Hojjatoleslam Mohammad Taghi Hadizadeh  
Qom Seminary Professor

Hojjatoleslam Dr Nusratullah Ayati  
Faculty member at Bright Future specialized centre (Research centre for Mahdaviyyat), Qom

Hojjatoleslam Dr Sadegh Sohrabi  
Faculty member at Bright Future specialized centre (Research centre for Mahdaviyyat), Qom

Dr Seyed Razi Mousavi Gilani  
Associate Professor and Faculty Member of University of Religions and Islamic Religions , Qom

Hojjatoleslam Dr Javad Jafari  
Seminary Professor

Hojjatoleslam Dr Mohammad Saber Jafari  
Faculty member at Bright Future specialized centre (Research centre for Mahdaviyyat), Qom

Hojjatoleslam Dr Hussein Elahi Nejad  
Associate Professor at Faculty member of Qom Institute of Islamic Sciences and Culture, Qom

Hojjatoleslam Mohammad Taghi Rabbani  
Faculty member of Qom Institute of Islamic Sciences and Culture, Qom

Main office: Qom, Shohada Avenue (Safaiyeh), 25th Street, No. 27

Tel: 025 – 37840080 ■ Fax: 025 - 37733346

PO Box: 37185 – 471 ■ Postal Code: 37137 - 45651

Distribution Centre: Qom, Shohada Avenue (Safaiyeh), 23th Street, No. 5, Tel: 025 - 37840902

Circulation: 1,000 ■ Price: 295000 Rials

Email: pajoheshhayemahdavy@gmail.com - pajoheshhayemahdavi@yahoo.com

Website: Journals.ayandehroshan.ir

Full text in: www.ISC.ir

www.SID.ir

www.magiran.com

www.noormags.com